



دنیای دوم

سینو پازم

نوشته
کابوک

کلاس‌های «خودهیپنوتیزم» به‌زودی در سراسر
شهرستان‌های ایران و دنیا دائر خواهد شد، زیرا
مردم مانند هوا و غذا به آن احتیاج دارند، یکی
از دلایل آن همین کتاب است.
«کابوک»

«دنیای دوم» هیپنوتیزم

نوشته

شعبان طاوسی «کابوک» متخصص در هیپنوتیزم
✿ دارای گواهینامه هیپنوتیزم از آمریکا
✿ دارای گواهینامه «یوگا» از نیویورک
✿ عضو انجمن ادوانس اتیکال هیپنوتیزم نیوجرسی
✿ فوق لیسانس در رشته حقوق جزا از دانشگاه تهران
✿ عضو سازمان هیپنوتیزم حرفه‌ای بین‌المللی



کانون انتشارات کابوک

نام کتاب : « دنیای دوم هینوئیزم »

ناشر : مؤلف

تألیف : شعبان طاوسی (کابوک)

چاپ اول : شهریور ۱۳۷۲

تیراژ : ۲۵۰۰ نسخه

حروفچینی : چاپخانه گیلان

مستول حروفچینی : نصرت الله توپچیان

چاپ : چاپخانه تصویر

آدرس : صندوق پستی ۱۸۱ - ۲۱۳۶۵

تلفن : ۹۵۰۳۰۲

حق چاپ محفوظ

«دنیای دوم» هیپنوتیزم»

نوشتة: شعبان طاوسی (کابوگ)

سال ۱۳۷۱

دنیای دوم

چرا دنیای دوم ؟

این دنیای دوم کجا است ؟

ظلمت و وسعت آن چقدر است ؟

چرا تابحال کسی درباره این دنیای دوم حرفی نزده است ؟

چرا ؟ خیلی ها گفته اند ، دنیای دیگری هم هست اولی اینجا ، در این مقدمه بشکل مخصوص با بیانی جدید به این دنیای دوم اشاره میشود . به زبانی و بیانی که به فنی بودن علمی بودن و ملموس بودن بیشتر نزدیک است . باشد شاید در این اجتماع کنونی لحظه حاضر که اکثریت قریب با اتفاق جز دنیای اول را نمی بینند ، کمکی بشود که از دنیای دوم هم بطور فنی ، علمی ، مکانیکی ، ملموس آگاهی یابند .

این مقاله و این گفتار آنقدر حائز اهمیت است ، که جای آن دارد ، در مقدمه همه کتابهای دبیرستانی و دانشگاهی ، همه استادان و معلمین بنویسند ، در اینصورت خدمت عظیم و ارزنده ای به بشریت کرده اند ، شاید شبیه عمل جراحی باشد روی چشمها و گوشها و مغزها که گشوده تر شوند ، تا بتوانند با درک و فهم دنیای دوم به اوج قله سعادت و خوشبختی و هرچه که دوست دارند برسند . حالا به بینم :

دنیای اول کدام است ؟

و دنیای دوم کدام ؟

دنیای اول : همین دنیائی است که هر روز ، هر لحظه ، هر ثانیه می بینیم ، هرچه را با چشم می بینم جزو دنیای اول است ، مانند زمین ، درخت ، کوه ، مرد ، زن ، ماشین همه و همه چیز را که با چشم می بینیم .

هرچه را با گوش می شنویم باز هم مربوط به دنیای اول است ، مانند صحبت های روزانه ، صدای حیوانات ، آهنگ های موسیقی .

هرچه را لمس می کنیم مربوط به دنیای اول است .

هرچه را می بوئیم مربوط به دنیای اول است .

هرچه را که نمی بینیم ، نمی شنویم ، ولی بهر حال بهر نحوی حس می کنیم که وجود دارد ، اینها هم مربوط به دنیای اول هستند ، مانند هوا و امواج ، ویروس ها ، میکروبها

و نظایر آن .

باز هم بعضی موجودات و جمادات هستند که برای دیدن ، فهمیدن و درك کردن آنها لازم است از وسائل مکانیکی و الکترونیکی استفاده کنیم ، که اینها هم جزو دنیای اول هستند .

حالا دنیای دوم :

اگر قرار باشد هر چه که موجود است ، وجود دارد جامد است ، بهرنحوی از آنها بفهمیم و حس کنیم که هست ، پس دنیای دوم کجا می تواند باشد ؟ در آسمانها ، کرات ، ستارگان ؟

نه خیر آنها هم دیده می شوند ، یا با چشم یا با چشمهای مسلح بوسائل فنی و الکترونیکی که بهر حال آنها هم جزو دنیای اول هستند .

دنیای دوم را نمی توان دید ، نمی توان شنید نمی توان لمس کرد ، نمی توان فهمید ، زیرا پنج حواس ظاهری و پنج حواس داخلی ما طوری ساخته نشده اند که بتوانند این دنیای دوم را به بینند ، بفهمند ، لمس کنند و درك کنند .

برای دیدن و فهمیدن دنیای دوم باید مسئله را ابتدا فرضی حل کرد ، تا باصل واقعیت رسید .

فرض کنید در اطراف شما ، در حیاط خانه شما ، در اطاق شما ، در شهر شما ، در ده شما در اداره و کارخانه شما هزاران و میلیون ها موجودات جاننداری هستند ، که در زمین و هوا معلق میباشند ولی شما قادر به دیدن و لمس و درك آنها نیستید .
ولی باور نکنید که هستند !! و باور هم نکنید که نیستند !!

اشتباه بزرگ من

سالیان دراز باور نمی کردم که این دنیای دوم وجود دارد ، بدون اینکه بفکر اثبات ، تحقیق و تفحص و بررسی شوم ، مثل بسیاری از مردم که بسیاری مسائل و قضایا را قبل از اینکه بفکر اثبات آن باشند رد می کنند .

دنیای روح و ارواح را می توان جزء کوچکی از دنیای دوم دانست .
چرا دنیای ارواح را باید جزء کوچکی از دنیای دوم دانست ؟ باین دلیل که علاوه بر ارواح موجودات موجدی آگاه مختلف و متنوع و گوناگونی در هر ذره فضائی جهان و کهکشانها وجود دارند که شاید بسیار دقیق تر از امواج روحی هستند .
که مافوق همه این امواج بسیار گوناگون ، نیرو ، انرژی و قدرت لایزال خداوندی است .

همه مذاهب ، همه ادیان ، همه پیغمبران ، همه کتابهای آسمانی وجود خداوند و ارواح و اشباح را تأیید کرده اند ، و مذهبیون واقعی هم قبول دارند ، و بهمین دلیل هم

مذهبیون واقعی سعادتمند ، کامیاب و خوشبخت می باشند .

در این کتاب سعی شده از دید مذهبی و دینی در بارهٔ دنیای دوم بحث نشود ، بدو دلیل : به دلیل اینکه مذهبیهون والهپول واقعی خودشان این دنیای دوم را قبول دارند ، پس هیچ نیازی نیست که برای آنها دلیل بیاوریم که دنیای دوم را قبول کنند ، دلیل دوم اینکه بسیاری دیگر هستند ، که یا اصلاً دنیای دوم را قبول ندارند ، و یا چیزهایی حس می کنند ولی بعلت قطعیت قاطع و عدم دانستن فن استفاده از دنیای دوم یا به علت در دست نداشتن کلید سری لازم نمی توانند در بهای خوشبختی و سعادت دنیای دوم را به روی خود بکشایند .

شاید این کتاب در ایران یا جهان اولین کتابی باشد که تا حدودی بطور علمی ، فنی و مکانیکی درب های دنیای دوم را به روی ناباوران ، کوران و کران بگشاید ، تا تحولی نو پا و عظیم بوجود آید .

گفتار من اولین بار نیست که در دنیا گفته میشود ، ملبون ها ملبون فلاسفه ، شعرا و نویسندگان و پیامبران باین حقیقت مسلم اشاره کرده اند ، ولی این کتاب فقط این حسن را دارد که همهٔ گفته های این روشندان بزرگ جهان را بشکلی فنی ، مکانیکی و ملموس بیان میدارد ، و تا آنجا پیش میرود که آزمایشاتی هر شخص بایستی انجام دهد تا بتواند این دنیای دوم را به چشم به بینند و با دست لمس کند ، در این کتاب سعی شده است که روش این آزمایش به ساده ترین وضع و شکل بیان شود .

و اما پس از اثبات

و اما پس از اثبات راه و روش و تکنیک استفاده و بهره برداری از این دنیای دوم آموزش داده شده است ، که هر کس به نسبت استعدادی که دارد خواهد توانست به سعادت ، خوشبختی و هر نوع خواستهٔ خود برسد ، بعضی ها هم هیچگاه نخواهند رسید زیرا قطعاً استعداد استفاده از آن را ندارند .

بطور خلاصه و در يك سطر دنیای دوم « انرژی امواج آگاه کیهانی » است ، که در هر اتم و ذره ای وجود دارد ، حتی اگر بگوئیم ماده و هستی و آنچه وجود دارد ، شکل متکاثف و فشرده شده « انرژی امواج آگاه کیهانی » هستند سخنی بگزاف گفته نشده است .

شاید بتوان گفت :

* سنگ ؛ موج انرژی آگاه فشرده شده است نه سنگ .

* آب ؛ موج انرژی آگاه فشرده شده است نه آب .

* کوه ها ، اقیانوس ها ، همه و همه آنچه وجود دارند موج انرژی آگاه فشرده شده اند .

حتی همه کرات و کهکشانهای عظیم جهان شکل فشرده شده همان موج انرژی آگاه هستند .

در پایان انسان نیز شکلی از همان موج انرژی آگاه است .

ولی دانستن فنی و مکانیکی و علمی این حقیقت چه فایده‌ای دارد، فراید آن را در داخل بقیه صفحات کتاب خواهید یافت .

این کتاب شامل دو قسمت مهم و عمده می‌باشد :

قسمت اول :

در قسمت اول « انرژی امواج مغزی آگاه » اثبات شده و در باره قاعده و روش استفاده از آن نیز بحث شده است ، که قادر است شما را به هر نوع ایده و آرزویی که دارید خود بخود برساند .

قسمت دوم :

در قسمت دوم « انرژی امواج آگاه کیهانی » به اثبات رسیده ، و سپس در باره قاعده و روش استفاده از آن بحث شده است ، که احتمالا خیلی‌ها با بکار بستن فن و روش خاص قادر خواهند بود ، توده ، مقدار ، تعداد ، نفراتی از این « انرژیهای امواج آگاه کیهانی » را تسخیر نموده که در نتیجه هرکاری را که می‌خواهند برایشان انجام دهند .

زیرا این « انرژی های امواج آگاه کیهانی » که شاید بتوان آن‌ها را فرشته ملائک ، شیاطین ، ارواح ، پری یا هرچیز دیگری شبیه این نامید ، هرکاری را برای شما انجام دهند ، هرچیزی را از هرکجا برای شما فراهم نمایند شما را از هر علمی و فنی آگاه نمایند ، شما را از هر خبری از هرکجای دنیا مطلع نمایند ، اسرار ماوراء بالای زمین ، زیرزمین و حتی کهکشانها را بر شما فاش کنند .

چون یکی از روش‌ها و راههای فنی بسیار مؤثر استفاده از « انرژیهای امواج آگاه مغزی و کیهانی » هیپنوتیزم می‌باشد ، لذا کتاب بنام « دنیای دوم و هیپنوتیزم » می‌باشد .

در برخی از کتب جملاتی وجود دارند که هر کلمه آن میلیونها ارزش دارد اگنجی است !! و شاید هم ارزشمندتر از گنج ، زیرا برای آن کلمات نمی‌توان قیمت و ارزشی قائل شد ، حالا جملات زیر را بخوانید :

و بعد همه کتاب را و در پایان

« فردوسی هم در شاهنامه خود چنین ادعایی می‌کند آنجا که می‌گوید :

پی افکندم از نظم کاخی بلند که از باد و باران نیابد گزند

باشد شاید مطالب این کتاب دریچه‌ای به روی محرومان ، مستضعفان ، نیازمندان ، مستکبران و بی‌نیازان بگشاید و تحولی ، انقلابی در جهان علم امواج ایجاد نماید .

بخش اول

مبحث اول

دلیل اول

اطلاع و آگاهی از انواع آرزوها و خواسته‌ها

جوانی که بکمک همپنو تیزم ، با دختر دلخواه خود ازدواج کرد !
دختری که بکمک همپنو تیزم با پسر دلخواه خود ازدواج کرد !
جوانی که بکمک همپنو تیزم شغل دلخواه خود را پیدا کرد !
جوانی که بکمک همپنو تیزم به ثروت دلخواه خود رسید !
زنی که بکمک همپنو تیزم مجدداً با شوهرش آشتی کرد !

گفتاری از « ژوزف مورفی »

اعجاز همپنو تیزم

اجازه بفرمائید این حقایق علمی را با گفتاری از « ژوزف مورفی » شروع کنیم ، تا تنها به قاضی نرفته باشیم ، تا شاهی هم داشته باشیم ، « ژوزف مورفی » نویسنده امریکائی کتابی تحت عنوان « قدرت فکر » نوشته که توسط آقای رزم آزما بفارسی سلیس و روان ترجمه شده است ، احتمالاً ممکن است شما هم این کتاب را مطالعه کرده باشید . دکتر ژوزف مورفی در این کتاب مثالهای متعددی آورده است

از جمله در صفحه ۲۶ کتاب می نویسد : « پیرزنی هفتاد و هفت ساله که کتاب مرا خوانده بود برایم نوشت : « من ثمره تلقین و ایمان و اعتقاد را عملاً به چشم دیدم . مدتها بود از تنهایی زجر می کشیدم . بر طبق دستور های شما برای ضمیر باطن پیام فرستادم و آن را امیدوار کردم که غمخوار و همدم مناسبی پیدا خواهم کرد . شگفت اینکه هفته ای بیشتر طول نکشید که يك مسئول داروخانه بازنشسته در مجلسی با من آشنا شد و پس از چندی باهم ازدواج کردیم » .

حالا به بیان سایر وقایعی می پردازیم که توسط هیپنوتیزم انجام شده است یکی از آنها در باره جوانی است که به کمک هیپنوتیزم با دختر دلخواه خود ازدواج کرد .

جوانی که با هیپنوتیزم

با دختر دلخواه خود ازدواج کرد

جوانی ۳۱ ساله که در اینجا ایشان را «ك» می نامیم به نگارنده مراجعه کرد و سؤال نمود که آیا با هیپنوتیزم می توان به خواسته ها و آرزوها رسید ، گفتم تا چه آرزو و احساسی باشد ؟ گفت برای ازدواج و پیدا کردن دختر دلخواه برای ازدواج . گفتم به نسبت معینی امکان دارد ، شما چند جلسه هیپنوتیزم میشوید و بشما تلقین میشود که در آینده نزدیک با دختر دلخواه خود می توانید ازدواج کنید .

گفت : من در شهرستان هستم ، نمی توانم برای هیپنوتیزم شدن بیایم گفتم در چند جلسه بشما خود هیپنوتیزم را آموزش میدهم و شما خواهی توانست به آرزوی خود برسی .

آقای «ك» پس از دوماه از تبریز نامه نوشت که آرزوی من پیدا کردن دختر

دلخواه بوده باخصوصیات معّین که پس از ۴۰ روز خود هیپنوتیزم با تلقین و تصور، در يك جلسه میهمانی چنین دختری را یافتیم و حالا باهم نامزد هستیم .

نتیجه :

به کمک هیپنوتیزم می توان به بسیاری از آرزوها رسید ، از جمله پیدا کردن همسر ایده آل

آیا این قضیه با هیپنوتیزم درست است ؟ دلیل علمی آن چیست ؟ چه ارتباطی دارد ؟ وقتی شخصی در حال هیپنوتیزم بخود تلقین می کند که همسر ایده آلش را پیدا کند ، و یا در مغز خود تصور می کند که دختری با این خصوصیات نصیبش شود ، چگونه و چرا بطور تصادفی چنین دختری پیدا میشود ؟ اگر چنین چیزی علت علمی داشته باشد ، خیلی عجیب و جالب است ! خوشبختانه علت علمی آن را شوروپها کشف کرده اند ، که در چند صفحه بعد علت علمی و فنی و فیزیکی آن بیان خواهد شد ، و خواهیم دید که علت علمی آن چیست ؟ حالا به بیان شرح حال دیگری میپردازیم که شبیه همان رویداد و واقعه بالا است و آن شرح حال دختر خانمی است که بکمک هیپنوتیزم با پسر دلخواه خود ازدواج کرد .

دختری که بکمک هیپنوتیزم با پسر دلخواه خود ازدواج کرد

نظیر داستان بالا دختر خانمی ۲۳ ساله بمن مراجعه کرد ، و گفت من تا بحال خواستگاران زیادی داشته ام ولی هیچکدام مطابق میل من نبوده اند ، آیا بکمک هیپنوتیزم می توان شوهر دلخواه را بدست آورد ؟ گفتم با احتمال زیاد امکان دارد و گاهی هم یا امکان ندارد و یا ممکن است تأخیر داشته باشد ولی سوخت و سوز ندارد.

گفت: چه مواقعی امکان ندارد و یا چه مواقعی تأخیر دارد؟

گفتم: اگر شخص استعداد هیپنوتیزم شدن نداشته باشد و یا خیلی ضعیف و سبک هیپنوتیزم بشود، از طریق هیپنوتیزم امکان ندارد و یا تأخیر دارد، ولی امکان دارد بطور تصادفی و یا از راههای دیگر بتوان شوهر دلخواه را پیدا کرد!

گفت آن راههای دیگر چه راههایی هستند؟ گفتم: مثلاً شما در هر ماه یکبار میهمانی مفصلی میدهید، یا به میهمانی میروید، امکان دارد در این قبیل میهمانیها و مجالس با شخص دلخواه خود آشنا شوید و ازدواج کنید.

این دختر خانم ده جلسه ثبت نام کرد، که در این ده جلسه هم هیپنوتیزم شد و هم «خود هیپنوتیزم» را یاد گرفت، در حال خود هیپنوتیزم دو کار انجام میداد! اول - اینکه تا ۲۰ بار بخود تلقین میکرد، «من بزودی شوهر دلخواه خود را پیداخواهم کرد، خداوند شوهر دلخواه مرا در سر راه من قرار خواهد داد.» دوم - اینکه پس از تلقین بمدت ۵ تا ۱۰ دقیقه تصور میکرد، شبیه خواب دیدن که شوهر دلخواه خود را پیدا کرده و در شب عروسی است یعنی لباس عروس پوشیده، داماد در کنارش است و شب، شب عروسی است و میهمانان زیادی شرکت دارند و زیر بازوی داماد یعنی شوهر دلخواهش را گرفته است.

پس از چهار ماه کارت عروسی برای من رسید که درباره عروسی این دختر خانم با شوهر دلخواهش بود.

نتیجه:

بكمك هیپنوتیزم همسر دلخواه را می توان پیدا کرد

آیا چنین چیزی امکان دارد؟ چرا و چطور و به چه دلیل تلقین و تصور در حال هیپنوتیزم باعث میشود که مرد یا زنی همسر دلخواه خود را پیدا کند چه ارتباط علمی می تواند وجود داشته باشد؟

علت علمی، فنی، فیزیکی آن را روسها کشف کرده اند، که در چند صفحه بعد بیان خواهد شد.

حالا به بیان شرح حال جوانی می پردازیم که شغل دلخواه خود را به کمک هیپنوتیزم پیدا کرد.

جوانی که با هیپنوتیزم شغل دلخواه خود را پیدا کرد

جوانی بیکار بمن مراجعه کرد و گفت من بیکار هستم و میخواهم کاری دلخواه و آبرومند داشته باشم که در آمد خوبی هم داشته باشد. خودم هم نمیدانم آن کار چیست و چگونه باید باشد، گفتم: احتمالا و انشاءالله بکمک هیپنوتیزم می توانید کار مطابق میل خود را پیدا کنید و ممکن است از طریق هیپنوتیزم هم نشود و یا خیلی تأخیر داشته باشد، توضیحات لازم را برایش دادم و کار را شروع کردیم، ده جلسه ثبت نام کرد، هم هیپنوتیزم شد و هم یاد گرفت که چطور خود را هیپنوتیزم کند، پس از ۴۰ روز اظهار داشت، که در يك جلسه میهمانی، یکی از دوستان مرا به شخصی معرفی کرد. ایشان مدیر يك تعمیرگاه اتومبیل بودند و من بعنوان مدیر دفتر آن تعمیرگاه استخدام شدم که خیلی از اینکار خوشم می آید.

نتیجه:

بکمک هیپنوتیزم شغل دلخواه را می توان پیدا کرد

آیا استخدام این جوان مربوط به هیپنوتیزم بوده است؟ و یا اینکه جلسه میهمانی و معرفی يك امر عادی و تصادفی بوده است؟ و اگر استخدام این جوان ارتباط با هیپنوتیزم داشته، چه دلیل علمی می‌تواند داشته باشد؟

خوشبختانه دانشمندان شوروی ثابت کرده‌اند، که استخدام این جوان می‌تواند مربوط به هیپنوتیزم باشد، و دلیل علمی هم دارد، که دلیل علمی، فنی و فیزیکی آن در چند صفحه آینده بیان خواهد شد.

حالا به بیان شرح حالی می‌پردازیم که شخصی بكمك هیپنوتیزم به ثروت دلخواش میرسد.

مردی که بكمك هیپنوتیزم به ثروت دلخواش رسید

يك روز عصر شخصی بمن مراجعه کرد که در حدود ۲۰ سال داشت، سؤال کرد که آیا از طریق هیپنوتیزم می‌توان ثروتمند شد؟ گفتم: احتمال دارد، بعضی‌ها حتمأ می‌شوند بعضی‌ها از طریق هیپنوتیزم اصلا نمی‌شوند و بعضی‌ها هم ممکن است دیر یا خیلی دیر بشوند گفت: شما اگر می‌توانید دیگران را از طریق هیپنوتیزم ثروتمند کنید، پس چرا در باره خودتان اینکار را نمی‌کنید؟

گفتم: سؤال خوبی کردید، خداوند از طریق هیپنوتیزم هر چیزی را به کسی میدهد که از طریق هیپنوتیزم از خداوند بخواهد، من از طفولیت ناخود آگاه از شهرت خوشم می‌آمد، که صد درصد خداوند بمن عطا کرده است، نه تنها در ایران، بلکه در همه دنیا در هر کشوری که ایرانیان هستند مرا میشناسند. ثانیاً- در باره ثروت هم در حال حاضر احتیاجی ندارم، باندازه ای که در رفاه کامل زندگی کنم خداوند بمن داده است. ثالثاً- من بطور آزمایشی چند بار خود را هیپنوتیزم کردم که ثروتمندترین مرد دنیا بشوم، همین اتفاق هم افتاد، پیرمردی عسازنان بملاقات

من آمد ، کتابی با جلد چرمی و بسیار قدیمی بمن داد ، که می گفت گنجنامه ایران است .

این کتاب را يك هفته مطالعه کردم ، ولی به ایشان پس دادم ، زیرا اولاً احتیاجی نداشتم ، ثانیاً کاوش های غیرمجاز که بدون اطلاع اداره باستانشناسی باشد غیرقانونی است ، ولی برخی از این گنجها ، شاید بتوان گفت يك کامیون وسائل عتیقه و سکه طلا بود .

رابعاً- در عرض در حدود ۴۰ سالی که من مشغول هیپنوتیزم کردن هستم عده بسیار زیادی از شهرستانها بمن مراجعه کرده اند ، که در شهر ومحلۀ خود گنج سراغ داشتند و از من تقاضای همکاری و شرکت در پیدا کردن گنجها داشتند ، که من به علت عدم احتیاج و غیرقانونی بودن عمل موافقت نمی کردم .
گفتم : انشاءالله جواب سئوالت را گرفته باشی و قانع شده باشی گفت : نه خیر ، اتفاقاً هنوز قانع نشده ام ، به این دلیل که اگر احتیاج نداری پس چرا کار می کنی ؟ چرا از اشخاص پول می گیری ؟

خنده ام گرفت ، گفتم : مرد دقیق ر با هوشی هستی ، گفت : ولی این جواب سئوال من نیست !

گفتم حالا جواب این سئوال شما را هم میدهم ، انشاءالله که راضی و قانع بشوی .

گفت : شاید !

گفتم : چرا کلمه « شاید » را بکار بردی ؟ گفت : برای اینکه نمیدانم از جوابی که خواهید داد راضی و قانع خواهم شد یا خیر ؟
گفتم : اولاً - کار من که هیپنوتیزم کردن است ، در درجه اول بخاطر پول نیست .

گفت : شاید میخواهی بگوئی بخاطر کمک مردم و خدمت بمردم است .

گفتم : اتفاقاً این جواب را نمی‌خواهم بله .
گفت : یعنی میخواهی بگوئی هیپنوتیزم «کارشما» خدمت بمردم و کمک
بمردم نیست .

گفتم : چرا خدمت بمردم و کمک بمردم هست ، ولی در درجهٔ دوم اهمیت
قرار دارد .

گفت : در درجهٔ اول اهمیت چیست ؟

گفتم : همانطور که مواد مخدر ایجاد اعتیاد می‌کند ، برخی کارها و طرز
فکرها نیز جنبهٔ اعتیادروانی ، ذهنی ، و فکری و روحی دارد .
گفت : چرا برخی کارها .

گفتم : بدلیل اینکه برخی کار خود را دوست ندارند ، کسی مانند معتادان
بکارش اعتیاد پیدا می‌کند که در درجهٔ اول کارش را دوست داشته باشد .

گفت : چهل سال از عمرم می‌گذرد ، تحصیلات دانشگاهی هم دارم ولی
این اولین بار است ، که اینطور جواب و این چنین استدلالی را می‌شنوم که بنظر
من خیلی عجیب و جالب است ، اجازه بدهید یک بار تکرار کنم به بینم درست
فهمیده‌ام یا خیر !

شما میفرمائید که همانطور که بعضی اشخاص به مواد مخدر معتاد می‌شوند ،
همانطور هم به کار خود معتاد می‌شوند ، بشرط اینکه کارشان را دوست داشته باشند ،
آنها که کار خود را دوست ندارند ، به کار خود معتاد نمی‌شوند .

گفت : علت پول گرفتن چیست ؟

گفتم : یکی اینکه پول گرفتن هم مقداری اعتیاد است ، ثانیاً - اگر پول
گرفته نشود ، مراجعه کنندگان نتیجه هم نخواهند گرفت ، زیرا گاهی و در برخی
کارها مردم ارزش آن کار را با پولی که می‌پردازند می‌دانند .

ثالثاً - کسانی که پول نمی گیرند و کار می کنند، صد درصد احساس مسئولیت نمی کنند و کار خود را دقیق انجام نمی دهند . با همه این بحث ها من به کسانی که خودشان اظهار می کنند که ضعف ریال دارند ، مستضعف هستند ، می گویم ، شما هرچقدر می توانی و هرچقدر دلت می خواهد پول بده .

گفت از کجا میدانی که راست میگوید ؟

جواب دادم : راست یا دروغ گفتن را به گردن خودشان میگذارم ، و من بخود تلقین می کنم، که راست میگویند، هیچ تحقیق و دقت هم نمی کنم که به بینم راست میگویند یا دروغ، ولی تجربه نشان داده ، مستکبرین و ثروتمندان خسیس تر هستند ، بیشتر چك و چانه، ناله و شکایت می کنند ، زیرا دُچار بیماری خست هستند. سئوالات شما ما را از موضوع خارج کرد ، بجای اینکه در باره هیپنوتیزم بحث کنیم، داریم در باره پول صحبت می کنیم .

حالا بگوئید به بینم اشکال اصلی کار شما چیست ؟ چه کاری می توانم برای شما انجام بدهم .

اظهار کرد، کار من تجارت است، می خواهم کارم رونق داشته باشد معاملات زیادتری انجام بدهم ، فروش بیشتری داشته باشم ، بكمك هیپنوتیزم تا چه اندازه می شود موفق شد .

گفتم : اگر عقیده مرا بخواهی هیپنوتیزم در انجام خیلی کارها اعجاز انگیز است بهر حال این آقا هم ثبت نام کردند و قرار شد در ۱۰ جلسه هفته ای يك جلسه تا ۲/۵ ماه بکلاس بیایند، و اما تلقینی که به ایشان گفته شد که انجام بدهند ، از کتاب « در مخفی توفیق و بازی زندگی » نوشته « اسکاول شین » زن آمریکائی که چندی پیش فوت کرده و دکتر درمتافیزيك بود، که چهار جلد از کتابهایشان را در ایران خانم گیتی خوشدل ترجمه کرده اند و آن تلقین بقرار زیر است :

❖ درهائی دور از انتظار گشوده میشود، چاره‌هائی ناگهانی نمایان میشوند تا بهمن‌های بیکران فراوانی و ثروت در پرتو لطف الهی و از راه‌های عالی بر سرم بریزد .

بعلاوه به آقای « ک » آموزش دادم که پس از تلقین تصور کند، شبیه خواب دیدن که بسیار ثروتمند است، در حساب‌جاری بانکش پول فراوانی دارد. پس از سه ماه اظهار کرد، کارم بطور اعجاز‌انگیزی رونق گرفته است، وقت سرخاراندن ندارم . ولی نمیدانم که آیا مربوط به هیپنوتیزم است یا نه گفتم : اگر شك کنی کارت خراب می‌شود، باید صد درصد ایمان قاطع و محکمی داشته باشی، گفتم : در باره ایمان همه صحبت می‌کنند، کتابها می‌نویسند، ولی برای من جای شك و تردید است که این ایمان چگونه عمل می‌کند ؟

❖ معنی علمی ایمان

گفتم : حال من معنی علمی ایمان را برای تومی گویم که از حالا بعد دیگر شك نکنی .

گفتم : بطوری که یاد گرفته‌ای، هیپنوتیزم یعنی متمرکز کردن فکر روی يك نقطه، روی يك موضوع، روی يك چیز، حال اگر هنگام خود هیپنوتیزم فکرت دوشاخه بشود بدو چیز فکر کنی هیپنوتیزم نخواهی شد، ایمان هم همینطور است، ایمان داشتن یعنی در روی خط مستقیم و به يك خط مستقیم اندیشیدن، اعتماد داشتن و باور داشتن به قدرت لایزال خداوندی که می‌تواند کارهای شما را انجام دهد .

ولی ایمان‌داشتن و تردید داشتن یعنی دو دل بودن، دو خطی بودن، به دوشاخه و به دوشعبه و به دو چیز فکر کردن و نتیجه صفر است. شما وقتی ایمان دارید امواج فکری شما بدون انقطاع، هدف را تعقیب می‌کند، ولی بمحض اینکه شك کردید، یعنی ایمان نداشتید امواج فکری قطع می‌شود و در نتیجه شخص به هدف نمیرسد.

گفت : بهترین استدلالی بود که در باره ایمان نمودید، از نظر علمی به عقیده من صد درصد درست است، رفتم که در هر کاری ایمانم را هم محکم کنم .

نتیجه

به کمک هیپنوتیزم می توان ثروتمند شد
تردید نباید کرد، باید ایمان داشت

آیا واقعا به کمک هیپنوتیزم ، و تلقین و تصور و اینطور چیزها می توان ثروتمند شد ؟ تا چه حد و اندازه می تواند علمی باشد ؟ همانطور که در حالات قبل هم اشاره کردم ، دانشمندان شوروی علت علمی آنرا کشف کرده اند که در چند صفحه آینده بیان خواهد شد ، ولی در همه حالات یاد شده بالا غیر از هیپنوتیزم عوامل دیگری هم شریک هستند، که آنها را نمی توان نادیده گرفت .

مثلا : يك فرد بی سواد، بی کاره که از نظر هوشی و ذهنی عقب مانده است هیپنوتیزم کاری برای او نمی تواند بکند ، کسیکه مردم دار نیست ، آداب معاشرت نمی داند، حرکات ، رفتار و گفتارش غلط است ، در تجارت یا در هر کاری دیگر احتمالا شکست خواهد خورد ، مگر بکمک هیپنوتیزم ابتداء روانکاوی و اصلاح شود، دختر و پسر که زشت است ، بی سواد است ، کثیف است و نظافت را رعایت نمی کند ، بد دهن است ، بد حرف می زند، آداب معاشرت را نمی داند ، هیپنوتیزم به تنهایی کاری برای او نمی تواند بکند .

پس نباید فراموش کرد طبق فرمایش حضرت پیغمبر (ص) علاوه بر توکل به خدا زانوی شتر را هم باید بست . یعنی برای انجام هر کاری بکمک هیپنوتیزم سایر علل و عوامل را هم باید در نظر گرفت ، تحصیلات لازم، تربیت اجتماعی و خانوادگی، نداشتن نقص عضو، مطالعات لازم در هر رشته، رعایت کردن و بکار بردن قوانین و فرمولهای هر کار در مورد همان کار، پاک و صالح بودن توکل و ایمان

داشتن بخداوند، هر يك بنوبه خود یکی از عوامل تشکیل دهنده قواره و چهارچوب موفقیت است . برای موفقیت در این قبیل کارها مطالعه کتابهایی در خصوص « اسرار موفقیت » ، « راز کامیابی » ، « آئین معاشرت » ، « آئین دوست یابی » ، « آئین زندگی » ، « راز توانگری » ، « روانشناسی مدیریت » ، « آئین همسراری » و نظائر آن حتماً لازم است .

سی عاملی که باعث عدم موفقیت و شکست است

در زیر سی عامل ذکر میشود که داشتن يك یا چندتا از این عیوب برای شکست وعدم موفقیت کافی است . شما مشاهده نموده اید که برخی از دوستان و اطرافیان شما با کوشش فوق العاده ای که می کنند باز هم شکست میخورند . باز هم موفق نمیشوند ، شکست در امتحانات ، شکست در زندگی ، شکست در کار ، شکست در عشق ، شکست در ازدواج و زناشوئی ، شکست در بدست آوردن ثروت .

ناپلئون هیل مینویسد : « من درباره مردان و زنان مطالعات زیادی کرده و در کار آنها دقیق شده ام تا باین مطلب رسیده ام که نود و هشت درصد مردمی که جزو طبقه شکست خورده به حساب می آیند تقصیری ندارند بلکه گناه و تقصیر آنان مربوط به وضع محیط و طرز آموزش و پرورش است که در آموزش و پرورش ما جاریست که در نتیجه نود و هشت درصد از جوانان را در میدان زندگانی ناکام میکند در نتیجه آزمایش ، تحقیق و بررسی که من نموده ام بمن ثابت گردید که علل شکست ۳۰ مورد است که در این قسمت مواد سی گانه ای که علل شکست ها است شرح داده میشود :

- ۱- داشتن نقص موروثی . (نقصی موروثی مانند کور بودن - شل بودن ، دست نداشتن و هر گونه بیماری لاعلاج)
- ۲- نداشتن مقصود صریح .
- ۳- عدم بلند همتی و بلند نظری .
- ۴- نداشتن تحصیلات کافی .

- ۵- بی نظمی .
- ۶- ناتندرستی.
- ۷- مسامحه و اهمال کار بودن .
- ۸- نداشتن پشتکار و استقامت .
- ۹- نداشتن شخصیت .
- ۱۰- مواظبت ننمودن از قوه جنسی .
- ۱۱- هوس خام پختن .
- ۱۲- نداشتن اراده و تصمیم .
- ۱۳- ترسیدن از تاریکی ، بلندی ، حیوانات ، انتقاد ، مرگ و غیره .
- ۱۴- داشتن حسادت ، نفرت ، کینه جوئی و غضب .
- ۱۵- داشتن همسر بد .
- ۱۶- احتیاط بی اندازه .
- ۱۷- غلط انتخاب کردن معاشرین و مشاورین .
- ۱۸- اوهام پرستی .
- ۱۹- اشتباه در انتخاب شغل ، کار باید بکاردان سپرده شود .
- ۲۰- عدم تمرکز قوا برای انجام کار .
- ۲۱- ولخرجی و اسرافکاری .
- ۲۲- نداشتن حس شفقت و مهربانی .
- ۲۳- متعصب بودن .
- ۲۴- زیاده روی در خوراک و امور جنسی .
- ۲۵- عادت به منفی فکر کردن و منفی کاری .
- ۲۶- ناتوانی در تشریک مساعی بادیگران .
- ۲۷- درستکار نبودن .
- ۲۸- خودپسندی و خودبینی .

۲۹- حدس زدن بجای فکر کردن واقعی .

۳۰- ورزش جسمی و فکری نکردن . (مانند ورزش عرفانی ، بوگا)

حالا به شرح حال خانمی می پردازیم که بكمك هیپنوتیزم مجدداً با شوهرش آشتی کرد .

زنی که بكمك هیپنوتیزم با شوهرش آشتی کرد

همانطور که قبلاً اشاره کردم ، خانم « اسکاوشین » دکتر در متافیزیک در آمریکا چهار کتاب نوشته است به اسامی : ۱ - بازی زندگی . ۲ - در مخفی توفیق . ۳ - کلام شما عصای معجزه گر شما است . ۴ - نفوذ کلام شما . که این کتابها در ایران توسط خانم گیتی خوشدل به زبان فارسی سلیس و روان ترجمه شده است اخیراً که من در آمریکا بودم ، این چهار جلد کتاب را که بزبان انگلیسی هستند پس از مدتی جستجو پیدا کردم ، و وقتی با ترجمه آنها توسط خانم گیتی خوشدل مقایسه کردم ، دیدم بسیار عالی و خوب ترجمه شده و بخصوص امانت داری در ترجمه که نقش مهمی دارد ، بخوبی رعایت شده است ، حتی يك کلمه ، يك جمله نه از قلم افتاده و نه به غیر از معنی اصلی خود بشکل دیگری ترجمه شده است .

منظور از ذکر کتابهای خانم « اسکاوشین » اینست که ایشان در کتابهای خود به موارد بسیاری اشاره کرده که خانمی از شوهرش جدا شده بوده است و با تلقین و تصور و ایمان و دعا موفق شده که مجدداً با شوهرش آشتی و زندگی را با هم شروع کنند ، از جمله در یکی از کتابهای خود از خانمی نام میبرد که مدت يك سال بود شوهرش متار که ورفته بود ، این خانم تنها بود ، همیشه هنگام غذا خوردن يك عدد بشقاب با قاشق چنگال هم اضافی آنطرف میز ناهارخوری مقابل خود قرار میداد ، و تضرر میکرد ، که شوهرش هم سر میز در آنطرف و روبروی این خانم نشسته و مشغول غذا خوردن است ، تا مدت يكسال این عمل را انجام میداد تا بالاخره پس از يكسال بطور ناگهانی شوهر سابقش از در وارد شد و با هم آشتی کردند و زندگی

دوباره ای را با هم شروع کردند .

بكمك هیپنوتیزم چنین عملی نیز انجام میشود ، کما اینکه خانمی بمن مراجعه کرد ، که ۳۲ سال داشت ، قدی بلند و صورتی زیبا و چشمانی درشت و قشنگ داشت ، ولی وقتی بررسی و تحقیق شد ، معلوم شد که این خانم بسیار بد زبان ، لجوج ، خودخواه و یکدنده بوده است ، هیچگاه با شوهرش در هیچکاری موافق نبوده است ، همیشه بحث داشته ، همیشه مخالفت میکرد ، هر عملی که شوهرش در زندگی انجام میداده مورد انتقاد و ایراد این خانم بوده است ، نتیجه زندگی مشترک این زوج هم ورشکستگی و فقر بوده است و باید هم چنین باشد ، زیرا طبق نوشته کتابهای « اسکاول شین » اگر زنی به شوهرش از هر حیث صد درصد ایمان و اعتقاد داشته باشد ، ثروت و سعادت این زوج به اوج آسمانها خواهد رسید ، ولی این خانم شوهرش را به ورشکستگی ، بدبختی کشانده بود ، شوهرش و خانواده شوهرش نام کلمه زن شوم را روی این خانم زیبا گذارده بودند ، زیرا می گفتند از روزی که این زن وارد زندگی تو شده تو همیشه با ورشکستگی و بدبیاری و ناکامی روبرو بوده ای و درست هم بوده است ، به این خانم گفتم : قبل از هر چیز باید اخلاقت را درست کنی ، درست شوهرت را هر طور که هست صد درصد قبول داشته باشی در هر کاری تشویقش کنی ، هیچگاه انتقاد نکنی ، دست از عیب جوئی بکشی و کتابهای آئین همسر داری و آئین دوست یابی را مطالعه کنی . و نامه ای به شوهرت بنویسی که من با هیپنوتیزم اخلاقم را اصلاح کرده ام احتمالاً شاید موفق بشوی ، در عرض دوماهی که این خانم در حال مشاوره با من بود موفق شد ، با شوهرش روابطی برقرار نماید ، بعد هم من بمسافرت آمریکا رفتم و دیگر از ایشان اطلاعی ندارم .

* در خصوص وظائف زن نسبت به شوهر و شوهر نسبت به زن هر کدام ده مورد وجود دارد که عیناً از کتاب آئین دوست یابی نقل میشود :

پرسشنامه

باین سئوالات توجه کنید تا درجه شایستگی و اهلیت خود را در امر زناشوئی دریابید .

پرسش از شوهران

۱- آیا هنوز هم با تقدیم دسته گلی گاه ، گاه زن خود را مورد عنایت قرار میدهید ؟ در روز ولادت یا روز ازدواج او جشن میگیرید ؟ بطور غیر مترقب با او توجهی میکنید و محبتی ناگهانی نسبت به او ابراز میدارید ؟

۲- احتیاط میکنید که هرگز در حضور دیگران از زن خود خنده گیری ننمائید ؟

۳- آیا مبلغ مختصری با او میدهید که در حوائج شخصی خود بکار ببرد ؟

۴- آیا در اوقات خستگی و ادوار ضعف و ساعات دلنگی و عصبانیت با او همدردی و از او پشتیبانی مینمائید ؟

۵- دست کم نصف اوقات فراغت خود را بمصاحبت او تخصیص میدهید ؟

۶- از مقایسه طباحتی و خانه داری زن خود با مادران یا زن دیگری خودداری مینمائید ؟ مگر اینکه این سنجش بنفع او باشد ؟ ...

۷- آیا نسبت به زندگانی معنوی و تفریحات مشروع او از قبیل مطالعه کتاب و رفتن به مجامع عمومی و ابراز عقاید سیاسی و اجتماعی ابراز علاقه مینمائید ؟

۸- از حسد و رشک بیجا خودداری میکنید ؟

۹- آیا در پی فرصت میگردید که او را تشویق نموده، درجه تمجید و تحسین خود را با او نشان دهید ؟

۱۰- متوجه هستید که کوچکترین عنایت و حقیرترین خدمتی را که بشما میکند مورد قدردانی و سپاسگزاری قرار دهید ؟

پرسش از بانوان

- ۱- آیا شوهر خود را کاملاً آزاد میگذارد که هر طور میخواهد امور و مشاغل خود را انجام دهد؟ آیا از اظهار نظر نسبت به همکاران و رفیقان او خودداری میکنید؟ و اگر دیر بخانه باز گردد کنجکاو میروا نمیدارید؟
- ۲- آیا همهٔ مساعی خود را در زیبایی و حسن انتظام خانه بکار میبرید؟
- ۳- آیا انواع غذا را طوری متنوع و مختلف میتوانید بسازید که هیچوقت شوهرتان نتواند پیش از وقت حدس بزند که در سفره چه خواهد بود؟
- ۴- سعی میکنید که از رشتهٔ کار شوهرتان اطلاعاتی حاصل نمائید تا در وقت ضرورت از روی آگاهی با او هم صحبت شوید و با آراء خود او را یاری دهید؟
- ۵- قادر هستید که دلیرانه با تنگدستی و مشکلات مالی مقاومت ورزید و شوهر را از شکست‌هایی که در زندگی یافته است سرزنش نکنید و هرگز میان او و همکاران موفق ترش سنجشی که بضرر او باشد ننمائید؟
- ۶- صمیمانه کوشش میکنید که با مادر شوهر و سایر خویشاوندانش همواره موافق باشید؟
- ۷- در انتخاب لباس و زیور و بژك آیا سلیقهٔ شوهر را درالوان و اشکال آنها محل اعتنا قرار میدهید؟
- ۸- آیا از بعضی عقاید و آراء کم اهمیت خودتان میتوانید بگذرید تا وفاق خانه به نفاق مبدل نگردد؟
- ۹- آیا بازیهای را که شوهرتان دوست دارد آموخته‌اید تا در تفریحات او بتوانید شرکت کنید؟
- ۱۰- آیا از جریان حوادث عالم و افکار علمی و ادبی و کتب تازهٔ عصر منظمأ کسب اطلاع میکنید تا پیوسته از لحاظ معنوی هم مصاحبت باشما سودمند و جالب توجه باشد؟

بكمك هیپنوتیزم کارهای دیگری نیز می‌توان انجام داد ، اکثر کارهایی را که از طریق علوم غریبه می‌توان انجام داد، از طریق هیپنوتیزم نیز امکان پذیر است ، که بعداً به تعریف و کاربرد هر يك خواهیم پرداخت ، حال به بینم آیا این قبیل اعمال از نظر علمی درست است یا خیر ؟ و دانشمندان روسی در این باره چه می‌گویند ؟

بخش دوم

دلائل رسیدن به آرزوها

یا

اثبات قدرت امواج آگاه مغزی

- ✿ از مغز امواجی خارج و ساطع می‌شود که ما آن را حس نمی‌کنیم .
- ✿ امواجی که از مغز منتشر می‌شود ، شعور دارد و آگاه است .
- ✿ امواج مغزی قدرت خارق‌العاده دارد که قادر است هر کاری را انجام دهد .

اجازه بفرمائید این بحث را از کتابهایی شروع کنیم، که بفارسی ترجمه شده‌اند و شما می‌توانید به این کتابها مراجعه کنید و اطلاعات بسیار مفصل‌تر و بیشتر کسب نمائید . در مورد قدرت امواج مغزی چند جلد کتاب انگلیسی اخیراً از آمریکا آورده‌ام که پس از ذکر خلاصه‌ای از کتابهای ترجمه شده بفارسی، از آن کتابها نیز استفاده خواهیم کرد .

در سال ۱۳۷۰ در آمریکا مشغول گذراندن دکترای متافیزیک در دانشکده متافیزیک کالیفرنیا بودم ، و رساله خود را با انگلیسی تحت عنوان « امواج انرژی آگاه کیهانی »^۱ نوشتم ، که بر مبنای همین کتاب قرار دارد .

اخیراً در تهران دو کتاب به فارسی ترجمه شده‌اند، یکی بنام «فوق طبیعت» نوشته «لیال واتسن» ترجمه آقای شهریار بحرانی و احمد ارژمند و دیگری کتاب «نیروهای شگرف مغز» نوشته «کریستیان ه. گودفروآ» ترجمه آقای ناصر موفقیان. کریستیان در صفحه ۲۵ کتاب خود می‌نویسد: «در حال حاضر دانشمندان شوروی مشغول مطالعه در باره نیروی هستند که آن را «انرژی بیوپلاسمائی» می‌نامند.

«شیلا اولستراندر» و «لین اشرودر» در کتابی به نام «پژوهشهای شگفتی-انگیز پیرا» روانشناسی در اتحاد جماهیر شوروی گزارش می‌دهند که دانشمندی بنام «روبر پاولیتا» مولدی ساخته است که می‌توان آن را با امواج ذهنی شارژ کرد. از زمانهای قدیم تا به امروز در باره امواج مغزی انتقال فکر و تله پاتی زیاد صحبت شده و نوشته شده، ولی حالا اولین بار است، که این امواج مغزی بطور مکانیکی اثبات میشود.

تحقیق در صحت و مقام امواج آگاه مغزی

مبحث اول

دستگاههای «رابرت پاولیتا» که فقط با امواج آگاه مغزی کار می‌کنند

دکتر «جولیوس کرومسکی» ریاضی‌دان و فیزیک‌دان، پس از بررسی مولدها و دستگاههای فلزی «پاولیتا» نتایج تحقیقات و مطالعات خود را به اعضای هیأت مدیره دانشکده علوم فیزیکی، انستیتوی علوم تربیتی «ترناوا» چنین اعلام کرد: «نیروئی، که برای گرداندن این دستگاه فلزی به کار میرود، نه از طریق حرارت به وجود می‌آید، نه از طریق الکتریسیته‌ی ساکن، نه از طریق جریان هوا. این انرژی از مغز انسان زنده برمی‌خیزد و متصدی دستگاه قادر است آن را بطور ذهنی

کنترل کند ، یعنی با امواج مغزی کنترل کند ، این انرژی یا امواج مغزی ، بدون هر گونه انحراف یا ضایعاتی از شیشه ، از آب ، از چوب ، از مقوا ، و از تمام فلزات عبور می کند . »

در زیر تصویر چند عدد از دستگاههای فلزی «پاولیتا» را مشاهده می کنید ، که فقط بكم امواج فكري كار می کنند .



در تصویر فوق هشت عدد دستگاه فلزی دیده میشوند ، که این دستگاهها با برق یا باطری کار نمی کنند ، بلکه فقط و فقط با امواج مغزی يك انسان زنده كار می کنند ، این امواج مغزی در حال هیپنوتیزم متمرکز شده و بسیار قوی میشوند ، در نتیجه قادرند کارهای اعجاز انگیزی انجام دهند که کلیه معجزات و کرامات مدعیان و عرفا از این قبیل هستند .

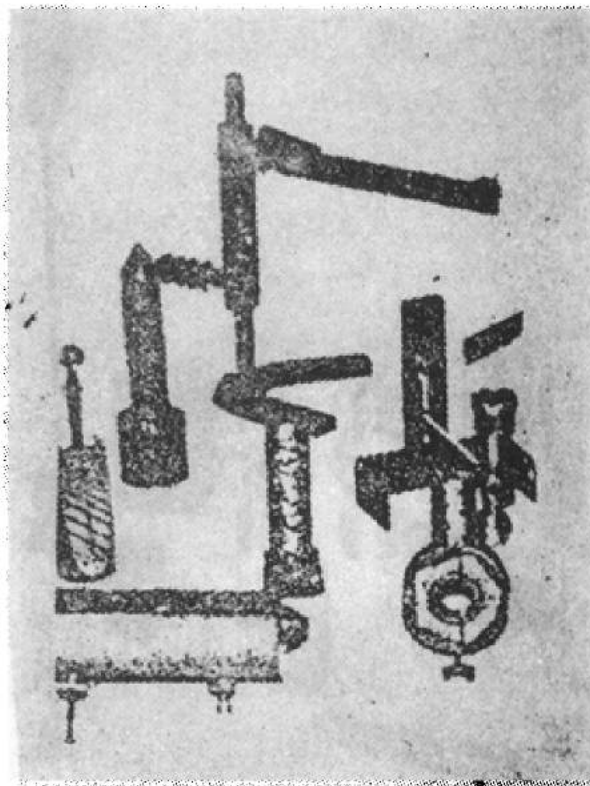
در تصویر فوق تعداد ۹ عدد دستگاه فلزی مشاهده می کنید ، که این دستگاهها با برق یا باطری کار نمی کنند ، این امواج آگاه مغزی در حال هیپنوتیزم متمرکز شده و بسیار قوی میشوند ، در نتیجه قادرند کارهای اعجاز انگیزی انجام دهند که کلیه

معجزات و کرامات مدعیان و عرفا از این قبیل هستند .

در تصویر فوق تعدادی دستگاههای فیزی مشاهده میشوند ، که این دستگاهها با برق یا باطری کار نمی کنند ، بلکه فقط و فقط با امواج آگاه مغز کار می کنند ، این امواج آگاه مغزی در حال هیپنوتیزم متمرکز شده و بسیار قوی میشوند ، در نتیجه قادرند کارهای اعجاز انگیزی انجام دهند .

نتیجه :

وقتی امواج مغزی بتواند دستگاههای فیزی را بکار اندازد ،
قادر است در افکار انسانها و اعضاء شخص خود نیز مؤثر باشد

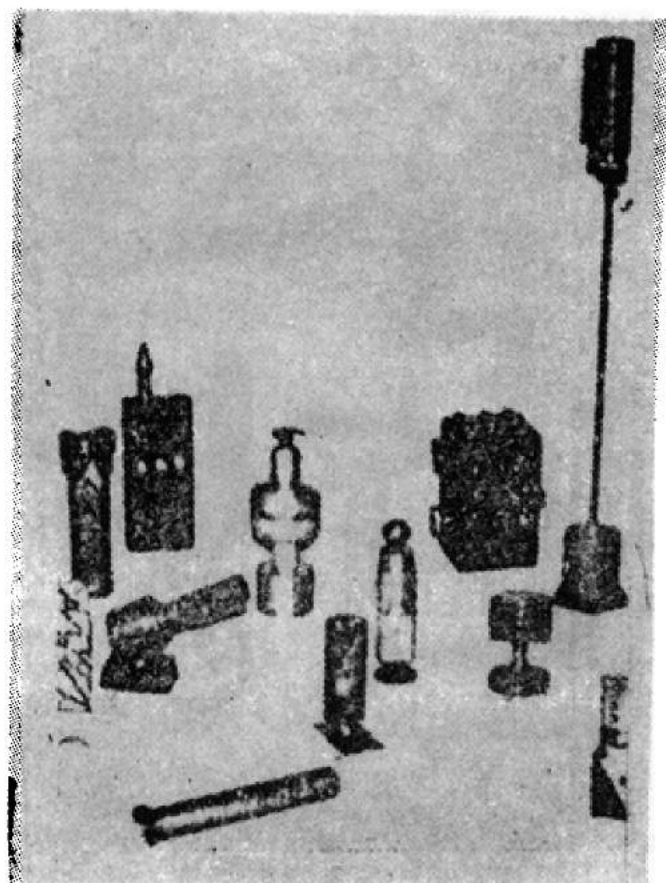


کار بادبزنی برقی با امواج مغزی پاولینا

لیال وانسن در صفحه ۱۸۷ کتاب فوق طبیعت می نویسد : « پاولینا دومتر دورتر ایستاد و بدون اینکه حرکت دیگری انجام دهد به بادبزنی برقی خیره شد. بعد از چند لحظه پره های بادبزنی که در حال کار بود شروع کرد به کند شدن، چنانکه گویی برق قطع شده است سپس بکلی ایستاد و شروع به چرخیدن در جهت عکس کرد، مدت دو سال بخش فیزیک با او کار میکرد، تا گره از این معما بگشاید، بالاخره نتیجه گرفتند که این دستگاههای فلزی کاری به الکتریسیته ساکن، جریان هوا، تغییرات دما، یا مغناطیس ندارد، فقط با امواج مغزی کار می کند.

نتیجه :

وقتی امواج فکری می تواند بادبزنی برقی را بکار اندازد یا از کار باز دارد، اذابر روی خوشبختی و بدبختی انسان ها نیز می تواند اثر بگذارد



امواج مغزی آگاهی کامل دارد

بطوریکه در آزمایش بالا مطالعه نمودید، بادبزنی برقی ابتدا متوقف میشود و سپس در جهت عکس شروع به چرخش می‌کند، یعنی بادبزنی برقی در هر جهت که متوقف شده باشد، در همان جهت می‌چرخد. بعبارت دیگر امواج مغزی همان شعور و آگاهی ارگانیزم است.

نتیجه‌ای که می‌توان از این کشف و از این آزمایش گرفت بسیار اعجازانگیز و متنوع است.

اولاً - وقتی امواج مغزی قادر است بر روی اشیاء بی‌جان و جامد فیزی مؤثر واقع شود، بطریق اولی بر روی جانداران یعنی انسانها و حیوانات بیشتر می‌تواند مؤثر واقع شود.

ثانیاً - وقتی امواج مغزی قادر است، با امواج مغزی انسانها رابطه برقرار کند، در نتیجه می‌توان انسانها را از طریق ارسال امواج مغزی از راه دور به هر کاری وادار کرد.

ثالثاً - این آزمایش ریشه و علت جادوهای سیاه و سفید را آشکار می‌کند باین معنی که انسان‌ها را می‌توان مریض کرد، یا کشت، یا عاشق کرد و یا دیوانه نمود و نظایر آن **رابعاً -** اعمال شگفت‌انگیز استادان واقعی علوم غریبه که در حال حاضر بشکل دهانویسی در ایران و اکثر کشورهای جهان متداول است، از این منبع یعنی از طریق ارسال امواج آگاه مغزی صورت و انجام می‌گیرد که بعداً درباره آن بطور مفصل صحبت خواهد شد.

خامساً - این امواج آگاه مغزی علاوه بر انسان، بر روی حیوانات و اشیاء جامد نیز اثر می‌کند.

در کتابهای علوم غریبه می‌خوانیم، که فلان دعا را بگردن گاو یا گوسفند به بندید، راحت خواهد ذائقید و یا بیشتر شیر خواهد داد، بعداً بررسی خواهیم کرد، که آیا این دعا، رابطه مستقیمی با امواج مغزی صاحب گاو و گوسفند دارد یا علل و عوامل مؤثر دیگری دارد.

سادساً - در کتاب علوم غریبه مطالبی هست که غیر قابل باور و عجیب است که حالا علت علمی و فیزیکی آنها کشف میشود ، نظیر سنگباران کردن خانه‌ای از غیب یا تخریب و ویران کردن اجنه یا بارانیدن باران و نظایر آن ، که بطور مفصل درباره آنها بحث خواهد شد .

نتیجه :

وقتی امواج مغزی قادر است بر وسائل مکانیکی و فلزی اثر بگذارد ، شکی نیست بر هر موجد غیر فلز که انسان و حیوان هستند اثر خواهد گذاشت که بدبختی یا خوشبختی آفرین است

مبحث دوم

دلیل دوم

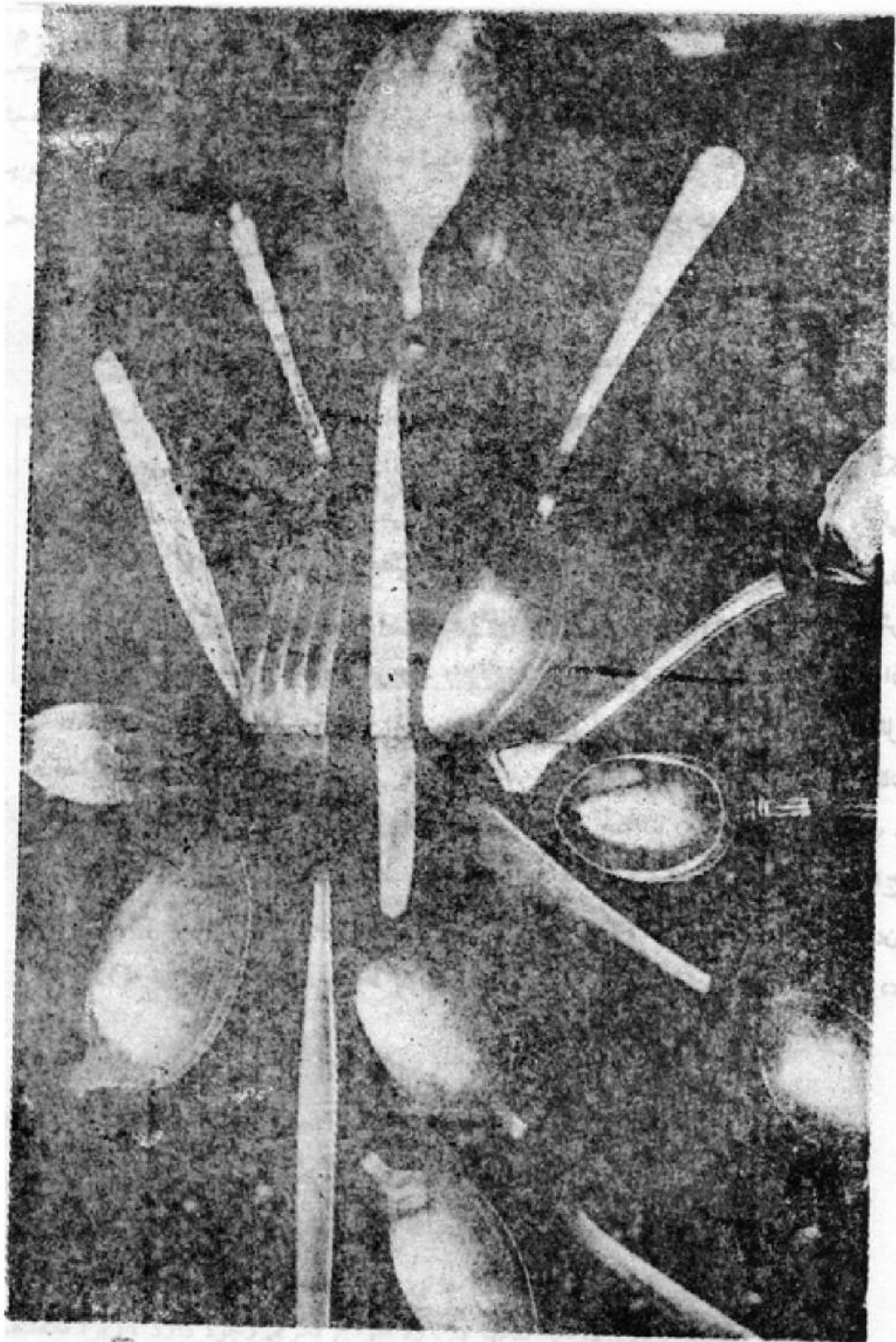
امواج فکری عاشق و چنگال را خم می کند

خم کردن اشیاء و ابزار فلزی به قدرت امواج آگاه مغزی

در سال ۱۹۶۹ در کالیفرنیا در ناحیه لوس آنجلس در دانشکده متافیزیک دوره دکتری متافیزیک را میگذراندم ، عنوان رساله دکتری خود را « امواج آگاه کیهانی » انتخاب کرده بودم ، برای نوشتن این رساله در جستجوی کتابهایی در همین زمینه بودم ، که بین دهها جلد کتاب چهار جلد کتابهایی را انتخاب کردم که علاوه بر اثبات علمی و تجربی تصاویر زیادی در این کتابها درباره امواج فکری وجود دارد ، زیرا معتقد هستم که يك تصوير بیش از صدها صفحه نوشته ایجاد باور می کند ، این کتاب در حدود دویست

صفحه است که توسط دانشمندی بنام « دیوید تانسلی » نوشته شده است ، من مجبور هستم این دوست صفحه کتاب را تاجائیکه ممکن است وامکان دارد خلاصه کنم این کتاب که تماماً ترجمه شده است، انشاء الله تحت عنوان «اثر امواج فکری بر روی فلزات» در آینده چاپ خواهد شد .

من معتقدم ، یاصبک وروش نویسنده گی نگارنده اینست که مطالب باید خواننده را نکان بدهد، در خواننده تغییر و تحول ایجاد نماید، در خواننده شور و نشاط و هیجان ایجاد نماید، برای خواننده اعجاب انگیز و حیرت زا باشد ، در اینجا و درباره این کتاب هم مسئله و مطلبی که می توان گفت که اعجاز انگیز و هیجان زا میباشد اینست که ، صدها سال بلکه هزاران سال دانشمندان فلاسفه ، عرفا از نیروهای ماوراء الطبیعه صحبت کرده اند ، ولی چون نوشته و گفته آنها ملموس ، عملی و قابل آزمایش نبود، بغیر از معدودی از مذهبیین برای اکثر مردم جهان قابل باور نبود ، و حالا در این چند سال اخیر ، وضعیتی پیش آمده که برخی از مسائل و قضایای مربوط به ماوراء الطبیعه بطور عملی اثبات شده است از آنجمله تشعشع امواج فکری ، که اثبات عملی تشعشع امواج فکری بسیاری از مسائل و قضایای دیگر ماوراء الطبیعه را نیز حل می کند، مثلاً به یکباره ثابت میشود که اساس کار جادوگرهای قدیم تا به امروز ، عاوم غریبه و بسیاری از مطالب روانشناسی سرنوشت ، خوشبختی و بدبختی افراد همه مربوط به وجود امواج فکری و چگونگی استفاده از امواج فکری و سایر امواج کیهانی میباشد ، پس از این مقدمه کوتاه مقداری از نوشته های این کتاب را که ثبت وقایع عملی مربوط به تشعشع امواج فکری است در زیر بیان میشود:



در این تصویر مشاهده می‌نمائید که تعدادی از کارد ، قاشق و چنگال‌ها
 بكمك امواج فكري خم شده‌اند

ثبت وقایع :

در شامگاه روز جمعه ۲۳ ماه نوامبر سال ۱۹۷۳ ، تماشاگران تلویزیون بریتانیا با مشاهده منظره باور نکردنی خم شدن يك چنگال، تحت نفوذ امواج مغزی «یوری جالر» دچار حیرت و سردرگمی شدند، او نه تنها توانست چنگال را پس از يك دقیقه وارد کردن ضربات آرام بشکند، بلکه توانائی خود را در خم کردن چنگالی که روی میز بود، بدون آنکه آن را لمس کند، به نمایش نهاد.

نتیجه :

وقتی امواج مغزی بتواند کارد و چنگال را خم کند، قادر است بر روی سر نوشت خویش و دیگران نیز اثر بگذارد

بکار انداختن ساعت

«یوری جالر» توانائی‌های عجیب خویش را با بکار انداختن عقربه يك ساعت، که خوابیده بود، و نیز با خم کردن عقربه ثانیه‌شمار ساعت، بدون اینکه شیشه ساعت را بردارد، به نمایش گذاشت.

بمحض پایان برنامه نمایشی فوق يك برنامه از گروه «دیمبلی بای» که همراه با توضیح و سخنرانی است، سروصدای شدیدی در بین حضار منتخب این برنامه آغاز گردید. مردم برای بررسی و کنجکاو دربارۀ اشیاء و لوازم خمیده شده یا شکسته شده وساعتی که در حال کار کردن بود، هجوم آوردند، برخی افراد شكاک اظهار می‌داشتند که این کار چیزی جز يك فریب نبوده است و يك جادوگر حرفه‌ای ادعا می‌کرد که، گربه و فرصت داده شود، می‌تواند همه این «چشم‌بندی‌ها» را انجام دهد. برخی نیز که به وجود قدرت‌های ماوراء حسی معتقد بودند، از این موضوع بعنوان پله پرسی برای نظریات شخصی خود و اشاعه آنها سود جستند.

تعدادی از آنها حتی کتابها و جزواتی را درباره نیروهای ماوراء الطبیعه در بین سایرین پخش کردند.

نتیجه :

وقتی امواج مغزی قادر است ساعت را به کار اندازد، همین ترتیب قادر است بر روی سر نوشت خود و دیگران نیز اثر بگذارد

آزمایشات در خانه‌ها

نمایش قدرتهای «یوری جلر» تأثیرات دیگری نیز داشت که در برخی موارد عده‌ای حتی از «جلر» نیز سبقت گرفته و در خانه‌های خود به‌خیم کردن و شکستن اشیاء و بکار انداختن عفر به‌های ساعت‌های کهنه و از کار افتاده خود پرداختند. صدها نفر به «بی‌بی‌سی» تلفن کرده، به توضیح در اطراف تجارب خود پرداخته و عده‌ای نیز درباره آن نامه نوشتند و حتی ماه‌ها پس از پایان این نمایش، در زمانی که این سطور نوشته‌میشد هنوز میاهو و جنجال در این باره پایان نیافته بود.

عکس‌العمل پرسرو صدا در برابر نمایش «جلر» از آن زمان همچنان باقی است و گاه‌گاه بجائی رسیده است که عده‌ای آن را فریب افکار عمومی و خدشه به عقاید عامه دانسته‌اند، «جلر» نمایش‌های دیگر را نیز پس از این برنامه در بریتانیا ارائه داده و سپس به کشور خود باز گشته است، وی همچنین قدرت خود را در بسیاری کشورهای دیگر و از جمله نروژ، سوئد، فرانسه، آلمان، ژاپن و ایالات متحده به نمایش نهاده و به هر جا که سفر می‌کند، عکس‌العمل و هیجانی شدید را برمی‌انگیزد.

بسیاری از افراد از نزدیک شاهد خم شدن فلزات بوده‌اند و باور کردن این موضوع که جهود عینی در تمام موارد فریب خورده باشند، دشوار است.

نتیجه :

تأثیر قدرت امواج فکری ققط مخصوص «یوری جلر» نمی‌باشد، بلکه بسیاری از افراد دیگر نیز در خانه‌های خود می‌توانند گارد و چنگال‌ها را با امواج فکری خم کنند

افراد دیگر :

بهر حال افراد دیگری هم وجود دارند که دارای قدرتهائی مشابه با نیروی «جلر» هستند، و بسیاری از آنها هم جوان می‌باشند، از جمله کم‌سن‌ترین آنها يك فرد هفت ساله است، تعدادی از این بچه‌ها می‌توانند يك فلز را بدون لمس کردن خم کنند، وقتی

عده‌ای از جمله کودکان پس از نمایش تلویزیونی جلو درخانه‌های خود شروع به خم کردن کارد و چنگال‌ها می‌کنند معنی‌اش اینست، که در اکثر بلکه همه مردم امواج مغزی کم و بیش وجود دارد.

ثانیاً - ثابت میشود که نمایش تلویزیونی «جلر» شبیه‌بازی نیست در چهار تصویر صفحه ۲۲ خم شدن کارد کاغذبری را توسط امواج مغزی «جلر» که از چشم‌هایش بر کارد وارد میشود مشاهده می‌نمائید.

- در تصویر شماره (۱) کارد هنوز خم نشده است.
- در تصویر شماره (۲) کارد کمی خم شده است.
- در تصویر شماره (۳) کارد بیشتر خم شده است.
- در تصویر شماره (۴) کارد باز هم بیشتر خم شده است.

تاریخچه زندگی جلر :

جلر در سال ۱۹۴۶ بدنیا آمد، و بقول خودش اولین بار در سه سالگی متوجه نیروی خودش. در هفت سالگی متوجه شد که می‌تواند عقربه‌های ساعت مچی خود را به عقب برگرداند و بعد دریافت که حتی قادر است آنها را خم کند.

يك خبرنگار «نیوز آف^۱ ورلد» (اخبار جهان) میگوید من خودم دیدم که او يك صفحه فولادی بسیار محکم را که روی میز قرار داشت به خم شدن واداشت ناگهان «جلر» دست خبرنگار را گرفت و گفت: «آن گوشه اتااق را نگاه کن، آینه بر روی میز در حال حرکت و نوسان بود، آن چند دقیقه حرکت کرد و کم کم آنقدر خم شد که دقیقاً بشکل حرف U درآمد.

نتیجه :

وقتی امواج آگاه مغزی بتواند صفحه فلزی را خم کند این
امواج مغزی قادر است بر روی همه اعمال و رفتار و
سرنوشت خود و دیگران اثر بگذارد

« یوری جگر » در حال خم کردن کارد با امواج فکری



تصویر شماره (۲)
کارد کمی خم شده است



تصویر شماره (۱)
کارد هنوز خم نشده است



تصویر شماره (۴)
کارد باز هم بیشتر خم شده است



تصویر شماره (۳)
کارد بیشتر خم شده است

خم کردن کلیدها :

موضوع خم شدن کلید مربوط به کلید درب يك هتل بود . «استاكادیل» می نویسد : «برنان» همکارش تازه کلید را در آورده و روی پاسپورت خود بر روی يك میز گذاشته بود . هم من و هم «برنان» مطمئن هستیم که «پوری» اصلاً به آن نزدیک نشد با اینهمه فقط چند دقیقه بعد از آن «برنان» متوجه شد که کلید به دو قسمت شده است . این اعمال توسط «جلر» چنان زیاد و بکرات اتفاق افتاده است که بندرت می توان درباره آنها شك کرد . در نمایشی که «جلر» در «میلر تون و داد» تعدادی از کلیدهایی که در جیب های افراد بودند نیز خم شدند ، يك محافظ امنیتی که در قسمت دیگر ساختمان نشسته بود ، می گفت : حالا من با این کلید مچاله شده ، چگونه می توانم درب را قفل کنم ؟»

گزارش «جك آلونیز» در «جانندی ۴میر» در مورد کارهای جلر در يك هتل در لندن که طی آن او يك کلید را خم کرد ، چنین است : « طی این مدت کلید من در دست خودم بود ، من به آن نگاه کردم و وقتی دیدم که شدیداً خم شده است ، دچار حیرت شدم .»

گزارش يك خانم خانه دار :

خانمی از «ایلزفورد» میدل ایکس» در توصیف حوادثی که در طی بخش «شودیمبلی» برایش پیش آمده ، گفت : «من چهار چنگال و چهار قاشق را در این زمان که «پوری» به آرامی به چنگال ضربه میزد در جلوی تلویزیون گذاشته بودم . من اصلاً باور نمی کردم که چیزی اتفاق بیفتد، ولی وقتی نگاه کردم، دیدم که یکی از چنگال ها و سه عدد از قاشق ها مچاله شده اند ، یک ساعت پس از آن برنامه من دیدم که همه آن اشیاء بی شکل شده اند . این واقعاً ترسناک بود ، من سعی کردم خودم هم این کار را انجام دهم ولی نتوانستم . يك

1 - Stockdill

2 - BeRnnoN

3- Jack Lewie

4 - JuNday MiRoR

تماشاگر دیگر خبر داد که يك ملاقه سوپ غوری دردست او خم شده است ، سی مایل آن طرف تر ، در اطراف لندن يك النگوی طلا نیز مچاله شده بود .

نتیجه :

۱- امواج مغزی برخی از اشخاص استثنائی قادر است کارد و چنگال را خم کند .

۲- این امواج مغزی باید در همه وجود داشته باشد، ولی در برخی بسیار زیاد و قوی است ولی در برخی بسیار کم و ضعیف است .

۳- با تمرین تمرکز و خود هیپنوتیزم می توان این امواج مغزی را تقویت نمود .

۴- وقتی امواج مغزی بتواند فلزات را خم کند، قادر است کارهای بسیار دیگری را نیز انجام دهد .

۵- امواج مغزی می تواند شخص را به همه امیدها و آرزوهایش برساند .

۶- بسیاری از مسائل علوم غریبه (دعانویسی) مربوط به ارسال امواج فکری است .

نامه و گزارش دیگران :

افراد بسیاری برای شخص من «دیوید هانسل» در این باره نامه نوشته اند خانمی از «لیورپول» نوشته که پس از آن برنامه ، پسر من که ۱۷ ساله است علاقمند بود که در کثو کارد و چنگال و قاشق های آشپزخانه را نگاه کند تا ببیند آیا چیزی تحت تأثیر قرار گرفته است یا خیر ، و جاب آنکه او بلافاصله تمام کثو را برای من آورد، در ابتداء من چیزی پیدا نکردم ، ولی ناگهان پسر من که رنگش پریده بود ، به يك چنگال اشاره کرد، که از چند جا خم شده و تقریباً از ریخت درآمده بود .

موضوع جالب درباره این مورد آن است که این خانم بدون آنکه قبلاً از پخش چنین برنامه ای آگاه باشد ، ناگهان بصورتی الهام آمیز از پخش آن مطلع گردیده بود . برخی از اشیاء تحت نفوذ نگاه «جلر» ابتدا اندکی خم شده و سپس مثلاً در طول

شب به خمیدن ادامه میدادند که از جمله آنها يك ميل بافتی استیل بود که ابتدا ۱۵° درجه و سپس ۱۰° درجه دیگر خم شد، در يك خانه در جنوب انگلستان در موقع پخش این برنامه، خانم خانه فاشقی بدست داشت ولی هیچ تغییری نکرده، در نتیجه آنرا در جای خود در کثو آشپزخانه گذاشتند، ولی صبح روز بعد وقتی شوهرش کثو را باز کرد تا يك فاشق برای هم زدن قهوه بیاورد، متوجه شد که یکی از چنگال‌های استیل، که حتی دختر جوانشان قادر به خم کردن آن نبوده از چند جا خم شده است و حال آنکه زن و شوهر هر دو قسم می‌خورند که از موقع شام شب قبل تا آن موقع به آن چنگال دست نزده‌اند.

بکار افتادن ساعت‌ها :

پدیده دیگر، یعنی بکار انداختن يك ساعت خراب یا خوابیده نیز در جاهای دور از جملر اتفاق افتاده است. من گزارشات فراوانی را از افرادی دریافت کردم که ساعت‌هایشان بکار افتاده بود و از جمله یکی از آنها از استرالیا بود و موضوع زمانی اتفاق افتاده بود که همین نمایش تلویزیونی پس از انگلستان در آنجا (استرالیا) نیز نشان داده شده بود. در این مورد خاص از مجموع پنج عدد ساعتی که قبالا کار نمی‌کردند، چهار ساعت شروع به کار کرده بودند.

ساعتی که ۱۴ سال بود کار نمی‌کرد

موضوع جالب دیگر در مورد ساعتی بود که چهارده سال بود کار نمی‌کرد و چندین تعمیرگاه نتوانسته بودند آن را بکار بیندازند. من آنرا در موقع پخش برنامه روی میز و در نزدیکی خود قرار دادم. درست زمانی که جملر توانست طی برنامه تلویزیونی چند ساعت دیگر را بکار بیندازد، این ساعت نیز شروع بکار کرد !!!

من «دیوید هانسل» خودم شاهد بکار افتادن چندین عدد ساعت توسط جملر بوده‌ام. او هرگز آنها را لمس نمی‌کند، بلکه از کسی دیگر می‌خواهد تا آنها را نگهدارد و او فقط دستش را بر بالای آن ساعت‌ها نگه میدارد.

نتیجه :

- ۱- امواج مغزی قادر است ساعت‌ها را بکار اندازد.
- ۲- امواج مغزی قادر است ده‌ها مشکلات خانوادگی، شخصی و اجتماعی و اقتصادی اشخاص را حل کند.

حرکت اشیاء از فواصل دور

✽ انتقال قاب دوربین از نیویورک به اسرائیل .

✽ امکان آوردن پول توسط موکلین .

گزارشات نشان می‌دهند که جلر کارهای شگفت‌انگیزتری را نیز انجام می‌دهد ، یکی از این اعمال ، حرکت دادن اشیاء از فواصل بسیار دور می‌باشد .

اولین باری که دکتر « آندریا پوهارزش » روانشناس ، که تحقیقات زیادی را در مورد جلر انجام داده بود ، به اسرائیل رفت ، متوجه شد که قاب دوربین فیلمبرداری خود را در نیویورک جا گذاشته است ، او این را به جلر گفت و صبح روز بعد صدای تلفن او را از خواب بیدار کرد ، این جلر بود که می‌گفت يك قاب دوربین را در اتاق خودش پیدا کرده است . دکتر پوهارزش می‌گوید : من به آنجا رفتم و دیدم این دقیقاً همان چیزی است که من شش هزار کیلومتر آنطرفتر در يك سالک در بسته و در نیویورک جا گذاشته‌ام حتی علامت‌هایی که روی آن زده بودم ، همچنان باقی بود .

بعلاوه وقتی به آمریکا برگشتم ، آن سالک را باز کردم و دیدم که قاب دوربین در آنجا نیست . از آن موقع تاکنون جلر بارها نشان داده است که دارای استعداد و قدرت حرکت دادن و انتقال اشیاء فیزیکی در فاصله‌های بسیار دور و طولانی ، به‌وسیله تمهیدات و نیروهای ناشناخته می‌باشد .

در کتابهای علوم غریبه‌می‌خوانیم که با انجام عملیاتی عرفانی و با خواندن اوراد و نوشتن ادعیه‌ای ، مقداری پول و درهم از غیب برای آنها می‌رسد ، با توجه به قدرت جلر می‌توان قبول کرد که این نوشته‌ها و ادعاهای استادان علوم غریبه باید صحت داشته باشد .

کنارش افراد دیگر :

✽ شکسته شدن شش پیچ گوشتی .

✽ انتقال تخم مرغ از لندن به نیویورک :

✽ انتقال قاب دوربین از کره ماه به زمین .

✽ جلر جسم خود را جا می‌گذارد .

افراد دیگری نیز وجود دارند که ادعا می‌کنند ، که‌واحدی را در این مورد دارند .

دکتر « ای . سی . باستین » از کمبریج می گوید که کوشش هدد پیچ گوشتی او توسط همین نیرو در خانه ای واقع در فیلادلفیا به يك محل دیگر منتقل شده و در طی این روندهمگی شکسته شده اند .

يك تخم مرغ تزئین شده از يك كشو واقع در آپارتمانی در لندن به خانه جلدواقع در نیویورک منتقل شده است . و اما اکنون آقای « ادوارد همپچل » فضاورد می گوید جلد توانسته است، قاب دوربینی را که او در سال ۱۹۷۱ عمداً در کره ماه جای گذاشته است ، به او بازگرداند .

این همه ماجرا نیست . جلد مدعی است که بدن خود را در نیویورک جا گذاشته و به « ریودو ژانیرو » سفر کرده است و دکتر پورهاربش می گوید که جلد را در حال سوار شدن به يك شینی پرندۀ ناشناس که بشکل يك صفحه بزرگ بوده و بر بالای آن چراغی آبی رنگ روشن بوده است ، در وسط صحرا مشاهده کرده است .

در تعریف وقایع عرفانی اسلامی بسیار نقل شده است که برخی از روحانیون در زیارتگاهها دیده شده اند ، درحالیکه در همان لحظه بدن وجسمشان در منزل خودشان در فاصله چند صد کیلومتری بوده است .

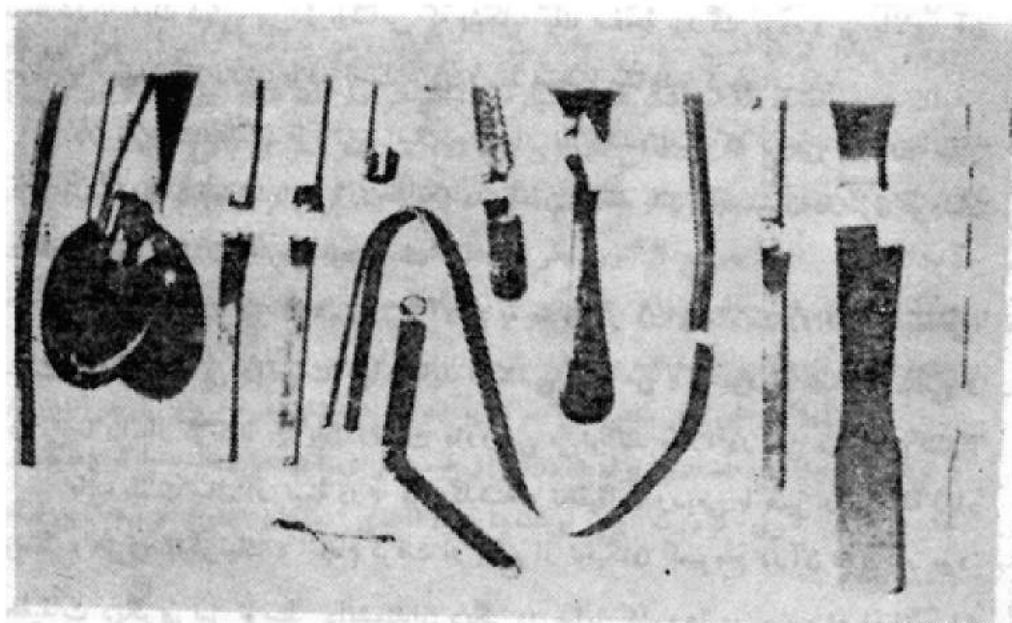
جاذبه مذاهب نیز از همین نیاز آدمی به چیزی در ورای مادیت و واقعیات سطحی، نشأت می گیرد . این واقعیات پنهان باید انعکاسی از « من » ما بوده و تصاویر ذهنی و درونی ما را بازگو کنند . آیا ادراکات ماورایی می توانند ما را در این راه پاری کنند؟! طی بیست سال از نیمۀ دوم قرن گذشته ، تحقیقات وسیعی با صبر و حوصله زیاد توسط « هنری سینگوئیک » انجام گرفت او یکی از نخبگان کمبریج در آن روزگار بود . تحقیقات دیگری نیز توسط دانشمندان دیگر در سایر کشورها در مورد افراد انجام گرفت ، تمام نتایج کمابیش یکسان بودند ، این پدیده ها به سادگی قابل توضیح نبودند، ولی در عین حال جنبۀ فریب نیز نداشتند تعدادی از محققان دانشمندان بر جسته بودند که پس از انجام آزمایشاتی دقیق به اصالت این پدیده ها اعتقاد یافتند .

پرفسور « ریشه » فیزیولوژیست فرانسوی و « سرالیور لاج » منخصص علوم طبیعی از انگلستان نیز از جمله افراد فوق بودند . آنها مشترکاً در مورد خانمی بنام « یوزا پیاپالادینو » تحقیق کردند . او قادر بود در حالی که محققین دستها و پاهایش را در

کنترل داشتند ، برخی از اشیاء را از زمین بلند کند .
کنترل ذهن بر روی مواد ، بالا بردن یا حرکت دادن اشیاء که معمولاً « پسیکو
کینه‌سس » (P.K) نامیده میشود، مورد بررسی قرار گرفت.

امواج الکتریکی مغز

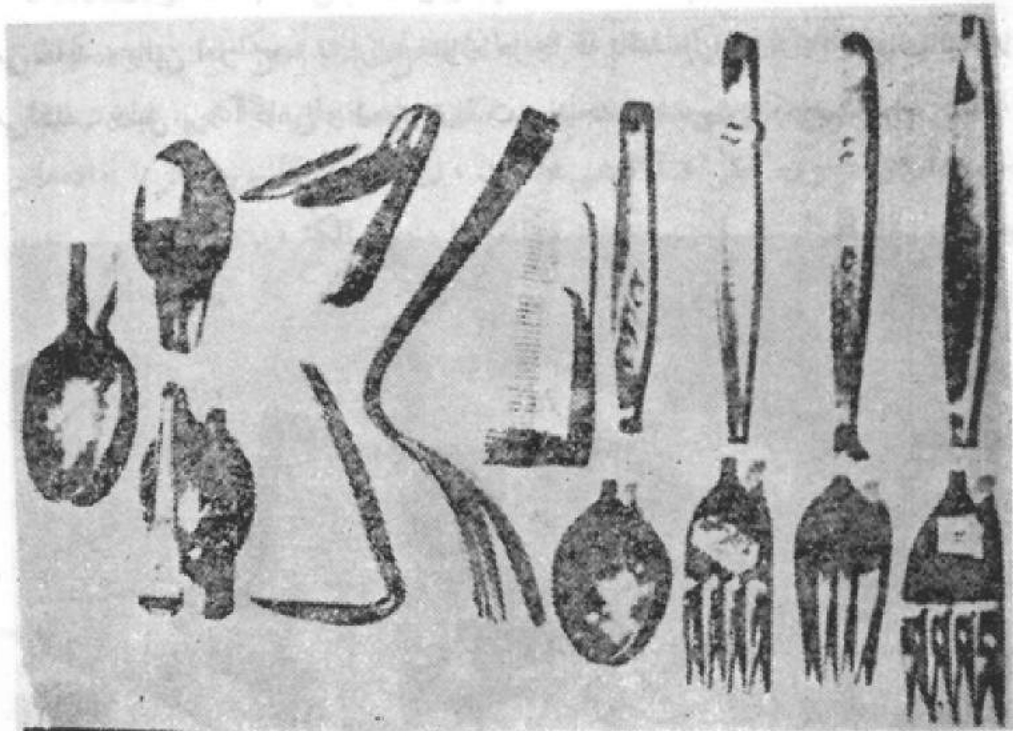
آخرین مرحله آزمایشات، تعیین اساس فیزیکی تأثیری بود که از هیپنوتیزم -
کننده و از طریق دیوارهای ضخیم آجری به سوژه انتقال می‌یافت . همانگونه که



تعدادی از وسائل فلزی (قیچی چاقو سنجاق‌های مختلف ، میله‌های
آهنی) که با امواج فکری خم شده‌اند

« واسیلیف ۱ » می گفت : « ما همگی مطمئن بودیم که آن چیزی جز امواج رادیوئی نمی تواند باشد . ما می توانستیم تصورات دیگری نیز در این باره داشته باشیم . چون میدانیم که در مغز امواج الکتریکی فعال وجود دارند و هر جریان الکتریکی فعال دارای میدان الکترومغناطیسی یا امواج رادیوئی است . » این نظریه به کرات ابراز شده است ، ولی در این مورد آنها تصمیم گرفتند که آزمایشات بیشتری را به انجام برسانند .

در اینجا من (کابوک) لازم میدانم مطلبی را اضافه کنم ، که « واسیلیف » و



قاشقها ، چنگالها ، شانهها ، و نوارهای فلزی و پلاستیکی و سوهان و سنجاق قفلی که همگی در اثر يك تماس خفیف خم یا شکسته شده اند

۱ - واسیلیف دانشمند روسی که در باره تله پاتی ، روشن بینی و E . S . P آزمایشات زیادی انجام داده است .

« دنیای دوم هیپنوتیزم »

سایر آزمایش کنندگان به آن توجهی نکرده اند و آن عبارت از «آگاهی»، «هشیاری» «دانا» بودن و «اراده» داشتن این امواج است .

به چه دلیل این امواج دارای «آگاهی» و «شعور» هستند ؟

دلائل بسیار واضح و روشن است . وقتی هیپنوتیزم کننده ، امواج مغزی خود را برای خواب کردن سوژه ارسال می نماید ، و این امواج هم به سراغ سوژه هر جا که باشد می رود و او را خواب می کند ، دلیل بر «آگاهی و شعور» است .

وقتی هیپنوتیزم کننده امواج مغزی خود را برای بیدار کردن سوژه ارسال می نماید ، و این امواج هم به سراغ سوژه هر جا که باشد می رود و او را از خواب بیدار می کند ، دلیل بر «آگاهی و شعور» است ، نتیجه این است ، که هیپنوتیزم کننده



دو عدد قاشق که توسط يك پسر بچه ۱۵ ساله و با نیروی ذهنی درهم پیچیده شده اند

می تواند خواسته و اراده خود را هر چه که باشد برای سوژه می فرستد ، در واقع امواج ازمغزی « آگاه و باشعور » ارسال می گردد ، در نتیجه امواج همان آگاهی و شعور ارسال کننده را دارد .

اجازه بدهید قدری پارا فرانر بگذاریم ، شاید این حرف برای شما خیلی جالب ، عجیب و جدید باشد ، شاید خیلی حیرت زده مات و مبهوت شوید و شاید هم ابتدا باور نکنید ، شاید اصلاً باور نکنید ، و خیلی ها هم باور نکنند آن چیزی که شما باور نمی کنید اینست که بگوئیم ؛ « سنگ ، چوب و آهن ، همه شعور دارند » این مطلب را احتمالاً فیزیکدانها و اتم شناسان بخوبی باور می کنند ؛ باور می کنند ، که در دنیا هیچ چیز بی شعوری نیست ، کوه ، دریا ، ابر ، آهن ، همه و همه چیز دارای شعور ، عقل و آگاهی هستند ، زیرا بطور کلی مواد یا ماده ها و جامد ها از اتم هائی ترکیب شده اند و اتم ها دارای الکترون و پروتن هستند و الکترون های اتم دارای روح و آگاهی میباشند ، این حقیقت را من در کتاب « شعور ، این ناشناخته » نوشته : « ژان شارون » ترجمه آقای دکتر محسن فرشاد خواندم ، که بعداً بطور خلاصه درباره آن بحث خواهیم کرد و در اینجا فقط چند سطر از آن ذکر میشود : « آیا غیر از این مسئله چه چیز دیگری ثابت می کند که الکترون ها دارای کیفیت روانی هستند ، ما می بینیم که الکترون ها بین خود ، بدون هیچ کمکی از خارج سیستمی (یا دستگاهی) می سازند که بطور مداوم نظم خود را روبه گسترش برده و تکامل پیدا می کنند ، یعنی محتوای آگاهی خود را نیز کامل می نمایند . »

سایر مدعیان خم کنندگان فلز

❖ لبه آهنی کلاه پلیس خم میشود .

❖ ماهی تابه مجاله میشود

❖ ساعتها بکار می افتند

سه بار اجرای برنامه توسط « یوری جلر » در برنامه های « جیمی ' یانگ » و « دیمبلی ' بای » و « بلوپتر ^۲ » در تلویزیون انگلستان ، باعث شد که در سرتاسر انگلستان عده زیادی خم کردن فلز را مورد امتحان قرار دهند . به علت سرعت ارتباطات در جهان امروز ، عکس العمل در برابر کارهای « جلر » بسیار شدیدتر و سریع تر از عکس العمل مربوط به کارهای خواهران « جلر » به سال ۱۸۴۹ در امریکا بود ، افراد زیادی ناگهان پی بردند که خودشان قادر به خم کردن فلز هستند و صدها نفر نیز مدعی شدند که می توانند به اراده خود ساعتی را بکار بیندازند و یا متوقف کنند . این شیوع اولیه کم کم منجر به افزایش تعداد این افراد شد که هنوز هم ادامه دارد . هر هفته بطور متوسط يك یا دو نفر ظهور می کنند که مدعی هستند می توانند ظروف را خم کنند . هرگاه که جلر در تلویزیون ظاهر شود و یا در رادیو صحبت کند این موضوع اوج و شدت بیشتری می گیرد . ساعتها پس از برنامه جلر سیل تلفن ها بطرف رادیو و تلویزیون جاری شده ، اطلاع میدهند که قادر هستند همان کارها را انجام دهند . هرگاه که جلر در رادیو یا تلویزیون برینانیا ظاهر میگردد . يك تب همه گیر در این خصوص شایع شده وعده زیادی داوطلب خم کردن فلزات وقاشق و نظایر آن میشوند حضور جلر در برنامه شو تلویزیون « جیمی یانگ » در ۲۹ اکتبر ۱۹۷۴ چنین تأثیری را بیار آورد و صدها نفر تلفن زدند ، یکی از موارد جالب این بود که در آن لحظات يك پلیس پی برده بود که لبه کلاهش در حال خم شدن است . او می گفت : « من نمی دانم چگونه این نکته را در ایستگاه پلیس توجیه کنم ... »

بیشتر افراد بزرگسال دیده میشوند که از جمله آنها يك كاسب می باشد که در « ساوت - ۱ ایست » زندگی می کند . او در حال گوش دادن به بحثی در مورد « یوری جلر » از برنامه رادیوئی « جیمی^۲ یانگت » بود و در همان حال ناهار میخورد او می گوید : « من طبق عادت هر موقع که برنامه جلر پخش می شد يك قاشق دسر را به آرامی می سائیدم . نه تنها قاشق بصورت يك زاویه قائمه خم شد ، بلکه دو وسیله دیگر آشپزخانه نیز خم شدند ... » ماهی تابه استیل من طوری شده که انگار يك غول آن را مچاله کرده است و يك وسیله دیگر آشپزخانه هم به دو نیم شده است . »



کاسبکاری که يك میله بزرگ فلزی در دستش خم شده است

او یکبار دیگر هم به این برنامه تلفن کرد و گفت که موقعی که آنها مشغول صحبت کردن با جلد بودند ، يك كليد در نزدیکی او خیم شده است .
ما ، يك خانم از اهالی ویلز را می شناسیم که شوهرش شاهد موفقیت او در خیم کردن يك چنگال بود . او از آن موقع تا کنون دیگر نتوانسته است این عمل را تکرار کند .

خیم کردن توسط کودکان

درباره خیم کردن فلزات بیشترین تعداد را کودکان تشکیل میدهند در بین آنها پسری وجود دارد که از او خواسته شده تا همراه برادرانش نسبت به خیم کردن فلز اقدام کند . او حتی یکی از برنامه های جلد را هم ندیده بود و لازم بود به او آموخته شود که چگونه ضربه های بسیار آرامی را بر فلز وارد کند پس از نیم ساعت قاشقی که در دست او بود تا حد زیادی خیم شد .

مورد بعدی ، يك خانم جوان ۲۸ ساله است . چند روز پس از پخش برنامه جلد يك عده در يك رستوران خواستند تا آن عمل را انجام دهد این گروه تعدادی جادوگر بودند . پس از این آزمایش یکی از آنها نوشت : « پس از سه یا چهار دقیقه قاشق شروع به خیم کردن نمود و عاقبت بصورت زاویه قائمه درآمد . آن خانم قاشق را در ماشین خود گذاشت و فردای آن شب هم که نگاه کردیم ، باز هم قاشق خمیده بود . شب گذشته من تلفنی با او صحبت کردم ، او به من گفت که در حالی که قاشق را در دستش گرفته بود قسمت بالای قاشق جدا شده است ... هر دو مورد بدون تأثیر پذیری از جلد اتفاق افتاده بود .

اثر امواج مغزی بر گوشت و خون و استخوان

در اینجا موضوعی مطرح میشود که آن نیروئی که باعث خیم شدن یا شکسته شدن فلز یا وسایل میگردد ، می تواند بر خود فرد و گوشت و خون و استخوان نیز

اثر بگذارد، تاکنون گزارشاتی داده شده است که تعدادی از این کودکان دچار سردرد شده و یا خانواده‌هایشان دچار این مشکلات گردیده‌اند، همچنین حالت خاص خلسه‌ای که در بین آنها ایجاد می‌گردد حتی گاهی باعث شده است که آنها بی‌اراده به اینسوی و آنسوی بروند و در معرض خطر قرار گیرند.

در یک مورد من به پدر و مادر یک دختر و پسر هشدار دادم که مواظب آنها باشند زیرا بنظر می‌رسید که دیگر غیر قابل کنترل شده‌اند، ولی اطلاعات زیادی در مورد خطرات این مسئله وجود ندارد و از طرف دیگر، نوارهای مغزی این کودکان در حین انجام عمل خم کردن فلز، هیچگونه تفاوت یا تغییر عمده را نشان نمی‌دهد.

نتیجه :

امواج مغزی بر جسم و روح نیز اثر می‌گذارد

گزارش روزنامه‌ها

روزنامه‌ها در مورد این افراد نیز گزارشات فراوانی داده‌اند، یکی از آنها که یک دختر یازده ساله بود، بقول مادرش توانسته است یک قاشق را خم کرده بشکل U در بیاورد و دو عدد میل بافتنی را با لمس کردن آرام خم کند.

مادر او ابتدا به این کار شک داشت ولی چند هفته بعد با دیدن کارهای او بصورت مکرر، به آن معتقد شد، دختر او می‌گوید: « راز این کار فقط در تمرکز است، من به آن می‌گویم که خم شود و فکر می‌کنم خم خواهد شد. »

موارد بسیار مستندی در این باره ارائه شده است که طی آنها بدون لمس کردن افراد توانسته‌اند فلزات را خم کنند، این موضوع در برنامه « دلی میرر » توسط « کلیفورد دیویس » و « جیل ابوانز » توضیح داده شده: « در هتل هیلتون لندن »

ما چهارده نفر بودیم که در سکوت دور میز نشسته بودیم ، و شدیداً تمرکز کرده بودیم پس از دودقیقه يك قاشق قهوه خوری نقره‌ای که روی آن عبارت « لندن هیلتون ۱۳ » نوشته شده بود ، خم شد ، هیچکس به آن دست نزده بود ، قاشق قهوه خوری ظاهراً خود بخود خم شد . ناگهان مدیر هتل عصبانی شد و گفت : « شما می‌توانید آن قاشق را برای خودتان بردارید ، ولی آن خانم را از اینجا بیرون ببرید چون من نمی‌خواهم تمام وسایل و ظروف مان خم شوند . »

برای خانمی که تصور می‌شد مسئول خم شدن قاشق در هتل هیلتون باشد ، يك موضوع جالب‌تر نیز اتفاق افتاد . او و شوهرش و سه بچه‌شان همگی دور میز غذاخوری نشسته و برخم کردن ابزاری که در دست‌هایشان بود ، تمرکز کرده بودند . پس از یکساعت آنها با مشاهده خم شدن بسیاری از اشیاء اطرافشان دچار حیرت و دست‌پاچگی شدند . حتی چنگالها و جا حوله‌ای نیز خم شده بودند و جالب‌تر آنکه همه آنها با يك زاویه ۸۰ درجه‌ای خم شده و فاصله آنها با اعضای خانواده یکسان بود ، آیا مادر مسئول این کار بود یا یکی از بچه‌ها ؟

در يك مورد دیگر يك دختر سیزده ساله قبل از شروع مصاحبه «پوری‌جلر» در يك برنامه رادیویی چند عدد قاشق را روی کف زمین گذاشت ، وقتی صدای جلر از رادیو پخش می‌شد آن دختر نشست و ضربانی آرام بر یکی از چنگال‌ها زد . طبق گفته مادر او ، که نشسته بود و شاهد این صحنه بود ، قاشق‌ها همگی خم شدند . يكروز نامه‌نگار دیگر می‌گوید که خودش دیده است که يك پسر بچه فقط با نگاه کردن به يك کلید آن را به میزان ۱۵ درجه خم کرده است . يك شرکت متالوژی طی آزمایشات گزارش داد که برای انجام این کار حداقل ۶۳ پوند نیرو لازم است و فقط يك مرد قوی می‌تواند چنین کاری را انجام دهد .

این پسر حتی توانست يك قاشق را که در بالای سرش قرار داده بود خم کند یکی از افراد نیز توانست يك فنر محکم را بصورتی خم کند که دیگر بحالت اولیه

برنگردد در برخی موارد اصلاً افراد فقط با قسمت نرم دست یا انگشت شست به اشیاء ضربه‌های آرامی زده و آنها را خم کرده‌اند.

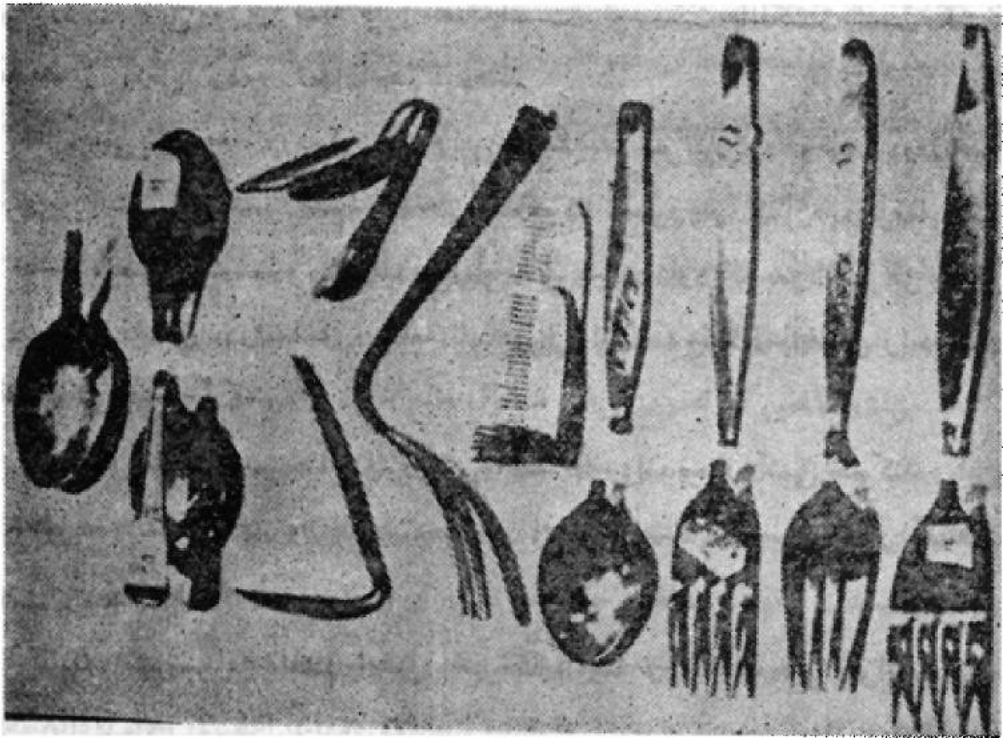
برخی از بچه‌ها در موقع انجام این عمل شدیداً تمرکز کرده و ضمناً درد خود تکرار می‌کنند: «خم شو! خم شو!» حتی يك كودك وجود دارد که آرام زمزمه می‌کند «خم شو، لعنتی، خم شو!» يك دختر بچه نیز وجود دارد که بدون تمرکز واقعی و درحالی که غرق در تماشای برنامه تلویزیونی است، چنگال با قاشق را در میان انگشتانش خم می‌کند.

گاهی نیز فرد می‌تواند يك شیئی را فقط به میزان بسیار کمی خم کند و این با بدلیل عدم تمرکز دقیق و یا بعلت حضور افرادی است که نسبت به کار آن فرد حالت تردید دارند.

يك دختر سیزده ساله در حضور خبرنگاران يك روزنامه محلی نتوانست يك قاشق را خم کند، ولی وقتی آنها آنجا را ترك کردند، او این کار را انجام داد. او همچنین پی برده است که حضور برادر کوچکترش باعث کاهش قدرت او میگردد، مشکلات اکثراً در اثر فشار روحی سوژه، که یا ناشی از حضور افراد بسیار کنجکاو و یا وجود دوربین تلویزیون می‌باشد، بوجود می‌آیند. این مسئله مشکلات زیادی را برای این افراد ایجاد کرده است.

این کار نیاز به مقدار زیادی انرژی دارد و افراد در پایان نمایش شدیداً احساس خستگی می‌کنند، يك پسر یازده ساله پس از انجام این کار شدیداً بی‌حال بنظر میرسید و تقریباً تمام سوژه‌ها دچار این حالت می‌گردند.

این موضوع خود دلیلی بر خروج انرژی از فرد در طی انجام این کار میباشد هنوز هیچ فردی را پس از این کار و قبل از آن وزن نکرده‌اند و شواهدی محکم در این باره که آنها دچار کاهش وزن می‌گردند، وجود ندارد، ولی ظاهراً اینجا مسئله‌ای هست که باید مورد کنکاش واقع گردد.



قاشقها ، چنگالها ، شانه‌ها ، و نوارهای فلزی و پلاستیکی و سوهان و سنجاق قفلی که همگی در اثر يك تماس خفیف خم یا شکسته شده‌اند نمونه‌های خم کردن اشیاء بدون لمس کردن آنها بصورت مستقیم، موضوعی گنگ است . این کار معمولاً با تمرکز انجام می‌گیرد وای برای يك كودك دوازده ساله این طرز تمرکز شدیداً چگونه امکان دارد ؟ حتی گاهی كودك پس از وارد کردن ضربات آرام و قطع تمرکز شدیداً توانسته است شیئی را خم کند . اینگونه بنظر میرسد که قطع توجه خود نوعی انرژی را آزاد می‌کند .

يك دختر سیزده ساله میگوید که هنگام تمرکز به يك شیئی ، پس از نیم ساعت تمام اشیاء اطراف بصورت تصویر بالامچاله شده درمی آیند. شکل این اشیاء بخصوص سنجاق‌ها بسیار تغییر می‌یابند و برگرداندن آنها به شکل اصلی دشوار می‌باشد .

تمام این موارد يك چیز را نشان میدهد و آن اینکه خم کردن اشیاء واقعیت دارد . «جلر» تنها کسی نیست که این کار را انجام میدهد و تازه غیر از بریتانیا در

سایر جاهای دنیایز اینکار انجام می گیرد . فراوانی تعداد افرادی که قادر به این کار هستند و تحقیقات وسیع توسط گروههای علمی در این مورد ، این پدیده را هر روز واقعی تر و ملموس تر میسازد .

این امواج مغزی ! چه نوع امواجی است ؟

در کتاب « قدرت امواج مغزی » درخصوص اینکه نوع موج مغزی از چه نوع امواجی است ، از آزمایشات زیادی نام برده شده است ، ولی نتیجه آزمایشات این بوده که : اولاً- این امواج مغزی صد درصد وجود دارد ، زیرا که اثرش ظاهر است ، ثانیاً - نوع موج فکری شبیه هیچکدام از امواج شناخته شده در فیزیک تا به امروز نمی باشد و علم امروز قادر به شناختن چگونگی و نوع امواج فکری افراد نیست .

این امواج فکری :

- ۱- از همه چیز و از همه جا عبور می کند .
- ۲- هیچ نوع فلز و عاملی قادر به قطع یا انحراف آن نیست .
- ۳- فاصله زمانی برای آن مطرح نیست ، یعنی میلیون ها کیلومتر راه را در همان زمانی طی می کند که چند متر راه را طی می کند .
- ۴- این امواج آگاهی و هشیاری و شعور مافوق دارد .
- ۵- به هیچ وسیله ای قابل لمس و درك نیست آیا جنس روح از همین موج است ؟

تعداد نیروهای شناخته شده در طبیعت تا کنون چهار نوع میباشند .

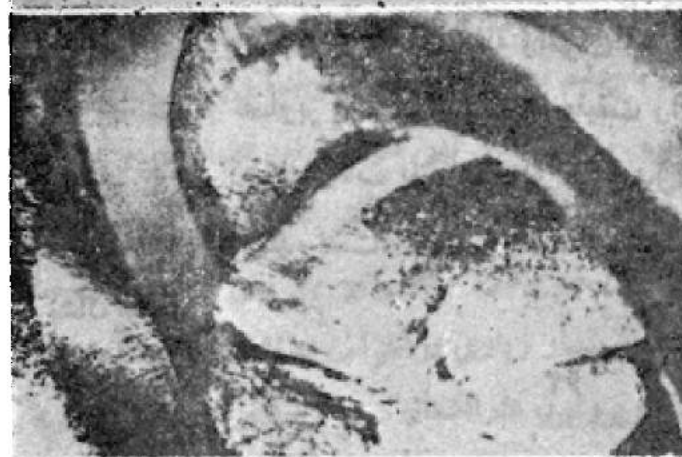
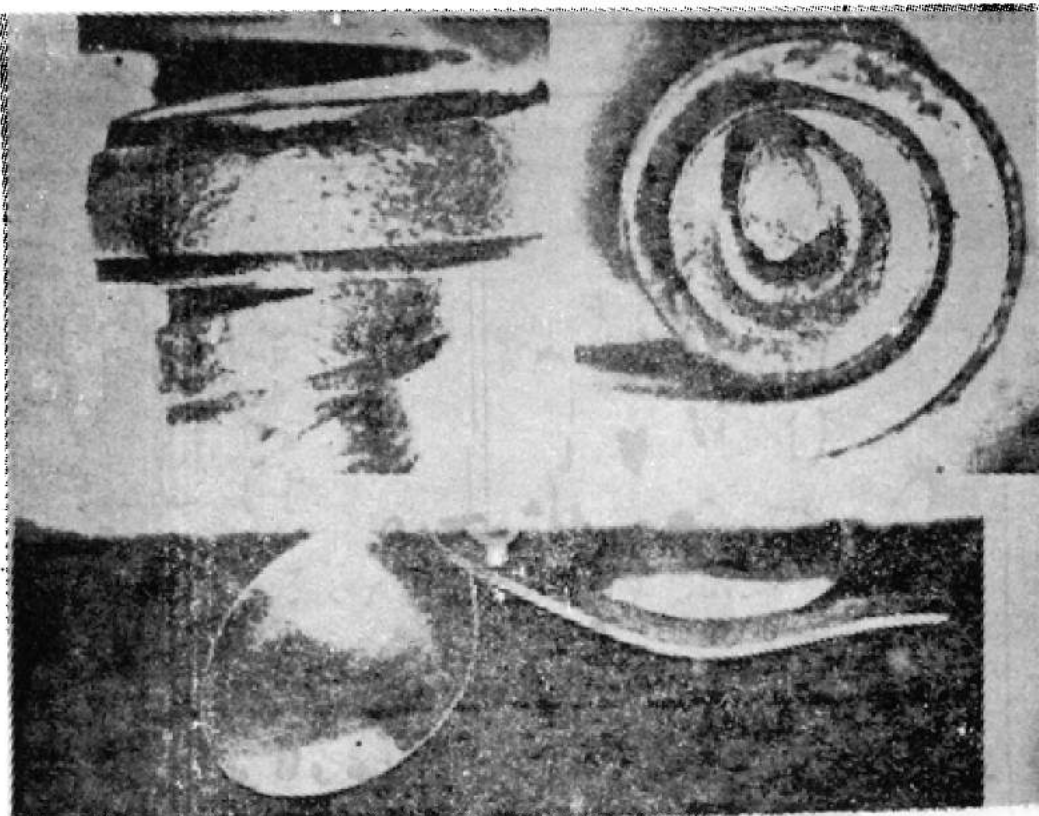
- ۱- الکترو مانیه تسم .
- ۲- نیروی بین ذرات مادون هسته ای که آن ذرات در درون هسته هراتم نگه میدارد .
- ۳- رادیو اکتیویته .
- ۴- نیروی جاذبه .

این نیروها دارای تأثیرات وسیعی بر دنیای اطراف ما هستند و بشر مسلماً تا کنون میزان پیچیدگی آنها را درک نموده است .

تشعشع الکترو مانیة نیک در برگیرنده انرژی پخش شده با سرعت سیصد هزار کیلومتر (۳۰۰۰۰۰) در ثانیه در خلاء می باشد. همانگونه که قبلاً گفته شده دارای طول موجهای گوناگون و وسیعی است . بنابراین امواج بلند رادیویی مثلاً دارای طول موج ده هزار کیلومتر و نیز امواج رادیویی و تلویزیونی با طول موجی بین یک سانتی متر و ده کیلومتر نیز می توانند وجود داشته باشند ؛ نور مرئی با یکدهم طول موج اشعه مادون قرمز حتی در یک رشته از فرکانسهای بسیار ظریف تر ، و اشعه های مادون بنفش از قسمت مرئی آن گرفته تا طول موج یک هزارم نور مرئی و نهایتاً اشعه های ایکس و گاما دارای طول موج کمتر از اشعه ماورای بنفش می باشند ، نیز همگی در این طیف وسیع واقع شده اند .

نتیجه :

- ۱- امواج مغزهای برتر قادر است فلزات را خم کند .
- ۲- این امواج مغزی باید در همه وجود داشته باشد، ولی در برخی بسیار زیاد و قوی است و در برخی بسیار کم و ضعیف است .
- ۳- با تمرین تمرکز فکر و خود هیپنوتیزم می توان این امواج مغزی را تقویت نمود .
- ۴- وقتی امواج مغزی بتوانند فلزات را خم کنند ، قادر میباشند کارهای بسیار دیگری را نیز انجام دهد .
- ۵- امواج مغزی می تواند شخص را به همه امیدها و آرزوهایش برساند .
- ۶- بسیاری از مسائل علوم غریبه (دعانویسی) مربوط به ارسال امواج فکری است .



بالا: « دو عدد قاشق که توسط
 يك پسر ۱۵ ساله با نیروی
 ذهنی درهم پیچیده شده اند . »
 زیر : « دسته يك قاشق چای
 خووی نقره که در اثر نیروی
 « پسیکو کینه سیس » درهم
 پیچیده شده اند . »
 زیر : « نمای جانبی همان
 قاشق خم شده . »

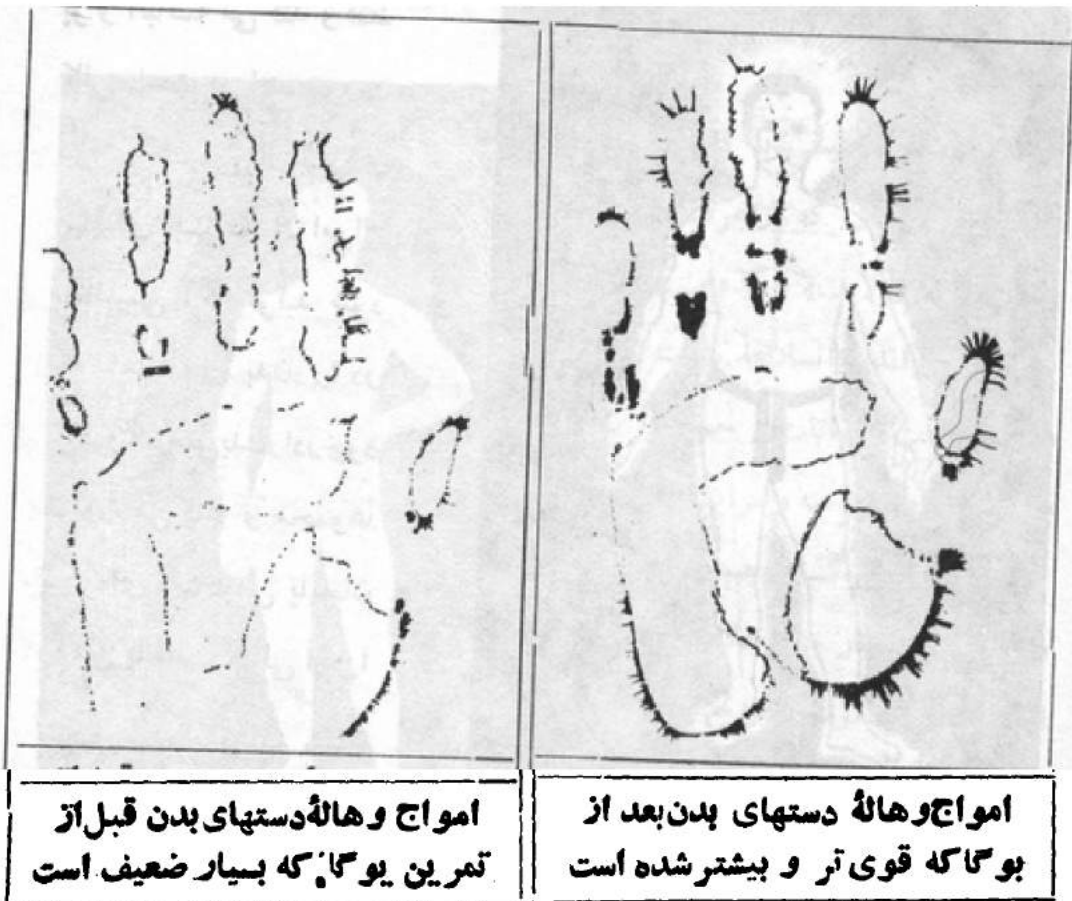
مبحث سوم

دلیل سوم

تمرینات یوگا و هینوتیزم؛ امواج آگاه مغزی را زیاد می کند

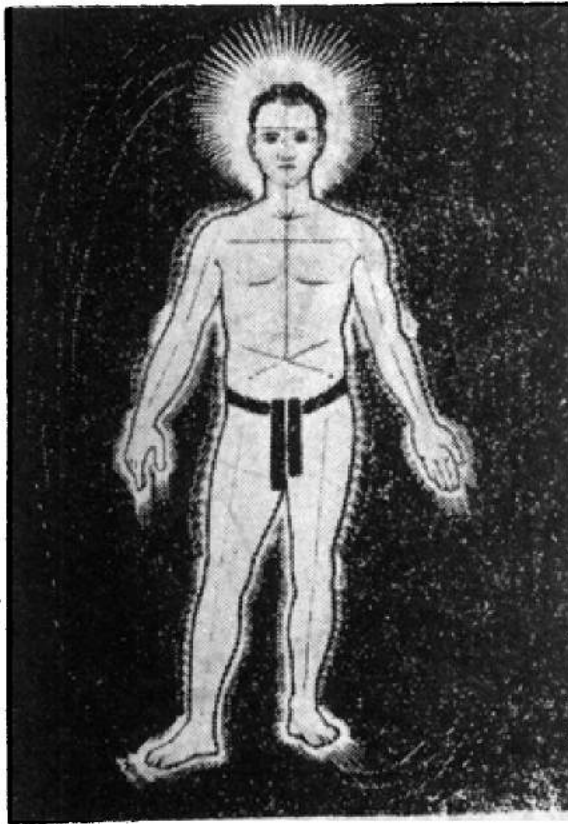
در کلاسهای یوگا و هینوتیزم اروپا و آمریکا در باره اینکه آیا تمرینات یوگا و هینوتیزم امواج آگاه مغزی را زیاد می کند ، تمرینات زیادی انجام شده است ، پرتو جویان را قبل از شروع یوگا یا هینوتیزم کردن از اطراف سر و بدن بطریق خاصی عکسبرداری کرده اند و بعد از تمرینات یوگا یا هینوتیزم شدن هم بهمان ترتیب عکسبرداری نموده اند ، ملاحظه شده که قبل از هینوتیزم امواج و هاله سر و بدن بسیار ضعیف بوده یا اصلاً دیده نشده ولی پس از دو ساعت یا سه ساعت تمرین مشاهده شده که هاله و امواج اطراف بدن بسیار زیادتر شده است که تعدادی از تصاویر در این کتاب این حقیقت را نشان میدهد .

تصویر زیر از کتاب یوگای «لوکی لیدل» که این کتاب را از فرانسه آورده بودم نقل شده است، که امواج و هاله دستهای پرتو جورا قبل و بعد از یوگا نشان میدهد .



از دیداد امواج آگاه مغزی و بدنی بعد از هیپنوتیزم

در زیر تصویر تعدادی از پرتو جویان دیده میشوند که بعد از هیپنوتیزم این تصاویر کاملاً تقویت شده و با چشم بخوبی رؤیت میشوند، ولی در تصویر بعدی این هاله یا مغناطیس اطراف بدنی دیده نمی شوند، این تصاویر و برخی از مطالب آن از کتاب انسان شناخت نگارش آقای دکتر علی مقدم نقل شده است. بطوریکه در دو تصویر دیسده میشود، دو پرتو جو پس از تمرینات سلف هیپنوتیزم و یوگا، امواج یا هاله بسیار زیادی در اطراف بدنشان پدیدار شده است که همه جا فاصلهی بین الکترونها و پروتون هارا اشغال کرده و خلأ یا فضای «خالی» را



پر و انباشته می کند و فقط کافی است در اینصورت نیروی عظیمی از انرژی سیاله ای یا همان امواج مغناطیسی آگاه تولید شود که ، هاله وار بدن را در برگرفته ، حتی بدن را در خود شناور می کند و مجموعاً پیکره ای مغناطیسی یا جان روشن یا قالب مثالی او را تشکیل میدهند و این همان

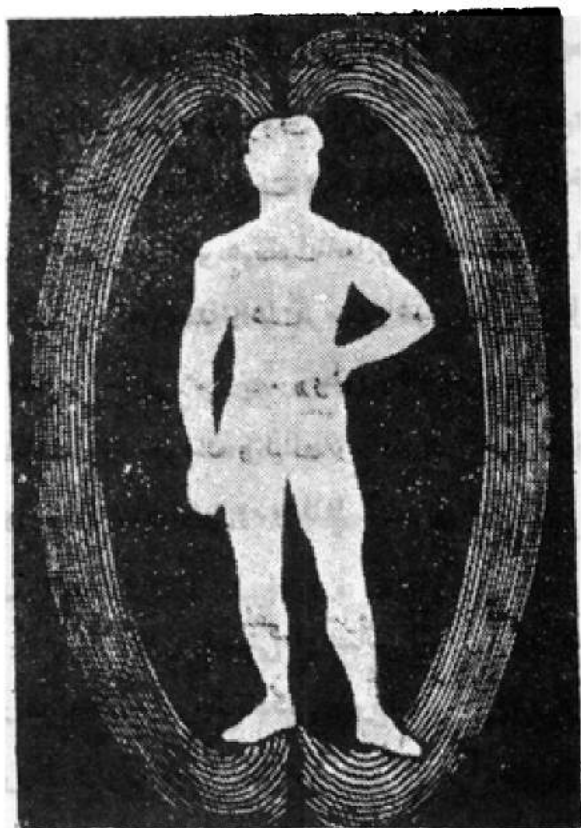
لطیفه ای است نهانی که بگفته ی خواجه شیراز «عشق»

نمودار انرژی امواج آگاه به شکل دایره ای در اطراف بدن از گانیزم قابل ملاحظه است

از آن خیزد ، این پیکره مغناطیسی ، انسان را با تمام کائنات مربوط و هم آهنگ می سازد و انسان از طریق این راه می تواند با تمام کائنات ارتباط نزدیک و صمیمی برقرار کند.

« مانیه تیزم » از سر انسان به شکل امواج طولی آغاز و برپاها ختم میشود و بدن را تا فاصله ۴ متری در بر می گیرد ، بدین ترتیب ، بدن انسان در بیرون از پوست در خارج نیز ادامه پیدا می کند . مانیه تیزم همیشه در جهت طولی فعالیت می کند و دانستن این مطلب از لحاظ دادن پاسهای مغناطیسی بسیار مهم است ، یعنی برای القاء مغناطیس يك سوژه پاسها باید در مسیر طولی از بالا به پائین و برعکس

صورت می گیرد . امواج هیپنوتیزمی يك موجود قوی روی موجودات ضعیف ، اثر و نفوذ می کند .



انرژی امواج آسماء در حال خروج از چشم ارگانیزم مشاهده می شود

نفوذ مغناطیسی یا قدرت تسخیر و تصرف که در عرفان اسلامی بنام «ولایت» نامیده می-شود ، می تواند از انسان ها گذشته و به حیوانات و نباتات و جماد و بالاخره به کائنات رخنه و سرایت کند.

در اثر یوگا و هیپنوتیزم ریه ها نیز با کار خود علاوه بر اکسیژن و آرت هوا ، همیشه مقداری از انرژی حیاتی پرانا را به بدن می رساند که از طریق قالب جسمی در خازن های سمپاتیک ذخیره می شود در شرایطی که انسان یا

در اثر شرم و خجالت یا ترس و استرس ها مقداری از نیروی باطنی خود را از دست بدهد ، کافی است با چند نفس عمیق علمی به طریق « پرانا » دوباره نیروی از دست رفته را باز یابد .

مثلا سخنرانی که در اثر ترس از کثرت جماعت نیروی خود را باخته است می تواند با چند نفس عمیق کمبود انرژی حیاتی خود را جبران کند .

نخوردن غذا و جذب انرژی از گیاهان

با توجه به اینکه اصولاً عمل تغذیه به معنی سوزاندن مواد غذایی و تبدیل آنها به انرژی حیاتی است. و اگر بتوانیم انرژی حیاتی را از طریق ورزشهای تنفسی از کاینات دریافت داریم، دیگر نیازی به تغذیه نخواهد بود، بدین سبب، جوکیان هند با تمرینات کافی می‌توانند این انرژی لازم را بجای تغذیه از راه تنفس دریافت کرده، روزها و هفته‌ها گرسنه باشند یا اینکه با دوسه بادام در روز احساس سیری و عدم گرسنگی نمایند. بطوریکه خوانندگان محترم کتاب «هینوتیزم و چار» اینجانب را خوانده اند اطلاع دارند که نگارنده دو بار بفاصله ۲ ماه هر بار ۲۰ روز مطلقاً غذا نخوردم و فقط آب می‌نوشیدم، که نتایج سلامتی و کرامات آن بی نظیر بود.

بهر حال، قسمتی از اساس انرژی بدن همان نیروی حیاتی «پرانا» بوده که در هر لحظه و هر جا بشکلی خودنمایی کرده و برق ارگانهای حیاتی و از آن جمله نوردل و نور دیده هارا تأمین می‌کند. آری:

نور نور چشم خود نور دلست

نور چشم، از نور دل ها حاصل است

باز نور نور دل نور خدا است

کوز رنگ و عقل و حس، پاک و جداست

نتیجه:

تمرینات هینوتیزم و یوگا امواج انرژی منفی و
روحی پر نوجوراً بطور اجهاز انگیزی زیاد می‌کند

جسم اثیری و «اود» با شکل دیگری از امواج ابر آگاهی انسان‌ها

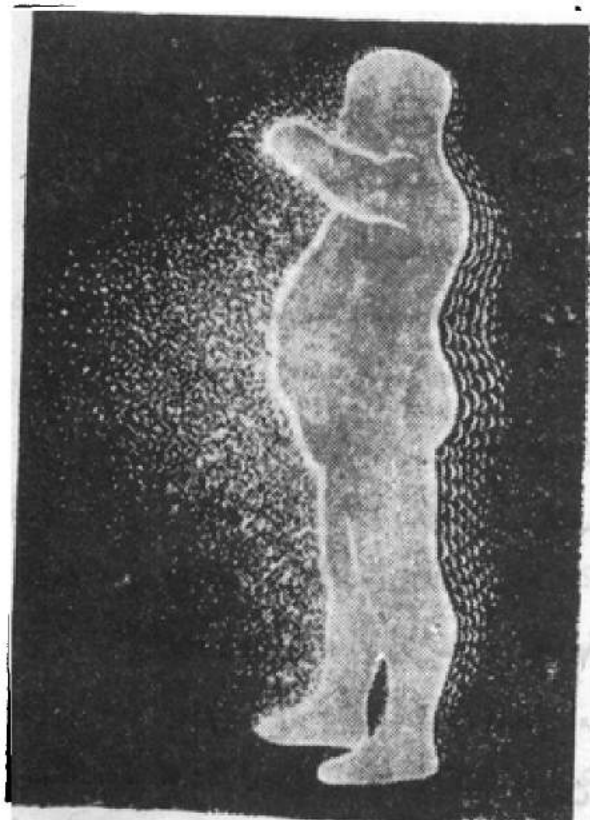
جسم اثیری گرچه در همه وجود دارد، ولی قدرت یا ضعف آن بستگی شدیدی به سلامت، تمرینات هیپنوتیزم و یوگادارد، بنابراین شناخت آن تا حدودی برای شما لازم است.

جناب آقای دکتر علی‌مقدم در کتاب انسان شناخت می‌نویسد: «اود» يك ماده فُراخِیالی و ظریف است که بدن ما را به فاصله کوتاه مانند يك قشر بخار یا ابر احاطه کرده و ماده‌ی حافظ حیات انسانست.

کشف «اود» ابن «هاله تندرستی» بسال ۱۸۶۷ بوسیله يك دانشمند اطریشی بنام «بارون ریختن باخ» کشف شد که بشکل امواج ظریف از بدن انسان خارج میشوند. بعدها «کارل دوپول» ثابت کرد که این امواج را می‌توان با چشم دید و آن را «اود» نامید که به زبانهای ترکی و سانسکریت بمعنای «آتش زندگی یا آتش جاوید» است. و اظهار داشت «اود» برزخی است بین تن و روان و امواج آن که دائماً از بدن انسان خارج میشوند، ضعف و شدت داشته و این آثار باوضع مزاجی و کیفیت روحی اشخاص (که در اثر ریاضت، یوگا و هیپنوتیزم) بعمل می‌آید بستگی دارد، کمی بعد ثابت شد که امواجی که از طرف راست بدن خارج میشوند، برنگ آبی، و امواج خارج شده از طرف چپ بدن سبزرنگ‌اند و باز معلوم شد این امواج از بدن حیوان و گیاه و جماد نیز خارج میشوند.

عکسبرداری از امواج

از همه اینها عکسبرداری کردند و ثابت نمودند در طبیعت چیزی وجود ندارد که «اود» از آن خارج نشود چندی بعد دانشمند دیگری بنام «والتر کیل نر» يك استوانه شیشه‌ای صاف و سفید پر از محلول «دی سیانین» در الكل را در مقابل



نمایی از انرژی امواج آسمان اریگانیزم
در تصویر فوق دیده می شود

يك انسان بدون لباس قرارداد و با چشم های عادی مشاهده کرد که امواج « اود » از بدن او خارج میشوند « دی سیانین » ماده ایست که از قطران ذغال سنگ بدست می آید و فایده اش اینست که چشم انسان را نسبت به اشعه ی ماوراء بنفش حساس می کند بدین ترتیب دو نوع « اود » خشن و نرم یا مثبت و منفی ، در اطراف بدن انسان کشف کردند .

چنانچه در تصویر مشاهده میشود « اود » خشن یا « مدیوما » از

پشت هر کس ساطع میشود، عامل خشونت بوده و به تدریج در جلو بدن نرم تر شده و عامل لطافت و سکس است که بنام « اود نرم » خوانده میشود و در خانم ها بیشتر از مرد ها وجود دارد .

در حیوانات : اود در حیوانات و کودکان نیز دیده میشود ، در کودکان مخصوصاً در دوره شیر خواری بخاطر جذب « اود » مادران از حال عادی بیشتر دیده میشود .

« اود » در قرآن : این دو « اود » خشن و نرم که در اطراف بدن برابر تصویر فوق تشکیل و آن را حفاظت می کند از نظر قرآن چنین رفته است : « برای هر کس پاسدارانی از پیش رو و پشت سر گماشته اند که به امر خدا او را نگهبانی می کنند » .

«اود» در تاریکی مثل يك تشعشع خیلی ضعیف قابل رؤیت است که به اندازه چهار انگشت در خارج بدن دیده میشود. «اود» خشن یا «مدیوما» می‌تواند در اثر ترس و استرس‌ها از بدن کم‌شود، این حالت را اصطلاحاً «تخلخل» مینامند. «اود» در صورتیکه از بدن جدا شود يك شبح سایه دار بنام «فانتوم» تشکیل میدهد.

امواج «اود» در خارج بدن نقش يك گیرنده آثار کاینات را بازی می‌کند و «حس ششم» یا «رادار انسان» از آثار اوست. مدیوم‌ها و روشن بینان، «اود» خیلی ظریفی دارند که بیشتر در دور چشم‌ها و پلك تحتانی‌شان ظاهر میشود. همین‌طور «اودها» در تشکیل غالب اثری یا جسم قالبی سهم عمده‌ای داشته و نیز نیروی «پرانای» را از کاینات گرفته به خازن‌ها میرساند. در هر نقطه‌ای که «اود» با بدن قطع شود، ایجاد بی‌حسی در آن محل پدیدار می‌گردد.

در زیادی «اود» اشخاص اشتهاى عجیبی پیدا کرده و غذاهاى سفت و مواد خشن را به آسانی هضم می‌کنند، چنانکه در اویش کُردستان در هنگام شور و سماع که «اودشان» افزایش میابد، می‌توانند خورده شیشه‌ها و آهن پاره‌ها را بخورند.

برای معالجه «تخلخلی» باید بدن را مثل باطریهای ماشینی دوباره شارژ یا متکاثف نمود.

معالجه با لمس دست

از قدیم در ایران افرادی بنام «اوجاق» یا بندچی وجود داشته‌اند که نیروی «اودشان» را در اختیار گرفته و می‌توانند با دست کشیدن به دیگران به ویژه در حوالی ستون فقرات، آنها را دوباره پر و معالجه کرده و انرژی از دست رفته شانرا ترمیم نمایند.

مغناطیس حیوانی یا «مانیه تیزم» از آثار این جسم اثری بوده و عمل آن

فلج نمودن قدرت حرکتی حیوان یا سفت نمودن بدن دیگران است ، چنانکه افعی می تواند خرگوشی را با همین نیروی مغناطیسی فلج سازد یا از حرکت بازدارد . همبطور گربه و پلنگ و برخی حیوانات درنده گویشتخوار می توانند حیوانات ضعیف تر از خود را مانیه تیزم کنند ، البته برخی هم اعتقاد دارند که عدم حرکت حیوان در اثر ترس میباشد نه مانیه تیزم .

از دیادناگهانی نیروی « اود » نیز مثل اینکه بیدن شوک الکتریکی داده باشند باعث تشنجات ناگهانی بدن مثل صرع و هیستری میشود ، بدینجهت در طب سنتی ایران برای درمان حمله صرع يك جسم فلزی مانند میخ بزرگ یا چاقورا برداشته دور بیمار روی زمین خط می کشند ، تا بدین ترتیب مقدار اضافی برق را از بدن او به زمین منتقل کنند و حمله و تشنجات آرام بگیرد . این کم و زیادی « اود » اصطلاحاً بنام « تخلخل » و « تکائف » نامیده میشوند که از نظر پزشکی کاملاً قابل بحث و بیان بوده و موضوع دانش پزشکی آیندگان است .

مغناطیس انسانی

یا

امواج انرژی آگاه

احتمالاً ، اصطلاحات مغناطیس حیوانی ، هیپنوتیزم ، امواج انرژی آگاه ، « اود » جسم اثیری ، اکتوپلاسم یا « هود قلبائی » یا « پریسپری » و بسیاری از اصطلاحات دیگر در کتب روحی ، از نقطه نظر شدت و ضعف ، غلظت و یا رقیق و لطیف بودن یا سایر خواص آن باید فرق هائی باهم داشته باشند ، که بالاخره مجموعاً ، قدرت روحی استثنائی را در انسان به وجود می آورند که اهم آن همان « امواج انرژی آگاه مغزی » میباشد ، در اینجا آقای دکتر علی مقدم از قول استاد ایرانشهر در باره مغناطیس انسانی صحبت می کند ، که میگوید مغناطیس

حیوانی ، قالب جسمی یا جان تاریک ما است که در اثر کار قلب در مدار رگهای بسته تشکیل و در اثر مجاورت یا قالب نور روشن شده و فضای اثیری بدن را مثل آبی که کوزه‌ای را پر کند اشغال کرده است و علاوه بر فضای داخل بدن ، در خارج از آن نیز در امتداد چهار متری ادامه می‌یابد و عامل «هیپنوتیزم» نزد آدمها است ، این « جان روشن » که بنام « جسم مثالی » یا « هور قلبیائی ، یا پریسپری » یا مرکوب نفس ناطقه نیز نامیده شده ، در حقیقت صورت و مثال بدن است ، بنظر ایرانشهر همین جسم مثالی است که در مجالس احضار ارواح نفوس مردگان مانند اشباح یا « اثر » پاره ، بسیار لطیف بچشم روشن بینان دیده میشود و گاهی بحال تجسد درآمده و آنقدر نمایان میشود که بسا ماشین عکاسی می‌توانند عکس آنرا بردارند . این جسم از معنویات تغذیه می‌کند و مخزن ، بایگانی تمام تجارب و محفوظات آدمی از بدو تولد تا هنگام مرگ است و بنام « لوح محفوظ فردی » و « نامه اعمال » نیز نامیده شده است و بدیهی است که « هر که او آگاه جانش بیشتر » و حشر و نشر آخرت بسا همین قالب مثالی است . این « پیکره مغناطیس انسان » شبیه دستگاه کامپیوتری است که می‌تواند روی پیکره های مغناطیس دیگران تأثیر کرده و از آنها متأثر بشود ، که این موضوع در قاموس عرفان بنام « ولایت » یا « قدرت تسخیر و تصرف » نامیده میشود .

قدرت امواج آگاه مغزی

انسان ها نیز می‌توانند بوسیله امواج فردی ، همگانی ، جهانی و کیهانی مانند آلت بی اراده ای هدایت شوند ، بطوریکه اغلب انقلابات عمده جهان ما در شرایطی اتفاق افتاده است که حالت فوق العاده ای مانند ظهور ستاره های دنباله دار یا انقلابات کیهانی و غیره وجود داشته است .

اغلب پیشوایان تاریخ که توانسته‌اند مردم را تحت تأثیر قرار دهند، از این

نیرو و موهبت عظیم برخوردار بوده اند .

نتیجه :

در جسم و جان و مغز هر آدمی انرژی امواج خاصی
هست که می تواند ضمن رسیدن به هر آرزوی خود
جهانی را به هیچان در آورد

برق و الکتریسیته بودن



نمودار و نمای انرژی امواج آگاه در
پیرامون جسم ارگانیزم در تصویر
دیده می شود

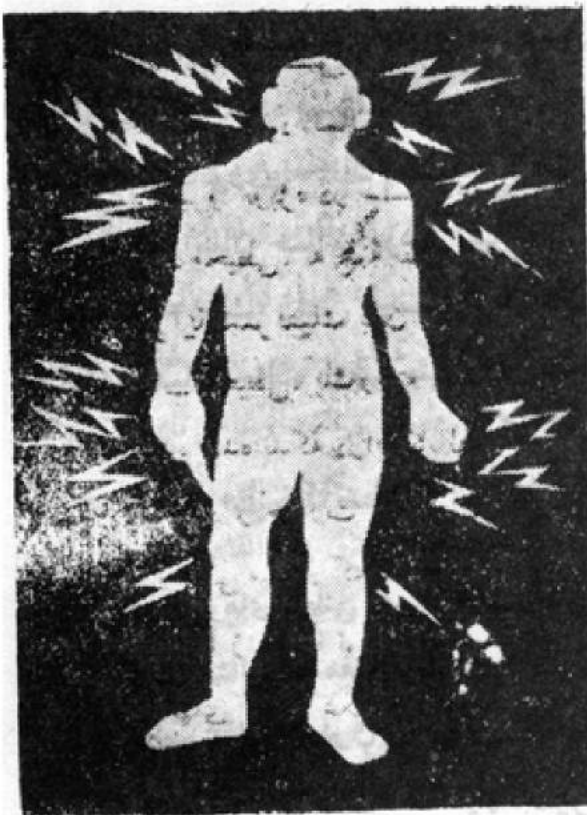
جناب دکتر علی مقدم در
کتاب «انسان شناخت» می نویسد :
علاوه بر مغناطیس در نزد انسان
آثاری از برق یا الکتریسیته نیز
دیده میشود ، که این نیرو به ویژه
در سلسله اعصاب مرکزی جریان
داشته و از طریق اعصاب محیطی
به همه نقاط بدن میرسد که کارشان
رسانیدن دستورات مغز یا سیرنیک
بدن، به اعضای حرکتی است .

علاوه بر سیستم اعصاب
محیطی ، يك رشته «کانال های»
نیز بشکل نصف النهارات در بدن

کشیده شده‌اند که در این کانالها نیز برق و مغناطیس جریان داشته و احساس درد و حرارت را انتقال می‌دهند. اختلالات این کانالها موجب بیماریهایی میشوند که همان موضوع «طب سوزنی» بطریقه چینی‌ها است.

اخیراً ژاپنی‌ها توانسته‌اند با تزریق مواد رادیو آکتیو از مسیر این کانالهای برقی عکسبرداری کنند.

شورچشمان یا بدنظران



فرکانس‌های انرژی امواج آسمان
از بدن ارگانیزم در تصویر فوق
بیرون می‌جهد

گاهی اوقات در حالات عاطفی شدید و در برخی از اشخاص که بنام بدنظران یا شورچشمان مشهورند این امواج شدید برق می‌تواند اشیای را آن‌آبکشد و یا یک سنگ و صخره بزرگ را مثل دینامیت متلاشی سازد و در حالات شدید این برق مثل اشعه لایزر عمل می‌کند.

برق سلسله اعصاب مرکزی از نیروهای برق و مغناطیسی بدن بوده و قطع این نیروها حالت خودی یا آگاهی انسان را حذف

و او را بحالت بیخودی یا لاشعوری میبرد که این عمل اساس هیپنوتیزم است که در آن عامل ابتداء نیروی برق و مغناطیس معمول را بانگاه و تلقین و دادن پاسهای

مثبت کنار زده و او را بحالت لثارژی یا بیخودی و کرختی میبرد و سپس با دادن پاسهای بیشتر و القاء مغناطیسی او را بحال کاتالپسی درمیآورد که در اینحال بدن معمول مثل تخته پاره‌ای سفت میشود و در مراحل آخر بطوریکه شرح خواهیم داد به مرحله سوم نامبولیزم میبرد که در این حالت به معمول روشن بینی دست میدهد.

قالب عقلی

این مجموعه نیروهای برق و مغناطیسی که عامل آگاهی نزد انسان میباشد ، بنام قالب عقلی نامیده شده‌اند ، و همین قالب عقلی حد فاصل قالب مثالی یا جان یا اضافی یا قالب نوری یا جانان است که اگر بطریقی کنار زده شود جان و جانان یکی میشود و به انسان بحالت روشن بینی دست میدهد که این همان مرحله سوم هیپنوتیزم است، رقص و سماع و حرکات شدید بدن نیز می‌توانند قالب عقلی را کنار زده و همان حالت روشن بینی را در شخص ایجاد کنند .

نیروی عظیم کائنات :

✽ این نیروهای باطنی اعم از قالب اثیری یا اود

✽ قالب مثالی یا مغناطیسی

✽ قالب عقلی یا برق

گفتیم مبداء و منشاء همه اینها از پرانا یا نیروی کائنات است و هر لحظه بر حسب اوضاع و احوال گوناگون و اشکال ویژه‌ای جلوه می‌کند از چشم‌ها به بعد به شکل امواج نورانی یا هلیودا یا قالب نوری درآمده و سرو گردن انسان را از خارج می‌پوشاند و گاهی این نور بقدری زیاد میشود که قسمت عمده‌ای از بدن را پوشانده و مثل هاله سر بعضی از قدیسن از فاصله دور خودنمایی می‌کند .

این نور که قالب های عقلی و مثالی و جسمی را روشن می کند عامل ابر آگاهی نزد انسان بوده و بنام روح یا قالب نوری نامیده میشود و مسلط بر همه نیروهای دیگر است . اگر انرژی های دیگر نیروهای طبیعی بودند که به درد نگهداری بدن و حفظ حیات میخوردند ، هلیودا يك اصل روحانی آفریننده و مسلط بوده و همان نیروی خدائی نزد انسان است از لحاظ روانشناسی جسم اثری یا جان تیره همدیف ناخود آگاه ، اجسام مثالی و عقلی یا جان روشن، در ردیف خود آگاه و این قالب نوری با هلیودا عامل ابر آگاهی یا شعور عالی است .

هلیودا در طبیعت تنها نیروئی است که بر مرگ پیروز میشود . برای ما خوشبختی میآورد ، یعنی مایه عشق، شادی و معرفت کامل نزد انسان است . هلیودا نیروی روشنی بخش بسیار لطیف و نرم و ظریف و شادی بخش و پرورش دهنده است که قابل دیدن بوده و بوسیله روشن بینان دیده میشود و هر چه قوی تر باشد انسان دارای زینت روحانی و چهره آرام و بشاش و مهربان خواهد بود . هلیودا چنان ظریف است که می تواند از دیوارها و موانع بگذرد . حتی از پلاکهای سربی به ضخامت چند متر نیز میگذرد بدین جهت غیر از نیروی الکترومغناطیسی میباشد و عامل تله پاتی روشن بینی و شفا بخشی است ، فقط بدن زنده آن را جذب می کند و این پذیرفتن بیماران دلیل آنست که در برخی اوقات برای بیماران صعب العلاج يك القاء هلیودا کافی است که تمام نیروهایش را به او بازگرداند . این نیرو به نیروهای دیگر مسلط بوده و هیچ چیز نمی تواند در مقابل آن مقاومت کند . فیض روح قدسی از این نیرو بوده و حضرت مسیح و دیگر شفادهندگان از این نیروی عالی استفاده میکردند .

بلی :

فیض روح القدس از باز مدد فرماید

دیگران هم بکنند آنچه مسیحامیکرد

این نیرو می تواند گسترش یافته تصفیه شود و بدون حدود مرز تاقله های رفیع و عالی پیش برود . اساساً زندگی انسان در این دنیا تنها برای پرورش این نیروی

روحانی است انسان نیروی عالی کاینات را میگیرد و قسمتی را تبدیل به ماده یا ساختمان بدن کرده و قسمتهای دیگر را به تدریج تصفیه می کند و دوباره تبدیل به نیروی خدایی میسازد که این همان موضوع عرفان عملی بوده و مفهوم «سیر من الله الی الله» جز این نیست که این ماشین عظیم ابرآگاه تصویر نیروهای کاینات را از لاهوت و لطیف به ناسوت و کثیف برگردانده دوباره همین مواد کثیف را به لطیف و ماده را به روح و ظلمت را به نور بدل سازد .

تأثیر ورزشهای عرفانی یوگا در این جا خاتمه می پذیرد، ولی اخیراً در سال ۱۳۶۸ در پاکستان کتابی بدستم رسید، تحت عنوان «چاکراها در یوگا» که در هندوستان و بزبان انگلیسی نوشته شده و کامل ترین کتابی است درباره «چاکراها» که مصور و با رنگ های مختلف رمزی بچاپ رسیده و طرز پرورش علمی و صحیح چاکراها در این کتاب بیان شده ، که با ادامه تمرینات آن، پرتو جویان می توانند به عالی ترین مدارج و تعالی روحی و خدائی برسند، این کتاب ترجمه شده انشاالله در آینده بزودی چاپ خواهد شد، احتمالاً یکی از شاهکارهای کتاب های یوگا در ایران خواهد بود، زیرا کتابی بسیار استثنائی و بی نظیر است و راه رسیدن به سعادت دنیوی و اخروی و نیل به عالی ترین درجات تعالی و تکامل انسانی به ساده ترین و صحیح ترین شکل با اشکال مصور بیان شده است، و این کتاب مخصوص کسانی است که سالها بدنبال راز و رمز اصیل و اصلی و اعجازهای یوگا هستند .

نتیجه :

تمرینات و ورزشهای عرفانی یوگا کلید
انواع امواج های منری ، جسمی و روحی را
بطور خارق العاده ای زیاد می کند

مبحث چهارم

دلیل چهارم

- ✽ انتقال امواج مختلف مغزی از طریق دستگاههای الکتریکی .
- ✽ انتقال و ارسال هر نوع بیماری با دستگاهها و وسائل رادیوئی .
- ✽ انتقال و ارسال هر نوع روحیه و نشاط با دستگاهها و وسائل رادیوئی .
- ✽ انتقال و ارسال گریه ، خنده ، غم و شادی با دستگاهها و وسائل رادیوئی .
- ✽ اقدامات عملی که کشورهای صنعتی جهان تا کنون در این باره انجام داده اند .

چند عنوان بالا نکات جدیدی هستند ، که شاید اولین بار است که می شنوید ، یا میخوانید ، اجازه بدهید دوباره تکرار کنم :

آیا امکان دارد هر نوع بیماری را نخست روی دستگاههای فرستنده رادیوئی ضبط کرد و سپس آن را بطرف هر شخصی که مایل هستیم ارسال نمائیم؟

آیا امکان دارد هر نوع روحیه و نشاط ، غم و شادی ، عشق و محبت ، کینه و دشمنی را ابتداءً روی دستگاههای فرستنده رادیوئی ضبط کرد و سپس آن را بطرف اشخاص معینی انتقال داد ؟

بحث فوق ، بحث جالب ، شیرین و شنیدنی است ، این مطالب به این دلیل وارد مغز ناچیز من شد ، که می بینم دستگاههای فرستنده رادیو صدای اشخاص را به هر نقطه ای از دنیا که می خواهند ارسال می نمایند و بعد بشر موفق که

چهره و قیافه اشخاص را بادستگاهی که بنام تلویزیون اختراع کرده به هر نقطه‌ای از جهان ارسال می نماید .

و آیا حالا موقع آن نرسیده که انسان بتواند هر نوع عواطف و احساسات نظیر خنده ، گریه ، غم و شادی ، سلامتی و بیماری را نیز مانند صدا و تصویر ارسال و منتقل کند ؟

گویا اولین کسی که این فکر در مغزش پیدا شده آقای مهندس غلامرضا اربابی بوده است ، که تصادفی با کتابهای ایشان آشنا شدم ، این موضوع مربوط به سالها پیش است ، تا کنون نمیدانم در این باره چه مطالعاتی و چه تحقیقاتی کرده اند .

بهر حال در این چند صفحه گردشی در صفحات کتاب آقای مهندس غلامرضا اربابی می کنیم ، و خلاصه‌ای از مطالب شنیدنی ایشان را در اینجا نقل می نمائیم :

يك جلسه ملاقات

نابغه دیوانه

هاقل مجنون

يك جلسه ملاقات با آقای مهندس غلامرضا اربابی داشتم ، عده دیگری نیز بودند . در حدود دو ساعتی در آن جلسه بحث و گفتگو وجود داشت ، ولی ایشان هم مانند بیشتر مردان استثنائی جهان در عین عاقل و نابغه بودن ، سخنان دور از ذهن ، خارج از موضوع ، و شاید برخی در نظر هر کس بسیار تمسخر آمیز جلوه می نمود ، قطعاً برای آنها قابل هضم و جذب نبود .

این طرز تفکر و خصوصیات اخلاقی شاید در بیشتر اشخاص استثنائی وجود داشته باشد ، باید هم باشد ، برخی از هنرمندان ، مخترعین ، شعرا ،

فلاسفه نیز بهمین ترتیب هستند، گاهی بزرگترین هنرمند و دانشمند جهانی را می بینیم، که حرکات و رفتاری از ایشان سر میزند که به دیوانه ها بیشتر شباهت دارد، سوابق این واقعیات در تاریخ بیشتر دیده شده و میشود، از جمله «بهلول عاقل» یا «بهلول دیوانه» که نظیر آن بسیار زیاد بوده اند.

این یادآوری بخاطر اینست که اگر در محافل و مجالس این قبیل اشخاص قرار می گیرید، برخی حرکات، گفتار، افکار و عقاید آنها را به مسخره نگیرید، تحقیرشان نکنید، شاید اگر این قبیل نکات جنون آسا نمی بود اینان ابتکار و نبوغی هم از خود نمی توانستند نشان بدهند، بعلاوه اصلاً خداوند بشر را «جایز الخطا» و دو شخصیتی یا چند شخصیتی آفریده است. نویسنده همین سطور و همین کتابهای بظاهر جالب هیپنوتیزم، در نهادش احتمالاً آنچنان افکار و اعمال استثنائی غیر معمولی وجود دارد، که اگر گاهی بآن برخورد می کنید ممکن است به مسخره بگیرید تا جائیکه در اکثر جاها و مجالس شنیده ام آنچنان «جولکها» و شوخی هائی برای این حقیر سراپا تفصیر ساخته و پرداخته اند که شنیدن آنها حتی برای خودم خالی از لطف و تازگی نبوده است.

بگذریم، بهر حال در آن جلسه که همراه مهندس غلامرضا اربابی بودیم، برخی مطالبی که می شنیدم به غیر از مطالبی ظاهراً علمی که در کتابهایشان نوشته بودند، برخی مطالب و تصاویری دیگر از کتابهای ایشان در زیر نقل میشود:

تاریخ کشف برق بدن انسان

مطالب زیر عیناً چند صفحه ای مختصر از کتاب تاریخ در حال بازگشت آقای مهندس غلامرضا اربابی نقل میشود:

پروفسور ادی فریادی از تعجب و شادی برداشت، بطوریکه همه کارکنان

آزمایشگاه بی اختیار بسوی او متوجه شدند و بانگاهی کنجکاو به او خیره شدند سکوت ممتدی بر فضای آزمایشگاه سایه افکند . خود او نیز دریافت که عملش غیر عادی بود، سعی کرد بر اعصاب خویش مسلط گردد. لحظه‌ای چند بر این منوال گذشت و همه منتظر ادامه صحبت ، یا صدور فرمانی از طرف پروفسور ادی از جای خویش جنب نمی‌خوردند و با اشاره دست پروفسور ادی که پروفسور وایت را بجانب خود دعوت می‌نمود کارکنان آزمایشگاه نکانی بخود داده و جابجا شدند و مشتاقانه راه رفتن «پروفسور وایت» را بطرف «ادی» دنبال نمودند . وقتی «پروفسور وایت» به ادی نزدیک شد ، پروفسور ادی رو به دیگران نمود و گفت :

لطفاً بکار خود مشغول شوید مسأله مهمی‌یست !!

و رو به «وایت» نمود و گفت : پروفسور ، بیاجلو ، جلوتر نترس !!

وایت بادلهره و تشویش جلوتر رفت .

این دوسیم را در دست بگیر .

وایت: خوب برق است و مرا خواهد گرفت .

ادی: نه جانم مگر نمی‌بینی این دوسیم به ولت متر وصل است (ولت متر

وسیله‌ای است که اختلاف پتانسیل یعنی مقدار برق را در هر تولید کننده یا

مصرف کننده برق نشان میدهد .)

«وایت» با احتیاط دوسیمی را که به ولت متر منتهی می‌شد در دودست

گرفت و بلافاصله عقربه ولت متر ۹۰ میلی ولت را نشان داد .

وایت بدن و پاهای خود را در انداز کرد و باز هم به ولت متر نگاه کرد این

حرکت را چندین بار تکرار کرد . بطوریکه پروفسور ادی پرسید : پروفسور

چرا اینقدر به اینطرف و آنطرف نگاه می‌کنی ؟

پروفسور وایت پاسخ داد: فکر می‌کنم «شاید بدنم به جایی اتصال دارد»

و این مقدار برق ناچیزی را که ولت متر نشان میدهد از خارج به بدن من وارد میشود .

پروفسور ادی حرف او را قطع کرد و گفت : از اتفاق منم همین فکر را میکردم ، ولی نگاه کن کف سالن عایق است ، وایت باتان دادن سر حرف او را تأیید کرد . خود شما هم به جایی ارتباط ندارید . وایت پاسخ داد : کاملاً صحیح است .

بنا بر این :

وایت حرف پروفسور ادی را قطع کرد و ادامه داد: بنا بر این « مقدار برق مال بدن خود ما است . » کاملاً صحیح است ، به این نتیجه می‌رسیم که این ارگانیسم پیچیده انسان بتمام اعمال داخلی توسط سلسله اعصاب تنظیم میگردد و این سلسله بمثابة سیم کشی‌های درونی با مرکز آن که مغز باشد مرتبط است و خلاصه بدن انسان مانند يك کارخانه با میلیون‌ها دستگاه‌های مختلف و متعدد بشکل اتوماتیک با همین سیم کشی‌های داخلی از اطاق کنترل که عبارت باشد از مغز ، کنترل و اداره میشود ، پروفسور وایت صحبت پروفسور ادی را قطع نمود و پرسید :

می‌دانی پروفسور من تخصصم در تهیه و تنظیم کامپیوتر و سیستم‌های الکترونیکی است ، نه اینکه منظورم این باشد که حرفهای شما را نمی‌فهمم و یا بنخواهم آن را رد کنم ، ولی سئوالم اینست که : « این کشف واقعاً مسأله مهمی است که بدن ما برق دارد »

این مسأله را روی دیگران هم می‌توان آزمایش کرد !

پروفسور وایت ولت متر را بدست گرفت و بطرف دیسگر کارکنان آزمایشگاه رهسپار شد . همه دور او جمع شدند و از سر و کول هم بالا می‌رفتند و با چشمانی کنجکاو حرکت عقربه را که به این طرف و آن طرف میدوید دنبال

میکردند ، ولوله‌ای در محیط آزمایشگاه راه افتاده بود هر کسی از خود سؤال می نمود ، « پس هر انسانی يك تولید کننده برق است ؟ »

برق بیشتر در مغز :

یکی فریاد زد آقای پروفیسور وایت دو سیم ولت متر را به دو کیجگاه من وصل کنید . وایت از روی بی میلی در حالیکه لبخند استهزاء آمیزی به لب داشت دوسر سیم ولت متر را به دو کیجگاه او وصل کرد و با تعجب ملاحظه نمود که ولت متر بسرق بیشتر معادل ۱۱۰ میلی ولت را نشان میدهد ، فریاد زد پروفیسور ادی ، پروفیسور ادی که پشت سر او ایستاده بود با اشاره سر به او فهماند که خود شاهد آزمایش بوده است . و در حالیکه سرش را پیش انداخته و در دیای افکار خویش غوطه می خورد قدم زنان صحن آزمایشگاه را ترك کرد و به اطاق کار خویش رفت .

نتیجه :

تا اینجا نتیجه میگیریم که بدن دارای برق است
و برق مغز بیشتر از برق سایر اعضاء بدن است

حال به بینیم که آیا :

این برق آگاهی هم دارد یا خیر ؟

معمولا برق آگاهی ، فهم و شعور ندارد ، همه این را میدانند ، ولی از مطالعه کلیه کتابهای آقای مهندس اربابی اینطور استنباط میشود ، که وقتی برق بدن بتوسط یکی از اعضاء کنترل کننده مانند چشم ، زبان ، گوش ، دست حس لامسه و بخصوص مغز به روحی و شکلی از بدن انسان خارج میشود ، در

فضا تبدیل به موج الکترو مائیتیک میشود، سپس عواطف و احساسات و افکار شخص سوار بر این امواج الکترو مائیتیک شده و به شخص دیگر منتقل میشود، که این عمل فیزیکی، فنی شکل و اثبات علمی همان تله پاتی یا قرائت افکار است، بعلاوه که سایر احساسات مثبت یا منفی را در شخص گیرنده بوجود میآورد، مانند گریاندن ازدور - خنداندن، عطسه، خارش، عصبانیت و اقدام بکارهای مختلف.

حالا بدنبال تاریخ کشف برق ادامه میدهیم و گفتگوها و صحبت های این سه پروفیسور گوش می کنیم به بینیم، این برق مغز و بدن چگونه از طریق علمی و فنی هشیاری و آگاهی پیدا می کند:

گفتیم که پروفیسور «ادی» به اطاق کار خویش رفت، مدتی روی صندلی راحت خود لم داد و سپس گوشی تلفن را برداشت و تلفن پروفیسور «سونی» رئیس بخش تحقیقات مغز و اعصاب را گرفت. و از او خواست که در آزمایشگاهش باشد تا بعد از چند لحظه به او ملحق گردد.

شباهت کامپیوتر و مغز:

پروفیسور ادی با خونسردی و اطمینان خاطر ویزه ای اظهار داشت: ما روی انواع کامپیوترها کار می کنیم. سونی حرف ادرا قطع کرد و گفت: این را میدانم، ادی ادامه داد: بسیار خوب، ولی آیا این را هم میدانی که نوعی کامپیوتر در دست ساختمان داریم که عیناً مانند مغز فکر می کند، (این نوشته ها مربوط بسالهای بسیار دور است) کامپیوترهای فعلی علاوه بر اینکه قادرند عیناً مانند مغز کار کنند اعجازهای دیگری نیز دارند.

و کامپیوترها گاهی به سئوالانی پاسخ میدهند که برای ما غیر مترقبه است؟ سونی با حیرت پرسید: منظورت اینست که پاسخیابی که کامپیوترها میدهند غیر از اطلاعاتی است که به آنها داده میشود؟

ادی گفت : آفرین پروفسور « این همان چیزی است که ما آن را تشابه بامغز مینامیم ». سونی کنجکاوانه خواستش کرد در این مورد توضیح بیشتری بدهد پروفسور پس از ذکر مثالی از مغز يك مهندس ساختمان جواب داد :

کامپیوتر ما هم چیزی از خودش ندارد مسلم ما به آن هم اطلاعاتی میدهم ولی عجیب اینست که این نوع کامپیوترها قادرند با جمع اطلاعات جدا جدا طرح یا جوابهایی ارائه دهند که عیناً بصورت اطلاعات ویژه در اختیار آنها گذارده نشده است ، سونی وسط حرف ادی دوید و پرسید : منظورت از تشابه کار کامپیوترها بامغز همین است ؟ ادی جواب داد : این یکی از موارد تشابه است موارد مشابه دیگری هم داریم .

کامپیوترها مانند يك مغز متفکر، مدیر کارخانه ها را اداره می کنند

مثلا از کامپیوترها و از سیستم های الکترونیکی آن برای خود کار کردن کارخانجات معظم که شاید هزاران دستگاه مختلف و متعدد را دربر میگيرد استفاده می کنیم و اداره تمام این بخشهای جدا گانه را به يك دستگاه مغز الکترونیکی در اطاق کنترل میسپاریم. سونی برای آنکه به ادی بفهماند مطلب را خوب فهمیده ادامه داد : منظورت اینست که مغز هم مانند يك اطاق کنترل تمام امور مربوط به دستگاه های مختلف بدن را بهم مربوط و اداره می کند. ادی پاسخ داد : معلوم میشود منظورم را بخوبی درك کرده ای ، ولی بر مبنی همین تشابهات من همیشه فکر میکردم که چون این کامپیوترها با برق کار میکنند باید « مغز هم با برق کار کند ».

برق کم؛ بازده زیاد و عجیب مغز

پروفسور « سونی وادی » باز هم پس از مقداری صحبت های علمی و فنی ، باین نتیجه میرسند که سیر تکاملی سیستم های الکترونیکی این نتیجه را برای

ما دربر داشت که دستگاه تکاملی صنعتی هرچقدر ظرفیت و بزرگتر می‌شوند مصرفشان کمتر و بازده آنها بیشتر می‌شود و بر مبنی همین اهل تجربه باید از مغز انسان انتظار داشت که با ۹۰ یا ۱۱۰ میلی ولت برق بازدهی میلیونها برابر بزرگتر و موثرند از دستگاه‌های الکترونیکی با تغذیه ۳۰۰۰ یا ۴۰۰۰ ولت برق داشته باشد. ادی و سونی با سکوت ممتد خود به مهم بودن مطلب ذکر شده صحه گذارند.

تاریخچه پیدایش برق مغز را که بیان آن را تا اینجا کافی تشخیص داده‌ایم در همین جا تمام می‌کنیم علاقمندان می‌توانند برای کسب اطلاعات بیشتر به کتاب تاریخ در حال بازگشت آقای غلامرضا اربابی مراجعه کنند.

اثبات دقیق‌تر و عملی‌تر برق مغز

مغز از تعدادی یافته بنام «نرون» ساخته شده که تعداد آنها بین ۹ تا ۱۲ میلیون تخمین زده می‌شود. «نرون‌های» مغزی بشکل زیر است:



همانطور که در این تصویر مشاهده می‌کنید هر «نرونی» دارای دوسر و یک شکم است - بعضی از «نرون‌ها» یک شکم و چند سر دارند.

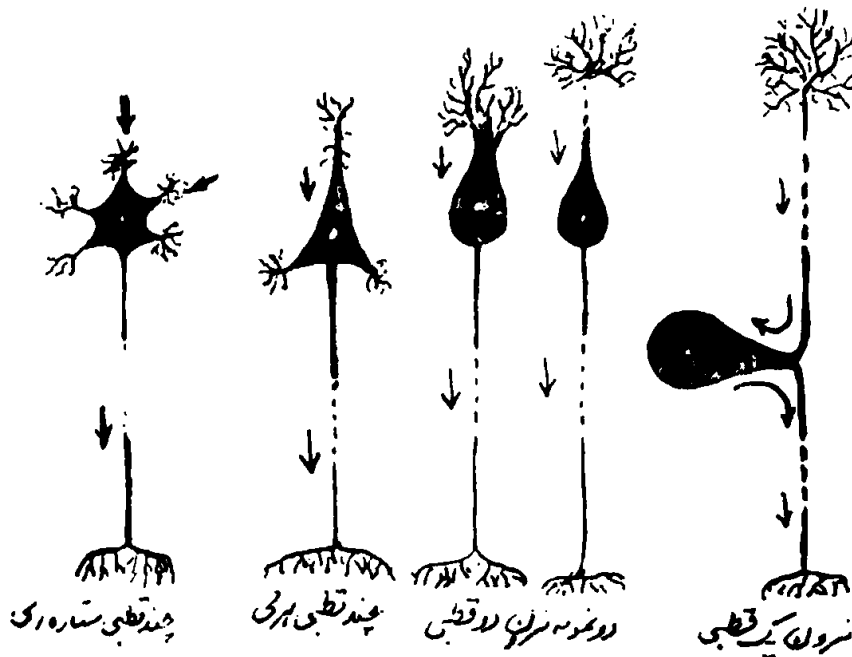
«نرون»ها با اتصالات عصبی باهم در تماس می‌باشند و بوسیله مویرکها که از بین آنها می‌گذرد و خون در آنها جریان دارد غذای آنها تأمین می‌شود.

نرون‌ها در مواقع خاصی که رابطه خود را با نواحی آگاه یا

نواحی فعال مغز قطع می کنند در جریان يك مدار بسته الكتريكي قرار می گیرند - یعنی از يك سر نرون جریان عصبی (یا جریان الكتريكي) وارد می شود و از سر دیگر «نرون» خارج میشود .

با اینکه «نورون» ها از نظر شکل ظاهری متفاوتند ولی از نظر ساختمان ظاهری همه متشابه هم هستند . بطور کلی هر «نورونی» از قسمت های زیر تشکیل می شود :

- ۱- هسته . ۲- پروتوپلاسم . ۳- غشاء .



زوایدی به نام «دندریت» و اکسون از جسم «نورون» خارج می شود. «دندریت» ها خود از طریق زواید به اکسون های نورون های دیگر مرتبط گشته اند .

بدین ترتیب ملاحظه می گردد که هر «نورون» دارای ساختمانی به شرح زیر است :

- ۱- دارای هسته ای است که محتوی ترکیبات اسیدی است .

۲- سیتوپلاسم که بمثابة ماده الکترولیتی است یعنی ناقل «یون» های منفی و مثبت است.

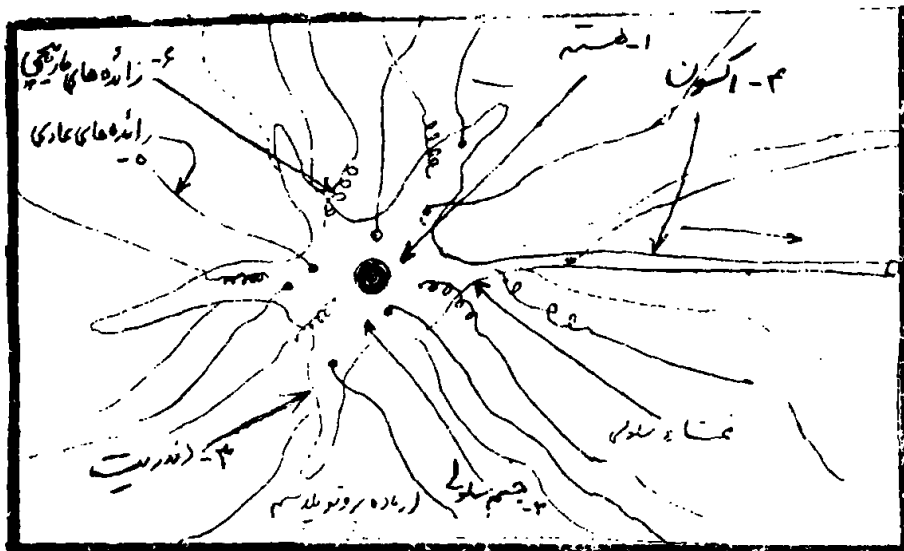
۳- غشاء به ضخامت تقریبی ۷۵ انگسترم که ترکیبی است از مواد پروتئینی، چربی و پلی ساکاریدی.

۴- زائده ها که عبارتند از:

الف - اکسون و انشعاباتش.

ب - دندریت ها.

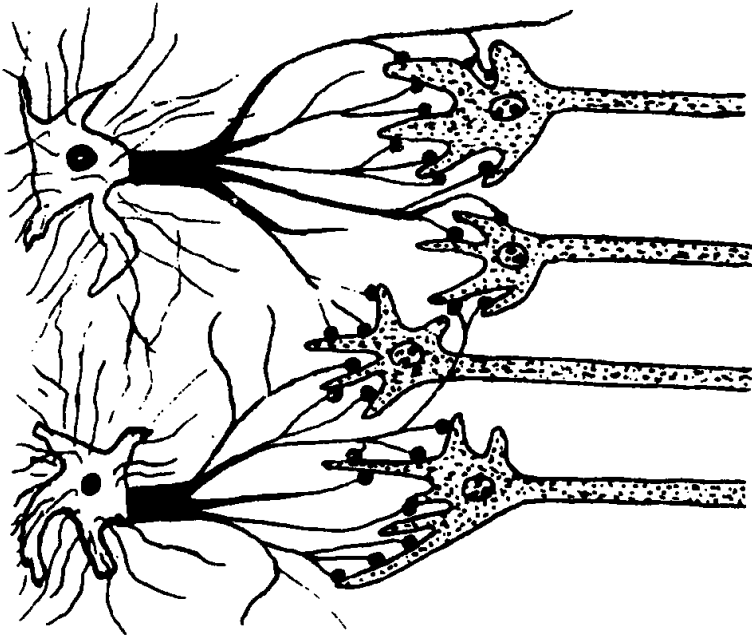
زوایدی از اکسون های مجاور به سراخ نورون می روند این زوایه به دو شکل ختم می شوند یا به صورت دگمه ای به نورون می رسند و یا به شکل مارپیچ به آن ملحق می شوند.



چگونگی ارتباط نورون ها

نورون ها بایکدیگر در تماس دائم نیستند. بلکه هر نورونی با نورون دیگر می تواند از طریق اکسونش ارتباط حاصل کند محل هر اکسونی را با نورون بعدی «سیناپس» می نامند.

نورونی را که قبل از محل «سیناپس» قرار گرفته ، با در نظر گرفتن جهت عبور جریان عصبی «نورون» پیش «سیناسپی» و نورون بعدی را نورون « پس سیناپسی » نامند .



فاصله‌های «پیش سیناسپی» و نورون‌های «پس سیناسپی» در حدود «۳۰۰ انگسترم» است ، «انگسترم» یک‌ده میلیوایم میلیمتر میباشد .

طرز کار و وظایف نورون‌ها

عده‌ای از یاخته‌های عصبی گیرنده ، عده‌ای تبدیل کننده ، عده‌ای ناقل و عده‌ای ضابط یا ثبت کننده هستند .

در سرانگشت‌ها نورون‌هایی هستند ، که انرژی حرارتی را به انرژی الکتریکی تبدیل می‌کند و آن را منتقل می‌نماید .

معمولا نورون‌ها عده‌ای ناقل گزارش ، از مبدأ دریافت تحریک تا مراکز عصبی هستند . و عده‌ای آورنده فرمان از مراکز عصبی تا اعضاء و اندام‌ها .

که گاه این نورون‌ها به شکل موازی و در جوف يك غلاف قرار دارند که آن‌ها را اعصاب مختلط حس و حرکتی می‌نامند و گاهی گزارش برنده و عصب آورنده فرمان برای اجرای در فاصله‌ای از هم قرار می‌گیرند، ولی بطور کلی در همه آن‌ها این سیکل با این مدار دریافت گزارش، رفتن به مراکز عصبی تا برگشت به عضومجری ملاحظه می‌کنیم. در آن واحد هزاران مدار عصبی در بدن وجود دارد.

بدن جولانگاه تبدیل انرژی‌ها

بهترین آزمایشگاهی که تبدیل انواع کونا کون انرژی را به ما نشان می‌دهد خود انسان است.

حس شنوایی: گوش - انرژی صوتی را به انرژی الکتریکی تبدیل می‌کند.

حس بینائی: چشم - انرژی تابشی را به انرژی الکتریکی تبدیل می‌کند.

حس بویائی: بینی - انرژی شیمیائی را به انرژی الکتریکی تبدیل می‌کند.

حس چشائی: زبان - انرژی شیمیائی را به انرژی الکتریکی تبدیل می‌کند.

حس لامسه: پوست - انرژی حرارتی را به انرژی الکتریکی تبدیل می‌کند، یا بعبارت دیگر انرژی مکانیکی را به انرژی الکتریکی تبدیل می‌کند.

در فوق به طرز کار و تبدیل انرژی‌ها در پنج حس لامسه اشاره شد و حالا در زیر ملاحظه می‌فرمائید سلسله اعصاب مرکزی چه نقشی دارند سلسله

اعصاب مرکزی که شامل مغز، سلسله اعصاب می باشد قادر است .

۱ - تبدیل انرژی الکتریکی به مکانیکی - انرژی الکتریکی را به انرژی مکانیکی تبدیل کند - حرکت انسان و تنظیم حرکات اندام های داخلی بدن .

۲ - عکس العمل ها - قادر است عمل عکس تمام دستگاه های حسی را انجام دهد و با تبدیل انرژی الکتریکی انرژی های ذکر شده را بسازد ، بطوریکه احساس بو نماید و بدون آنکه منبع بو اطرافتان باشد احساس انواع و اقسام مزه ها را در دهان نمائید ، بدون اینکه غذای خاصی دارد دهان شده باشد . و در گوش خود وزوز بشنوید ، بدون آنکه هیچ منبع صدائی اطراف شما باشد . احساس سوزش ، درد ، خارش ، گزگز ، گرما و سرما روی پوست بدن و در سر انگشتان خود بنمائید بدون آنکه کوچکترین عامل فیزیکی یا شیمیائی اطراف شما باشد ، تصاویر درهم و برهم ملاحظه کنید ، در حالیکه هیچ يك از مناظر دیده شده دور و بر شما نباشد .

تابحال ملاحظه این آثار در هراسان نوعی اختلال روانی و نابسامانی محسوب می شد چون معمولاً به سهولت نمی توانستند این نوع عوارض را در انسان بر طرف نمایند و با انتساب به يك نوع بیماری روانی آن را توجیه می کردند . گویا اینکه امروز هم همین عجز گریبانگیر عالم پزشکی هست . و همانطور که ذکر گردید این عوارض را حد نهایی و پیشرفت بیماری می دانستند و می دانند . ما فعلاً در این فصل کاری به قضاوت روان شناسان نداریم فقط يك بهره برداری از این محسوسات به اصطلاح بیمار گونه می کنیم و آن این است که به هر حال عمل عکس یعنی تبدیل انرژی الکتریکی به انرژی های دیگر نیز در بدن به شکل کاملاً مشخص رخ می دهد .

نرون‌ها تمام امور بدن را می‌توانند انجام دهند

آثار نوری . صدا . آثار بویایی . چشائی و لمسیات و امور اداری بدن و همه حالات عاطفی و احساسی بدن توسط نرون ها انجام می‌گیرد .
وظایف نرون‌های مغز بطور خلاصه بقرار زیر است :
تمام امور ثبتی اعم از ثبت آثار نوری (تصاویر) ، صدا ، بو ، سردی و گرمی ، زبری ، نرمی ، خارش ، درد ، آثار چشائی ، آثار داخلی ، احشاء و امعاء و کنترل امور داخلی بدن حرکات قلب ، ریه‌ها ، معده ، کلیه‌ها ، غده‌ها و غیره .

تعداد نرون‌ها در مغز به دوازده میلیون تخمین زده میشود .
بطور کلی مغز که از این مجموعه نرون‌ها ساخته شده دارای هفت وظیفه اساسی است ، و این وظایف بقرار زیر هستند :

۱- درك امواج صوتی: درك امواج صوتی و ثبت و استفاده از آنها بوسیله حس شنوائی یا گوش (رادیوئی) .

۲- درك امواج نوری و ثبت آنها (تصاویر) و استفاده از آنها ، بوسیله حس بینائی یا چشمها (تلویزیونی) .

۳- درك بو . و ثبت آنها و استفاده از آنها ، بوسیله حس بویائی .

۴- درك مزه و ثبت آنها و استفاده از آنها بوسیله حس چشائی عضو مربوطه آن زبان است .

۵- درك سردی ، گرمی ، زبری ، نیزی ، خارش ، سوزش درد ، و غیره و ثبت آنها و استفاده از آنها بوسیله تمام پوست بدن - و اکثر یاخته‌های نواحی مختلف ، داخلی و خارجی به ویژه سرانگشتان .

۶- اداره و تنظیم تمام امور داخلی و خارجی بدن .
مهم‌تر از همه اینکه :

۷- مغز قادر است با خارج بوسیله امواج نامرئی «تلویزیونی و رادیوئی»

تماس برقرار سازد که ما آن را حس ششم می نامیم . بنابراین :

حس ششم عبارتست از گیرنده و فرستنده مغز انسان ، که بوسیله امواج نامرئی با مغزهای دیگران و با وسایل صنعتی ساخت بشر ارتباط برقرار میسازد.

نتیجه :

- ۱ - مغز ، بطور کلی سلسله اعصاب مرکزی و بدن هر شخص دارای برق است .
- ۲ - هر وقت این برق بهرنحوی و بهر شکلی از کالبد بدن خارج میشود ، تبدیل به امواج الکتروماتییک شده و در فضا پخش میشود .
- ۳ - این امواج الکتروماتییک که آنرا امواج انرژی آگاه می نامیم قادر است بر انسان و حیوان و جمادات بگذارد ، که تعیین کننده سرنوشت روزانه و زندگی انسان ها است .

حالا به مطالبی از کتاب عجیب تر از علم در اینجا اشاره می کنیم که این کتاب توسط «فرانک ادواردز» نوشته شده و بوسیله آقای سیروس گنجوی ترجمه شده است.

انسان هایی که بدنشان برق ولتاژ قوی دارد

کمهکاه در این جهان پهناور ، آدمه های شکفت انگیزی یافت می شوند که بدنشان آفاشته از برق ولتاژ قوی است . علم پزشکی نیز درباره علت و انگیزه این امر ، توضیح منطقی ندارد ... از اینرو ترجیح میدهد اینگونه افراد را نادیده بگیرد و اصلاً فراموششان کند .

بمنوان مثال، دکتر «اشکرفت»^۱ هنگامی که نخستین بار مطالب شکفت- انگیزی درباره يك دختر جوان شنید بهیچوجه باور نکرد. به او گفتند که بدن این دختر دارای برق ولتاژ قوی است. تا آنکه سرانجام خود به دیدار این موجود باور نکردنی رفت و به بدنش دست زد. چند لحظه بعد، هنگامی که این پزشک دیر باور، دیدگان خود را گشود، دریافت که طاقباز روی زمین افتاده و عده‌ای از دوستانش با نگرانی بالای سر او جمع شده‌اند! این دختر شکفت‌انگیز که «جنی مورگان»^۲ نام داشت، یکبار دیگر حادثه آفریده بود! «جنی مورگان» در سال ۱۸۹۵ در نزدیکی «سدالیا»^۳ واقع در ایالت «میسوری»^۴ زندگی می‌کرد. موجودی لاغر اندام و عصبی بود. تا ۱۴ سالگی از پدیده شکفت‌انگیزی که توجه همگان را به سوی او جلب کرد، اثری مشهود نبود. سپس ناگهان این دختر، بدلیل نامعلومی، حکم يك باتری را پیدا کرد! هنگامی که دستش را به سوی دسته تلمبه برد تا آن را بگیرد، ناگهان از نوک انگشتانش جرقه‌هایی جهیدن گرفت، و ولتاژ آن چنان قوی بود که انگشتانش درد گرفت و با فربادی دست خود را عقب کشید. و درد ناشی از این جرقه‌ها، برای کسانی که دستشان به بدن او می‌خورد، تحت شرایط خاصی که الکتریسته به بدن آنها منتقل می‌شد، دوچندان می‌گشت.

نیازی به گفتن نیست که «جنی» دوست و رفیق زیادی نداشت، زیرا کسی مایل نبود با يك برق ولتاژ قوی طرح دوستی بریزد!

خودش این پدیده را بمنزله آفت و بلائی می‌پنداشت که همه موجودات را از او فراری میداد. بویژه در میان حیوانات، گربه‌ها بسیار دوست میداشت و یکروز همینکه خواست گربه خود را نوازش کند، از تماس دستش با بدن

1 - Dr . Ashcraft

2 - Jennie Morean

3 - Sedalia

4 - Missouri

گربه جرقه‌های شدیدی ساطع شد و از آن پس گربه بیچاره انگار که با آفت و بلایی روبرو شده باشد، از او گریخت.

این نیروی الکتریسته قوی در بدن «جنی» با بالارفتن سن او، بتدریج محو شد. و او بصورت موجود طبیعی درآمد که می توانست با خوشحالی به زندگی خود ادامه دهد.

مدارك پزشکی و مندرجات روزنامه‌ها، از انسان دیگری سخن میگویند که بدنش انباشته از برق بود. این دختر هفده ساله «کارولین کلر»^۱ نام داشت که در «باندن»^۲ واقع در «انتاریو»^۳ دیده به جهان گشود. وقتی «کارولین» بسن ۱۸ سالگی رسید. ۶۵ کیلو گرم وزن داشت و همراه پدر و مادر خود و شش برادر و خواهرش زندگی می کرد.

در این زمان او بیمار شد، اشتهای خود را از دست داد و جنبه اش روز بروز تحلیل رفت. پزشکان علت بیماری را کشف نکردند و حال او روز بروز بدتر می شد تا آنکه وزن بدنش تقریباً به ۴۵ کیلو گرم رسید.

آنگاه دکتر کونیهای روحی و ذهنی نیز در او پدیدار گشت که علت آن، مانند تغییرات جسمی اش نامعلوم و کیچ کننده بود. «کارولین» گرفتار نوعی حملات شدید شد که پاره‌ای از پزشکان آن را «حالت تشنج» مینامیدند. در این حالت، بدنش مانند چوب خشک می شد و دیدگانش به نقطه ثابتی خیره می‌گشت، و نجواکنان از مناظر یا اماکن دور دستی سخن می گفت که تا آن زمان هیچگاه آنها را ندیده بود. لباسش به حرکت درمی آمد و زیر لب و جویده، سخنانی ایراد می کرد. این حالت، برای کسانی که او را می شناختند و میدانستند که این کودک ساده، به ندرت از زادگاه خود خارج شده بود، مفهومی نداشت و

1 - Caroline Klare 2 - Bondon

3 - Ontario

بدیهی بود که از او کنش عجیب او حیرت می کردند .

یکسال و نیم آزرگار «کارولین» در همین حال باقی ماند تا آنکه بتدریج در وضع جسمی و روحی او تغییری حاصل گشت ، ولی همینکه سلامت خود را باز یافت و به حال سابق باز گشت ، دریافت که پدیده ناخواسته دیگری در او بوجود آمده است . هر کس که به بدن او دست میزد ، برق او را می گرفت !

بدنش ، نه تنها برق داشت ، بلکه از نیروی مغناطیسی یا آهن ربائی نیز برخوردار بود ، و هر کس به او دست میزد ، دستش به بدن او می چسبید و می بایستی به زور ، دست خود را از لباس او جدا سازد .

او نیز مانند «جنی مورگان» همینکه به سن بلوغ رسید ، این پدیده شکفت . انگیز از وجودش رخت بر بست ، و با بالا رفتن سن او ، بتدریج این نیرو محو شد و دیگر هیچگاه به سراغش نیامد .

پزشکان پس از بررسی وضع «کارولین کالر» در تابستان ۱۸۷۹ گزارش می دادند که این بچه پزشی «آنتاریو» تهیه کردند .

در سال ۱۸۹۰ یک پسر ۱۶ ساله بنام «لوئی هامبورگر» در دانشکده داروسازی «مریلند» ثبت نام نمود ، ولی از بدو ورود به دانشکده ، نیروی عجیبی که در بدن این جوان وجود داشت ، توجه دیگر دانشجویان را جلب نمود . مقامات دانشکده ، لازم دیدند که بررسی های دقیقی درباره وضع این جوان بعمل آید ، از اینرو ، گروهی از کارشناسان امور برقی و پزشکی را دعوت کردند تا این جوان استثنائی را مورد مطالعه قرار دهند . اعضای این هیأت ، از مشاهده اینکه انگشتان «لوئی» قادر است بمنزله یک آهن ربای نیرومند عمل کند و اجسام آهنی یا فولادی را بخود جلب نموده از زمین بلند کند ، سخت شگفت زده شدند . میله های فلزی به قطر یک سانتیمتر و به طول ۳۰ سانتیمتر به آسانی به نوک انگشتان او جذب میشد . و هنگامی که چند سوهان آهنی را درون یک

ظرف آزمایشگاهی قرار دادند ، «لوتی» توانست ظرف آزمایشگاهی را فقط به کمک نوك سه انگشت خود از زمین بلند کند .

این نیروی خارق العاده ، گذشته از این سه نفر ، در شخص دیگری به نام «فرانک مک کینستری»^۱ بروز کرد که مانند آنها ، يك نیروی غیر ارادی بود . ولتاژ برق در این شخص ، در بامداد روزی که شب گذشته اش استراحت کافی کرده بود ، به اوج خود می رسید . و این نیرو ، با مرور زمان از بین رفت .

در روزهایی که هوا سرد میشد و بیشتر مردم در فکر استفاده بیشتر از وسایل برقی بودند ، نیروی برق ، به اندازه ای در وجود این شخص ذخیره میشد که راه رفتن برایش حکم يك وظیفه را پیدامی کرد و در این حالت به يك پشه کش برقی شباهت داشت که همه حشرات را به سوی خود جذب می کرد . او نیز چند صباحی مانند آن سه نفر دیگر ، مورد بررسی قرار گرفت ، ولی دیری نپایید که بدست فراموشی سپرده شد .

زیرا در آن روزگار ، دانش بشری در برابر همه این پدیده های شگفت انگیز چاره ای جز سکوت نداشت .

افراد استثنائی که بدنشان انباشته از برق ولتاژ قوی است ، گاهی برای خود و دیگران ، حوادث ناگواری به بار می آورند ، و شدت این نیرو در وجود اینگونه افراد ، متناسب با شرایط درونی و بیرونی ، پیوسته در تغییرات است .

دستگاههای الکترونیکی چگونه می توانند ، گیرنده یا فرستنده امواج آگاه مغزی باشند ؟

موضوع اینکه دستگاههای فنی و الکترونیکی می توانند نقشی در امواج انرژی آگاه مغزی داشته باشند ، موضوعی خارج از بحث ما میباشد .

ولی يك فايده مهم دارد ، و آن اینکه اگر اثبات شود که دستگاههای الکترونیکی هم بتوانند امواجی را بمغز ارسال نمایند و یا امواج مغزی را جذب و اخذ کنند ، صد درصد برای خوانندگان و سواسی بسیار مشکوک ثابت خواهد شد ، که مغز دارای امواج انرژی آگاه است که می توانند به نسبت زیادی در تعیین سرنوشت ، اهداف ، امیال و آرزوهای ما مؤثر باشد .

پس از این مقدمه به تحقیق و بررسی عقاید و افکار آقای مهندس غلامرضا اربابی در این باره می پردازیم ، به بینیم ایشان عقیده خود را در کتابهای خود چگونه اثبات کرده اند ، بعلاوه ادعا می کنند که خود دستگاههای خاصی در این باره در خانه یا کارگاه خود ساخته اند ، که تا حدودی اثبات فنی و مکانیکی انتقال و گیرندگی امواج مغزی را توسط دستگاههای الکترونیکی با اثبات می رساند ، که هنوز من ندیده ام ، یا فرصت نشده بروم به بینم ، احتمالاً شاید یکی از این روزها به سراغ ایشان بروم و دستگاههای ایشان را از نزدیک به بینم .
با دستگاههای صوت و تصویر فعلی ، رادیو ، تلویزیون انتقال و ارسال امواج فکری امکان ندارد .

دستگاههای الکترونیکی قادر نیستند ، افکار و عقاید مذهبی و سیاسی و خصوصی اشخاص را تغییر دهند .

دستگاههای الکترونیکی می توانند فقط برخی عواطف و احساسات را مانند ، انواع دردها ، بیماریها ، شادی ها ، خارش ها و بو و نظایر آن را منتقل کنند یا جذب نمایند .

هر دستگاه گیرنده و فرستنده ای مثل رادیو ، تلویزیون و بی سیم ها قادر نیستند امواج فکری را جذب یا منتقل کنند .

زیرا هر دستگاه الکترونیکی و هر مغزی ممکن است ، فرکانس های مختلفی داشته باشند ، که برای دیگری قابل جذب و دفع نمی باشد . حالا برای اینکه شما هم معنی فرکانس را بخوبی بفهمید ما معنی فرکانس را از صفحه ۱۷ کتاب « حس ششم و امواج رادیو تلویزیونی مغز انسان » نقل می کنیم .

این مبحث اجباراً باین دلیل نوشته میشود ، که عدم آگاهی آن ممکن است در برخی این فکر ، این استدلال را ایجاد کند ، که تمامی این حرف‌ها دروغ است ، اگر اینطور بود ، سازمانهای رادیو و تلویزیون ایران و دنیا هم باید هر روز اینکار را انجام دهند ، چرا نمی‌توانند . با مطرح نمودن این بحث شما متوجه خواهید شد که برای اینکه دستگاه فرستنده یا گیرنده امواج مغزی بتواند کار کند باید بطور خصوصی و با وسایل خاصی ساخته شود .

الفباء و اولین قدم اینکه شما خواننده محترم بدانید که چرا و چگونه و چه موقع این دستگاهها می‌توانند ، امواج خاصی را به مغزی بفرستند یا از مغزی بگیرند ، دانستن معنی و مفهوم «فرکانس» در دستگاههای ارسالی و گیرنده است حال به بینیم :

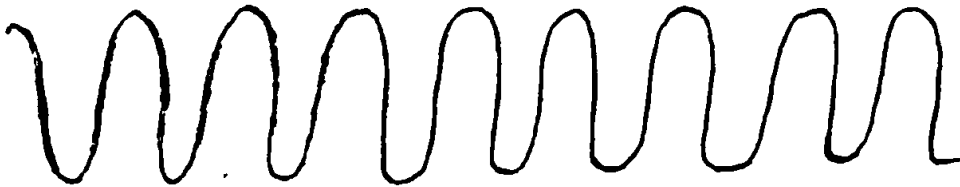
فرکانس چیست ؟

من از کتابهای مهندس غلامرضا اربابی الهام میگیرم ، اقتباس می‌کنم ، ولی گاهی لازم می‌بینم برای بهتر فهمیده شدن و بهتر فهمیدن موضوع ، شکل ، معنی و مفهوم جملات را تغییر میدهم ولی از اصل موضوع و حقیقت و فکر باطنی آقای مهندس غلامرضا اربابی تجاوز نمی‌کنم . گرچه ایشان کتابهای خود را بسیار ساده و روان و قابل فهم عموم نوشته‌اند و بخصوص برخلاف اکثر بلکه همه کتابهای دیگر دارای تصاویر و نقاشیهای زیادی هستند و ما میدانیم که گاهی يك تصوير در يك صفحه با اندازه صدها صفحه حقیقت را با انسان می‌فهماند .

تعریف فرکانس :

فرکانس تعداد نوسانات موج در ثانیه است ، بعبارت باز هم ساده‌تر فرکانس یعنی بالا و پائین رفتن امواج در فضا که گاهی طول و فاصله این بالا و پائین

رفتن‌ها بیشتر است و گاهی کمتر، که در تصویر زیر مشاهده می‌فرمائید :



نمودار، فرکانس یا طول موجهای مغزی

بنابراین وقتی امواج حرکت میکنند، میتوانند بی‌نهایت فرکانس داشته باشند، ممکن است یک موج فرکانس بسیار بلند و یک موج فرکانس بی‌نهایت ریز باشد.

و دلیل اینکه همه دستگاهها نمی‌توانند همه امواج فرستنده را بگیرند همین است. زیرا برخی دستگاههای گیرنده فقط می‌توانند چند موج را که دارای فرکانس‌های معینی هستند بگیرند، که این طول موج‌ها روی همه رادیوها هستند و شما هر روز با این طول موج رادیوها سروکار دارید، که هر طول موجی، صدای مخصوصی را از فلان کشور می‌گیرد.

طول موج ۰ مژ یا همان فرکانس مغز بسیار بزرگ و فرکانس فرستنده مغز بسیار کوتاه است، که برای گرفتن آن یا فرستادن باید دستگاهی ساخت که قادر باشد طول موج‌های بسیار ریز را بفرستد یا بگیرد، که امروزه کشورهای بزرگ این قبیل دستگاهها را ساخته‌اند.

سرعت طول امواج

سرعت حرکت امواج سیصد هزار کیلومتر یا سیصد میلیون متر در ثانیه است (یعنی 3×10^8) یعنی در یک ثانیه ۳۰۰/۰۰۰/۰۰۰ متر را طی می‌کند. و در این مدت ۳۰۰/۰۰۰/۰۰۰ دفعه نوسان دارد، یعنی بالا و پایین می‌رود، یعنی این موج در هر متر یک دفعه بالا و پایین می‌رود و میگوئیم طول موج آن یک است.

بنابراین طول موج دستگاههای فرستنده نوساناتی است که فرستنده به امواج ساخته شده خود می‌دهد. زیرا تمام امواج الکترومagnetیک دارای سرعت ثابتی برابر سرعت نور یعنی سیصد هزار کیلو متر در ثانیه یا $300/000/000$ متر در ثانیه می‌باشد.

پس وقتی فرستنده‌ای اعلام می‌کند که با طول موج ۱۰۰ امواج خود را می‌فرستد باید بدانیم که فرکانس موجی را که می‌فرستد $3000/000$ نوسان در ثانیه می‌باشد یعنی در هر ثانیه $3/000/000$ بار نوسان دارد و چون سرعت این موج $300/000/000$ متر در ثانیه می‌باشد خارج قسمت ۱۰۰ خواهد شد.

($3000/3000 = 100 \div 300/000/000$) ، که فرمول ریاضی آن بقرار زیر خواهد بود.

$\text{طول موج} = \frac{\text{سرعت موج در ثانیه}}{\text{فرکانس (تعداد نوسانات در ثانیه)}} = \frac{3 \times 10^8}{30 \times 10^6} = 100$

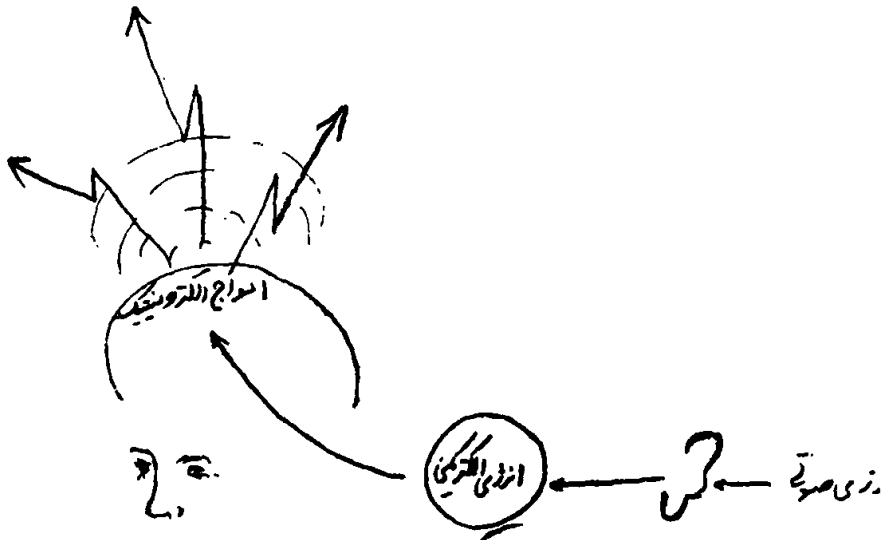
علت تشریح دقیق ریاضی :

به این علت لازم دانستم که این تشریح و تعریف دقیق ریاضی و فیزیکی در بالا بعمل آید که خواننده شكك و سواسی ، یا خواننده صد درصد ماتریالیستی بتواند حقایق را با فرمول های ریاضی و فیزیک و ماده باور کند .

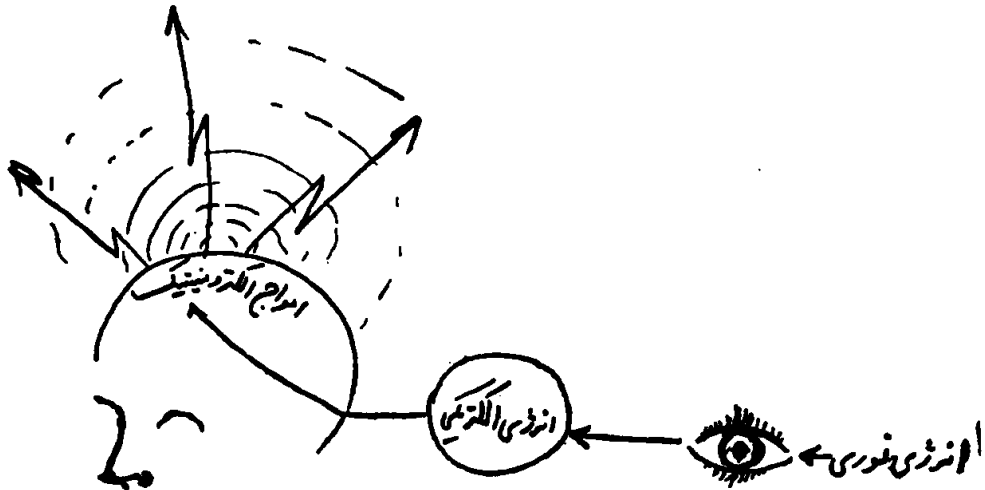
حال به بینیم این امواج الکتریکی و الکترومagnetیکی رابطه خود را با مغز انسان‌ها چگونه برقرار می‌کنند . در اینجا بسیار مختصر اشاره خواهد شد و شما برای کسب معلومات بیشتر، تشریح ، تعریف و دلائل بیشتر می‌توانید به کتاب های آقای مهندس غلامرضا اربابی مراجعه کنید .

تأثیر فیزیکی و علمی که تا بحال گرفته ایم

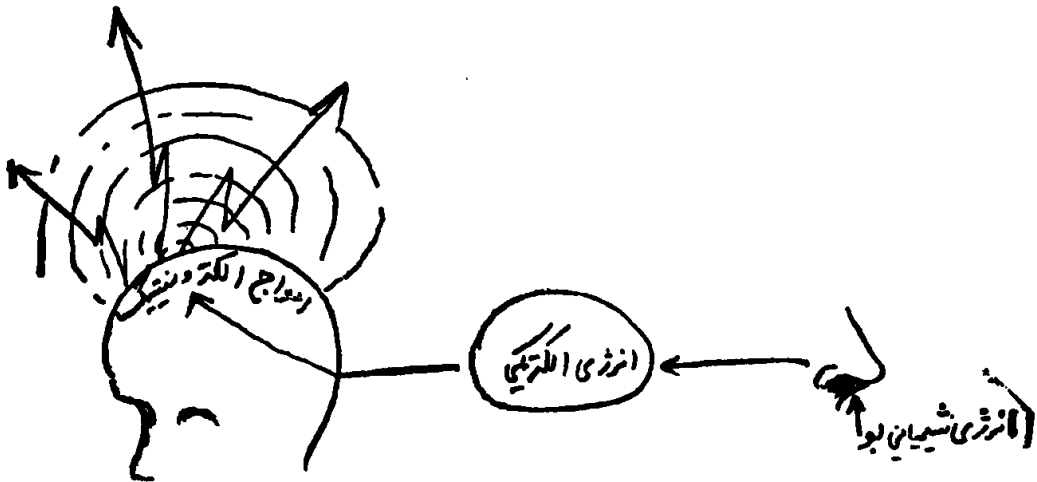
- ۱ - مغز انسان که مجموعه‌ای از نورونها هستند دارای برق است. انشاءالله هر این باره شکی ندارید .
- ۲ - دستگاههای فرستنده و گیرنده ، رادیو و تلویزیون ، روزانه امواجی می‌فرستند و می‌گیرند ، که آنها از طریق برق انجام میشود .
- ۳ - وقتی برق مغز و با دستگاههای الکترونیکی در فضا بخش میشود آن را امواج الکترومغناطیس می‌گویند .
- ۴ - دستگاههای بخصوصی ساخته شده که فرکانس این دستگاهها با فرکانس یا طول موج مغزی هم آهنگی دارند ، که در زیر به زبان تصویر آنها را می‌بینید .



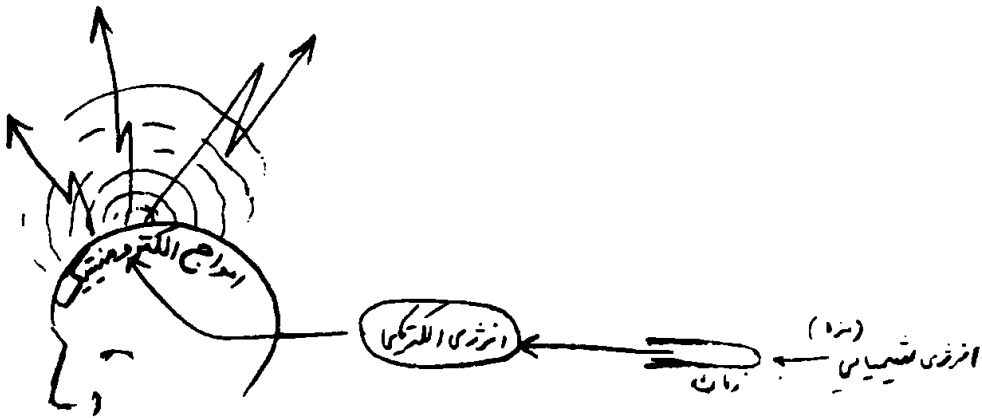
هر صدائی که از گوش می‌شنویم ، از طریق تبدیل انرژی صوتی به الکتریکی و سپس تبدیل آن به امواج الکترومغناطیسکی در فضا بخش میشود



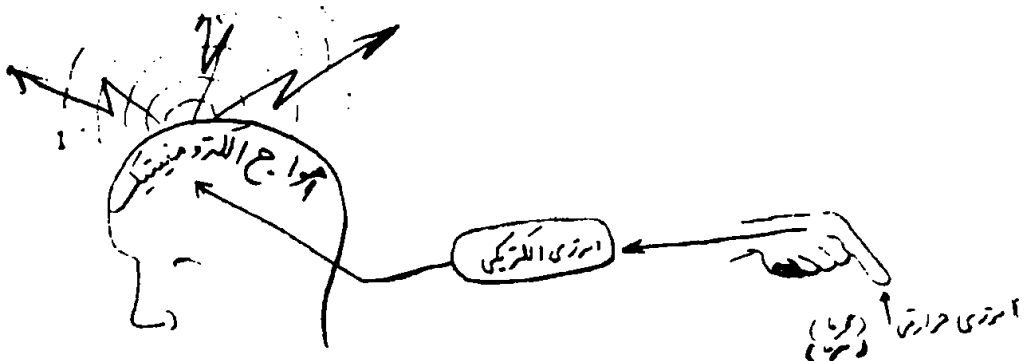
هر تصویری که با چشمهای خود می بینیم از طریق تبدیل انرژی نوری به الکتریکی و سپس به امواج الکترومغناطیسی صاف و در فضا آزاد می گردد



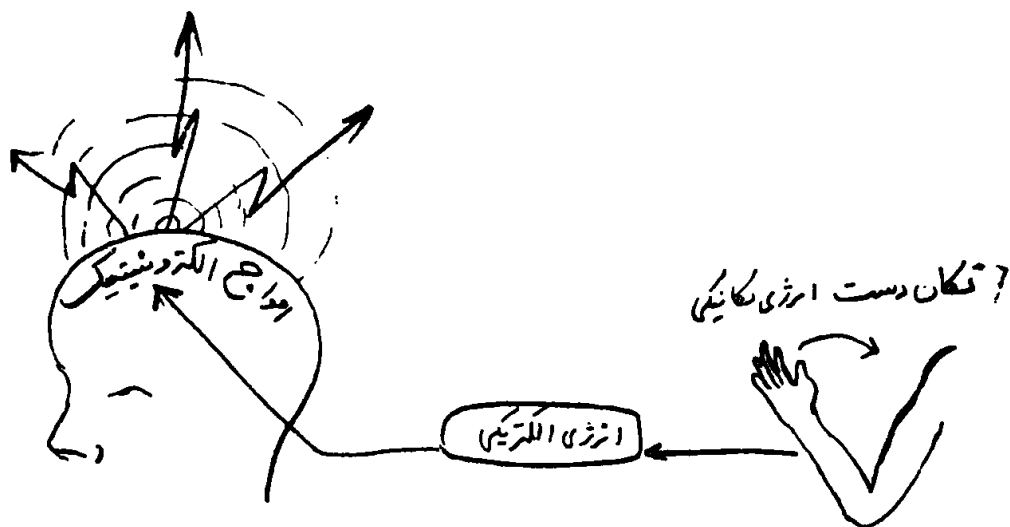
هر بونی که بمشام می رسد. از طریق تبدیل انرژی شیبانی به الکتریکی و الکتریکی به الکترومغناطیسی در فضا منتشر می گردد



هر مزه‌ای که از زبان به مغز گزارش می‌گردد از طریق تبدیل انرژی صوتی به الکتریکی و الکتریکی به الکترونیکی از مغز ماطع و در فضا پخش می‌گردد



هر گزارش دستگاه لامسه از طریق تبدیل انرژی حرارتی به انرژی الکتریکی و الکتریکی به الکترومانیه تیکی از مغز آزاد و در فضا پخش میشود

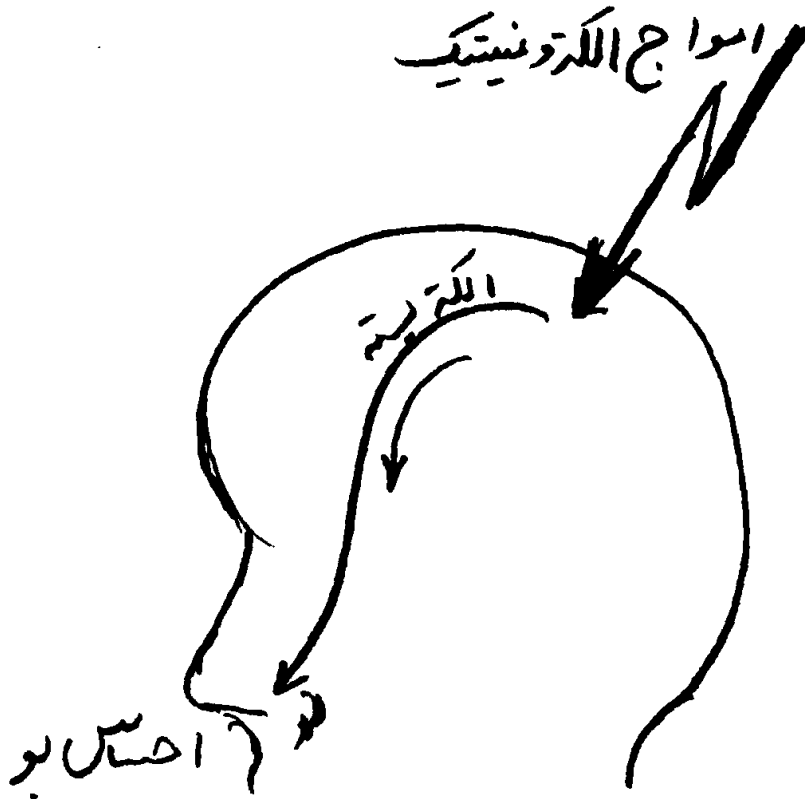


تمام حرکات خارجی و درونی از طریق تبدیل انرژی مکانیکی به الکتریکی و الکترومغناطیس به الکترومانیة تپکی مغز در فضا منتشر می گردد حتی ضربان قلب ، نبض ، فشار خون ، حرکات ریه ، کلیه ها ، غدد ...

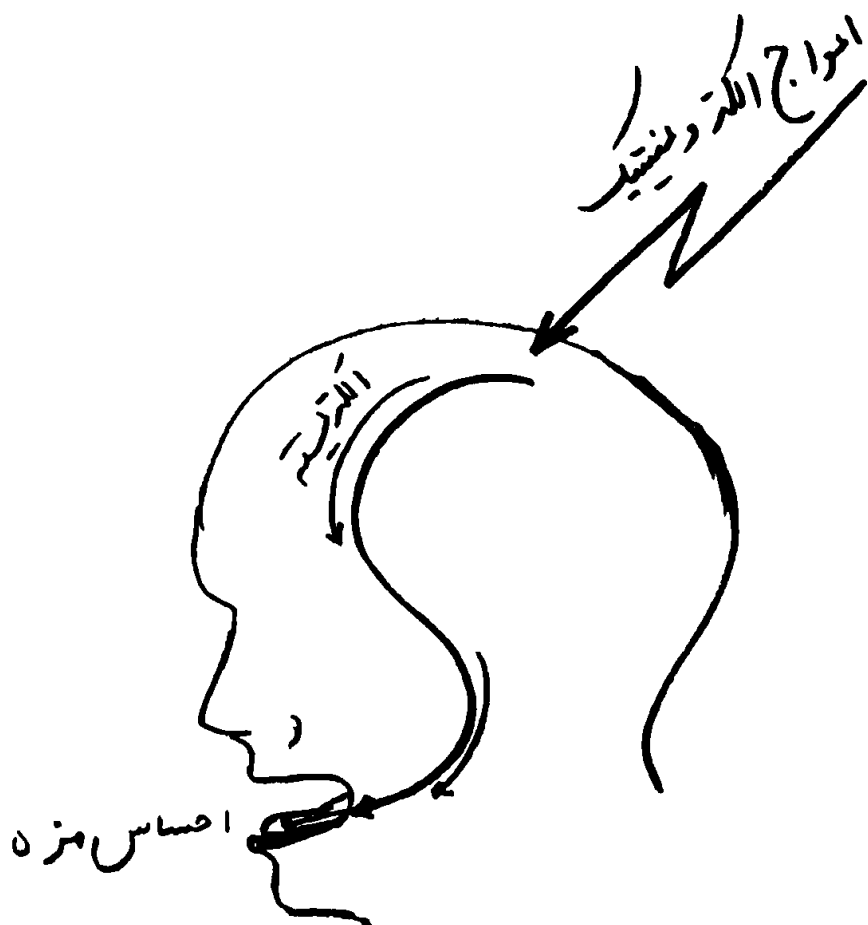


درد ، خارش ، کوخ شدن از طریق تبدیل به الکتریسیته به مغز گزارش میشود ، و الکتریسیته نیز خود در مغز به امواج الکترومانیة تپکی تبدیل شده و در فضا رها می شود

در تصاویر بالا ، مغز نقش فرستنده یعنی شبیه فرستنده رادیو عمل می کند ، حالا در تصاویر زیر ملاحظه می فرمائید که مغز نقش گیرنده یعنی رادیو را بازی می کند ، يك مغز می فرستد و مغز دیگری آن را می گیرد



امواج الکترومغناطیسی که ناقل یا آورنده احساس بو میباشد وارد مغز شخص دیگری شده در آنجا تبدیل به الکتریسیته شده و شخص بوئی را احساس می کند بدون اینکه منبع بو مثل گل یا سیگار در اطراف باشد



در تصویر فوق امواج الکترو دینامیک که ناقل و حامل احساس مزه است وارد مغز شده و در آنجا تبدیل به الکتریسیته میشود و شخص مزه‌ای را دردهان احساس می‌کند، بدون اینکه چیزی را چشیده باشد.

احتمالا این آزمایش را دو نفر که هر کدام پشت پرده هستند می‌توانند آزمایش کنند، نفر اول بدون اطلاع نفر دوم گوجه یا لیموترش یا شیرینی می‌خورد، نفر دوم این احساس را دردهان خواهد کرد، ولی صحت و درستی آن به دو عامل بستگی دارد.

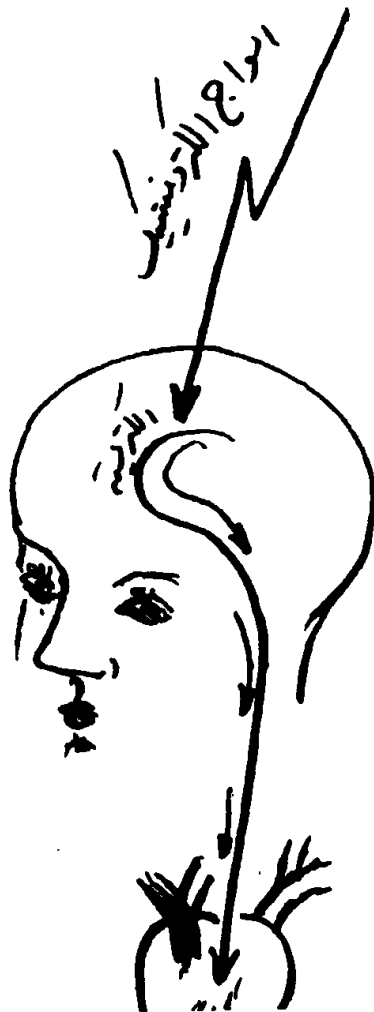
اولا - هر دو نفر استعداد فرستندگی و گیرندگی خوبی داشته باشند یعنی دارای اعصاب حساس، دقیق و نازک باشند، که اکثر از هر ۲۵ بار آزمایش

۵ تا ۷ بار صحیح باشد آن آزمایش علت و ریشه صحیح علمی دارد، که اگر طرفین حساس باشند راندمان خیلی بیشتر خواهد بود.

ثانیاً - اگر فرد در حال هیپنوتیزم عمیق باشند نتیجه آزمایش بسیار بهتر خواهد بود، در حال هیپنوتیزم از هر ۲۵ بار آزمایش گاهی ۲۰ تا ۲۴ بار صحیح خواهد بود.



ثالثاً - مغز هر کس گیرنده اش منحصر آ روی طول موج معینی امواجی را ارسال یا دریافت می کند اگر در آزمایش خود روی یک نفر نتیجه نگرفتید باید بدانید که طول موج های مغز یکسان نیستند، ولی دستگاه های الکترونیکی دقیقاً طول موج های ارسالی را حتماً می گیرند و تنظیم می کنند و برای همان امواج خواسته ها ارسال می کنند و نتیجه صد درصد است - ولی هیپنوتیزورهای قوی قادرند روی بسیاری از مغزها اثر بگذارند ، ولی باز هم نه همه آنها. احساس سرما سوار بر امواج الکترومغناطیسیک بر مغز سوژه وارد میشود و آنجا تبدیل به الکتریسیته شده و شخص احساس سرما می کند .



احساس درد در قلب یا از کار انداختن یا تند کار کردن یا کند کار کردن آن از طریق امواج الکترو مایه تیک وارد مغز سوخته میشود در آنجا تبدیل به الکتریسیته شده و شخص احساس می کند که قلبش درد می کند و یا ضربان آن کند یا تند شده است .

مغزها می توانند ، احساسات ، عواطف و حالات جسمی و روانی زیر و ارسال کنند یا جذب کنند و بگیرند .

۱- احساس بو - مزه - سردی و گرمی ، درد خارش .

۲- بخواه رفتن - (هیپنوتیزم کردن ازدور) ، ایجاد رؤیا در بیداری و تطبیق آن با حقیقت .

۳- تحریک جنسی یا بالعکس بوجود آوردن حالت عدم تحریک . (کار علوم غریبه ، بستن یا باز کردن مردها و زن ها که جز ارسال امواج مغزی چیز دیگری نمی تواند باشد) . علاقمند شدن به هر کس با هر شکل و تمایل فاقد پرستش و بالعکس متنفر شدن از زیباترین انسان ها که همه این حالات عاطفی از طریق خود هیپنوتیزم و علوم غریبه بخوبی نتیجه بخش است ، مگر طول موج های دو مغز اختلاف فاحشی داشته باشند که سخت تر و با تکرار چند بار امکان دارد نتیجه بخش باشد .

۴- ایجاد سرفه . عطسه ، نفس نفس زدن - کرخ کردن ، خاراندن تمام نقاط بدن . عرق کردن در هر نقطه .

۵- کنترل حرکات دستها ، پاها .

۶- فرمان حرکت ، نشستن ، خوابیدن ، برخاستن والا آخر .

۷- ایجاد درد در هر نقطه و هر یک از اندامها .

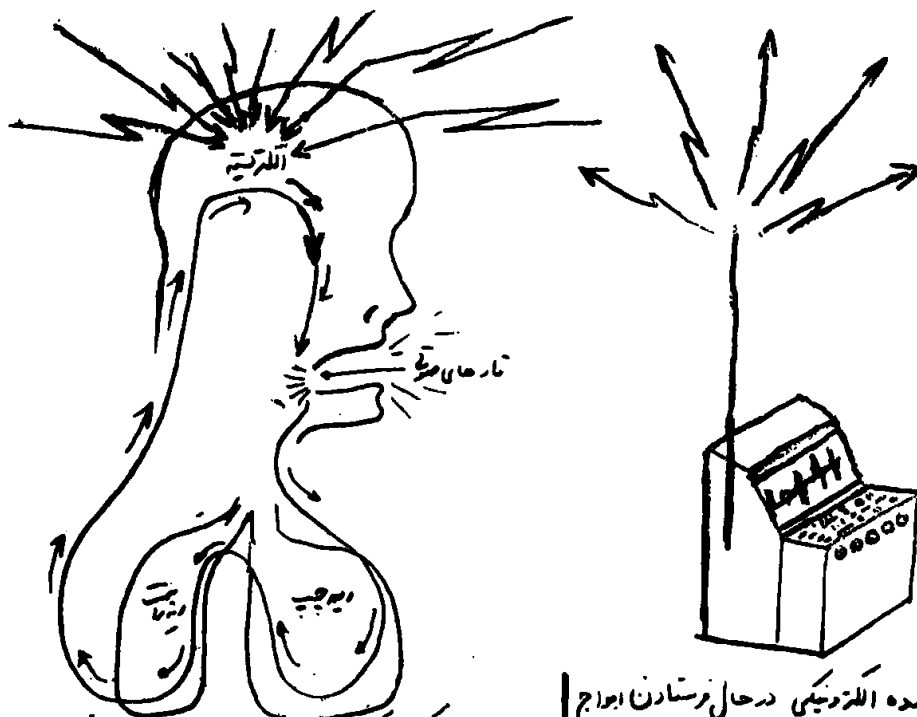
۸- بهبود کامل در هر نقطه و هر یک از اندامها .

۹- ایجاد بیماری های جلدی .

۱۰- ایجاد نومور در هر نقطه ، بالعکس از بین بردن آن در هر نقطه .

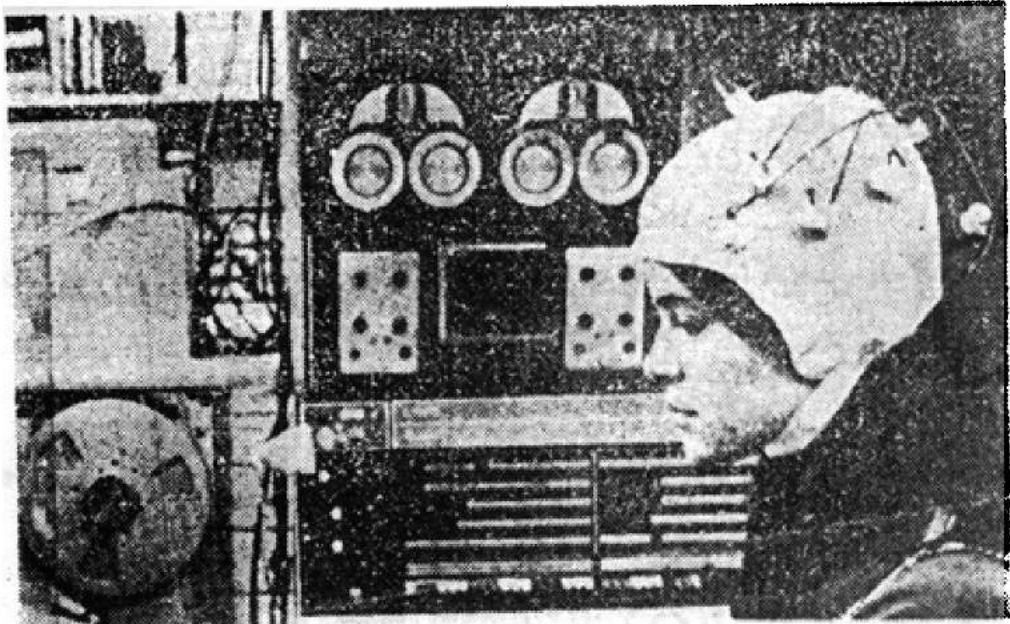
۱۱ - ایجاد حالت‌های احساسی مغز ، خشم ، خنده ، تردید ، تصمیم ، سوءظن - علاقمند شدن ، تنفس ، انزجار - کشتن . دلهره . جسارت . شهادت ترس ، تنبیه ، خجالت : انصراف و غیره . و سرانجام جان گرفتن و کشتن .

گفتیم اگر دو نفر آزمایشات فرستادن و گرفتن امواج مغزی را انجام دهند ولی موفق نشوند ، با احتمال عدم هم‌آهنگی طول موج با فرکانس مغز آنهاست که معمولاً واکثراً با تکرار و تمرکز بیشتر و یکمک هیپنوتیزم به نسبت بسیار زیادی نتیجه‌بخش خواهد بود ، مگر با احتمال بسیار کم فرکانس‌های دو مغز بسیار متفاوت باشد، ولی دستگاه‌های الکترونیکی به سهولت طول موج وارده را مشخص و بر روی همان طول موج هر حالات دلخواهی را می‌توانند علیه سوژه ارسال نمایند .



مغز امواج الکترونیکی را روی طول موج معین دریافت کرده و پس از تبدیل به الکتریسیته به علت دارا بودن پالس‌های ویژه راه خاص، بطرف تارهای صرغ را طعم می‌کند .

فرستاده الکتریکی در حال فرستادن امواج روی طول موج معین حامل پیام سر فرستاده



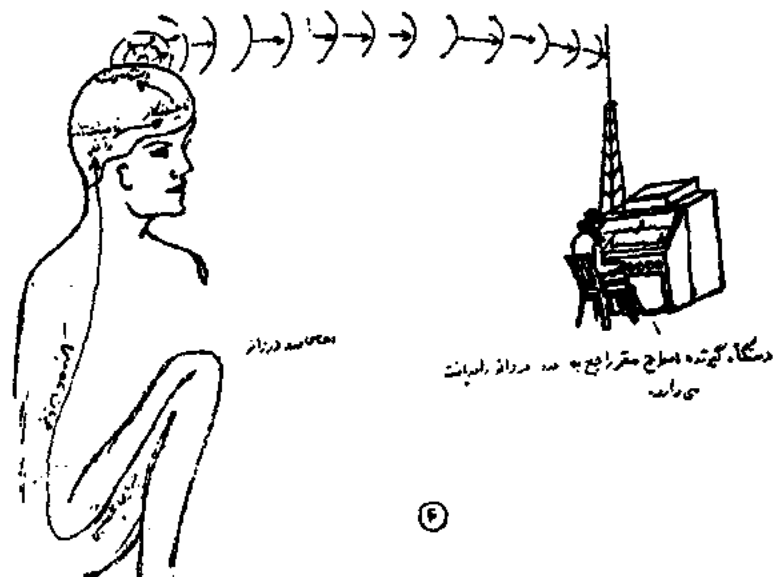
سازمان تحقیقات دانشگاه «استافورد» - در آمریکا - کامپیوتری را بکار گرفته است که میتواند فکر آدم را بخواند ...

برای آزمایش، شخص داخل اتاقکی میشود، کلاهی بر سر میگذارد که سیم‌هایی از آن بیرون آمده‌است. دانشمندی که شیوه بکار گرفتن کامپیوتر را میداند، به نقطه سفیدی در وسط صفحه تلویزیون چشم میدوزد و افکار را که بصورت هلالی منعکس میگردد، میخواند.

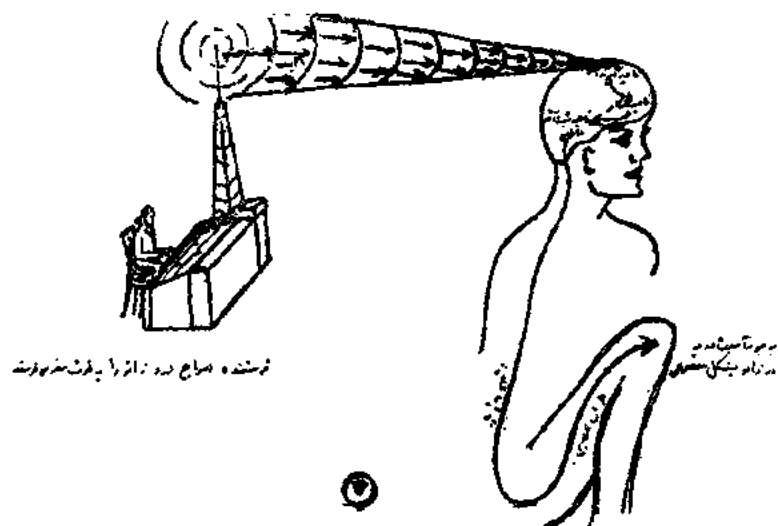
مغز ماشینی،
بجای مغز طبیعی!



دریافت می‌دارد، و روی نوار ضبط می‌کند



دستگاه گیرنده آثار درد را در سر زانو، با دریافت امواج رادیویی مغز، یادداشت می کند



دستگاه فرستنده آثار درد را در سر زانو یادداشت کرده بود ،
بمغز دیگری می فرستد، و او احساس درد در سر زانو می نماید

گف‌ردهای مقتدر و توانای صنعتی جهان چه اقدامات و پیشرفت‌هایی در خصوص امواج آگاه مغزی انجام داده‌اند

اجازه بدهید ابتداء خبری تكان دهند و اعجاز انكيز از روزنامه اطلاعات
دوشنبه بيست و سوم ماه ۱۳۶۲ شماره ۱۷۱۵۷ نقل كنيم .

اطلاعات ||| در جهان دانش و علم ||| دوشنبه بيست و سوم
آبان ماه ۱۳۶۲ ۲۰ شماره ۱۷۱۵۷

بروسی یکی از غیر انسانی ترین کاربردهای « علم » تلاش پنهانی ابرقدرتها برای دست یابی به سلاح‌های روانی

اشاره :

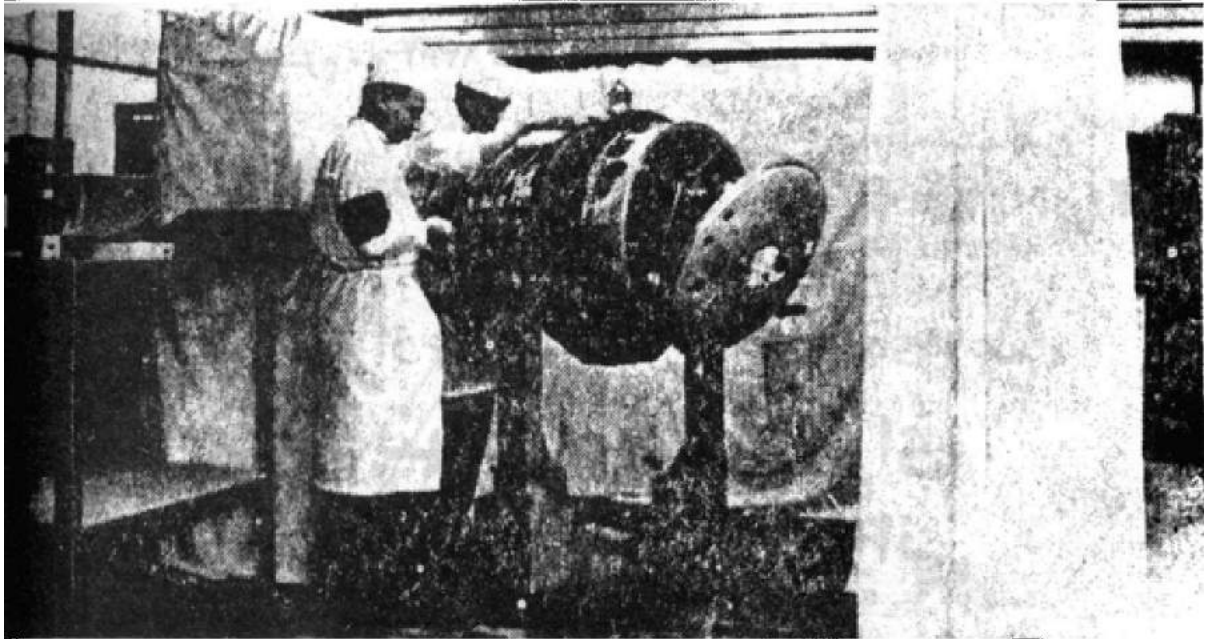
در میان خبرهای علمی که در هفته
گذشته، بر روی تلکس خبر گزاورها آمد،
خبری از آسوشیند پرس، در ۱۶ آبان،
توجه زیادی را برمی انگیزخت. گرچه خبر
علمی بود، لیکن حکایت از کاربرد غیر
انسانی و غیر اخلاقی علم داشت. داستان
تكان دهنده‌ای بود از گسترش دانش آدمی،
نه برای ساختن و آبادانی، بلکه برای

ویران سازی و نابودی انسانها .

این خبر، ماجرای پشت پرده تلاشی
را در بر میگرفت که از سوی دوا بر قدرت
جنایتکار برای دستیابی به سلاح‌های روانی
و تسلط بر نیروی مغزی انسان، بعنوان
يك اسلحه مؤثر، اعمال میشود. گرچه
پیش از این، اکثراً در غالب فیلمها و یا
داستانهای تخیلی علمی-چنین سلاح‌هایی
به میان آمده بود و یا در گزارشهای
تائید نشده‌ای که جسته و گریخته در منابع

نه چندان موثقی به چاپ می‌آمد ، به-
تحقیقات سرویس‌های اطلاعاتی امریکا
و شوروی در راه دستیابی به سلاحهای
مغزی اشاره میرفت ولی این شاید برای

نخستین بار باشد که این چنین تأیید شده،
از جانب يك خبرگزاری پر نفوذ بین المللی،
خبری در این باره انتشار پیدا میکند.



انجام جراحی بر روی مغز يك بمب استراتژیک انگلیسی. به همان میزان که دانش آدمی پیشرفت میکند، به همان اندازه می‌کند، کاربردهای غیر انسانی تری را بدست آورد. اینک سلطه گران بین المللی، در یک تلاش بی رحمانه به سوی دستکاری مغز آدمی روی آورده‌اند تا بلکه قادر به کنترل افکار و انرژی لایزال مغزی، بمنظور استفاده های نظامی از آن گردند.

سلاح مغزی چیست ؟

« بارتون - ری پرت » ، گزارشگر
آسوشیتد پرس که گزارش خود را بر پایه
استناد به کتابی تحت عنوان « جنگ روانی :
تهدید یا فریب » ، قرار داده است درباره
اینکه سلاح مغزی چیست ، مینویسد :
« بزبان ساده دست کاری در مغز يك انسان

بنحویکه وی قادر باشد با نیروی
خارق العاده کارهای م.ا و راه محسوس
انجام دهد ، از وی پس دبده فوق العاده
خطراتناکی بوجود می آورد . کارهایی
مانند تله پاتی ، دیدن مکانها از راه دور
جابجا نمودن و یا ختم کردن اشیاء سخت.

وضعیت آمریکا :

مهمترین نکته‌ای که در گزارش اخیر آشوب‌پرس درباره وضعیت سلاح‌های کنترل فکر در آمریکا به آن اشاره شده است، آن است که نویسنده آشکارا ذکر میکند که سازمان جاسوسی آن کشور (سیا) حداقل در دهه‌ی ۱۹۷۰ به دلایل نامعلومی آنرا متوقف می‌سازد. هرچند شواهدی اطمینان‌بخش وجود ندارد که این کشور در حال حاضر نیز چنین تحقیقاتی را دنبال نکند.

بطور کلی اعتقاد بر آن است که بسیاری از دست‌اندرکاران دولتی آمریکا، چه در کنگره و دولت یا ارتش و سازمان‌های اطلاعاتی، به روانشناسی ماوراءالطبیعه علاقه خاصی دارند.

یکی از دلایل این نکته، میتواند گزارشی باشد که به تازگی از سوی سرویس پژوهش کنگره تهیه شده است و نشان می‌دهد که روانشناسی ماوراءالطبیعه، در رشته‌هایی چون آموزش و پرورش، پزشکی و اکتشافات زمین‌شناسی کاربرد گسترده‌ای دارد، ضمن آنکه تکنیک‌های کنترل مغز برای استفاده‌های نظامی،

آمریکا و شوروی بطور پنهانی تحقیقات دامنه‌داری را برای تحت تسلط درآوردن انرژی فکری بعنوان یک جنگ افزار دنبال میکنند.

وضعیت شوروی:

نویسنده مارتن-ابدون نویسنده کتاب فوق تحقیقات و مطالعات نیروی زمینی آمریکا نشان میدهد که شوروی طی سال‌های اخیر در زمینه سلاح‌های کنترل فکر، به پیشرفتهای قابل توجهی نائل آمده است، بنحویکه شاید بتوان دلیل بمباران کردن سفارت آمریکا در مسکو را توسط امواج مایکروویو کوششی دانست که این کشور در جهت کنترل امواج مغزی از راه دور، بعمل می‌آورد.

دانشمندان شوروی به مغز بعنوان وسیله‌ای در دسترس برای کاوش و دست کاری مینگرند. آنها از این نکته بخوبی آگاهند که تکنیک‌های بسیار کاملی در ESP (احساس ماوراءالطبیعه) وجود دارد که در جنگ میتوان آنها را بکار گرفت.

وسيله‌ای که با تحت کنترل در آوردن انرژی مغزی، میتواند آنرا گسیل نماید و یا به عبارت ساده‌تر (پارازیت انداز مغزی) (ایجاد اختلال در نیروی فکری حریف) تشریح شده است.

ادراك از راه دور:

در کتابی که آسوشیند پرس، گزارش خود را بر اساس آن قرار داده است، همچنین از چند صاحب نظر علمی نام برده میشود که هر يك در این تحقیقات نقش مهمی را ایفا میکنند.

یکی از این پژوهشگران «رابرت جی جان» نام دارد و رئیس دانشکده علمی کاربردی در دانشگاه پرینستون است دکتر جان تا بحال حدود ۳۰۰ دور انجام داده است که بعد مسافت پاره‌ای از آنها به متجاوز از ۱۷۰۰۰ کیلومتر میرسد. دیگری شخصی است بنام «کریستوفر، اچ، داج» که پژوهشگر يك شرکت خصوصی بنام «سی.ا.اس» است. وی درباره سلاحهای مغزی عقیده دارد که پاره‌ای از پدیده‌های کنترل مغز تحت شرایط کنترل شده‌ای میتوانند

اطلاعاتی و پلیسی نیز بسیار مؤثر است.

نیروی زمینی آمریکا از سال ۱۹۸۱، دستورالعمل‌های ویژه‌ای را برای دفاع در مقابل، چنین جنگ افزارهائی، تهیه کرده است.

بموجب اسنادی که در کتاب «جنگ روانی: تهدید با فرب» انتشار یافته است بنیراز «سیا» حداقل یکی از نیروهای نظامی آمریکا، یعنی نیروی زمینی، دست کم بر روی شیوه‌های دفاع در برابر چنین حملاتی پژوهشها و مطالعاتی را دنبال میکنند.

واحد توپخانه این نیرو در دستورالعمل محرمانه‌ای که در سال ۱۹۸۱ به چاپ رسانید، صریحاً اثرات تاکتیکیهای مختلف جنگ مغزی و سایر پدیده‌های روانشناسی متافیزیک را بر روی کارایی عملیاتی و نیروی فکری، پرسنل تحت اختیار، مورد تجزیه و تحلیل قرار میدهد.

در این گزارش، لغت

Psycho, Psychotronic

به معنی فرآیندهای ذهنی و مغزی،

Tronic به معنی وسیله و آلت)، بعنوان

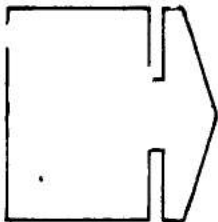
تکرار شوند. البته این امر گرچه تاحدی
عملی بنظر میرسد، لیکن تاحد ابد آ،
هنوز فرصت بیشتری لازم دارد.

نتیجه :

گذاشی که ذکر شد، از آنجا که از
سوی یک خبرگزار امریکائی منتشر
شده است، مانند همه موارد مشابه، علت
روی آوردن این کشور به پژوهش درباره
سلاحهای روانی را ناشی از تلاش مشابهی
میداند که از سوی شوروی صورت

میگیرد. روی همین اصل طبعاً چنانچه
این خبر از سوی منابع شوروی انتشار پیدا
میکرد، آنها آمریکا را دلیل این اقدام
خود توجیه مینمودند.

به همین دلیل اگر گزارش آسوشیتد
پرس را در مورد تحقیقات شوروی،
اغراق آمیز بدانیم و آنچه را هم که
درباره خود آمریکا آورده، نا کافی
به شمار آوریم، در یک نگرش ساده میتوان
حقیقتی را از لابلای ترفندهای تبلیغاتی
دریافت. حقیقت آن است که هر دو ابرو



از دیرباز روش های مختلف
«هیپنوتیزم» برای روان درمانی
معمول بوده است. ولی اینکه
بتوان در این رشته تا به آن
حد پیشرفت نمود که از آن برای
نابودی و ویرانی استفاده نمود،
مسأله ای است که ابرقدرتهای
جنايتكار احتمالا وانمود
می کنند، سرگرم آن هستند.

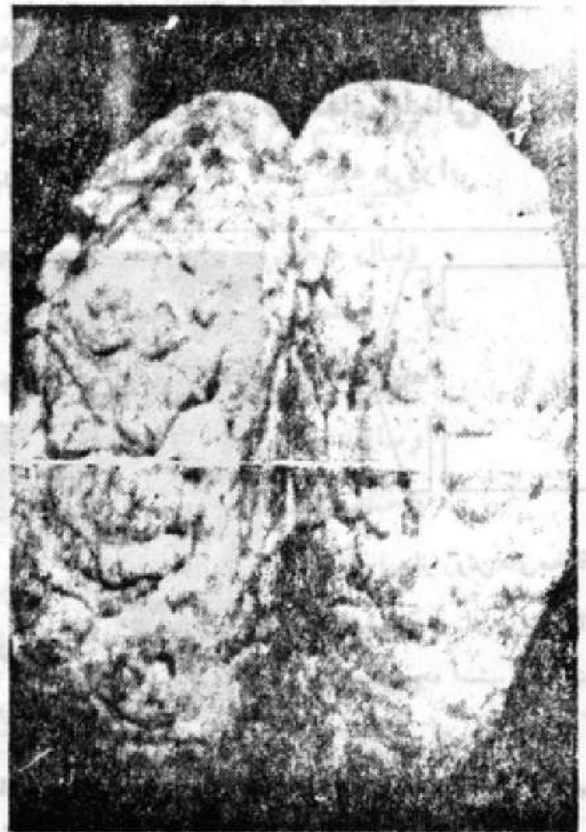


ناگفته نماند، در این میازچه‌بسا، همان حداقلی را هم که تصور می‌شود، به آن فائل آمده باشند، فقط در لابه‌لای نشریات و تلکس خبرگزاریها حقیقت داشته باشد و در اصل، هدفی بجز بزرگ جلوه دادن توانائی‌های علمی سازمانهای اطلاعاتی، هدف دیگری در میان نباشد.

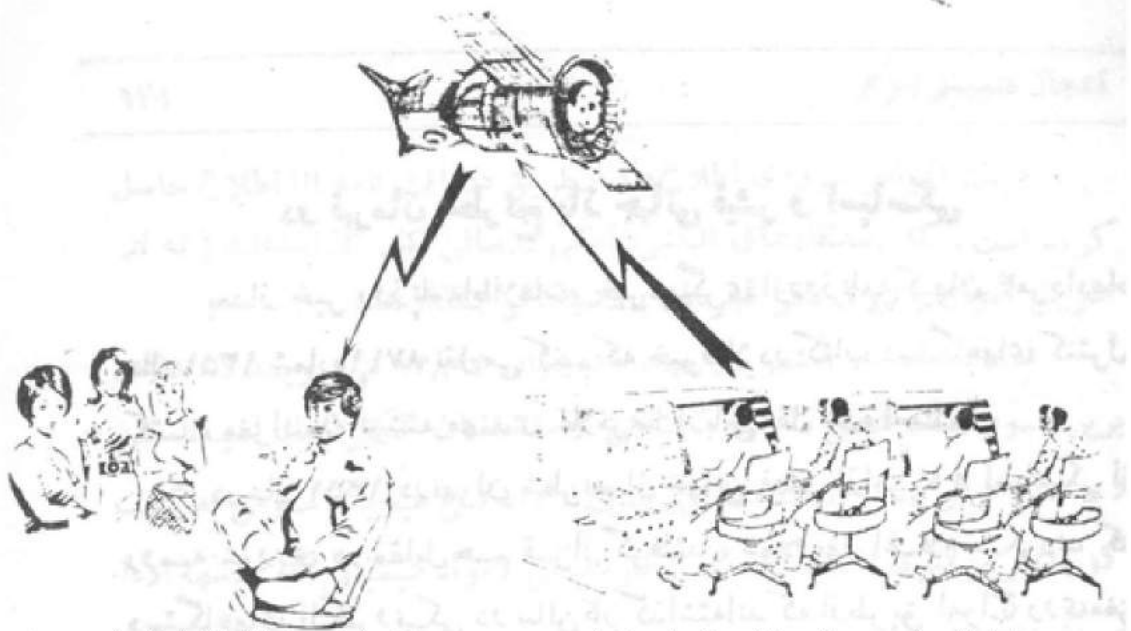
قدرت کم و بیش بیک اندازه با صرف هزینه‌های هنگفت در این زمینه به تحقیقات خود ادامه می‌دهند، حال این تحقیقات به راستی در چه مرحله‌ای است، شاید کمتر کسی از جزئیات آن آگاه باشد، ولی اینکه هریک از آنها توانسته باشند، در این رشته نتایج عملی قابل ملاحظه‌ای بدست آورده باشند، قابل تردید است.

* تحقیق در باره پدیده‌هایی چون تله‌پاتی (رابطه عاطفی از راه دور)، ادراک از راه دور، حرکت دادن اجسام از راه دور و یا خم کردن اشیاء سخت از راه دور از جمله مقوله‌هایی است که در همین رابطه انجام می‌گیرد.

هدف از تحقیقاتی که در این زمینه بعمل می‌آید، پیدا کردن وسیله‌ای برای ایجاد اختلال فکری در نیروهای حریف است.



ابرقدرتهای جنایتکار: با سوء استفاده از علم و دانش، در پشت پرده تلاش میکنند تا راهی برای کنترل انرژی مغزی و بکارگیری آن بعنوان یک جنگ افزار، پیدا نمایند.



دستگاه کنترل در حال بخش امواج خارش روی بینی برای فرد مورد نظر از طریق امر مصنوعی و دریافت آن بوسیله فرد مورد نظر در میان جمع



این دستگاه الکترودن میسازد و هنگامیکه کسی دست روی آن بگذارد الکترودنها در بدن حرکت کرده و از مغز خارج میشوند. بسپو شدن بواسطه حرکت الکترودن ما را نشان میدهد.

دو قهرمان شطرنج باز جهانی فیشر و اسپاسکی

بعد از خبر روزنامه اطلاعات، خبر دیگری از روزنامه کیهان ۴ مردادماه سال ۱۳۵۱ شماره ۸۷۱۱ نقل می‌کنیم که خبر قبلاً در کتاب دستگاههای کنترل کننده مغز انسان نوشته مهندس غلامرضا اربابی نقل شده است.

در سال ۱۳۵۱ در تهران شطرنج باز جهانی فیشر از آمریکا و اسپاسکی از روسیه شوروی در مقابل هم قرار گرفتند، شورویها اعلام میکردند که دستگاههای الکترونیکی در سالن کار گذاشته‌اند که از طریق امواج روی مغز قهرمان روسیه اثر بگذارد.

حالا این خبر را عیناً از روزنامه کیهان نقل می‌کنیم:

کیهان ۴ مردادماه ۱۳۵۱ در شماره ۸۷۱۴ می‌نویسد: «آقای کی‌سینجر وزیر امور خارجه آمریکا، اعلام داشت این بازی برای امریکا خیلی اهمیت دارد.

کیهان ۸ مرداد ۱۳۵۱ در شماره ۸۷۱۴ می‌نویسد: «روسیها این مسابقه را يك درهم ملی تلقی می‌کنند!! و بیش از پیش یقین حاصل کرده‌اند که از تباهاات اسپاسکی ناشی از دلایل توجیه ناپذیر است!!!

کیهان در شماره ۸۷۱۱ می‌نویسد: «قهرمان امریکایی در سکوت اصواتی را تشخیص می‌دهد که همراهانش بزحمت پس از چند دقیقه تمرکز حواس درك می‌کنند.

کیهان در شماره ۸۷۱۴ می‌نویسد: «هر وقت اسپاسکی در صدد برآمدن است در برابر فیشر قدرت نمایی کند حالت چرت زدن به او دست داده است!!!»
کیهان در شماره ۸۷۱۶ می‌نویسد: در «ری آویك» گفته شده تقریباً همه بازیکنان وقتی با «بانی فیشر» روبرو میشوند دچار سردرد می‌شوند!!

کیهان ۴شنبه ۳۱ شهریور ۱۳۵۱ شماره ۸۷۳۵

هیئت اعزامی شوروی اطلاع داد از طریق دریافت نامه !!! اطلاع حاصل کرده است ، که دستگاه های الکترونیکی در سائنس کار گذاشته اند (که از طریق امواج ، روی مغز قهرمان روسیه اثر بگذارند .

اطلاعات شنبه ۴ شهریور ماه ۵۱ شماره ۱۳۸۸۴ می نویسد : علاوه بر پروفسور استاد شیمی دانشگاه چندتن از متخصصان الکترونیک اشیاء سالن و سندلی فشر را مورد آزمایش قرار دادند ولی هیچیک موفق به کشف کوچک ترین اثری از دستگاه های الکترونیکی و مواد شیمیایی که روسها ادعا می کردند نگشتند .

روزنامه ها و رادیوها ، تلویزیون های سراسر جهان هر روز بازی این دو قهرمان را با مطالب ذکر شده بالا تعقیب می کردند و به کوشش مردم جهان من غیر مستقیم رساندند که سیستم های الکترونیکی اثر گذارنده روی مغز در اختیار دوا بر قدرت است .

ولی بیشتر روسها بودند که اصرار داشتند این مسئله بر ملا گردد !!! و قهرمان امریکائی و همراهانش در عین حال که اعمال و رفتار غیر عادی داشتند کمتر چنین مسایلی را عنوان می کردند و بر آمده مسابقه هم شدند .

در اخبار روزنامه ها اثبات نمی شود ، که امریکائی ها از طریق دستگاه های الکترونیکی اثری روی مغز اسپاسکی بگذارند ، حتی پس از بررسی و جستجو هم دستگاهی یافت نمی شود ، البته این دلیل کافی نیست ممکن است از راه دورتری از جای دیگری عمل می کرده اند ، بعلاوه اگر چنین دستگاهی در اختیار امریکائیها باشد قطعاً صد درصد در خدمت سازمان جاسوسی امریکا است که هیچگاه کشف و بر ملا نخواهد شد .

خبری ماهواره‌ای از کورت والت هایم

آقای مهندس غلامرضا اربابی در کتاب شستشوی مغزی می‌نویسد :
 آقای کورت والت هایم دبیر کل سابق سازمان ملل متحد از کارشناسان
 سازمان می‌خواهد که در مورد کار ماهواره‌ها گزارشی تهیه و به اطلاع او
 برسانند .

هین گزارش :

ماهواره‌های محور زمین قادرند پیام‌هایی مستقیماً به خانه‌های مردم در
 هر کجای گیتی مخابره کنند ، پیام دهندگان بدین وسیله به آسانی خواهند
 توانست تماشاچیان برنامه‌های تلویزیون در سراسر کره زمین را شستشوی مغزی
 بدهند ، بی آنکه اشخاص شستشو شونده جزئی ترین آگاهی از ماجرا داشته
 باشند ، پیام‌های محرمانه در ضمیر نیمه آگاه تماشاچیان تلویزیون نقش می‌بندد
 بطوریکه این عمل متشابه هیپنوتیزم دسته‌جمعی است ، و در مواردی حتی قادر
 خواهند بود سیاست کشورهای معینی را زیر نفوذ و تحت الشعاع خواسته‌های
 خود قرار دهند .

این گزارشی است که کارشناسان سازمان ملل متحد به آقای کورت والت
 هایم دبیر کل سازمان ملل متحد در بیستم آبانماه ۱۳۵۳ خورشیدی داده‌اند .

بحث کوتاهی درباره اثر ماهواره‌ها

تا اینجا خبری بود که در روزنامه‌ها نوشته بودند که آقای مهندس
 غلامرضا اربابی نقل کرده است .

دلی آنچه که بنظر و عقیده این حقیر می‌رسد اینست که ماهواره‌ها با
 ارسال هر خبر ، هر تصویر هر اقدام و هر عملی از طریق هرفرستندای می‌تواند

به چند شکل باشد.

اول - از طریق تلقین یا ایجاد تمرکز فکر شدید یا همان هیپنوتیزم .

دوم - از طریق داستانهای جعلی مختلف .

سوم - از طریق اخبار مهیج و جعلی .

چهارم - از طریق پخش تصاویر خاص .

پنجم - از طریق فیلمهای داستانی یا در ظاهر مستند خاص .

ولی اخبار فوق اشاره ای باین ندارد که ماهواره ها، افکار یا عقاید یا عواطف یا احساسات خاصی را فقط و فقط از طریق نوارهایی از قبل ضبط شده برای مفرزهای خاصی ارسال نمایند مثلاً افکار سیاسی یا مذهبی یا اجتماعی خاصی را که روی نوار ضبط شده، بداخل مفرز اشخاص انتقال دهند، بعلاوه هیچ احتیاجی نیست که بخواهند از این طریق اقدام نمایند، زیرا بطوریکه قبلاً اشاره شد از پنج طریق می توان اکثر یا عده ای از افراد هر اجتماعی را با بررسی هایی در جهت خاص فکری سوق داد .

ولی بهر حال منکر نمی توان شد که کشورهای صنعتی پیشرفته قادر نیستند، همانطور که صوت و تصویر را تا کنون توانسته اند ارسال نمایند بتوانند برخی افکار و عقاید و عواطف و احساسات را توسط دستگاههای الکترونیکی ارسال نمایند و حتی به عقیده این حقیر با اطلاع دقیق از طرز کار رادیو و تلویزیون و وجود امواج الکترومagnetیک بسیار ساده است، ولی ارتباط زیادی با طول موج یا چگونگی فرکانس مفرز اشخاص دارد که از طریق امواج رادیویی و تلویزیونی ها عملی نیست، زیرا طول موج های رادیو و تلویزیون بلند هستند. ولی طول موج های مفرز بسیار کوتاه می باشند بعلاوه هر مفرزی دارای طول موج خاص خودش است لازم است فرستنده یا گیرنده خاص با طول موج خاص ساخته شود که قادر به ارسال یا گرفتن امواج خاص مفرزی باشد، که آقای مهندس غلامرضا اربابی خیلی دقیق و علمی و عملی این مسئله فنی را در کتابهای خود با ثبات رساله اند .

مبحث پنجم

دلیل پنجم

انحراف مسیر الکترونها توسط « امواج انرژی آگاه مغزی »



مطالب زیر از کتاب ، نیروهای مرموز در اهرام مصر ترجمه آقای بشیر بخشنی نقل میشود :

علمای فیزیک میدانند که به هنگام بمباران الکتریکی بمضی عفاصر ، جریانی از الکترونها آزاد شده از يك قطب دستگاه به قطب دیگر برقرار میشود که مسیر این الکترونها از درون دستگاهی بنام « محفظه بخار » یا « اطاق ابر » که قطر آن به ۱۸ سانتیمتر میرسد قابل رؤیت است و حضور يك میدان الکترومagnetیک میتواند در مسیر این الکترونها انحراف به وجود آورد . با توجه به این پدیده ، ابتدا فرد فرد حاضران در آزمایشگاه دستهای خود را به محفظه بخار نزدیک کردند ، هیچ تغییری در دستگاه مشاهده نشد . اما بمحض اینکه خانم « ورال » پس از تمرکز فکری کامل ، انگشتان خود را به دستگاه نزدیک نمود در مسیر جریان الکترونها انحراف حاصل شد .

و بدین ترتیب یکبار دیگر این حقیقت که پاره‌ای افراد استثنائی بهنگام

تمرکز و توجه نیروهای مغزی می‌توانند از وجود خود نیروی الکترومانیتیک صادر کنند مورد تأیید قرار گرفت .

انحراف مسیر الکترونها

از راه دور

عجیب‌تر آنکه پس از بازگشت دکتر « ورال » به منزل خود در بالتیمور قرار شد در روز و ساعت معینی از فاصله یک هزار کیلومتری ، توجه خود را به سالن آزمایشگاه و محفظه بخار تمرکز دهد و با کمال شگفتی ، در لحظه مقرر همانطور که با حضور وی اتفاق افتاده بود، انحراف مسیر الکترونها در درون دستگاه مشاهده شد . این آزمایش بار دیگر به فاصله یک ساعت بنا به درخواست تلفنی پژوهشگران حاضر در آزمایشگاه تکرار و همان نتیجه حاصل گردید .

نتیجه :

- ۱- امواج انرژی آسمان مغزی قادر است مسیر الکترونها را تغییر دهد .
- ۲- فقط برخی اشخاص دارای انرژی مغزی و عصبی بیشتر و قوی‌تری هستند .
- ۳- در حال هیپنوتیزم مقدار، میزان و قدرت امواج انرژی آسمان مغزی بیشتر میشود .

بارور کردن آب لیوان

توسط امواج انرژی آگاه مغز در حال هیپنوتیزم

خانم دکتر «ورال» در حالت خلسه و نیایش (هیپنوتیزم) لیوان آبی را در دست می‌گیرد و با القاء قسمتی از انرژی‌های مغناطیسی سامع از مغز خود، آن را بارور و فعال می‌سازد، ولی سپس به بیمار خود توصیه می‌کند، که از این آب بتدریج بنوشد، تا از درد و رنج تسکین یابد. در یکی از بررسی‌های آزمایشگاهی مقداری از این آب زیر میکروسکپ‌های قوی الکترونی مورد بررسی دقیق قرار گرفت و ملاحظه شد مولکول‌های تیروژن در آن بیش از حد متعارف از هم جدا شده‌اند. و این عیناً همان پدیده‌ایست که در درون هرم موجب تبخیر سریع آب و باطلوبت مواد غذایی می‌شود.

بعبارت دیگر، همان موج انرژی که در داخل هرم متمرکز شده است عیناً همان موج انرژی از مغز خانم «ورال» خارج می‌شود، و هم‌آهنگی این دو آزمایش این نتیجه را در بردارد که اگر، امواج انرژی مغز خانم «ورال» آگاهانه و هشیارانه عمل می‌کند، امواج انرژی متمرکز در درون هرم نیز هشیارانه و آگاهانه عمل می‌کند.

نتیجه (۱):

- ۱- امواج انرژی مغز برخی از افراد آگاهانه عمل می‌کند.
- ۲- امواج انرژی متمرکز در هرم مصر آگاهانه عمل می‌کند.
- ۳- امواج انرژی آگاه کیهانی هم در حیوانات وجود دارد و هم در اجسام و وقتی در اجسام جامد عمل کند در گیاهان نیز وجود دارد.

نتیجه (۲):

امواج انرژی آگاه کیهانی در هر سلول زنده و در هر اتم اجسام وجود دارد.

گفتار ششم

دلیل ششم

آزمایشاتی که دربارهٔ تله پاتی خودتان باید انجام بدهید



پیشگفتار : تا بحال درباره متافیزیک ، ماوراء الطبیعه نظیر روشن بینی ، پیشگوئی آینده تله پاتی و نظایر آن کتابهای بسیاری نوشته شده است ، هر کسی از دیدگاه خود بمسائل متافیزیک نگریسته مسائلی را که نوشته چون برای خودش قابل باور بوده است ، تصور کرده که برای هر مطالعه کننده دیگر هم قابل باور بوده است ، هیچگاه در سبک نوشته خود روشی را بکار نبرده که مطالعه کننده و خواننده خودش آزمایشی انجام دهد و تا صد درصد قابل باور باشد ، ولی در این کتاب در کتاب دنیای دوم سه عمل انجام شده .

اول- اینکه مطالب بشکل علمی ، فنی و مکانیکی نوشته شده که برای هر کسی قابل باور باشد .

دوم- اینکه آزمایش عدة زیادی از دانشمندان درباره دنیای دوم نوشته شده است .

سوم- اینکه چگونه خودتان آزمایشاتی انجام دهید تا موضوع قابل اثبات

شود حالا در این قسمت در گفتار ششم ، شما آزمایشاتی را انجام خواهید داد که موضوع ، انرژی امواج آگاه ذهنی و جسمی ، بخصوص تله پاتی برایتان اثبات خواهد شد .

اولین آزمایش ، آزمایش «لسلی لوکرون» میباشد ، در این آزمایش شما ملاحظه خواهید فرمود که چطور انرژی امواج مغزی ، پاندولی را که در دست خود محکم نگاه داشته اید بحرکت درخواهد آورد .

از آزمایش «لسلی لوکرون» از قدیم الایام درباره پیشگویی آینده و برخی مشاالات غیبی و مشاوره و نیت های مختلف استفاده میشده است ، اخیراً در آمریکا بیشتر در روانکاو و کشف علل بیماریها در گذشته استفاده میشود ، بهر حال حالا روش این آزمایش برای شما کاملاً تشریح میشود ، و سپس آزمایشات دیگری که با چشم مسلح ، عینک بخصوص می توانید هاله انسانی یا همان انرژی موج آگاه مغزی را مشاهده کنید و سپس با روش های دیگر میتوانید انرژی امواج آگاه مغز و جسم را نیز مشاهده نمائید که تحت عنوان آزمایشات متفرقه شروع میشود و پس از آن به آزمایشات مفصل و کاملی درباره تله پاتی خواهیم پرداخت .

آزمایشات متفرقه

اول

آزمایش لسلی لوکرون

پیش بینی آینده : از این آزمایش از زمانهای بسیار قدیم برای پیش بینی آینده استفاده میشده است ، که چون موضوع پیش بینی آینده با این روش خارج از موضوع فعلی است ، لذا راجع به روش و قاعده کار آن برای طرز پیش بینی آینده چیزی نمی نویسم .

لسلی لوکرون استاد بزرگ هیپنوتیزم آمریکائی از این روش برای پیش بینی

آینده استفاده نمی کند ، بلکه برای کشف علت و ریشه اختلالات روانی در گذشته بیمارانی از آن استفاده می نمایند، که روش آن در کتاب « انوهیپنوتیزم » که توسط آقای بدالله همایونفر ترجمه شده بطور مفصل و کامل نوشته شده است .

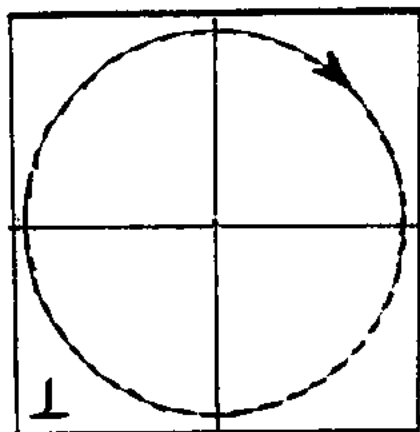
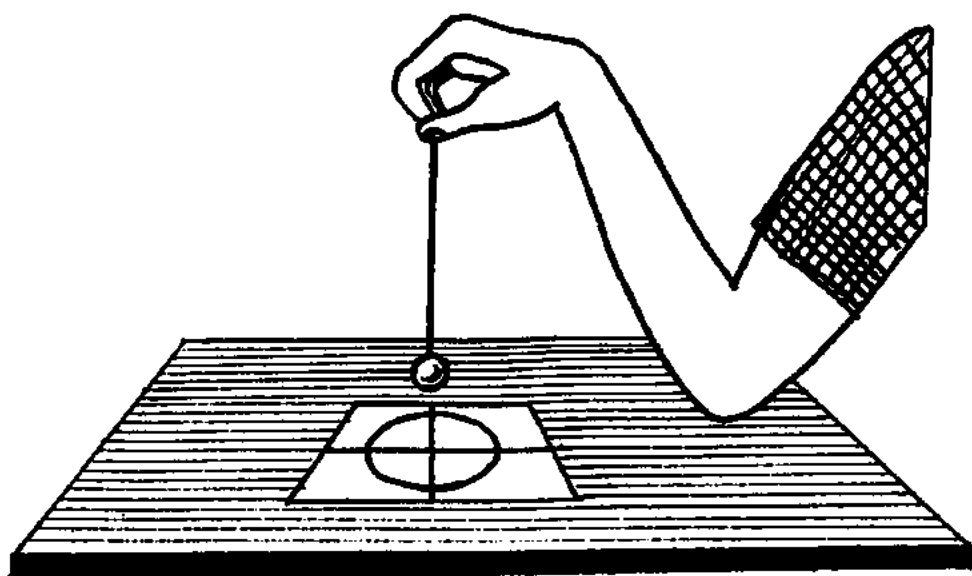
ولی در اینجا دربارهٔ هیچکدام از دو مورد بالا صحبت نمی شود ، دربارهٔ نکتهٔ جدیدی صحبت میشود ، که در کتاب لسلو لوکرون بآن اشاره نشده است و آن عبارت از حرکت پساندول فقط توسط امواج فکری است ، در این آزمایش شما باید دقت کنید و تلاش و کوشش کنید که نخ پاندول را محکم در دست نگاه دارید و سعی کنید که بهیچوجه نخ را که با دوانگشت خود گرفته اید حرکت نکند . ولی قادر نخواهید بود ، امواج فکری شما آنرا بحرکت درخواهد آورد . این اولین آزمایش فنی و علمی است از انرژی امواج آگاه فکری شما که چگونه آنرا آگاهانه بهرطرف که بخواهید حرکت خواهد داد .

روش آزمایش :

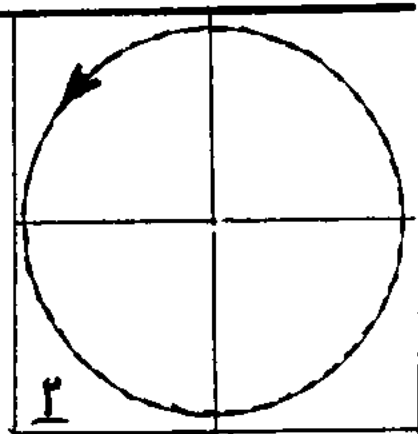
۱- قرار دادن آرنج روی میز : بطوریکه در شکل صفحه ۱۳۰ می بینید، آرنج خود را روی میز قرار دهید، ساعد شما کمی مایل است، نخ پاندول را با دوانگشت شصت و سبابه محکم بگیرید . نوک گلوله پاندول کمی با سطح صفحه خط کشی شده فاصله دارد بجای گلوله پساندول می توانید از حلقه انگشت استفاده کنید . در جاهیکه نشسته اید باید راحت باشید ، هرچه محل نشستن شما راحت و بدنتان رلکس و شل و وانهاده باشد نتیجه کار بهتر است . سعی کنید درجائی ساکت باشید سر و صدائی نباشد .

۲- يك دایره بشکل زیر کشیده اید، که فلش (→) گردش بطرف عقربه های ساعت جواب (بله) و فلش گردش به طرف عکس عقربه های ساعت جواب (خیر) میباشد .

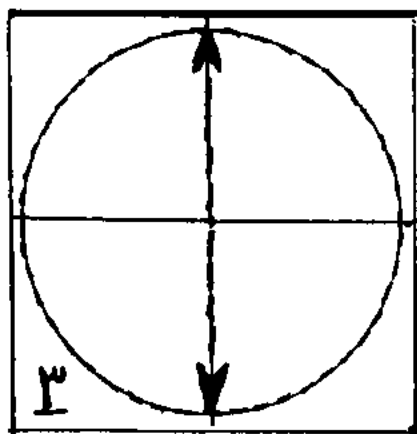
۳- حالا نخ پاندول را با دوانگشت خود نگاه دارید ، ابتداء با ارادهٔ خود



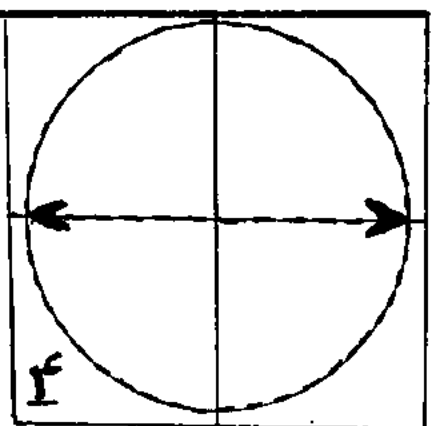
بله



مخبر



غیر ان



مستور ان

چندبار پاندول را بسمت راست بچرخانید و چندبار سمت چپ .
 ۴- حالا پاندول را ثابت و بی حرکت نگاه دارید ، تلاش و کوشش کنید
 که پاندول را بادت خود هیچ حرکت ندهید ، ولی در مغز خود فکر کنید که این
 پاندول باید بسمت راست بچرخد ، احتمالا پس از مدتی خواهد چرخید بعد فکر
 کنید بسمت چپ بچرخد ، احتمالا پس از مدتی خواهد چرخید .

نکته مهم و قابل تعجب :

آنچه شمارا به تعجب و اخواهد داشت اینست که شما با همه تلاش و کوششی
 که می کنید فسادر نخواهید بود پاندول را بی حرکت نگاه دارید ، انرژی امواج
 آگاه فکری شما خیلی قویتر از اینست که شما بتوانید پاندول را بی حرکت نگاه
 دارید ، انرژی امواج آگاه فکری شما پاندول را حرکت خواهد داد .

نتیجه :

- نتایجی که از آزمایش بالا می گیرید بقرار زیر است :
- ۱- در مغز شما امواج فکری وجود دارد که پاندول را بحرکت
 درمی آورد .
 - ۲- شما فرکانس امواج فکری را درك نمی کنید ، زیرا جزو
 اسرار دنیای دوم است .
 - ۳- این امواج فکری هشیار و آگاه است ، بایندلیل که بهر طرف
 که امواج فکری شما بخواهد می چرخد ، درسه جهت .
 به راست بچرخ ، خواهد چرخید .
 به چپ بچرخ ، خواهد چرخید .
 به ایست ، خواهد ایستاد .

۴- این انرژی امواج آگناه فکری که قادر است پاندول را بحرکت درآورد ، قادر است چه کارهای دیگری انجام دهد ؟
 کارهای غیرارادی و ناخودآگاه دیگری که درمباحث آینده این کتاب ذکر شده اند که همه مربوط به رفع نیازها و احتیاجات غیرقابل دسترس شما میباشد .

پرسش های دیگری هم می توانید بکنید

شما از پاندول یا انرژی امواج آگناه مغزی خود پرسش های دیگری هم می توانید بکنید ، و این پرسش ها ممکن است مربوط به گذشته یا آینده باشد ، که می توان در این باره بخصوص طرز پرسش از آینده ، کتابی جداگانه نوشت ، در زیر دو مثال ساده و مختصر درباره گذشته و آینده انجام میشود .

مثال اول :

مثلا میخواهید بدانید آیا در سن ۴ یا ۵ سالگی مریض شده اید؟ میخواهید تاریخ ، ساعت ، ثانیه و روز دقیق آن را بدانید ، به ترتیب زیر سوال خواهید کرد ،
 س- آیا من در طفولیت مریض شده ام .

ج- پاندول به راست می چرخد و جواب مثبت است .

س- آیا این مریضی در سن ۵ سالگی بوده است ؟

ج- نه خیر ! پاندول به چپ می چرخد .

س- آیا در سن ۴ سالگی بوده است ؟

ج- بله ! پاندول به راست می چرخد .

س- آیا مریضی من در بهار بوده است ؟

ج- نه خیر .

س- آیا در تابستان بوده است ؟

ج- نهخیر .

س- آیا در پائیز بوده است ؟

ج- بله .

س- آیا در مهر ماه بوده است ؟

ج- نهخیر .

س- آیا در آبان ماه بوده است ؟

ج- نهخیر !

س- آیا در آذر ماه بوده است ؟

ج- بله .

س- آیا در هفته اول آذر ماه بوده ؟

ج- نهخیر !

س- آیا در هفته آخر آذر ماه بوده ؟

ج- بله .

به ترتیب سئوالات فوق می توانید روز ، ساعت و دقیقه بیماری خود را تعیین کنید، که تعیین کننده البته شعور باطن شما است .

روش پرسش از آینده:

همانطور که قبلا گفته شد از هزاران سال قبل استادان علوم غریبه از این روش برای اطلاع از آینده مراجعین استفاده می کرده اند ، یعنی شما هم می توانید درباره آینده خود از پاندول سؤال کنید و هم درباره آینده دیگران .

درباره اشیاء گم شده ، سرقت شده ، محل برخی اشیاء و دقایق فلان شخص هم اکنون در کجا و در کدام محل است و چه می کند ؟ سارق کیست ؟ کجا است ؟ و نظایر آن که درباره طرز کار با این پاندول می توان کتاب جداگانه ای نوشت ، و حالا برای اینکه شما بتوانید از این کتاب استفاده مفیدی ببرید که برایتان ارزنده

باشد يك مثال از سؤال درباره طرز پرسش از آینده در اینجا مطرح میشود :

س- آیا من درباره هدف اصلی زندگیم که فلان است (عشق، ثروت، موفقیت در امتحان یا هر چیز دیگر) در آینده موفق خواهم شد ؟

ج- بله یا خیر .

اگر جواب خیر باشد ، باید درباره علت آن پرسش کنید ، مثلاً آیا مقصودم هستم ؟ دیگران مانع خواهند شد ؟ یا آیا اینکار غیر ممکن است ؟ یا جزو سرفروشت من است ؟ یا خدا نمیخواهد ؟ یا علت و عوامل دیگری دخالت دارد ، که خودتان آنها را بهتر تشخیص میدهید و باید بر مبنای آن سؤالات خود را مطرح کنید ، فراموش نکنید که سؤالات شما جزو کارهای محال و غیر ممکن نباشد که برای هیچکس و در هیچ کجا عملی نیست .

اگر جواب مثبت بود می توانید به پرسش های خود ادامه دهید آیا یکسال دیگر ؟ آیا شش ماه دیگر ؟

آیا کسان دیگری هم بمن کمک خواهند کرد .

این اشخاص یا شخص آیا فلان شخص یا اشخاص هستند ؟

آیا من مخالفینی هم دارم ؟

آیا این مخالف یا مخالفین من فلان شخص یا اشخاص هستند ؟

سؤالات شما بستگی به کار روزانه و برنامه های زندگی خودتان خواهد داشت

که شما بهتر از هر کس دیگری از آنها اطلاع دارید .

درباره دوستی یا دشمنی دیگران:

با پاندول می توانید دوستان و دشمنان اطراف خود را بشناسید ، آیا فلان

شخص دوست واقعی من است ؟

آیا سوء نظری نسبت بمن دارد ؟

آیا میخواهد مرا فریب بدهد الا آخر .

درباره ازدواج باشخص معین:

ممکن است پسر و دختری صمیمانه یکدیگر را دوست داشته باشند ، ولی برای ازدواج مناسب نباشند ، لذا می توان خودطرفین یا پدر و مادر آنها در این باره دهماستوال کنند .

س- آیا این ازدواج مناسب است ؟

ج- خیر ؟

س- اگر ازدواج کنند متار که خواهند کرد ؟

ج- بله .

می توان درباره تاریخ و زمان متار که سؤال کرد ، می توان درباره اختلافات و دعای خانوادگی سؤال کرد ، اگر سؤال کننده باهوش و دقیق باشد می تواند هفته به هفته ، ماه به ماه همه ناراحتی هایی که در ازدواج پیش خواهد آمد تعیین کند .

مشورت درباره تجارت و کارهای روزانه

با این پاندول می توان درباره معاملات ، تجارت و همه کارهای روزانه مشورت کرد .

وقتی در سال ۱۳۵۹ در بازداشتگاه کمیته مرکزی بودم با این پاندول که انگشت یکی از زندانیان را به نخ بستم مشورتی انجام دادم که نتیجه آن شکسته شدن مهره سوم کمرم بود ، ولی شاید ، یا با احتمال صددرصد عامل و وسیله ای الهی شد که من از مرگ نجات پیدا کنم .

حال به بینیم چه موقع و نسبت به چه اشخاصی پاندول جواب نمیدهد .

چه وقت پاندول جواب نمیدهد ؟

گاهی پاندول جواب نمیدهد ، شما نباید تصور کنید که دروغ است ، پس چرا حرکت نمی کند ، در همه کتابها که درباره علوم غریبه و اینقبیل موارد مطالبی

می نویسند به علت عدم نتیجه اشاره نمی کنند ، در نتیجه اکثر کسانی که آزمایش می کنند تصور می کنند دروغ است البته ممکن است خودشان بفهمند که يك جای کار عیب دارد یا نویسندۀ نخواستۀه دقیقاً طرز و اسرار کار را بگوید .

در اینجا دقیقاً گفته خواهد شد که چه وقت و چرا پانندول گاهی حرکت نمی کند ؟ چرا جواب نمیدهد ؟ یا گاهی ممکن است اشتباه و غلط جواب بدهد امتحان می کنید ؟ مثلاً از محل فلان شیشی یا فلان شخص هم اکنون اطلاع دارید ؟ وای جواب غلط و منفی از آب درمی آید . که این مبحث خود بسیار مهم و قابل توجه است ، عامل مهم استعداد ، زمان و مکان و گاهی نسبت به سرنوشت و عوامل مرموز کیهانی میباشد که از آن بی خبریم که بهر حال قسمتی بطور اختصار در زیر بیان میشود .

استعداد اشخاص

کسانی که از پانندول سؤال می کنند به ۵ گروه به ترتیب زیر تقسیم می شوند .

- گروه اول- کسانی که هیپنوتیزم نمی شوند ۱۰ درصد
- گروه دوم- کسانی که خیلی ضعیف هیپنوتیزم می شوند ۱۵ درصد
- گروه سوم- کسانی که ضعیف هیپنوتیزم میشوند ۲۰ درصد
- گروه چهارم- کسانی که متوسط هیپنوتیزم میشوند ۳۵ درصد
- گروه پنجم- کسانی که عمیق هیپنوتیزم میشوند ۲۵ درصد

جمع ۱۰۰ درصد

پانندول در دست گروه اول- احتمالاً نخواهد چرخید ، جواب نخواهد داد ، زیرا دارای فرکانس امواج مغزی آنان قوی نیست .

پانندول در دست گروه دوم- کسانی که خیلی ضعیف هیپنوتیزم میشوند ، امکان دارد با چندین هفته تمرین هر روز چند بار و هر بار با ۱۰ دقیقه تمرین موفق شوند

که پاندول دردست آنان شروع به چرخش کند .

پاندول دردست گروه سوم- کسانی که ضعیف هیپنوتیزم میشوند ، قطعاً زودتر از گروه دوم موفق خواهند شد .

پاندول دردست گروه چهارم- خیلی زود در همان جلسه اول پاندول دردست آنها شروع به چرخیدن خواهد کرد، باید به پاندول خبردشود ، نخ پاندول را دردست محکم نگاه دارد چند دقیقه صبر کند . از روی ساعت ۵ تا ۱۰ دقیقه صبر کند ، صد درصد پاندول شروع به چرخش خواهد کرد .

پاندول دردست گروه پنجم- خیلی زود ، امکان دارد در عرض يك يا دو دقیقه شروع به چرخش کند .

استعداد مغزی و عصبی فوق در همه مسائل و امور فرا روانشناس یا متافیزيك یا علوم غیبی مؤثر است ، مانند تله پاتی ، روشن بینی ، دیدن ارواح و نظایر آن ، در پاندول استعداد يك طرف که دردست دارنده پاندول است شرط میباشد ، ولی در تله پاتی یا انتقال فکر که در صفحات بعد به بحث پیرامون آن خواهیم پرداخت دو طرف شرط مهم است زیرا علاوه بر استعداد خاص عامل طرف گیرنده نیز لازم است استعداد و قدرت جذب امواج فکری فرستنده را نیز باید داشته باشد ، در غیر این صورت تمرکز و ارسال امواج فکری عامل یا، بی تأثیر است و یا به سختی و پس از چند ساعت یا چند روز ممکن است مؤثر واقع شود و احتمالاً در مورد گروه اول بهیچوجه اثری نخواهد کرد .

سایر عوامل- اگر سؤال از پاندول بمنظور ، پیش بینی آینده ، و سایر امور باشد دو عامل مهم دیگر دخالت دارد و آن دو عامل مهم یکی زمان و مکان بخصوص زمان میباشد ، و دیگر غیر قابل عملی بودن یا ناصحیح و غلط و منحرف بودن سؤال و خواسته است در مورد زمان بحث بسیار مفصل است ، که طبق عقاید استادان علوم غریبه نوشتن هر دعا و طلسمی و هر عملی در این زمینه ها باید در ساعت نجس یا سعد باشد و

آن ساعات الهام از امواج مغناطیسی سیارات است که ساعات شمس، قمر، مریخ، زحل، مشتری، عطارد و نظایر آن را دخالت میدهند، که در این باره در صفحات بعد بسیار مفصل صحبت خواهد شد.

نتیجه آنکه ممکن است، در ساعت ۱۰ صبح روز یکشنبه از پاندول سؤال نشود یا جواب ندهد، یا جواب غلط و نادرست باشد، ولی ساعت ۵ صبح شنبه پاندول جواب بدهد و جوابش هم صحیح باشد بهرحال لازم است کسی که میخواهد با پاندول آینده نگری کند، دقیقاً ساعات و روزهای سعد و نحس را در علوم غریبه بداند، و بداند که در روزهای ایام هفته در چه ساعاتی درباره چه مطالبی باید سؤال شود.

نتیجه :

مغز شما دارای انرژی امواج آگاه است، که قادر است
پاندول را به حرکت درآورد

دوم

مشاهده امواج مغناطیسی بدن بکمک وسائل فیزیکی در آزمایش لسلو کرون امواج مغزی خود را بکار انداختید، ولی در آزمایشات متفرقه دیگر، امواج مغناطیسی بدن را مشاهده خواهید نمود و در مبحث قله پاتی مجدداً از امواج مغزی استفاده خواهد شد.

چه فرقی است بین انرژی امواج آگاه مغزی و امواج مغناطیسی بدن؟ ممکن است شما فکر کنید، امواج مغزی غیر از امواج مغناطیسی بدن باشد،

شاید نوع فرکانس‌ها فرق کند ، ولی می‌توان با اطمینان گفت ، هنگام حرکت دستها و انگشتان برای هیپنوتیزم کردن و شفا دادن و تثبیت نگاه برای هیپنوتیزم کردن ، مجموعاً در تمام مغز و بدن‌ها امواجی ساطع میشود که منظور اصلی است .

حالا برای اینکه شما بتوانید امواج مغناطیسی بدن یا هاله مغناطیسی را ببیند مطالبی از کتاب «هاله انسانی» نوشته «سوامی پاپخاواسی» ترجمه آقای مسعود جلالی مقدم که آقای حسین الماسیان هم مقدمه‌ای بر آن نوشته‌اند عیناً در اینجا نقل می‌کنیم ، ولی شمارا حواله به مطالعه آن کتاب نمیدهیم ، بدلیل اینکه ، اولاً - دلتان میخواهد هم اکنون مطالب آن کتاب در دسترس شما باشد و همین حالا و در همین لحظه در اینجا مطالعه کنید ، ثانیاً - کتاب هاله انسانی در سالهای گذشته در تاریخ نامعلومی چاپ شده ممکن است فروش رفته باشد و نتوانید پیدا کنید ، ثالثاً - تعداد تیراژ چاپ این کتاب بی نهایت زیاد خواهد شد و بارها و بارها و سالیان دراز خود بخود ، چه علنی ، چه مخفیانه و غیر علنی بجای خواهد رسید ، پس لازم است سه صفحه از کتاب هاله انسانی در اینجا عیناً نقل شود .

چگونه می‌توان (هاله) را مشاهده کرد



برای دیدن هاله باید قبلاً چشم انسان شرطی شود و این آمادگی بهتر است به وسیله کاربرد عینکهای مخصوص با لنزهای رنگی مطابق اصول علمی کامل گردد ، اگرچه ممکن است چشم برهنه بدون کاربرد چنین ابزاری برای دیدن هاله حساس شود اما تمرین و کوشش بسیار لازم است و لنزهای مخصوص کار را آسان می‌کند . قبل از رؤیت هاله برای تأثیر نمایان رنگ بنفش ضروری است که چشم از اشعه قرمز

ونارنجی محافظت شود زیرا به نظر می‌رسد هاله انسانی ماوراء بنفش باشد^۱.

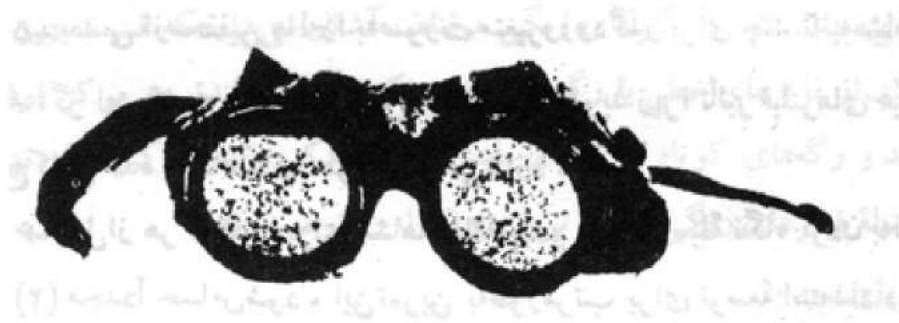
هینک مخصوص

این وسیله علمی برای مشاهدات آزمایشی است و به وسیله (کیلز) و (بگنال) طراحی شده است. محققین مبتکر صفحات نازک گران قیمت یا فیلمهای دستی غیر استادانه را برای مشاهده هاله بکار می‌بردند. چنان وسایلی نه تنها گران بود و خوب بکار نمی‌رفت بلکه دوام کمی نیز داشت زیرا رنگی که در آن صفحات بکار برده می‌شد به زودی زایل می‌گشت و صفحه به سادگی می‌شکست اما هینک طوری طرح و تدارک شده که به صرفه، قابل حمل و راحت است و قطعات آن در دسترس جویندگان و علاقمندان مسائل متافیزیک قرار دارد.

هینک تشکیل شده از یک قاب حفاظدار که آنرا از نور محافظت می‌کند، این قاب به راحتی به اندازه سر هر کس تنظیم می‌شود، قاب صافها (شیشه‌ها) را که مهمترین قسمت هینک هستند نگه می‌دارد. هینک طوری طرح شده که به سادگی و سرعت می‌توان فیلترها را برای مقاصد مختلف عوض کرد و فیلترها ساخته شده‌اند، از فیلمهایی که بارینگهای مخصوص تلقیح شده‌اند. موریس مترلینگ در یکی از کتب خود اشاره کرده است که اگر ماده دیاسنین را بین دو ورقه شیشه بمالیم قادر خواهیم بود با استفاده از آن بعضی امواج و تشعشعات بدن را مشاهده کنیم.

امکان دارد که لایه رنگین بین دو شیشه در این قبیل عینکها از همین ماده باشد.

۱- قبلاً گفته شد که امواج هاله از مادون قرمز و ماوراء بنفش تشکیل شده است. در طرحهای علمی عینکهای مخصوص مشاهده هاله‌نرها ضمن حفاظت از چشم از انواع قرمز و نارنجی مشاهده رنگهای بنفش را آسانتر می‌سازد، نتایج مشابهی ممکن است بدون استفاده از عینک حاصل شود و آن حساس شدن چشم باخیره شدن به یک صفحه کاغذ زرد رنگ است که اعصاب شبکیه را نسبت به رنگ قرمز و سبز حساس می‌کند. همان موقع حساسیت بیشتری نسبت به رنگ آبی حاصل می‌شود.



عینک مخصوص مشاهده هاله

روش بکار بردن عینک مخصوص

گروه تحقیقات مسائل متافیزیک در لندن یک روش عمومی برای مشاهده هاله انسانی پیشنهاد کرده اند به این ترتیب :

۱- عینک برای اولین بار تجربه باید به دو نمره فیلتر خیالی تار مجهز شود ، بعد از اینکه عینک کاملاً تنظیم شد مانع ورود نور کافی از اطراف به چشم می شود ، قبل از زدن عینک باید حدود یک دقیقه به آسمان نگاه کرد البته نه به نور خورشید یا روشنائی چراغ بلکه به روشنائی طبیعی که نتیجه تابش مستقیم نور خورشید یا چراغ نباشد .

۲- حالا باید عینک را به چشم زد و رنگ تار خاکستری مایل به آبی را در اطراف دسرها و انگشتان جستجو نمود و هم چنین اشعه هایی که از نوک انگشتان در مقابل هم ساطع می شوند .

۳- اگر بلافاصله رنگ تار اطراف دست و اشعه نوک انگشتان خود را دیدید عینک را تغییر دهید (فیلتر دیگری بکار برید) بعد از تغییر مجدداً هاله مه آلود را در

يك زمينه تاريخ جستجو كنيد .

۴- اين روش را به طور كامل تر تكرر كنيد .

۵- بعضی از محققين هاله را به صورت متغیروزود گذر برای چند ثانیه مشاهده کرده اند اگر این قضیه برای شما پیش آمد دلسرد نشوید زیرا تأثیر فیلترهای عينك به تدریج كامل شده و مشاهده را طولانی تر می سازد .

۶- قبل از هر كوشش برای مشاهده هاله چشم باید به وسیله نگاه كردن به فیلتر شماره (۲) مجدداً حساس شود ، این تمرین به طور مرتب برای توسعه استعداد دیدن هاله مفید است .

۷- چنانچه بعد از تكرر كوشش ها هنوز موفق به مشاهده هاله نشده اید طبق دستورالعمل شماره سه عمل كنید . بكاربردن فیلترهای كامل ممكن است به این مقصود كمك كند به این ترتیب كه ابتدا فیلتر شماره دورا برای حساس كردن چشمها بكار می بریم سپس همان فیلتر را به اضافه روکش كار شماره يك بكار برده مجدداً مشاهده می كنیم .

۸- اگر متوجه شوید كه چشمهایتان خیلی در زحمت اند بجای لنز شماره دو از شماره چهار استفاده كنید . زیرا این لنزها خیلی قویتر هستند .

روش پیشرفته : وقتی یاد گرفتید هاله را به طور كامل ببینید می توانید از فیلترهای مخصوصی كه بساندهای مختلف تشكيل دهنده هاله را مشخص می كند استفاده كنید .

۱- فیلترهای مخصوص رؤیت بساند بیرونی هاله سبب می شوند كه هاله به صورت دو قسمت مجزا شود و قسمت درونی هاله را به صورت متلاطم آشكار سازد كه بعد از سطح بیرونی پوست حدود دو تا چهار اینچ پهنادارد و قسمت بیرونی را كه حدوداً به عرض شش تا پانزده اینچ مرز هاله را مشخص می سازد ، نور باید طوری تنظیم شود كه قسمت درونی هاله قابل رؤیت باشد وقتی این قسمت كاملاً

آشکار و مشخص شد ترکیب رگه‌ها و خطوط کاملاً قابل رؤیت می‌شود .
 ۲- فیلترهای رنگی مکمل را برای بررسی دقیق در قسمت‌های درونی هاله
 بکار می‌بریم . کاربرد فیلترهای رنگی مختلف آشکار می‌سازد که قسمت درونی هاله
 مرکب از نوارهای خطی با رگه‌هایی است که رگه‌های بلندتر در مرکز نوار قرار
 دارند و رگه‌های کوتاه ، رگه‌های بلند را احاطه کرده‌اند ، دکتر کیلز توانست
 به وسیله فیلترهای رنگی فضای تیره درون هاله را توضیح دهد .

نتیجه :

مفز و بدن دارای انرژی امواج آگاه مفزی است که شما
 قادر هستید با چشم مسلح آنرا مشاهده کنید

سوم

مشاهده امواج منطاطیسی بدون کمک وسائل فیزیکی با چشم غیر مسلح

این آزمایش بنا بر دلایل گفته شده بالا مشاهده انرژی امواج آگاه مفزی
 هیناً از کتاب هدیه‌های روانی، که آقای محمد مهدی علیخواه گردآوری کرده‌اند
 نقل می‌کنیم .

تمریناتی برای بینش گری و رؤیت هاله

افراد حساسی که مایلند استعداد بینش گری خود را کشف و شکوفا سازند ،
 می‌توانند به تمرینات زیر عمل نمایند .

تمرین اول:

در مکانی تاریک ، کاملاً راحت و آسوده بنشینید و چشمان خود را دقایقی

ببندید. آنگاه با چشمان نیمه باز، به شیئی که در مقابل شما قرار دارد نگاه کنید. این شیئی می تواند يك برگ بزرگ یا يك گل یا گلدانی از گل یا شیئی دیگری باشد. رعایت فاصله بین شما و شیئی مورد نظر (به نسبت بزرگ یا كوچك بودن آن) حداقل يك متر و حداكثر سه متر ضروری می باشد. ضمناً اشیاء مورد رؤیت لازم است در زمینه ای سیاه قرار داشته باشند.

تمرین دوم:

مانند تمرین اول، در اتاقی تاریك بنشینید، آنگاه دقایقی بعد که چشمان شما به تاریکی خو گرفته باشد، دست خود را در مقابل صورت با فاصله ای معین، نگاه دارید یا آهسته حرکت دهید. سپس با چشمانی نیمه باز، به نوك انگشتان و اطراف آن نگاه کنید. اگر چشمان شما حساس باشد. تشعشعاتی را پیرامون انگشتان خود مشاهده خواهید کرد که همان هاله می باشد.

تمرین سوم:

هنگامی که یکی از دوستان شما در اتاقش خوابیده باشد، شما می توانید (با اجازه قبلی او) اتاق را تاریك کرده با رعایت فاصله لازم، نگاهتان را متوجه بالاتنه و اطراف سر او نموده با چشمی نیمه باز هاله او را رؤیت نمایید. هرگاه اتاق به حد کافی تاریك باشد و چشمان شما نیز حساس باشد، رؤیت هاله میسر خواهد بود.

تمرین چهارم:

از یکی از دوستان یا آشنايان درخواست کنید به همراه شما در اتاقی تاریك، راحت و ساکت بنشینید، آنگاه شما با رعایت حداكثر فاصله، نگاهتان را متوجه او نموده هاله وی را مشاهده نمایید.

هرگاه شخص مزبور خود مشتاق به انجام این تمرین باشد، می تواند مثل شما با رعایت شرایط لازم، نگاهش را متوجه شما کرده و با چشمانی نیمه باز، هاله

شمارا مشاهده نماید . این تمرین را بیش از دو نفر هم همزمان می توانند انجام دهند . باید توجه داشته باشید که نظم و ادامه تمرینات است که موفقیت بهمراد دارد ، لذا در صورت انجام يك یا چند تمرین ناموفق ، نباید مأیوس شده و تمرینات را ترك نمایید .

سیالة نورانی (هاله) که بصورت اشعه از بدن به بیرون اخراج می شود و بدن شخص زنده را احاطه می کند ، بحسب وضع مزاجی هر کس ، بر رنگهای مختلف نمایان می شود .

هنگام رؤیت رنگهای مختلف هاله ، لازم است وسیط بینشگر ، عوامل فراوانی را که موجب تغییر موقت رنگها می گردند ، بخاطر داشته باشد . زیرا تغییر رنگ هاله ممکن است ناشی از حالت بیماری و عارضه بیشتری یا تأثرات و هیجاناتی باشد که جنبه دائم یا موقت دارند . بعضی از وسیطها هاله را بصورت متغیر وزود گذر ، برای چند ثانیه مشاهده کرده اند . اگر این وضع برای شما پیش آمد دلسرد نشوید و تمرینات را ادامه دهید ، زیرا بتدریج رؤیت شما کاملتر شده مشاهده طولانی تری خواهید داشت .

البته اولین رؤیت کمی مشکل خواهد بود و باید دقت لازم انجام بگیرد ، اما بعد از اولین رؤیت ، کار به آسانی پیش خواهد رفت و شما خواهید توانست بخوبی شاهد هاله انسان باشید .

هرگاه تمرینات ادامه داشته باشد ، وسیط قادر خواهد شد هاله دور انگشتان خود را مشاهده نماید ، مشروط بر این که دست خود را در مقابل زمینه ای سیاه بگیرد و با چشمهای نیمه بسته و خیره یا در صورت لزوم ، با چشمان لوج شده به هدف مورد نظر نگاه کند .

حسن تفاهم یا عدم توافق روحی اشخاص نیز از عکس هاله انگشتان آنها

معلوم می‌شود . وقتی انگشت دو نفر را نزدیک بهم کرده و از هاله آنها عکس بگیریم خواهیم دید که در صورت تفاهم روحی، هاله آنها درهم می‌آمیزد و مخلوط می‌شود، اما برعکس، در صورت عدم توافق روحی، هاله‌ها از هم فاصله گرفته و دور می‌شوند.

نتیجه :

منز و بدن دارای امواج آگاه منزی است که شما
 قادر هستید با چشمهای غیر مسلح آنرا مشاهده کنید

اطلاعات

تک شماره ۲۰ ریال

سه شنبه ۱۵ اسفند ۱۳۶۸ - هشتم شعبان ۱۴۱۰ - ششم مارس ۱۹۹۰ - شماره ۱۸۹۹۲

بدن یکی از اهالی قفقاز شوروی

دارای خاصیت مغناطیسی است

تهران - خبرگزاری جمهوری اسلامی :

شخصی بنام «میکولچف» ساکن یکی از ایالات شمال قفقاز شوروی می تواند اشیاء فلزی را به خود جذب کند .

بنا به خبری که از رادیو مسکو پخش شد ، سکه ، انگشتر ، ساعت قاشق های فلزی و حتی عینک های باقاب فلزی به سینه این مرد می چسبند . وقتی قطب نما به بدن او نزدیک می شود ، عقربه آن حرکت نمی کند و این امر نشان دهنده آن است که «میکولچف» دارای خاصیت مغناطیسی است .

رادیو مسکو افزود : این خاصیت شگفت انگیز هنگام عمل جراحی وی در دوره جنگ جهانی دوم آشکار شد . در آن زمان وسایل جراحی به سینه «میکولچف» می چسبیدند .

تله پاتی مبحث ششم

دلیل ششم

فهرست و برنامه تله پاتی

فهرست و برنامه تله پاتی که در این قسمت مطالعه می فرمائید
بقرار زیر است :

گفتار اول - داستانهای در باره تله پاتی .

گفتار دوم - تعریف تله پاتی .

گفتار سوم - اسامی کتابهایی که در تله پاتی از آنها استفاده شده است .

گفتار چهارم - آزمایشاتی که نگارنده در باره تله پاتی انجام داده است .

گفتار پنجم - آزمایشاتی که دانشمندان جهانی در باره تله پاتی
انجام داده اند .

گفتار ششم - آزمایشاتی که شما می توانید در باره تله پاتی انجام دهید .

داستانهای در باره تله پاتی



فکر کردم ، که اگر گفتار در باره تله پاتی را ابتدا با داستانهای که در جهان اتفاق افتاده است شروع کنم ، مطالعه مبحث تله پاتی برای خواننده شیرین و جالب و کشش دار خواهد بود .

بنا بر این گفتار اول را در باره تعریف داستانهای از تله پاتی می پردازیم .
سپس وقتی داستانهای در باره تله پاتی بیان شد ، تعریف آن را به سبب همه خواهند فهمید .

پس گفتار دوم را اختصاص به تعریف داستانهای از تله پاتی داده ایم بعد از تعریف تله پاتی لازم بود آزمایشاتی علمی ، فنی که درباره تله پاتی انجام شده بیان شود ، ولی قبل از لازم بود نوشته شود که این آزمایشات از چه کتابهایی استفاده شده بنا بر این گفتار سوم درباره اسامی کتابهای انگلیسی و فارسی است که درباره کتابهای تله پاتی استفاده شده است .

گفتار چهارم : درباره آزمایشاتی است که نگارنده در باره کتابهای تله پاتی انجام داده است .

گفتار پنجم : آزمایشاتی است که سایر دانشمندان جهان در باره تله پاتی انجام داده اند .

گفتار ششم : آزمایشاتی است که خودتان می توانید در باره تله پاتی انجام دهید .

بهر حال گفتار درباره تله پاتی با داستانهای جالب ، شیرین و شنیدنی شروع شده است ، که این وقایع و رویدادها داستانهای هستند که توسط اشخاص مختلف در سراسر جهان تعریف شده اند .

شخص شما و اکثر مردم جهان و حتی دانشمندان این علم گفته اند که « بابا ما از این تعریف ها زیاد شنیده ایم ولی چیزی ندیده ایم » ولی بعضی ها هم مخالف

با عقیده شما هستند ، زیرا می گویند : « نه خیر این قبیل رویدادها برای ما هم اتفاق افتاده است . »

بهر حال اکثر دانشمندان روانشناسی جهان این قبیل داستانها را علمی و فنی و قابل قبول در محضر علم نمیدانستند ، درحالیکه هر کس حس می کند که همه واقفیت دارند .

در اواخر قرن بیستم عده زیادی از روانشناسان بخصوص روسها و آمریکائیهها در صدد تحقیقات و بررسی های دقیق علمی برآمدند و موفق شدند که موضوع و مسئله تله پاتی را برای همیشه حل کنند و اثبات کنند که صد درصد علمی و درست است «بعلاوه در پایان راهنمایی هائی شده، که شخص خود شما هم بتوانید آزمایشانی علمی از طریق خود هیپنوتیزم درباره تله پاتی انجام دهید» که در مباحث و فصول بعد کاملاً تشریح و تعریف شده است .

تعداد داستانها تقریباً زیاد انتخاب شده ، و آنهم باین دلیل که از هر داستان می توان نتیجه استثنائی و تازه ای گرفت که خود شما هم می توانید تجربیات حاصل از این داستانها را عمل نمائید .

حالا نخستین داستانی که انتخاب میشود ، داستانی است از « مارک تواین »

استعداد تله پاتی • مارک تواین •

در میان اهل مطالعه کمتر کسی است که اسم « مارک تواین » را نشنیده باشد مارک تواین یکی از فیلسوفان و نویسندگان بزرگ و تاریخ شناسان امریکائی معروف جهان است ، که به علت داشتن تمرکز قوی و سالم از اتفاقات زیر برایش زیاد پیش می آمده .

تله پاتی مارک تو این

مارک تو این تجربیات مشابه فراوانی در رابطه با تله پاتی ذهنی داشته است. کافی بود او فقط به کسی فکر کند تا آن شخص پیش او بیاید، یکبار، در سفری که به واشنگتن کرده بود؛ در هتل آرلینگتون^۱ اقامت گزید. با تغن شام خورد. بعد از شام مدتی مطالعه کرد. سیگار کشید و سپس تصمیم گرفت در باران قدم بزند.

به دیدن چه کسی می توانست برود تا تنهائی اش را چاره کرده باشد؟ ناگهان به یادش آمد که یکی از دوستان قدیمی او در این شهر زندگی می کند. اما تقریباً شب به نیمه رسیده بود. برای سرزدن و ملاقات دیر وقت بود. با این شرایط تمایل به دیدار دوستش را در آن لحظه رها کرد. اما این خواست در وجدان ناخود آگاه او ثبت شد.

يك ساعت بعد سیگارش تمام شد. باید ذخیره سیگارش را تجدید می کرد. به فروشگاههای که در همسایگی آنجا بود قدم گذاشت. سیگاری را که می خواست خرید. کمی از این در و آن در با فروشنده صحبت کرد. آماده رفتن به اتاقش بود که ناگهان يك احساس قوی برای رفتن به خیابان بر او غلبه کرد. هنوز باران به شدت می بارید. فکر او که تلاش می کرد به اطاعت از این نیاز وادارش کند به او گفت که برای ارضای این نیاز ده قدم هم کافی است.

قدم زنان و در حالیکه ظاهراً هیچ دلیلی و توجیهی برای این کار نداشت در پیاده رو پیش می رفت که ناگهان توسط دو چتر بزرگ که به طرفش می آمد متوقف شد. عذرخواهی او با يك صدای آشنا پاسخ داده شد. چتر بالا رفت.

مشاركه توان با آن دوست و اشنگتنی که فقط لحظاتی قبل به او اندیشیده بود
روبرو شد .

این ملاقات که به طریقی بسیار غیر معمول و در ساعتی غیر معمول تر در دله
شب رخ داد مظهر دیگری از تله پاتی ذهنی است .

تله پاتی ذهنی بصورت يك نیروی غیر قابل پیش بینی عمل می کند .

نتیجه :

۱- این قبیل تله پاتی برای مارك توان همیشه نیست که علت
و دلیل بسیار متعدد و عوامل مختلف دارد ، که در پایان این قسمت
بیان شده است .

۲- این قبیل اتفاقات تله پاتی برای شما هم ممکن است پیش
بیاید ولی باز هم دائمی و همیشگی نیستند .

۳- ولی امکان دارد که با يك سری تمرینات و عملیات خاص
هیپنوتیزم تا حدود بسیار زیادی دائمی و همیشگی نمود که در پایان
این محبت روش و قاعده آن بیان شده است .

۴- هیپنوتیزم قدرت تله پاتی را بیدار کرده و بطور اعجاز انگیزی
این انرژی موجی را زیاد می کند .

- * داستان حیرت انگیز داینسکر .
- * استفاده از تله پاتی در حل مسائل ریاضی و امتحانات .
- * هنرپیشه ۱۸ ساله ای که افکار تماشاچیان را قرائت می کرد .

داستان حیرت انگیز داینسکر

داستان داینسکر داستان حیرت انگیزی است . او زمانی که به دبستان می رفت مهارت خود را در تله پاتی ذهنی کسب کرد . درس او ظاهراً باید خیلی ضعیف بوده باشد . ریاضیات مشکل بزرگ او بود و در این درس همواره از آخرین نفرات کلاس بود .

یک روز ورق برگشت . نمرات او به ترتیبی معجزه آسا بهتر شد . وقتی به خانم معلمش گفت که در خانه بیش از اوقات دیگر درس نخوانده است و در این مسئله تردیدی باقی نماند ، معلم تعجب زده شد . او تمام جوابها را با حدس پیدا کرده بود .

او در يك حالت انتظار به راه حل های صحیح می رسید ، در واقع آنچه داینسکر در کلاس انجام می داد ، همان کاری بود که بعدها در صحنه تئاتر از آن استفاده می کرد .

داینسکر ۱۸ ساله بود که دریافت می تواند این تکنیک را بکار بندد . او در این سن با استفاده از هدف های بالغ و مسن شروع به آزمایش کرد . داینسکر در صحنه تئاتر همان شیوه را به کار می بست . او افکار تماشاگران را می خواند .

روبروی آنها می ایستاد و افکار خود را در يك حالت تله پاتی متمرکز می کرد و پاسخهای صحیح سئوالانی را که برایش مطرح می کردند می یافت و موجب حیرت و شگفتی تماشاگران می شد .

نتیجه :

- ۱ - تله پاتی ذهنی نیز ، کم و بیش در تمام افراد وجود دارد ،
منتها از شدت و ضعف برخوردار است .
- ۲ - این استعداد با « خودهیپنوتیزم » به نسبت بسیار زیادی قابل
پرورش است .
- ۳ - هیپنوتیزم قدرت تله پاتی را بیدار کرده ، بطور اعجاز -
انگیزی زیاد می کند .

عکاسی خارق العاده :

از هنگام اختراع عکاسی در قرن نوزدهم ، گاهگاه تصویرهای مرموز روی
روی فیلمها ظاهر شده است .
نخستین کسی که عکاسی خارق العاده را گزارش داد ویلیام ماملر گراورسازی
از شهر بوستون بود .
وی زمانی که مشغول ظاهر کردن برخی از عکسها بود ، در آنها تصاویر
افرادی را می دید که موقع عکس گرفتن حضور نداشتند .
بعضی از آنان قوم و خویش فوت شده کسانی بودند که مایل بودند عکسشان
گرفته شود .

ماملر در اندك زمانی مشتری فراوانی برای « عکسهای خارق العاده خود پیدا کرد و بسیاری از مشتریان از نتیجه کار خشنود بودند .

زمانی که ماملر در نیویورک بسر می برد او را به انهام گولزدن مشتریان محاکمه کردند، لیکن یکی از قضات سابق دیوان عالی آمریکا که ادهوندز نام داشت به نفع



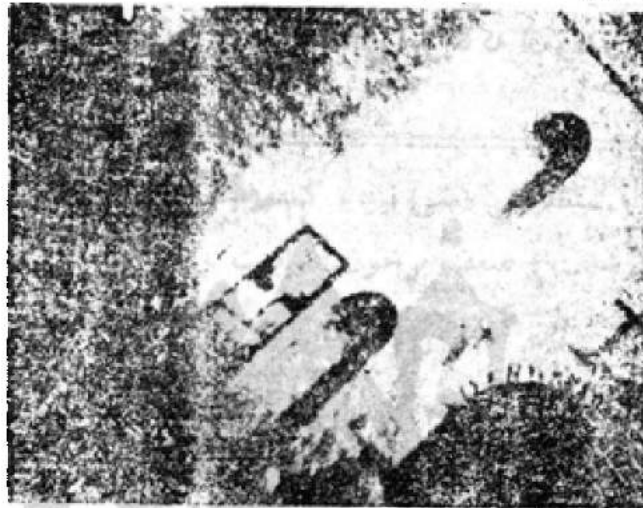
یک طرح کنده کاری از ساختمانهای روتدرگ آلمان

اوشهادت و گفت :

« من درباره ماملر تحقیق کردم و دلیلی بر حقه بازی او نیافتم . » چند تن از عکاسان حرفه ای نیز که کار او را بررسی کردند شهادت دادند که نتایج کار او اصالت

دارد . بدین ترتیب تیرته شد .

دکتر آیزن بود یکی از این آزمایشها را در منزل دکتر جیمز گالوبین اسناد
ووانیزشکی دانشگاه کلرادو انجام داد . دکتر گالوبین از سربوس خواست عکس



بالا، تصویر پولاروید سایکیک (خارق) که ترکیبی از احساس تصویری از روتنبرگ
و تصویری از یک اصطبل، در مرکز شهر کلرادو است.

پایین: یک تصویر واقعی از همان اصطبل برای تطبیق و مقایسه. جعبه بالای تصویر نشان
می‌دهد که چگونه آجرها بزرگ شده‌اند.

روحی نابلو سیاه‌فلم (اچینک) را که روی دیوار آویزان بود بگیرد .
 نابلو تصویر روتنبرگ، یکی از شهرهای قرون وسطائی آلمان را نشان میداد .
 مریوس گفت : من دربارهٔ ساختمانهای اطراف منظرهٔ نابلو فکرمی کنم . مریوس
 دوربین پولارویدی که فیلم جدید در آن گذاشته بودند در دست داشت، عدسی دوربین
 را با لولهٔ مقوایی کوچکی که سر آن باز بود پوشانده بودند . در حالی که دوربین
 رو به بالا گرفته شده بود عکاسی صورت گرفت .

❖ مادری که به قدرت تله پاتی متوجه خطر مرگ فرزندش میشود

این داستان از کتاب تله پانی ذهنی از یک سروان جوان که آمادهٔ رهبری
 نفراتش به صحنهٔ نبرد بود نقل می شود :
 جناب سروان اینطور تعریف می کند :
 ماه در آسمان نبود . نمی شد بیش از یک متر جلوی پای خود را دید .
 در این شرایط وقتی افسر جوان اولین گام را به جلو برداشت صدای مادرش را
 شنید که از هزاران مایل فاصله از ادمی خواست مراقب خودش باشد . هیچکس
 جز او این صدا را نشنید . اما او دستور توقف داد و منتظر سپیده دم شد .
 صبح که شد ، همه خطر را دیدند : میدان وسیعی که پیش پای آنها بود تماماً
 مین گذاری شده بود .

ماهها بعد ، وقتی جناب سروان به خانه رفت ، مادرش برای او تعریف
 کرد که چطور در آن شب و در آن ساعت با مشاهدهٔ خطری که او را تهدید
 می کرده از خواب پریده و به لرزه افتاده است ، او از بستر خارج شده و تمام
 شب را برای سلامت او دعا کرده بوده است .

غالباً در هنگام مرگ و خصوصاً در میدانهای جنگ ، تصویر یکی از عزیزان بطور ناگهانی جلوی روی يك دوست صمیمی یا فامیل نزدیک در صحنه زندگی ظاهر می شود .

چنانچه در جریان جنگ ایران و عراق ، الهامات غیبی سایر داستانهای صحنه جنگ را در مجلات خوانده باشید ، شاهد این قبیل رویدادهای تله پاتی بین سربازان و خانواده شان و یا در همان صحنه های مختلف جنگ مطالعه کرده اید ، که واقعاً عجیب و غیر قابل باور میباشند .

نتیجه :

۱ - مادری به قدرت تله پاتی از مرگ فرزندش آگاه، او و سایر سربازانش را از کشتار دسته جمعی نجات میدهد این رویداد و واقعه بالا داستانی بیش نیست ، روانشناسان قرن بیستم چه آزمایشات علمی و فنی برای اثبات این قبیل داستانها انجام داداند ، در فصل بعد بیان خواهد شد .

*** اطلاع از جای چکش به قدرت تله پاتی .**

*** بین زن و شوهرها اطلاعات تله پاتی بیشتر برقرار می شود .**

● ناگهان در وسط جلسه هیئت مدیره از جا پرید .

این شخص ناگهان در وسط جلسه هیئت مدیره از جا پرید . او صدای آمرانه زنش را که در خانه بود می شنود که دارد دنبال چکش می گردد . او آخرین کسی بود که از آن استفاده کرده بود .

زنش با عصبانیت از او پرسیده بود : « پس کجاست ؟ »

آقای مدیر ، انرژی امواج آگاه مغزی (رادیوئیش) را روشن کرده و

به زنش اطلاع داد که چکش را در قفسه سمت راست، زیر ظرفشویی گذاشته است و همسرش باید آنجا دنبال چکش بگردد چون شب قبل پس از استفاده چکش را در قفسه زیر دستشویی پنهان کرده است. زنش صدای او را شنید. به جایی که مرد گفته بود نگاه کرد. چکش در آنجا پیدا شد.

در همان شب بعد از جلسه زن و شوهر موضوع را با هم در میان گذاشتند و مطمئن شدند که خواب ندیده‌اند.

نتیجه:

علماء و دانشمندان روانشناس جهان اینقبیل وقایع را داستانی بیش نمی‌دانستند که علت و ریشه علمی ندارند، ولی هم‌دلها گواهی می‌دهند که حقیقت داشته و دارد تا بالاخره در اواخر قرن بیستم، بالاخره دانشمندان ثابت کردند که تله‌پاتی از نظر علمی و فنی صحت و حقیقت دارد که در مباحث بعد با آن آشنا شده و بعلاوه خودتان نیز یادخواهید گرفت که چگونه این آزمایشات را تکرار کنید.

خرید نان از طریق تله پاتی

بازهم زن و شوهرهای جوان

شوهری هنگام سوار شدن به اتوبوس برای رفتن به خانه در فاصله زمانی نزدیک به صرف شام ناگهان پیامی از همسرش دریافت می‌کند که لطفاً یادت فرود سری به فروشگاه بزنی و یک بسته نان بخری. او هم از این فرمان اطاعت می‌کند و نان را می‌خرد.

هنگام ورود به خانه و ملاقات با همسرش متوجه میشود که او به نان احتیاج داشته است. بله، همسرش برای او پیام فرستاده و اطمینان هم داشته

که شوهرش پیام تلفنی ذهنی او را دریافت کرده است و به این ترتیب نباید بدون نان به خانه بیاید .

نتیجه :

رویداد و واقعه بالاداستانی بیش نیست ، روانشناسان قرن بیستم چه آزمایشات علمی و فنی برای اثبات این قبیل داستانها انجام داده اند ، در فصول بعد بیان خواهد شد .

☪ قدرت تله پاتی ارگ نواز کلیسا

☪ بچه ها از غرق شدن در هوای طوفانی دریا نجات پیدا کردند
يك روز در کلیسا ، ارگ نواز کلیسای ما نواختن سرود را قطع کرد و با عجله به محراب رفت و اعلام داشت که طوفان بچه های ما را که با يك قایق تفریحی برای گردش دسته جمعی یکشنبه به خلیج رفته اند تهدید می کند و آنها در معرض خطر غرق شدن قرار دارند . در حال حاضر ملوفان در خلیج خطر آفرین شده است .

او با التماس از کشیش می خواست که مراسم را متوقف کند. پس از اینکه کشیش این کار را کرد ، او از جمعیت حاضر در کلیسا خواست که زانو بزنند و برای سلامت فرزندان خود دعا کنند .

درخواست او از نظر بسیاری از افراد حاضر در کلیسا کاری احمقانه و بیهوده تلقی شد ولی او با سماجت می گفت که فقط دعا می تواند کودکان را نجات دهد .

انرژی امواج فکری ارگ نواز کلیسا از طریق تله پاتی از غرق شدن بچه ها در دریا آگاه شد . و الهام شد که ارسال انرژی امواج فکری یعنی

همان دعا در نجات کودکان مؤثر است .

نتیجه :

رویداد و واقعه بالاداستانی بیش نیست ، البته درحالیکه واقعیت و حقیقت دارد و روانشناسان قرن بیستم چه آزمایشات علمی و فنی برای اثبات این قبیل داستانها انجام داده اند ، درفصول بعد بیان خواهد شد و بعلاوه خودتان نیز یاد خواهید گرفت که چگونه این قبیل آزمایشات را انجام دهید .

❀ مادری که سوختن طفلش به او تله پاتی میشود

این مادر اینطور تعریف می کند :

درمهمانخانه بودم و باجمعی ازدوستان گرد هم نشسته صحبت میکردیم ، در اثنای گفتگو ناله استمدادی شنیدم که تمام قوای مرا درهم ریخت . شوهرم این حالت هیجانی و مضطرب را ملاحظه کرده و میگوید : « حدس میزنم که در این موقع برای تو حادثه ناگواری رخ داده باشد ، چه شده است ؟ چه خطری متوجه تست ؟ زود جواب بده ! در این ساعت از من چه میخواستی ؟

این ناله عجیب چنان خاطرم را بیاشفته که آسایش را از من سلب کرده است .

روز ۲۴ دسامبر کاغذی بدست همسرم می رسد ، ازخواندن آن بی نهایت متعجب می شود و فوراً در روی آن این عبارت را یادداشت می کند :

✽ روز حادثه طفل

روز ۲۲ دسامبر در ساعت هشت دخترک مرا که در آنوقت یکماه و نیمه بود ، می خوابانند و برای گرم نگاهداشتن بسترش يك بطری آب گرم در آن میگذارند .

در ساعت ۸٫۵ فریادهای جان خراش کودک بلند میشود ، زیرا درب بطری باز شده و آب جوش اعضای کودک را سوزانده بوده است .
نتیجه :

گفتار بالا داستانی بیش نیست ، که تا اواخر قرن بیستم قابل قبول دانشمندان روانشناس نبود ، این قبیل داستانها را علمی و فنی و صحیح نمیدانستند ، درحالیکه حقیقت داشت و حالا به اثبات رسیده که طرز اثبات آن در صفحات بعد بیان خواهد شد .

✽ نوعی از تله پاتی که اکثر برای خیلیها اتفاق می افتد

دیدن دوستی که مدتها از او اطلاعی نداشتیم

در کتاب مرگ و زندگی ، اثر فلاماریون ، دکتر « پوارسون » نامه زیر را از « پاساوان » نوشته است .

جناب آقای فلاماریون :

شرح سه واقعه را برای شما می نویسم ، شاید برای مطالعه قضایای روحی کمکی بشود صحت این وقایع را نیز ضمانت می کنم و بعلاوه تذکر میدهم که آنچه را که از زبان دیگران می شنوم نمی پذیرم و فقط به قضایائی که برای العین مشاهده کنم اعتماد می کنم .

شرح واقعه اول:

❖ دیدن دوستی که سیزده سال بود او را ندیده بودم

روزی از ناحیه « بالفوز » می گذشتم ، بی اختیار بفکر یکی از دوستان قدیمی خود که اکنون پزشک است افتادم ، فکر ملاقات او آن به آن در مغزم قوت می گرفت همینکه به چهار راه رسیدم او را در مقابل خود یافتم . سیزده سال تمام بود که این شخص را ملاقات نکرده بودم و در مدت سال حتی يك مرتبه هم به او فکر نمی کنم ، این برخورد نابحال دوبار برای من اتفاق افتاده است و همیشه ملاقات طوری بوده است که در محل تلاقی دو خیابان به یکدیگر برمیخوریم بطوریکه دیدن از دور بچشم میسر نبوده است .

نتیجه :

گفتار بالا داستانی بیش نیست که تا اواخر قرن بیستم این قبیل داستانها مورد قبول علمی دانشمندان روانشناس نبود ، درحالیکه همه احساس می کنند که حقیقت دارد ، که حالا هم با آزمایشات آزمایشگاهی و علمی که انجام شده مورد قبول و تأیید علمای روانشناس قرار گرفته است ، که درفصول آتی طرز اثبات تله پاتی بیان شده است .

شرح واقعه دوم :

❖ احساس رجوع شبانه بیمار از دور بوسیله تله پاتی

دکتر « پوارسون » واقعه دوم خود را اینطور تعریف می کند : به علت وظیفه و مسئولیت طبی که دارم اغلب شبها مجبورم بیدار شده از بیمارانی که

به مطب من می آیند پذیرائی کنم مطب من در خیابان کم جمعیت و بی صدائی است به طوریکه شب‌ها را با آسودگی می‌خواهم، ولی عجیب این است که هنگام شب هر دفعه‌ای که بیماری بمن رجوع کند قبل از آنکه زنگ را بسدا در آورد از خواب بیدار می‌شوم.

این اتفاق صدها بار برای من رخ داده است و عجیب‌تر اینکه شبهائی را که برای مطالعه بیدار می‌نشینم چنین احساسی در من تولید نمیشود.

* برای بسیاری از پزشکان ایرانی

باحتمال زیاد در ایران نیز این قبیل اتفاقات برای بسیاری از پزشکان اتفاق افتاده و با حلاله در حال اتفاق افتادن است، که نتیجه آنست که نمی‌توان تله‌پاتی را غیر علمی یا تصادفی دانست.

شرح واقعه سوم:

✽ خواب و بیدار کردن بیماران از طریق هیپنوتیزم

دکتر «پوارسون» واقعه سوم را اینطور تعریف می‌کند:

مریضی دارم مبتلا به مرض «هیستری» است این خانم جوان است که بوسیله هیپنوتیزم او را معالجه می‌کنم.

یکی از طرق معالجه این است که ساعات خواب و بیداری او را تحت اختیار و اراده خود قرار داده‌ام، و خانم مزبور دقیقاً در ساعتهائی که بمیل من معین شده است می‌خوابد و بیدار می‌شود، برای کسانی که از هیپنوتیزم اطلاع دارند، این امر عملی و امکان‌پذیر است.

* اطلاع از مرگ مادر با تله پاتی

واقعه ذیل که برای شخصی موسوم به «توماس کاریسون» اتفاق افتاده است، توسط یکی از اعضای مجمع انگلیسی کاوش قضایای روحی در کتابی بنام شخصیت انسانی در صفحه ۱۱۲ نوشته شده است:

مادرم، در روز ۴ اکتبر ۱۸۸۸ در «اوزارک» میسوری به سن ۵۸ سالگی وفات یافت در این موقع من در «فوردلاند» در ۲۸ کیلومتری «اوزارک» سکنی داشتم. مدت دو ماه بود که مادرم را ملاقات نکرده بودم، ولی هر هفته از او نامه‌ای داشتم.

شب مرگش، من و همسرم به کلیسا رفته بودیم، طفل یکساله خود را نیز همراه داشتم نزدیک ساعت ده شب هنگامیکه در کلیسا مشغول خواندن سرود مذهبی بودیم، غفلتاً در خود میل شدیدی بملاقات مادرم احساس کردم. کم‌کم این میل به افکاری درهم و موحش بدل شد، درحالیکه حصار در نهایت آرامش مشغول عبادت بودند، چنین می‌پنداشتم که اینان از شدت گرمای هوا به سختی نفس میکشند و عرق بر سر و رویشان روان است. بعد با خود می‌اندیشیدم که در این لحظه مادر من نیز از گرمای خفه‌کننده هوا رنج می‌برد و نفس بزحمت از گلویش برمی‌آید.

چنان مغلوب این احساسات شدم که بی اختیار طفل یکساله خود را به یکی از دوستان سپرده و بدون اطلاع همسرم از کلیسا خارج شده راه «اوزارک» را درپیش گرفتم.

* طی راه طولانی پیاده

چون دیر گاه بود قطار حرکت کرده بود، پس ناچار ۲۸ کیلومتر راه

را پیاده ییمودم و حوالی ساعت سه صبح بخانه مادرم رسیدم، در را بشدت کوفتم، کسی جواب نداد. با هزاران زحمت در را باز کردم و چون وارد خانه شدم، خواهرم را دیدم که تازه از خواب برخاسته است از احوال مادرم پرسیدم، گفت: در بستر خود خفته است.

از حال مزاجیش پرسیدم، گفت: دیشب در حوالی ساعت ۱۰ باطاق خواب رفت و هیچگونه عارضه کسالت هم نداشت، سخنان خواهرم مرا مطمئن ساخت و همچنان درونم می شورید، با خواهرم به اطاق او وارد شدیم... او را در بستر خود بی حرکت یافتیم. مادرم جان سپرده بود.

نتیجه:

گفتار بالا داستانی بیش نیست که تا اواخر قرن بیستم این قبیل داستانها مورد قبول علمی دانشمندان روانشناس نبود، در حالیکه احساس می کنند حقیقت دارد، که حالا هم با آزمایشات آزمایشگاهی و علمی که انجام شده مورد قبول و تأیید علمای روانشناس قرار گرفته است که در فصول آتی طرز اثبات تله پاتی بیان شده است:

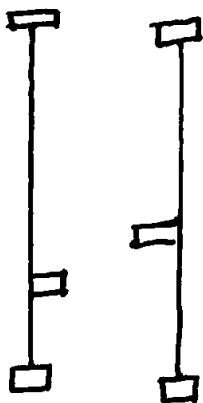
❖ اطلاع هرگ پدرو نگارنده در اثر تله پاتی

در کلاس اول ابتدائی بودم پدرم فوت کرد، در جنوب شهر به مدرسه ای میرفتم بنام مکتب میهن روی نیمکت نشسته بودم، ساعت نزدیک ۱۱ صبح بود، ناگهان دچار دلشوره شدیدی شدم، بسیار شدید بود، بنحوی که قادر به نشستن در روی نیمکت نبودم میخواستم از جا برخیزم و بطرف خانه بروم،

میدانستم پدرم ، ماهها است مریض است ، در اطافی که در زیر زمینی قرار داشت در روی زمین ، روی رختخواب دراز کشیده بود ، مادرم می گفت مبتلا به حصبه شده است ، د کتری بود که هفته ای دو روز به ملاقاتش می آمد . پدرم بسیار استخوانی و لاغر شده بود ، من مطمئن نیستم که حصبه بوده است ، شاید سرطان معده بوده است .

بهر حال در همان ساعت ۱۱٫۵ ، زنك مدرسه به تخفیف اضطراب من پایان داد ، زنك رفتن به منزل زده شد ، من با عجله از درب مدرسه بیرون آمده و شروع به دویدن بطرف خانه کردم .

تزدیک منزل دیدم ، عده زیادی از همسایه ها جلو درب منزل جمع شده اند ، احساس کردم که پدرم مرده است .



در همسایگی ما نجاری بود ، این نجار پسرى داشت در حدود ۸ تا ۹ ساله که پدرش نجار بود دو عدد چوب دستی برای ایشان درست کرده بود که این چوب ها مطابق شکل هر کدام يك پایه داشتند ، که عباس سوار آنها میشد و با آنها راه میرفت من همیشه در آرزوی این بودم که منهم با این چوب ها بازی کنم ،

ولی هیچگاه این چوب ها را بمن نمیداد . ولی آن روز بمحض اینکه تزدیک منزل رسیدم عباس گفت : در جب بیا این چوب ها را بتو بدهم ، منهم کیف دبستانی ام را کنار دیوار گذاشتم و شروع بیازی با چوب ها کردم ، در حدود ۱۵ دقیقه تا ۲۰ دقیقه بعد آ مبولانس متوفیات آمد پدرم را برد ، ومن همچنان مشغول بازی با آن چوب ها بودم .

حالا که در حدود ۵۲ سالی از آن خاطرات گذشته ، فکر می کنم ، آیا من در آن سن ۶ سالگی مرگ پدرم را خوب لمس و احساس نمی کردم ، چرا سراسیمه با طاق پدرم نرفتم که به بینم رو بقلب چطور خوابانده اند ، آیا همه کودکان در این سن همین احساس را دارند ، آیا هنوز مغز و منبجه این قبیل کودکان رشد کافی پیدا نکرده که درد ورنج ، مرگ پدر و مادر ، خواهر و برادر خود را حس کنند ؟ بعدها هم یکبار با مادرم سر خاک پدرم رفتم که در آن موقع آن جا را « ابن بابویه » میگفتند ، که بیابان یا زمین لم بزعی بود ، که مرده ها را آنجا کفن و دفن میکردند ، و عده زیادی هم قرآن خوان و دعا خوان اطراف قبور بودند .

پدرم شخصیتی درون گرا داشت ، هیچگاه مرا در آغوش نمی گرفت ، هیچگاه با من حرف نمی زد ، هیچگاه با من بازی نمی کرد ، هیچگاه برای من اسباب بازی نمی خرید ، یادم هست یکبار وقتی از در وارد شد ، يك عدد نصف هندوانه قرمز در دست داشت که من از دیدن این هندوانه که باید مقداری از آن را بخورم خیلی خوشحال شدم ، بعدها هم هیچگاه به سراغ قبر پدرم نرفتم ، تأخیر شد ، راه دور بود ، وسیله نداشتیم ، مادرم هم قبر را کم کرد ، زیرا فقط مقداری خاک روی آن ریخته شده بود و سنگ معمولی کوچکی هم روی آن گذاشته بودند .

وقتی مادرم برای خاک کردن پدرم بقبرستان رفته بود ، برادر کوچکم غلامعلی طادسی همراهش بود ، وقتی پرسیده بود که چرا پدرم را اینجا میگذارید ، مادرم گفته بود ، اینجا مدرسه است ، میگذاریم که در اینجا درس بخواند .

بهر حال ، ساعت ۱۱:۵ صبح مرگ پدرم در نظرم مجسم و بسیار جالب

است ، جالب از این نظر که دچار دلشوره شدید شدم ، دچار اضطراب شدم ، دچار ناراحتی خاص شدم و آن لحظه‌ای بود که پدرم در حال موت بود و شدیداً قبل از مرگش دلش میخواست مرا به بیند و بمیرد ، این تغییر حال من مربوط به انرژی امواج فکری پدرم بود که از طریق تله پاتی بمن منتقل کرده بوده است .

نتیجه :

این قبیل اتفاقات را نمی‌توان « حمل بر تصادف کرد ، نمی‌تواند ریشه‌های علمی و بدون دلیل باشد . که خوشبختانه با تلاش و کوشش فراوان علمی و آزمایشگاهی که توسط دانشمندان اروپائی و امریکائی شده و این آزمایشات هر کدام هزاران هزار بار تکرار شده است موضوع انتقال فکر و تله پاتی به اثبات رسیده است .
حالا بشرح حال یکی دومورد داستانهای دیگر تله پاتی می‌پردازیم و به این بحث خاتمه می‌دهیم .

☞ طفلی که افکار مادرش را قرائت می‌کرد

پروفسور « سانکتیس » نامه‌ای برای همکارش « لومبروزوی » معروف می‌نویسد و درباره دو واقعه « تله پاتی » صحبت می‌کند ، یکی در باره حریفی که در تئاتر « کستانزی » پاریس رخ میدهد و دکتر « سانکتیس » به علت داشتن استعداد خاص تله پاتی از آن آگاه شده ، و برادرش را در تئاتر متوجه احساس خطر می‌بیند .

دوم نامه‌ای در باره طفل هفت ساله‌ای که دقیقاً افکار مادرش را موبمو قرائت می‌کرد ، که عین نامه دوم در اینجا نقل میشود .

دکتر «سانکتیس» می نویسد: «طفل هفت ساله‌ای را موسوم به «لودویک» دیدم، که برای حل مسائل استعداد خواص عجیبی از خود نشان می داد. به مادر این طفل مسئله‌ای می دادیم، پس از آنکه آن را حل می کرد، «لودویک» بدون آنکه خود مسئله را حل کرده باشد، جواب آن را می گفت؛ مثل آنکه فکر مادرش را می خواند.

مادر «لودویک» کتابی را می گشود از او سؤال می کرد، کدام صفحه است؟ لودویک فوراً نمره صفحه را صحیحاً می گفت: ده بار آزمایش کردیم، نتیجه بلااستثناء درست بود. جمله درازی را روی کاغذ نوشتیم، همینکه مادرش آن را خواند، لودویک عین جمله را بدون هیچ غلط ادا کرده نتیجه:

ما بحث در باره موضوع بسیار مهم و با اهمیت تله پاتی را با داستانهای از آنها شروع کردیم، بدلیل اینکه، این موضوع علمی مهم شبیه کتابهای خشک و بیروح دبیرستانی و دانشگاهی، باحالت خسته کننده‌گی شروع نشده باشد.

ثانیاً نتیجه گیری علمی صحیحی از آنها میشود، بدین طریق، که از سالیان دراز تا بحال همه دنیا شاهد این قبیل اتفاقات در تله پاتی بوده هستند، ولی در بوته آزمایش دانشگاهی علمی و کلاسیک در نیامده بوده اند، که اخیراً آزمایشات لازم انجام شده، بعلاوه راه آموزش داده شده که چگونه شما هم می توانید به قدرت کامله تله پاتی برسید.

بهر حال تا اینجا بذکر تشریح و بیان کامل داستانهای تله پاتی خاتمه میدهم فقط عنوان تعدادی از آنها را از کتب مختلف ذکر می نمایم. فقط در خاتمه داستان يك زن آمریکائی با اراده و سرسخت را بیان می کنم که

بقدرت تله پاتی توانست شوهر دلخواه خود را پیدا کند و بعد مبحث آزمایشات علمی نگارنده و سایر دانشمندان جهان بیان خواهد شد و در خاتمه به شما آموزش داده خواهد شد که چگونه خودتان نیروی تله پاتی را در خود پرورش دهید. در کتب مختلف که در آغاز این گفتار اشاره شد، در باره مسائل و قضایای زیرداستانهایی جالب و شیرین درباره تله پاتی بیان شده که می توانید، با آنها مراجعه و مطالعه فرمائید، که عنوان آنها به ترتیب زیر میباشد:

۱- برادری از مرگ خواهر خود به قدرت تله پاتی مطلع میشود.
 ۲- دانشجوی طب به قدرت تله پاتی از مرگ پدرش مطلع میشود.
 ۳- مادری از حادثه دردناک و ناگوار پسرش به قدرت تله پاتی مطلع میشود.

۴- خانمی به قدرت تله پاتی خارق العاده خود بریده شدن گیسوان دوستش را می بیند.

۵- خانمی به قدرت تله پاتی از غرق شدن کلفنش مطلع میشود.

۶- گاهی تله پاتی در خواب انجام میشود، این خانم مرگ شوهر دوستش را در خواب می بیند.

۷- پدری که محل قتل پسرش را به قدرت تله پاتی می بیند.

۸- آقای « ریشار سیردل » وکیل دادگستری بقدرت تله پاتی بیهوش شدن زنش را در منزل می بیند.

۹- این شوهر برخورد تأثر انگیز همسرش را با مرد فقیری بقدرت تله پاتی احساس می کند.

۱۰- استاد بزرگ هیپنوتیزم بنام « پروفیسور داوید » از طریق هیپنوتیزم و تله پاتی مراجعین را از راه دور در منزلش معالجه می کند.

۱۱ - دکتر « بالم » در شهر ناسی مریضی داشت مبتلا به سوره هاضمه که او هر وقت میخواست با ایشان تماس داشته باشد خود را هیپنوتیزم می کرد و با ایشان ملاقات و تماس برقرار می نمود .

۱۲ - آقای « کنت دوست اولر » در حال خود هیپنوتیزم کایه جملات را که در روی کاغذ نوشته میشد قرائت می کرد .

۱۳ - هیپنوتیزم شده ، محل مخفی شدن سارق را بقدرت تله پانی اطلاع میدهد .

۱۴ - هیپنوتیزم شده با چشمان بسته کتاب میخواند .

این قبیل داستانها بسیار زیاد هستند ، که فایده مطالعه آنها اینست که متوجه خواهید شد که از طریق هیپنوتیزم و تله پانی چه نوع و چه قسم مطالب و قضایا را می توان اجرا نمود که شما می توانید همه این قبیل داستانها را در کتابهایی که در آغاز این مبحث نوشته شده مطالعه نمائید .

و حالا آخرین داستان مهیج ، شیرین و جالب خانم معلمی است که پیدا کردن شوهر دلخواه از طریق هیپنوتیزم را از کتاب تله پانی ذهنی بیان می کنیم .

بطوریکه در زیر مطالعه می کنید ، خواستن واقعی ، پشتکار ، سرسختی و بخصوص قدرت تله پانی کمک می کند که يك خانم معلم پیر دختر زود در قفله هینکی ، تقریباً خانم باجی معلم با مرد ثروتمند دلخواه خود ازدواج کند .

خانم معلم پیر دختر جغرافیا

هوس ازدواج با يك میلیونر

نام این خانم « ابی جونز » میباشد ، در زمان وقوع این داستان سی و هفت

ساله بود ، با وجودی که تقریباً بیست سال جغرافیا درس داده بود ، اما هرگز در عمرش پا از « پترزبورگ » - « پنسیلوانیا » فرائز نهاده بود . انتظار نمی رفت نام او در هیچ جای تاریخ ثبت شود ، چون او هم مثل میلیونها انسان دیگری که در این جهان رد کی می کنند ، زندگی کلیشه ای و دور از هر نوع افت و خیزی را گذرانده بود .

هر روز صبح از خواب بر می خواست ، لباس می پوشید ، صبحانه می خورد و به سر کاری رفت در پایان روز از سر کار به خانه بر می گشت ، شام می خورد و به بستر می رفت تا فردا دوباره برای رفتن به سر کار از بستر خارج شود .

**داستان معلمی که میخواست
شوهر ثروتمندی داشته باشد**

يك روز ، يك مكالمه تصادفی تمام زندگی او را دستخوش تحول کرد . روز فارغ التحصیلی و آخرین روز مدرسه بود . از فردای آن روز مدرسه تعطیل می شد . معلمها همگی دور هم نشسته و آخرین ناهار دسته جمعی را صرف می کردند . یکی از آنها از دوشیزه جونز پرسید : تابستان کجا می روی ؟ کسی چه می داند ؟ شاید با يك میلیونر آشنا شوی ! پاسخ او مانند کلوله ای بود که از تفنکی شلیک شده باشد : کاملاً درست می گویی ! چرا نباید من با يك میلیونر آشنا شوم و با او ازدواج کنم ؟

همه خندیدند - خنده آنها تعجب نداشت . دوشیزه جونز نه خوش اندام بود و نه زیبا و نه شیک پوش . لباس هایش همیشه کهنه و ازمد افتاده بود . قیافه درهم و اصالاً جلب توجه نمی کرد . يك عینك مدل عهد دقیانوس دسته شاخی

به چشم می گذاشت . اما در این لحظه آرزویی در قلب او جا گرفت . از آن لحظه به بعد دلش نمی خواست آمریکا را فقط از دریچه يك نقشه بزرگ آبی رنگ تماشا کند . می خواست از رودخانه های بزرگ آنرا ببیند .

مهمتر از همه اینکه می خواست در این سفر حلقه طلایی برانگشتش داشته باشد و لقب مشهور دختر ترشیده را به يك همسر شاد و راضی از ازدواج تبدیل کند . اما در ناله پانی ذهنی به بیش از يك آرزویاز داشت . باید برای آن کاری انجام داد .

اگر آب می خواهید باید چاه حفر کنید ، اگر با دعا باران می خواهید پس لازم است فکر چتر را هم بکنید ، اگر شوهر می خواهید کافی نیست که فقط آرزوی آن را داشته باشید ، باید کاری انجام دهید و حرکتی بکنید .

دوشیزه جوئز هم فعالیت خود را شروع کرد . ابتدا لباس های نو خرید و راه پوشیدن و استفاده از آنها را یاد گرفت . اندامش را نیز مرتب کرد ، مشتری دائم آرایشگاه و سالن زیبایی اندام محله شد ، تا این روز فقط به پول در آوردن پرداخته بود ولی حالا داشت شیوه زندگی کردن را می آموخت .

در سالهای گذشته ، او تعطیلاتش را همواره به يك صورت سپری می کرد . به دیدار خواهرش که مزرعه ای در بیرون شهر « اسکراتوان » در پنسیلوانیا داشت می رفت . در آنجا مردی که مناسب و هماهنگی با او داشته باشد وجود نداشت . بدتر از همه اینکه در آنجا هیچ میلیونری مثل سیب بر درختان باغ قدیمی نمی روئید . بالاخره ، دوشیزه جوئز برای اجرای نقش جدید خود آماده شد ، پس از آنکه وقت آن بود که این نقش را بازی کند . چگونه می توانست ماهی را به این قلاب بیندازد ؟

زمان با موقعی که او با مادرش در يك خانه زندگی میکردند فرق کرده بود .

حالا دیگر با نشستن در اتاق پذیرائی خانه ، ریختن چای ، روی ظروف چینی نقاشی کردن و منتظر خواستگار ماندن شوهر پیدا نمی شد . طبق آمار دفتر جمعیتی ، در حال حاضر تقریباً دو دختر ازدواج نکرده در مقابل هریک مرد مجرد در آمریکا بسر می برند ،

زمان به نفع پیردختری که در آرزوی ازدواج بسر می برد نبود . دنبال راه چاره ای می گشت . چطور بود به يك سفر برود ؟
کالیفرنیا چطور است ؟

به این ترتیب ، دوشیزه جونز تصمیم گرفت به کالیفرنیا برود . رفت تا کشف کند که هر چند کالیفرنیا سرزمین شکوفه های عطر آگین پر تقال و نارنج است ولی او نمی توانست هیچ شکوفه نارنجی بر روی نوری عروسی اش بدوزد . در کالیفرنیا ی آفتابی ، بیشتر مردان متأهل بودند و محدود مجرد های مناسب برای ازدواج فقط در مقابل بهایی قابل مالکیت بودند که دوشیزه جونز آمادگی پرداخت آن را نداشت .

بنابراین دوشیزه جونز به شرق برگشت . هنوز دو هفته از تعطیلاتش باقی مانده بود شاید بهتر باشد سری به خواهرش بزند . بلیطی خرید و سوار قطاری که از « اسکراتون » می گذشت شد . يك شب گرم تابستانی بود . دو قطار خوابش برده ناگهان با دستی که بر شاه اش خورد از خواب پرید .

مأمور کنترل بلیط قطار بود . مأمور کنترل به او اطلاع داد که از ایستگاه مورد نظرش رد شده است . چاره ای نداشت جز اینکه در اولین ایستگاه بین شهری پیاده شده ، از عرض ریل ها بگذرد و منتظر قطاری که به « اسکراتون » برمی گشت شود .

ساعت حدود نیمه شب بود . چیزی وحشت انگیز تر و خوفناکتر از يك ایستگاه قطار بین شهری تاریک و برهوت نیست . سایه ها عمیق و تاریک بودند

و پشه‌ها قوی و بیش آنها سوزنده .

نیمکتی در اطراف نبود . لذا روی چمدانش نشست . او در اینجا که دنیای بسیار تنهایی بنظر می‌رسید تنهای تنها بود .

ناگهان تمام شجاعت و شهامت خود را ازدست داد . نومییدی و یأس بر او مستولی شد . یأس ممکن است بر هر کسی مستولی شود . غالباً ، درست قبل از يك دست‌آورد بزرگ ، آدم با شکست و نومییدی ظاهری روبرو می‌شود . به رؤیایش اندیشید رؤیای احمقانه ازدواج با يك مرد میلیونر .

عقلش شروع به مجادله با قلبش کرد . عقلش می‌گفت : « ای ، واقعا حماقت کرده‌ای . تو هیچوقت ازدواج نخواهی کرد ! این کار يك امر غیر ممکن است . »

قلبش می‌گفت : « اگر اعتقاد و ایمان وجود داشته باشد ، هیچ چیز غیر ممکن نیست . »

عقلش جواب داد : « صبر کن تا به مدرسه برگردی ! . وقتی آرایش جدید موهایت را ببینند ، حسابی مسخره‌ات خواهند کرد و مضحکه همکارات می‌شوی . بهتر است این جواهرات بدلی را دور بریزی و کفش‌های مکش مرگ مایت را از پا درآوری . راستی ، عینک پستی دسته شاخی قدیمی‌ات هنوز نوی کشو میز کارت می‌باشد . »

يك قطار سریع‌السیر با سرعت گذشت و او را در ابری از دود غلیظ و سیاه مانند مه غرق کرد .

زندگی او نیز دوباره آلود شده بود . دو قطره اشك داغ بر گونه‌هایش غلتید . ناگهان ، احساس خستگی شدید ، خستگی از همه چیز ، خستگی از زندگی ، خستگی از کار و حتی خستگی از آرزوهای همچون آرزوی احمقانه شوهر داشتن - فرجامی که حق حیاتی هر دختر است - بر او مستولی شد .

سپس عصیان در او شکل گرفت چرا نباید به آرزویش برسد؟ چنین دیدگاهی او را تا این فاصله کشانده بود. در اینجا هم به آن اعتماد می کرد و خود را بدست او می سپرد تا او را تا رسیدن به هدفش هدایت کند. با خود تصمیم گرفت تا بالاخره در جایی و به گونه ای رؤیای او به حقیقت خواهد پیوست.

دوباره پیام ذهنی او توسط سیمهای نامرئی امواج فکرش بسمت هدف روانه شد. ساعت حدود دو یا سه بعد از نیمه شب بود و او خسته و از پا افتاده دل نگران باقی مانده بود. دوباره خوابش برد.

این بار با صدای صوت يك آدمیزاد از خواب بیدار شد. چشمان خود را گشود و بالای سرش را نگاه کرد. خوش تیپ ترین مردی که در عمرش دیده بود بالای سرش ایستاده و با حیرت او را می نگریست. مرد از او پرسید:

— اینجا چکار می کنی؟

او در جواب پرسید:

— خودت اینجا چکار می کنی؟

مرد گفت:

— ای کاش می دانستم! در خانه چند تن از دوستانم که حدود سی میلی اینجا و در دامنه تپه ها قرار دارد مهمان بودم. يك مهمانی کو کتل داشتیم و من ناگهان بدون هیچ دلیل قابل توجیهی احساس خستگی و بی حوصلگی کردم. ناگهان چنانچه کویی پیامی دریافت کرده باشم از خانه بیرون آمدم و شروع به قدم زدن کردم. بنظر می رسید توسط يك دست نامرئی به جلورانده می شوم و این دست مرا از يك خیابان به خیابان دیگر و از يك تپه به تپه دیگر هدایت کرد تا اینکه ناگهان خود را در اینجا و در این ایستگاه قطار مشاهده کردم از من پرس که چرا اینجا آمده ام ولی مسئله مهم این است که من الآن اینجا

هستم و تو اینجا هستی . درست مثل این است که ما دو تا تصادفی اینجا آمده باشیم

ولی دوشیزه جوتز می دانست که بودن او در اینجا تصادفی نیست . اصولاً هیچ تصادف و حادثه‌ای بدون برنامه درزندگی وجود ندارد . تصادف نبود که او یک مرد بیوه پولدار بود که سهام زیادی در یک فروشگاه زنجیره‌ای داشت که باعث می شد اوقات او دائم در سفر از یک شهر به شهر دیگر سپری شود و او از تنها سفر کردن بسیار ناراحت بود .

هر انسان معمار و طراح زندگي خود می باشد . دوشیزه جوتز طرح اولیه یک آرزو و رؤیا را ریخت و آجرها از این طرح بر پا شدند و رؤیای او را کامل کردند .

طبق قانون جاذبه که علاقه و خواسته‌ای از صمیم قلب را گرامی می دارد ، اگر لازم باشد دو انسان از دو نقطه مخالف جهان به کنار یکدیگر آورده خواهند شد زیرا اگر شما با قوت و شدت کافی به چیزی اعتقاد داشته باشید و برای آن حرکتی از خود نشان دهید هیچ کس و هیچ چیزی نمی تواند تحقق رؤیای شما را متوقف کند . البته اگر شما تله پاتی ذهنی خود را به کار اندازید و به آن اعتماد کنید که کار خودش را انجام دهد !

نقش هیپنوتیزم

اگر در این فبیل جریانات شخص « سلف هیپنوتیزم » بداند و خود را هر شب هیپنوتیزم کند ، و خواسته های خود را تلقین کند ، نتیجه و اثر دوصد چندان خواهد بود .

گفتار دوم

تعریف « تله پاتی » تله پاتی چیست ؟

تله پاتی را قرائت افکار می نامند ، که دو حالت دارد ، گاهی بدون اینکه طرف مقابل حرف بزند ، سخنی بگوید ، ارتانیزم فکر و اندیشه درونی فرد مقابل را می فهمد و گاهی عامل فکر و اندیشه و خواسته خود را بطوف مقابل چه در روبرو و چه از راه دور منتقل می کند .
« تله » به معنی فاصله و راه دور است .

« پاتی » به معنی عواطف و احساس باطنی میباشد . که در دو کلمه روی هم رفته بمعنی درک و فهم احساس و عواطف و افکار از دور معنی میدهد ، چه از یکطرف و چه از دو طرف .

این کلمه را در تاریخ متافیزیک اولین بار « فردریک مایرز » یکی از پایه گذاران انجمن تحقیقات روانی انگلستان بکار برده است .

۱ - Tale فاصله و راه دور

۲ - Patos به معنی عواطف و احساسات باطنی

نتیجه :

همانطور که بارها و بارها تکرار شده ، سالیان دراز این قبیل داستانها را علماء و دانشمندان ، روانشناسان ، روانپزشکان علمی و قابل قبول نمیدانستند ، تا بالاخره در اواخر قرن بیستم جهان تجهیز شد که آزمایشات صد در صد علمی ، فنی ، مکانیکی و الکترونیکی در بساطه اثبات « تله پاتی » بعمل آورد ، که این آزمایشات در این کتاب آورده شده و بعلاوه خود شما هم قادر خواهید بود که عین همین آزمایشات را تکرار کنید و از نتایج آن تعجب کنید و لذت ببرید .

روس‌ها در هر سال میلیون‌ها روبل صرف تحقیقات
ادراکات ماوراء حسی می‌کنند

«دیوید هاسلی» در کتاب «امواج آگاه مغز» می‌نویسد: روس‌ها در هر سال میلیون‌ها روبل صرف تحقیقات ادراکات ماوراء حسی می‌کنند، با درك همین خطر بود که «ا. ک. نائف»، استاد پاراپسیکولوژی را به اردو گاه‌های کاربمید کردند و تماس‌های مستمری با غربی‌ها داشت و روس‌ها برای جلوگیری از این کار او را از صحنه خارج کردند. و حکومت فدرال امریکا حدود يك میلیون دلار در سال برای تحقیقات در این زمینه اختصاص داده است و پانزده میلیون دلار در سال نیز صرف تحقیقات در مورد امواج رادیوئی و مایکروویوها و تأثیرات آنها بر موجودات زنده می‌گردد.

دازموقیت کشورهای مرفی و پیشرفته چند نکته است، که به این نکات و سایر کشورهای در حال توسعه یا توسعه نیافته توجهی نمی‌شود، نه تنها توجهی نمی‌شود، بلکه گاهی و اکثراً مانع پیدایش و رشد افکار و ایده‌های نردانه می‌شوند. آن نکات معمولاً بقرار زیر هستند:

۱- آزادی عقیده: افکار و عقاید جوانان گاهی چون ستاره‌ای شروع به درخشش و نورافشانی می‌کند، این افکار ممکن است در زمینه‌های فنی، صنعتی، روانی، اجتماعی، فلسفی و نظایر آن باشد، که در کشورهای توسعه نیافته یا در حال توسعه یا توجهی بآن نمی‌شود و یا ممکن است به علل سیاسی از پیدایش، رشد و توسعه آن جلوگیری شود.

۲- عدم درك و توجه زمامداران: وقتی مخترع کشتی بخار، اختراع خود را برای ناپلئون امپراطور فرانسه در قرن هیجدهم توضیح داد، ناپلئون

توانست بفهمد که او چه میگوید ، در حالیکه کشتی های بادبانی جنگی فرانسه در جنگ با انگلستان شکست خورده بود ، ناپلئون گفت : چگونه امکان دارد کشتی های به این بزرگی با بخار آب حرکت کنند ، ولی وقتی در جزیره سنت هلن اسیر بود گفت : « اگر از اختراع مخترع کشتی بخار استقبال کرده بودم امروز در جزیره سنت هلن نبودم . این منحصر به ناپلئون امپراتور بزرگ تاریخ فرانسه نیست ، بلکه تاریخ شاهد بسیاری از این قبیل اشتباهات بوده است . وقتی مخترع راه آهن اختراع خود را برای هیئت کمیسیون علوم فرانسه تشریح کرد رئیس هیئت علمی گفت : چرخ آهنی قطار بر روی ریل آهنی نمی چرخد ، زیرا دو آهن بر روی هم لیز میخورند .

هم اکنون این حقیر سراپا تقصیرات ظاهر می نمایم ، در تجربه علمی خود به نتایجی رسیده ام که از بدو پیدایش تاریخ تا بحال در ایران و جهان بی نظیر بوده و سوابقی نداشته است که عامل مهم و اصلی سعادت ، خوشبختی ، ترقی و تعالی جهانی کشور مسلمان ایران است .

ولی گوش شنوا کو :

بیاد اشعار روزنامه نسیم شمال افتادم که چند سطر از آن در اینجا

نقل میشود :

تا چند کشتی غمره که قانون خدا کو	گوش شنوا کو
آنکس که دهد گوش به عرض فقرا کو	گوش شنوا کو
مردم همگی مست و ملنگند بیازار	از دین شده بیزار
انصاف و وفا و صفت و شرم و حیا کو	گوش شنوا کو
در علم و ترقی همه آفاق عوض شد	اخلاق عوض شد
ما را به سوی علم و یقین راهنما کو	گوش شنوا کو
پرسید یکی رحم و مروت به کجا رفت	گفتم به هوا رفت

مرغی که برد کاغذ ما را به هوا کو	گوش شنوا کو
يك نیمه ایران ز معارف همه دورند	بیمی شل و کورند
الدر کف کسوران ستمدیده عصا کو	گوش شنوا کو

اجازه بفرمائید همین جا سرونه قضیه را هم بیاوریم ، زیرا هرچه جلوتر برویم وضع خراب تر و دردناک تر و بحرانی تر میشود ، همه انقلابات برای کسب آزادی بوده است ، ولی متأسفانه معنی آزادی در هر انقلابی به رنگی خاص بوده و معنی و تفسیر آزادی را انقلابیون بیان کرده اند و آزادی ها رنگه انقلاب زمان خود را داشته اند .

بهر حال کتاب حاضر نه ارتباطی با سیاست فعلی کشور دارد و نه مربوط به مسائل مذهبی است ، و نه در آن کنایه و اشاراتی وجود دارد ، مفهوم و مطالب این کتاب در چند کلمه خلاصه میشود و آن اینکه این کتاب در خصوص « امواج آگاه مغزی » و امواج آگاه فضا و کهکشانشا است و طریق و موارد استفاده از این امواج در آن بیان شده است که در تاریخ ایران تا زمان حال برای اولین بار است و تازگی دارد ، جالب ، نو ، تازه و مفید است .

اجازه بفرمائید در خاتمه نکته دیگری را یادآوری کنیم ، نکته ای که از بدیهیات است و همه آن را میدانند ، همه آن را بزبان می آورند ، و آن اینکه همیشه از مردان استثنائی تاریخ بعد از مرگشان قدردانی شده است سعدی را در زمان حیاتش به کل کاری و خشت مالی و ادار می کردند . و صدها شواهد تاریخی دیگر .

این کتاب ، حداقل فایده ای که دارد ، تاریخ و سرنوشت زندگی مطالعه کننده آن را عوض می کند ، همه شکست ها و ناکامی ها و بد بختی هایش را تبدیل به سعادت و کامیابی و موفقیت می کند ، قسمتی از مطالب این کتاب درباره ارتباط با ارواح و تسخیرات است که سرچشمه فیاض این کتاب در خصوص ارتباط

با ارواح و تسخیرات است ، که در اسلام روایات ، اخبار و احادیث فراوانی داریم ، در واقع می توان گفت که از ۱۴۰۰ سال پیش تا کنون در باره ارواح و تسخیرات با اندازه کافی و بیش از حد بحث شده و کتاب نوشته شده است . ولی اروپائیان بشکل دیگری و در لباس دیگری این مسائل را طرح کرده اند .

بنا به همین دلایل پیش بینی می کنم انشاء الله با صحت و سلامت و موفقیت کامل چاپ و منتشر خواهد شد و بعد از انتشار در انتظار انتقادات و نظریات دانشمندان و علاقمندان هستیم .

گفتار سوم

اسامی کتابهای انگلیسی و فارسی که از آنها در این گفتار
استفاده شده است و دلیل این عمل

☞ قانون اجتماعی بزرگ جهان

هیچ مکانیکی، هیچ دوچرخه سازی، هیچ تلویزیون و رادیوسازی قادر
نیست که بدون آچار و ابزار و وسائل خاص کار خود، در کار روزانه خود کاری
انجام دهد، همانگونه در معاشرت های اجتماعی، در برخورد های خود با
دیگران، در روبرو شدن برای انجام کاری با دیگران، احتیاج به بکار بردن
ابزار و آچارهایی هست، که این آچارها و ابزارها آهنی و فولادی نیستند،
بلکه فکری و معنوی و درونی میباشند. که هر کس از تعداد این آچارها را
مطلع باشد و طرز بکار بردن آنها را هم بموقع مناسب بداند امکان دارد گاهی
در کارش موفق شود و امکان هم دارد آنچنان موفقیت بزرگ اجتماعی کسب کند،
کاملاً بی نظیر و سرشار از ثروت و سعادت باشد.

از لقمان حکیم پرسیدند، برای اینکه مردم بما احترام بگذارند و
دوستان بدانند چکار باید بکنیم؟ جواب داد: «کافی است کار بد و خلاف
انجام ندهید.»

در کتاب آئین دوست یابی دیل کارنگی ۲۴ فرمول یا آچار و ابزار
فکری و معنوی برای مدیریت و اداره دیگران و موفقیت در کار و تجارت ذکر
شده، که این کتاب به همه زبانهای دنیا ترجمه شده است.

در سایر کتب نظیر رمز موفقیت ها از این قبیل آچار و ابزارهای غیر فولادی
ولی معنوی و روحی بسیار زیاد است، گلستان سعدی، حافظ، مثنوی مولوی

عنصری و ده‌ها شاعر و نویسندگان دیگر جهان نیز در این باره مطالب زیادی نوشته‌اند، ولی :

❖ يك فرمول يا يك شاه‌کلید طلائی

در بین همه این هزاران هزار آچار و ابزار غیر فولادی يك آچار و ابزار که آن را می‌تواند شاه‌کلید طلائی همه آچارهای جهان نامید اینست که در زیر بآن اشاره میشود :

۱- همه پیامبران در بکار بردن این آچار تأکید، سفارش و وصیت کرده‌اند.
۲- همه شعرا و نویسندگان عالم بکار بردن این آچار را راز موفقیت در امر زندگی دانسته‌اند.

۳- همه عرفا، فلاسفه آن را تأیید و بکار بردن آن را از ضروریات دانسته‌اند.

۴- همه استادان اقتصاد و علوم اجتماعی راز موفقیت در ثروتمند شدن را در بکار بردن این شاه‌کلید طلائی دانسته‌اند.
❖ ماهیانه چندین هزار دلار

بالاخره در این اواخر، پروفیسور استاد اقتصادی پیدا شد بنام دکتر «یونگ»، البته ایشان احتمالاً باید غیر از دکتر یونگ استاد روانشناسی هیپنوتیزم باشند که گفت :

«هر کس از این فرمول و قانون و ابزار و آچار غیر فلزی اجتماعی استفاده کند، در هر ماه چندین هزار دلار ارزش علمی و مادی دارد.»

حالا به بینیم این آچار و ابزار فکری، معنوی، سیاسی و اجتماعی چیست؟ شکل و قیافه و ظاهر این شاه‌کلید بسیار، قشنگ، ساده و آسان و جالب است و بکار بردن آن هم، بسیار ساده و آسان است، ولی کجا است آن مرد میدان سپاهی که بتواند آن را عمل کند، درباره بکار بردن این شاه‌کلید می‌توان چند مطلبی به ترتیب زیر بیان کرد :

- ۱- در برخی موارد خیلی راحت و آسان شخص می‌تواند بکار ببرد.
 - ۲- در برخی موارد، شخص ممکن است دچار تردید، شك و دودلی خود که آیا در اینجا باید بکار ببرد یا خیر؟
 - ۳- در برخی موارد، قادر بکار بردن نیست، به علت نداشتن شجاعت اخلاقی، سخاوتمندی، سعه صدر، ترسو بودن و نظایر آن.
- در این مقاله من برای اولین کار از این شاه کلید طلایی در قسمت اول مقاله استفاده کرده‌ام، حال به بینیم این شاه کلید طلایی که همه‌جهانیان آن را قبول دارند چیست و چگونه است و من از آن چگونه استفاده کرده‌ام؟ آن شاه کلید طلایی که در هرامس، امور و کاری مورد استعمال دارد. اینست که:
- ✿ خود را جای دیگران قرار دهد.

هر کس در معاشرت‌ها و معاملات روزانه و مصاحبه‌های روزانه خود را جای دیگران قرار دهد

این جملات را هر يك از دانشمندان، شعرا و عرفا بشکل خاصی گفته‌اند:

برخود مپسند هر آنچه بر دیگران نمی‌پسندی.

با دیگران همانطور رفتار کن که دلت می‌خواهد با تو رفتار کنند.

تو کز محنت دیگران بی‌غمی

نشاید که نسامت نهند آدمی

در کتاب لغت نامه دهخدا بی‌نهایت پراست از اشعاری که در این باب سروده شده که اگر همه را بخوانیم در اینجا ذکر کنیم خود کتاب جدا گانه‌ای میشود.

✿ فن خود را جای دیگران قرار دادن

فن اینکه هر شخصی چگونه خود را جای دیگران قرار بدهد، فنی است، دقیق که احتیاج به تست و هوشیاری زیادی دارد، مقداری روانشناسی،

مردم شناسی ، جامعه شناسی حقوق ، اطلاعات خاص فنی داشته باشد و اگر برخی ها را ندارد ، ظاهر نکند ، سکوت کند : بتواند احساسات ، حالات ، خصوصیات اخلاقی طرف را اگر بتواند بخوبی درک کند . بطور خلاصه با چند کلمه می توان کمک بیشتری کرد و آن عبارت بالادعوض کردن خود با جای طرف مقابل و دیدن داستان و قضایا و حکایات ، رنجها ، شادی های طرف مقابل که در زندگی زناشویی بی نهایت مورد احتیاج است .

چگونه و چرا در قسمت اول تله پاتی خود را جای خوانندگان کتاب گذاردم ؟

چون متوجه شدم ، احساس کردم ، اولاً - خواننده این مقاله احتیاج دارد در باره « تله پاتی » کتاب های دیگری بخواند و بداند که چه کتابهای دیگری در این باره نوشته شده است .

ثانیاً - نویسندگان این مقاله « تله پاتی » کتابهای دیگری هم خوانده است یا خیر و اگر خوانده چه کتابهایی بوده است .

ثالثاً - بهترین نویسنده کسی است که در باره هر موضوعی که میخواهد بنویسد باید ، تهر چه در توانائی دارد ، هر چه کتاب درباره آن موضوع نوشته شده تهیه و مطالعه نماید و مطالعه کند ، تا بهترین مطالب را ازین آنها انتخاب و بخواننده ارائه دهد .

رابعاً - لیسانسیه های دانشگاه ، فوق لیسانسیه ها و دکترای پس از خاتمه تحصیلات باید در باره موضوعی که در دانشگاه انتخاب میشود رساله یا همان کتابی بنویسند و آن رساله ای ارزنده تر است و نمره ممتاز خواهد گرفت که درباره هر نقل قول و مطلبی ده ها کتاب ، ده ها گفتار متخصص فن ، ده ها حدیث ، ده ها شعر ، ده ها مطالب از کلیه دانشمندان جهان و از کلیه کتابهای جهان نقل کند .

در باره اینکه از چه کتابهایی نباید نقل قول شود ، یا چگونه نقل قول

شود در مبحث شروع روش استفاده هیپنوتیزم در حل مشکلات بیان شده است ، ولی در اینجا هم بطور اختصار بیان میشود :

۱ - کلیه ذکر منابع تاریخی ، علمی ، فنی با ذکر مخترع و تاریخ آن ها جایز است .

۲ - در مورد تصنیفات ، یعنی ترشحات قلمی نویسنده ای که همه مطالب از قلب خودش ، از ناخود آگاه خودش تراویده ، از هیچ منبع و مأخذی و کتاب دیگری استفاده نکرده ، با اجازه قبلی ، شاید اگر زنده نباشد با ذکر مطالب که از کدام کتاب بیان شده ، سرقت ادبی ، علمی و غیره محسوب نمی شود و عیب و ایرادی بشمار نمی آید .

۳ - ذکر اشعار با نام شاعر سرقت ادبی محسوب نمی شود و اشکالی ندارد .

۴ - همه دانشمندان اروپائی و امریکائی جهان ضمن اینکه هنگام نوشتن کتابی از مشهوران و نام آوران کشور خود یا دنیا یاد می کنند ، از گفتار ، مقالات و اندیشه های آنان نیز به نیکی و با افتخار یاد می کنند .

۵ - ولی هر کس حق دارد ، از نظر هر کس که میخواهد انتقاد کند ، نظر مخالف خود را بگوید ، کما اینکه من در نظر «راین» این انتقاد و عمل را انجام دادم و در چند جای دیگر نیز اینکار را تکرار کرده ام .

ذکر نام نویسندگان ایرانی در این کتاب و در این مقاله :

من در این کتاب و در این گفتار که در تاریخ بیستم مرداد ماه سال ۱۳۷۱ می نویسم و نام هر نویسنده یا مترجم ایرانی را که از کتاب آنها استفاده کرده ام ، یادآوری کرده ام ، که از چند جهت : به چند دلیل لازم بوده است زیرا که به این علم علاقمند بوده اند ، نه علوم انحرافی دیگر ، باعث بانی شناسائی علوم هیپنوتیزم و علوم متافیزیک در ایران شده و میشوند که بسیار ارزنده و یکی از روشهای لازم در امر بمعروف و نهی از منکر است .

ولی ذکر نام ایشان دلیل، براستادی، تخصص، تجربیات ارزنده بزرگه
 نیست، کما اینکه خودشان هم این حقیقت را قبول دارند.

تجربه، بررسی، تحقیق در «تله پاتی»، یا هر علمی از علوم دیگر راه و روش
 خاصی دارد که ما غافل هستیم، آن راهها و روشها و تجربهها را نمیدانیم.
 مثلاً اگر کسی بخواهد در یکی از علوم «متافیزیک» تله پاتی و نظایر آن
 تجربه، بررسی و تحقیق کند، شاید لازم باشد، چند سالی در دانشگاه دوره
 تخصصی طرز تحقیق و بررسی را طی کند، تا بتواند راه صحیح را در آزمایشات
 «تله پاتی» بدست آورد، ولی در ایران، در هر هفته صد ها نامه برای من میرسد،
 که عده ای از محصلین دبیرستانی ۱۸ و ۱۹ ساله که هنوز دیپلم خود را نگرفته اند،
 که من درباره هیپنوتیزم و «تله پاتی» این عقاید را دارم و شما در فلانجا و فلانجا
 اشتباه کرده اید، ولی من دو کار انجام میدهم، وقتی بادقت نامه را مطالعه می کنم
 اگر احساس کنم که باهوش و استعداد است و سخنانی ارزنده و درست می گوید
 بعنوان تشویق هم شده تا حدودی گفته هایش را تأیید می کنم، ولی اگر زیاد از
 موضوع خارج است، جواب میدهم هر وقت فوق لیسانس فلسفه یا دکترای فلسفه
 و علوم اجتماعی یا حقوق خود را گرفتید و سپس درباره طرز تحقیق و بررسی
 ارسطو، سقراط و افلاطون بررسی کردید آنوقت حق اظهار نظر دارید.

این حقیر را در ایران پیش کسوت علم هیپنوتیزم میدانند ولی هیچگاه
 یکبار هم نتوانسته ام، یا فرصت نداشته ام، یا نمیدانسته ام که چگونه و چگونه
 و تحت چه شرایطی و تحت چه گروه متخصصی مثلاً درباره «پست هیپنوتیک»
 تحقیق کنم.

یکی دو کتاب هم که از آمریکا درباره «پست هیپنوتیک» خریده ام فرصت
 مطالعه آنها را نداشته ام و هیچکس هم در ایران درباره «پست هیپنوتیک» اطلاعات
 چندانی ندارد.

اگر بفرض محال ۵ یا ۱۰ درصد دربارهٔ پست هیپنوتیک یا ده‌ها مسائل دیگر هیپنوتیزم اطلاعاتی دارند ، من در آوردی و تجربه شخصی است که آن‌هم غلط است .

بدون اغراق صدها مسئله در هیپنوتیزم وجود دارد، که هیچکس در ایران دربارهٔ آن‌ها چیزی نمیداند .

با وجود این متأسفانه ، یکی دو تن از شاگردان پرمدعا و تو خالی این حقیر سازمان هیپنوتیزم دهن پر کن تشکیل داده‌اند و ادعا می‌کنند که استاد هیپنوتیزم هستند و هیپنوتیزم را که باید لیسانس و یا فوق لیسانس هم باشند ادعای استادی می‌کنند و به برخی از دانشجویان دانشگاه درس یکسال تخصص هیپنوتیزم را در ده جلسه آموزش میدهند، و وقتی می‌شنوند که من بفلان دکتر مدت یکسال هیپنوتیزم آموزش میدهم ، میگویند چه مطلبی دارد که یکسال طول می‌کشد ، در حالیکه خودشان فقط دورهٔ هیپنوتیزم را در عرض ۱۰ یا ۱۵ جلسه دیده‌اند و تصور کرده‌اند که به همهٔ قضایا دست یافته‌اند از موضوع کلی خارج شده‌ایم .

نتیجه آنکه :

ذکر نام نریسنده یا مترجم فلان کتاب هیپنوتیزم یا متافیزیک دلیل بر تخصص ، استادی و مهارت آن‌ها در آن علم نیست ، بلکه فعلاً اکثر نویسندگان اینقبیل کتابها یا مترجمین جوانان با ذوقی هستند که برای جویای نام آمده‌اند ، اگر ترجمه‌ای بکنند بد نیست ، ولی متأسفانه ، بقیهٔ کتابها نقل قول از کتابهای دیگر است و اگر لای خودشان مطلبی کم یا زیاد می‌کنند ، متأسفانه آن‌هم غلط و غیر علمی میباشد اینقبیل نوشته‌ها را هم ، اکثر معلمین دبیرستانی بین ۲۰ یا ۲۵ ساله مطالعه می‌کنند که مغزشان انباشته با افکار غلط غیر علمی، قابل باور میشود که البته همهٔ مطالب هم غلط و غیر علمی نمی‌توانند باشند .

مرگ هیپنوتیزم

نکته جالب تر اینکه هیپنوتیزم بمدت ۳۸ سال است که مرده است مانند «مانیه تیزم» که بمدت نزدیک يك قرن است از شکل علمی دانشگاهی خارج شده و وارد ، دنیای دوم ، متافیزيك ، EAP شده است ، و جای هیپنوتیزم را «سوفرولوژی» گرفته است ، که تصور نمیرود در ایران کسی درباره علم «سوفرولوژی» عملاً چیزی بداند ، ولی اینجانب در سال ۶۹ که در کالیفرنیا بودم دوره کامل و شکل های مختلف آن را گذرانده ام و حالا هم بعلمت ، گرفتاریهای زیاد و بیماری خاص استثنائی و کبر سن آمادگی تدریس «سوفرولوژی» را ندارم .

اما درباره ذکر نام کتابهای انگلیسی و نویسنده آنان

درباره تله پاتی چند کتاب بانگلیسی مطالعه کردم ، ولی هیچيك به دلم نشست ، اکثر آنها جزیان تاریخچه و تعاریف غیر علمی چیزی نبودند ، اکثر نویسندگان انگلیسی هم مانند نویسندگان فارسی ، شاید خیلی هم بیشتر و بالاتر مادی و دلاری هستند فقط بخاطر مقداری جزئی دلار ، نقل قول می کنند ، دقت و بررسی نمیکند ، برای نوشتن يك کتاب لااقل چندین کتاب نمی نویسند ، فقط در برخی از آنها در تمام صفحات ، چند صفحه بدرد خوری بود که عیناً ترجمه کردم ، ولی علمی و ریاضی نیستند ، فقط حرف هستند ، بعلاوه من تمام کتاب ، نویسنده کتاب ، آدرس آنها را هم برای شما نوشته ام که می توانید به آدرس نویسنده در آمریکا یا انگلستان نامه بنویسید تا همان کتاب یا کتابهای دیگری در این ردیف برای شما ارسال گردد ، البته اگر زبان انگلیسی را تا حدودی بدانید ، ولی امکان دارد ، کاتالوکی فقط درباره تله پاتی یا هیپنوتیزم تا کتابهای متافیزيك دیگر برای شما ارسال نمایند ، که بین آنها کتاب ارزنده و نویسنده ارزشمندی باشد .

ولی در کتاب فوق طبیعت که توسط آقاییان شهریار بحرانی و احمد ارژمند ترجمه شده آنقدر انتخاب درست و بجائی است که واقعاً باین انتخاب باید تبريك

گفت ، تا جاییکه برای نقل قول مطالب ، نمی توان از اکثر مطالب آن صرف نظر کرد ، فقط اگر این آقایان دانشمند می توانستند ، مطالب را بزبان عامیانه تر و ساده تر بکار میبردند ، بسیار کار ارزنده تر میشد ، و خوانندگان بیشتری جلب میشدند .

چاکراها در یوگا :

تنها کتابی که مقدمات آنرا مطالعه کردم و بسیار ، بسیار ارزنده و از شاهکارهای بزرگ جهانی بافتم «چاکراها در یوگا» بود ، و چون شبانه روز در حال نوشتن این کتاب بودم و در عین حال چند کتاب فارسی و انگلیسی نیز مطالعه میکردم فرصت ترجمه آنرا مشخصاً پیدا نکردم و یکی از دوستان دادم که آنرا ترجمه کند ، که خوشبختانه ترجمه خوبی کرده است ، ولی من هنگام چاپ باید روش و سبک نگارش و شکل جملات را بار دیگر هنگام مطالعه انگلیسی آن سرعت تغییر دهم ، تا مطالب و جملات آن برای همه قابل فهم باشد .

و تنها کتابی است که در هر فصل احتیاج به آموزش اصطلاحات و زبان خاص «چاکراها» را باید داشته باشد .

در این کتاب «چاکراها» به دو شکل نشان داده شده اند ، بشکل چرخ یا گلبرگ بارنگهای خاص علمی خودش و همچنین بشکل استفاده ای فیل یا انسانهای دو یا ۴ سر و ۴ یا دودست و سایر استفاده ها بشکل های رنگی خودشان که بسیار بسیار جالب و یک کار بزبان انگلیسی جهانی است .

حالا هم که مشغول نوشتن این مطالب هستم ، مبتلا بسرطان خون شده ام که سرسختانه دارم با آن مبارزه می کنم ، جنگ میان مرگ و زندگی .

حالا نام کتابهای فارسی و انگلیسی در باره « تله پاتی »

که از بعضی مطالب بسیار جالب و علمی آنها در این کتاب استفاده شده است

شماره	نام کتاب	نویسنده	مترجم
۱ -	اسرار مرگ و زندگی	فلاماریون	پزشکپور
۲ -	حسن ششم	مید مصطفی آزمایش	ندارد
۳ -	تله پاتی ذهنی	بت براون	غلامحسین اعرابی
۴ -	نگرشی بر دریافت ها و ادراکات شهودی از طریق حسن ششم	لارلا کتل کامپ	محمود حکیمی
۵ -	هاله انسانی	سوامی پانچاواسی	مسعود جلالی بامقدمه آقای حسین الماسیان
۶ -	پدیده های روانی	محمد مهدی علیخواه	ندارد
۷ -	داستان های شگفت	آیت الله عبدالحسین دستغیب	ندارد
۸ -	عالم عجیب ارواح	مید حسن ابطیحی	ندارد
۹ -	فوق طبیعت	لیالی واتسن	شهریار بحرانی
۱۰ -	عجیب تر از علم	فرانک ادواروز	سیروس گنجوی
۱۱ -	تجسم خلاق	شاگتی گادین	گیتی خوشدل
۱۲ -	طالع و کرامات با کلید مغز انسان	مهندس امیرزاغبان	ندارد
۱۳ -	زبان حسن ششم	مهندس غلامرضا اربابی	«
۱۴ -	معجزات مغز انسان	« « «	«
۱۵ -	شستشوی مغزی	« « «	«
۱۶ -	حکومت بچه ها	« « «	«
۱۷ -	تاریخ در حال بازگشت	« « «	«

تذکر لازم:

**در سراسر کتاب از برخی مطالب تعدادی کتابهای انگلیسی
نیز استفاده شده است**

گفتار چهارم

آزمایشات «کابوک» دربارهٔ تله‌پاتی

آزمایشات تله‌پاتی که نگارنده و سایر دانشمندان و شما انجام خواهید داد بسیار جالب ، شیرین و سرگرم کننده خواهد بود .

در این آزمایشات شما پس از هیپنوتیزم کردن خود ، انرژی امواج فکری خود را ارسال می‌نمائید ، تا شخص دیگر را که در فاصله‌ای حتی بسیار دورتر از شما است نزد شما بیاید ، و یا کارهای مختلف را انجام دهد ، یا در فلان کار طرز خاصی داشته باشد ، که همین عمل را استادان علوم غریبه از قدیم الایام با نوشتن دعا انجام میدادند ، که روش قدیمی و نتیجه آن نیز چندان درخشان نبود .

شاید شما دربارهٔ تله‌پاتی (انتقال انرژی امواج آگاه مغزی) کتابها و مقالاتی از روزنامه‌ها و مجلات خوانده باشید ، اگر نخوانده‌اید و یا کمتر خوانده‌اید ، کتابهایی را که در مقدمهٔ این گفتار معرفی کرده‌ام تهیه و مطالعه نمائید . بنابراین احتیاجی نیست که داستانها یا مطالبی از آنها را در اینجا نقل کنم ، ولی آنچه شما انتظار و نیاز دارید اینست که هنگام خواندن این کتاب سؤال می‌کنید ، « استاد کابوک» خودش چه پیشرفت‌هایی در این باره کرده است ؟ چه آزمایشاتی انجام داده ؟ تجربیات شخصی ایشان چیست ؟ عقیدهٔ شخصی ایشان چیست ؟ شما هم می‌توانید آزمایشات مرا تکرار کنید ، که بقرار زیر بوده است :

اول - آزمایش پنج شکل هندسی .

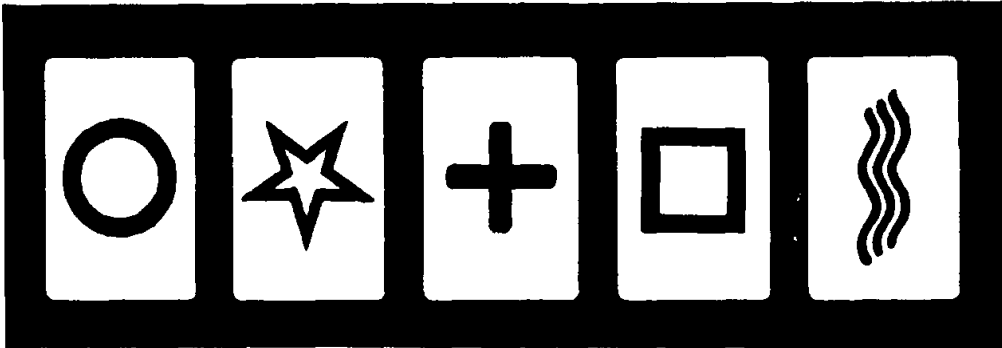
دوم - آزمایش پنج میوه .

سوم - آزمایش روی اشخاص و افراد .

اول

آزمایش پنج شکل هندسی

این آزمایش را اولین بار در يك كتاب انگلیسی مشاهده نمودم ، که دربارهٔ پنج شکل هندسی روی دو نفر آزمایش شده بود .
 آن پنج شکل بقرار زیر هستند :
 روش آزمایش بقرار زیر است :



۱- روی پنج ورق مقوا که به اندازهٔ تقریباً پنج سانت در هفت سانت باشد شکل فوق کشیده میشود ، که اینکار را انجام دادم .

۲- دو نفر را برای آزمایش انتخاب نمودم ، این دو نفر را بخصوص و عمداً آزمایش نکردم که به بینم استعداد خوبی برای هیپنوتیزم شدن دارند یا خیر ؟ ولی بعدها که دو نفر را که استعداد بیشتری برای هیپنوتیزم شدن داشتند انتخاب کردم نتیجه بسیار عالی تر بود .

۳- پنج ورق مقوا که پنج شکل هندسی روی هر کدام بود به هر دو نشان دادم و گفتم یکی از شما به يك يك این اشکال هندسی خیره شده ، و همان شکل را در من خود مجسم می کنید و تصور می کنید که آن شکل به مغز دیگری منتقل میشود ، و تکرار می کنید مثلاً : « مثلث ، مثلث ، مثلث » ده تا ۲۰ بار يك شكل هندسی را

تکرار می کنید ، و میگوئید : « حالا شما می فهمید که شکل مثلث در دست من است » .

۴- نفر دوم که پشتش به نفر اول است ، با خودکار روی کاغذ هر شکلی را که بنظرش میرسد می کشد ، ممکن است شکمش درست یا غلط باشد ، ولی میگوئیم در کشیدن شکل عجله نکند .

به نفر اول میگوئیم ۲۰ مرتبه اسم شکل را تکرار کند و دقت تا دهم مرتبه بگوید « حالا شما می فهمید که شکل مثلث در دست من است » و سپس بگوید : « حالا شروع کن » بمحض اینکه این جمله تکرار شد ، نفر دوم فوراً باید هر چه به ذهنش میرسد روی کاغذ بکشد .

۵- بعد شکل های دیگر بهمین ترتیب عمل میشود ، وقتی یک بار پنج شکل عمل شد مجدداً اشکال دیگر باز هم تکرار میشود ، بطوریکه هر شکل دندسی پنج بار مورد آزمایش قرار می گیرد که میشود جمعاً ۲۵ بار .

۶- روانشناسان ، آزمایش کنندگان این روش معتقدند که اگر با ۲۵ بار تکرار ۷ بار آن صحیح گفته شود تله پاتی علت علمی دارد ، نمی توان حمل بر تصادف نمود ، زیرا نسبت آن به صد بار تکرار ۳۵ درصد دارد می شود .
اولین بار که این آزمایش را روی دو محصل ۱۸ و ۱۹ ساله آزمایش نمودم ، نتیجه شصت درصد بود .

این آزمایش بمرور روی چند نفر اشخاص مختلف انجام شد ، نتیجه بین ۴۰ تا ۷۰ درصد تغییر می کرد .

وقتی دو نفر را هیپنوتیزم کردم نتیجه بین ۷۰ تا ۸۰ درصد بود .

دوم

آزمایش پنج نوع میوه

حالا بجای پنج شکل هندسی پنج نوع میوه انتخاب کنید ، من پنج نوع میوه
زیر را انتخاب کردم :

۱- سیب .

۲- انگور .

۳- گوجه .

۴- هلو .

۵- گیلان .

چنانچه عین میوه در دست باشد، نتیجه اش بیشتر و بهتر خواهد بود تا اینکه،
فقط اسم میوه ها روی کاغذ نوشته شود .

سوم

آزمایش روی اشخاص و افراد

آزمایشی که روی اشخاص می توان انجام داد بشکل های زیر است ، که من
دقیقاً همراه انجام داده ام .

۱- هیپنوتیزم از طریق تله پاتی ازدور با اطلاع قبلی .

۲- هیپنوتیزم ازدور بدون اطلاع قبلی .

۳- خارج از بحث است که درباره هریک از آزمایش ها توضیح کافی داده

میشود .

اول

هیپنوتیزم بوسیله تله پاتی از دور با اطلاع قبلی

من تا کنون ، سال ۱۳۷۱ در عرض ۳۶ سالی که مشغول هیپنوتیزم کردن هستم تا بحال اتفاق افتاده است ، که بسیار زیاد آزمایش فوق را انجام داده ام ، بیشتر مایلم آزمایشات خود را بنویسم ، بهتر از نقل قول از کتابهای دیگر است ، خوانندگان نیز مایلند بدانند تجربیات عملی شخص نویسنده کتاب چیست و چگونه است .

ثانیاً - در سایر کتابها نیز آنچه نوشته شده می تواند بخوانند مگر کتابها نباشند .

بهر حال روش عملی هیپنوتیزم بوسیله تله پاتی از راه دور که من انجام میدهم بقرار زیر است ، که شما هم عین همین روش را می توانید بکار ببرید .

۱- کسی را که میخواهید از طریق تله پاتی یا انرژی امواج آگاه مغزی از دور هیپنوتیزم کنید ، هردو با هم قرار میگذارید که در سر ساعت معین هر کدام در منزل خود در اطاق راحت و آرام بنشینید .

۲- وضع اطاق و موقعیت : چنانچه اطاق مربوطه و موقعیت آن در وضع مناسب زیر باشد ، تله پاتی اثر بسیار خوبی خواهد داشت .

اول- سکوت مطلق اطاق ، صدای تلویزیون ، صدای رادیو ، سر و صدای بچه ها و هر نوع صدای دیگر نباید وجود داشته باشد ، بنابراین بهتر است ، آخر شب بعد از خاتمه برنامه رادیو و تلویزیون که معمولاً همه در خواب هستند برنامه را شروع کنند .

دوم- هوای اطاق نه سرد باشد ، نه گرم ، مطبوع باشد ، اگر در اطاق گلاب و عطر گل خوبی باشد بهتر است .

سوم- نور اطاق نه زیاد روشن باشد ، نه زیاد تاریک ، البته اگر کمی تاریکتر

باشد بهتر است .

۳- محل و طرز نشستن: من بخواب رونده میگویم ، روی مبل یا صندلی راحت بنشیند ، یا اگر عادت ندارد روی زمین چهارزانو بنشیند ، و راحت تکیه بدهد ، یا اگر مایل است و راحت تر است می تواند دراز بکشد نمی توان گفت خواب شونده در چه حالتی باشد بهتر است ، بهترین حالت نشستن همان است که شخص خراب شونده خودش احساس کند .

۴- بخواب شونده : آموزش میدهم که در حال و وضعیتیکه نشسته است ، خود را اول کاملاً شل و رلکس و رانهاد کند ، پاهایش را شل بحال خودش رها کند ، دستها را روی زانوها قرار داده یا آویزان کند یا هر طور که راحت است بگذارد ، پوست صورت خود را شل کند ، شکم ، بدن ، اطراف گردن همه جا را شل و راحت رها کند .

۵- بی حرکتی بدن و چشمها: پس از رهایش باید سعی کند تمام بدنش تکان نخورد ، سکون بدن خود بخود فکر را متمرکز می نماید ، و اساس گرفتن انرژی امواج فکری هم سکون و بی حرکتی بدن است . حالا چشمها باید کاملاً باز و بی حرکت باشند .

۶- تنفس و آهستگی قلبی : هیپنوتیزم شونده باید حداقل ۵ تا ۷ مرتبه حبس تنفس را که نزد استاد هیپنوتیزم قبلاً یاد گرفته انجام دهد ، بدون انجام تنفس نتیجه عمل ضعیف و ناچیز خواهد بود .

۷- تثبیت نگاه و تمرکز فکر: بعد از خاتمه حبس تنفس ، خواب شونده ، باید استاد هیپنوتیزم را تصور کند ، که ایستاده و در حال هیپنوتیزم کردن است و به چشمهایش خیره شده است . به چیزی نباید فکر کند ، هیپنوتیزم کننده باید قیافه ، چشمها ، حرکت و تمام وجود هیپنوتیزم کننده را لمس و حس کند . حرکت دستها و پاهای استاد هیپنوتیزم را حس کند ، بمسور پس از ۱۰ تا ۲۰ دقیقه ، بمسور

هیپنوتیزم خواهد شد ، همانطور که قبلاً چند بار نزد استاد هیپنوتیزم شده است .

وضعیت استاد هیپنوتیزم

۱- ساعت معین : استاد هیپنوتیزم نیز باید در رأس ساعت معین خود را آماده هیپنوتیزم کردن از طریق تله پاتی کند . بهمان وضعیتی که همیشه سوژه را هیپنوتیزم می کرد ، قرار گیرد ، مثلاً يك صندلی روبروی خود قرار دهد و تصور کند که خواب شونده در روی همان صندلی و در همان محل همیشگی روی صندلی نشسته است ، همان دستورات را بدهد ، سکون و سکوت ، بیحرکتی ، رلکس ، خیره شدن و دقیقاً تصور کند که خواب شونده روی صندلی نشسته و دارد به چشمهای او نگاه می کند ، پاسه‌ها را شروع کند ، تلقینات لازم را چه در فکر و چه با صدای تقریباً آهسته ادامه بدهد .

۲- مدت عمل : مدت عمل باید بهمان اندازه باشد که همیشه سوژه را هیپنوتیزم می کرده است ۱۰ تا ۲۰ دقیقه یا نیم ساعت .

۳- اجرای سایر دستورات : پس از تصور خواب رفتن ، سایر دستورات شروع میشود ، مانند سنگینی یاسبکی دستها ، بسالا آمدن ، چرخش ، تصورات ، فراموشی ، این عملیات برای عمیق شدن هیپنوتیزم است .

۴- صدور دستورات جدید : حالا استاد هیپنوتیزم می تواند دستوراتی صادر کند که تا بحال نگفته و انجام نداده است ، مانند اینکه برخیزد کاری انجام دهد ، برود آب بخورد ، تشنه شود ، پنجره‌ها را باز و بسته کند و نظایر آن .

۵- بیداری از حال هیپنوتیزم : استاد هیپنوتیزم پس از خاتمه عملیات هیپنوتیزم از طریق تله پاتی خواب رفته را بیدار می کند ، بهمان طریقی که قبلاً چندین بار بیدار کرده است ، سپس هریك ، هم هیپنوتیزم شونده و هم هیپنوتیزم کننده ، هر کاری را که در منزل خود انجام داده‌اند دقیقاً یادداشت می کنند ، حتی حالات

خصوصیات اخلاقی را که در حال هیپنوتیزم داشته‌اند . و روز دیگر که بادم ملاقات داشته‌اند تطبیق خواهند کرد .

نتیجه هیپنوتیزم از طریق تله پاتی

از نظر علمی برای شما ثابت خواهد شد که انرژی امواج آگاه مغزی وجود دارد ، ولی در این آزمایش يك نقطه ضعف قابل توجه وجود دارد که من آنرا نیز آزمایش کرده‌ام ، شاید شما فکر کنید ، پس در این مورد انرژی امواج آگاه مغزی وجود نمی‌تواند داشته باشد و آن اینکه به خواب شوند که گفته‌ام که در رأس ساعت ۱۰ شب شمارا از طریق تله پاتی هیپنوتیزم خواهم کرد ، ولی ساعت ۱۰ تا ۱۲ در میهمانی بودام یا کار دیگری انجام میدادم که شروع به هیپنوتیزم از طریق دور نکردم ، با وجود این روز دیگر خواب شوند اطلاع داده است که از اینکه دیشب مرا از طریق تله پاتی هیپنوتیزم کردی متشکرم ، در حالیکه من اصلاً اینکار را نکرده بوده‌ام .

آیا فقط وجود نیت و قصد و فکر من کافی بوده یا اصلاً اثری نداشته است ، تصور نمی‌شود ، نیت و قصد فکری تاثر کمز روی سوژه نباشد اثری داشته است . بهر حال در روش اول که با توافق قبلی انجام میشود این نقص را دارد ، که خواب شوند به تصور اینکه استاد هیپنوتیزم او را در رأس ساعت معین هیپنوتیزم خواهد کرد دارد .

تکرار و استفاده زیاد از این عمل : این عمل بارها و بارها انجام شده است اشخاصی بسیار که از شهرستانها آمده‌اند و یادرنهران بوده‌اند از من خواسته‌اند که هر شب از راه دور و تله پاتی آنها را هیپنوتیزم کنم و تلقین کنم که بهبود یابند ، من هم این قول را داده‌ام ، ولی به علت زیاد بودن عده اکثراً اینکار را نتوانسته‌اند انجام دهند و آنها به خیال خودشان که من مشغول هیپنوتیزم کردن آنها هستم ، عمیق هیپنوتیزم شده و نتیجه خوبی هم گرفته‌اند .

آیا فقط خیال : من تصور نمی کنم ، فقط تصور و خیال تنهای خودشان باعث هیپنوتیزم شدن آنها بشود ، زیرا بفرض هم که من شخصاً هیچ عملی انجام ندعم آنها ، خودشان انرژی امواج آگاه مغزی را جذب می کنند و نتیجه لازم را می گیرند .

بهر حال و بهر نتیجه روش هیپنوتیزم از طریق تله پاتی و از راه دور که من در طول سالها انجام داده ام همین بوده است که در فوق نوشتم و شاید همین بهترین روش باشد ، که شما هم می توانید عمل کنید .

شرط اولی نتیجه گیری

در این آزمایش شرط موفقیت قطعی و حتمی اینست که چندین بار سوزه را قبلاً هیپنوتیزم کرده باشید و گرنه نتیجه چندانی روی خیلی ها نخواهید گرفت .

نتیجه :

از طریق تله پاتی از راه دور با تعیین وقت قبلی می توان
اشخاص را هیپنوتیزم کرد و دستور داد تا کارهایی
انجام بدهند

هیپنوتیزم از طریق تله پاتی از راه دور بدون اطلاع قبلی

در تاریخ زندگی افراد ، اتفاقات ، رویدادها و حوادث زیادی درباره تله پاتی پیش آمده است ، ولی دانشمندان روانشناس ذکر و تعریف این قبیل داستانها را علمی ، تجربی و آزمایشی نمیدانند . به همین دلیل نگارنده شروع به آزمایشات عملی نمود ، که قسمت اول آن آزمایشات از طریق هیپنوتیزم با اطلاع قبلی بود و قسمت دوم ، آزمایشات با هیپنوتیزم بدون اطلاع قبلی بوده است که در اینجا نوشته میشود ،

شرایط و وضعیت : شرایط و وضعیت از نقطه نظر اطاق ، هوا ، صدا و ظایر آن همان است که گفته شد ، ولی چند نکته جدید باید در نظر گرفته شود و آن اینکه :

اول- انتخاب سوژه: شخصی انتخاب شود که استعدادش برای هیپنوتیزم شدن خوب باشد .

ثانیاً - زمان: زمانی انتخاب شود که آزمایش شونده در حال کار کردن نباشد ، حالا درباره هریک از دو مورد بالاتوضیح بیشتری داده میشود :

درمورد اول - ابتداء مدت چند روز یا چند هفته را در نظر بگیرید و چند نفر را هیپنوتیزم و آزمایش کنید ، تا يك یا دو نفر را که به سرعت و عمیق هیپنوتیزم میشوند زیر نظر بگیرید ، ولی هیچگاه نگوئید و اشاره نکنید که میخواهید آنها را بدون اطلاع خودشان در منزل هیپنوتیزم کنید .

درمورد دوم - که زمان هیپنوتیزم است ، لازم است زمانی انتخاب شود که آزمایش شونده در حال کار کردن نباشد ، مثلاً در خیابانها در حال رانندگی نباشد ، در اداره مشغول ماشین نویسی ، دفترداری ، جواب دادن به تلفن و کارهای دیگر نباشد . می توانید حدسی بزنید آزمایش شونده چه وقت در اداره یا در منزل در حال

استراحت است ، بعضی از کارمندان در اداره بعد از ناهار ، مدت کوتاهی استراحت می کنند ، این موقع ، موقع مناسبی برای آزمایش کردن است ، و یا عصرها وقتی از اداره بخانه برمی گردند ، در حال استراحت مطالعه می کنند ، روزنامه ، کتاب و مجله مطالعه می کنند .

با شبها بعد از شام مطالعه و استراحت می کنند .

تصور غلط : گاهی ممکن است شما تصور کنید که آزمایش شونده در منزل بعد از شام یا عصرانه در حال استراحت است ، در حالیکه ممکن است برای خرید یا انجام کاری بیرون رفته است ، یا شب برای شام بجائی دعوت داشته است . برای راه حل این موضوع ، اینست که دو کار می توان انجام داد ، اگر تلفن دارد زنگی بزنید ، و سئوالاتی غیر مربوط به موضوع آزمایش بپرسید ، تا سئوالات بجائی برسد که امشب چکار می کنید ، کجا میروید ، آیا در منزل هستید ؟ اگر سئوال کرد که چرا این پرسش ها را می کنید ، لازم است جوابی مناسب بدهید ، مثلاً : همینطوری بپرسید ، خواستم اطلاعی ، خبری درباره کسی یا کتابی تا یکی دو ساعت دیگر بدهم و نظایر آن .

ولی اگر سوژه در منزل تلفن ندارد ، لازم است قبلاً ، چند روز قبل یا یک روز قبل از آزمایش بنحوی غیر مستقیم و غیر مترقبه سئوال کنید ، شبها بعد از شام چکار می کنید ، ورزش ، مطالعه ، تلویزیون ، بسازی ، امشب چکار خواهید کرد ؟ چه ساعتی می خوابید ؟

با کسب این اطلاع قبلی که آزمایش شونده ، در چه ساعتی از روز در منزل یا اداره در حال استراحت است می توانید آزمایش خود را شروع کنید .

بقیه عملیات

بقیه عملیات و انجام هیپنوتیزم از راه دور همان است که عیناً در قسمت اول - تحت عنوان آزمایش با اطلاع قبلی بیان شده است .

روز یا روزهای بعد که آزمایش شونده بسراغ شما می آید می توانید، ابتداء
 مثلاً بکنید ، آیا فلان شب در فلان ساعت حالت هیپنوتیزم بشما دست نداد ؟
 من بطور ناگهانی تصمیم گرفتم بدون اطلاع شما، شما را در منزل هیپنوتیزم
 نمایم ، میخوام بدانم نتیجه اش چه بوده است ؟
 نتیجه را بررسی کنید ، ولی مطمئن نباشید که حتماً نتیجه باید قطعی بوده باشد
 ممکن است ، اطلاق ، محل خواب ، گرما ، سرما ، اختلافات خانوادگی ، سیری
 و گرسنگی و سایر عوامل پیش بینی نشده ای مانع هیپنوتیزم ایشان شده باشد .
 ولی آنچه مسلم قطعی است ، که اگر شرایط و اوضاع و احوال مناسب بوده
 باشد به دو نتیجه علمی و ارزنده اساسی زیر خواهید رسید .

اول : اثبات انرژی امواج مغزی .

دوم : بهمین دلیل که می توان شخصی را از دور وادار به هیپنوتیزم نمود ، بهمان
 دلیل به هر نوع کار مشروع ، صحیح و انسانی دیگر هم می توان وادار کرد و امر
 و نهی نمود .

آشنائی با کتابهای دیگر

نگارنده با آزمایشات فوق از سالها پیش سروکار داشتم ، که اکثراً خود بخود
 پیش می آمد ، ولی اخیراً شاید بعد از ۱۵ یا ۲۰ سال به کتابهایی برخورد کردم که
 متوجه شدم دانشمندان بزرگ جهانی در این باره آزمایشاتی نیز انجام داده اند که این
 کتابها تعدادی بزبان انگلیسی بودند که در آمریکا بدستم افتاد و تعدادی بزبان فارسی
 ترجمه شده بودند ، که در زیر از هر کدام از این آزمایشات بسیار متعدد فقط تعداد کمی
 ذکر میشود ، اسامی کتابها در فوق صفحه بیان شده است .

گفتار پنجم

آزمایش دانشمندان جهانی درباره تله پاتی

در این گفتار نام تعدادی از دانشمندان جهانی ذکر میشود ، که آزمایشات دقیق ، علمی ، صحیحی درباره تله پاتی انجام داده اند ، این دانشمندان علاوه بر کشف و اثبات علمی انرژی امواج مغزی پی برده اند که در مغز يك نوع امواج فکری وجود ندارد ، بلکه چهار نوع امواج فکری وجود دارد که آنها عبارتند از :

۱- امواج آلفای مغز .

۲- امواج بتای مغز .

۳- امواج دلتای مغز .

۴- امواج بتای مغز .

درباره تعریف و چگونگی کار این امواج پس از تعریف آزمایشات توضیح

داده خواهد شد .

تله پاتی در دوقلوها

با احتمال زیاد باید قبول کرد ، که در تاریخ تله پاتی وضع دوقلوها در ابتداء نظر دانشمندان را بخود جلب کرده است ، زیرا مشاهده می نموده اند که هرگاه یکی از دوقلوها بیمار میشود ؛ دیگری هم بیمار میشود ، یکی خوشحال است دیگری هم خوشحال میشود هر نوع اتفاقی که برای یکی از دوقلوها می افتد ، دیگری می فهمد و یا برای او هم اتفاق می افتد این رویدادها هیچ دلیلی جز ارتباط فکری یا تله پاتی از دیگران نقل میشد که همه این داستانها بمرور موجب شد که نظر برخی از دانشمندان جلب شود و در نتیجه دست به يك سری آزمایشات علمی

دقیقی بزنند ، که درواقع نتایج آنها جنجال برانگیز و امیدوار کننده بود ، که در زیر نام این مردان بزرگ را با آزمایشاتی که کرده اند نام می بریم .

آزمایشات « راین »

چهل سال آزمایش و تجربه

اصطلاح « ای - اس - پی » - بکار بردن کارت های زیر

پروفسور « راین » یکی از دانشمندان ، عاشق ، علاقمند و پرکار آمریکائی است که چهل سال از عمر خود را صرف آزمایشات تله پاتی با همان قرائت افکار نمود و برای اولین بار اصطلاح « ای - اس - پی » را در تاریخ فرار روانشناس بکار برد و برای آزمایشات خود از کارت های « زیر » استفاده کرد ، که این کارت ها پنج عدد و پنج شکل هندسی بر روی آنها وجود دارد ، مربع ، دایره ، ضربدر ، ستاره ، خطوط موج دارد :

« راین » و همکارانش در دانشگاه دوک آزمایشات زیاد و پر دردی را انجام دادند ، آزمایشات « راین » از اوایل دهه ۱۹۳۰ میلادی یعنی دهه ۱۳۱۰ شمسی آغاز شد و نام « ای - اس - پی » بر آن گذاشت و این آزمایش ها را با کارت خوانی شروع کرد .

« راین » و همکارانش گروهی ، آزمایشات تله پاتی خود را تحت شرایط آزمایشگاهی آزمایش کردند . همانطور که اشاره شد ، « راین » و همکارانش آزمایشات خود را با اوراق زیر شروع کردند که شامل پنج شکل هندسی بود ، قانون صحیح این بود که در هر آزمونی احتمال اینکه شخص کارت صحیح را حدس بزند نسبت پنج به بیست و پنج است ، ولی در آزمایشات متعدد ، با اشخاص مختلف « راین » متوجه شد که بسیاری اوقات نسبت حدس های درست آنقدر بالا است که

احتمال تصادفی بودنشان يك به يك میلیون میشود .

آزمایشی روی دختر ۹ ساله

در روی دختری ۹ ساله از خانواده‌ای فقیر در آزمونی که در مدرسه از او شد، از ۲۵ کارت به ۲۳ تایی آنها جواب صحیح داد، و وقتی همراه آزمایشگری به او وابستگی عاطفی پیدا کرده بودند به آزمایشگاه درك آورده شد، موفق گردید تمام بیست و پنج کارت را بدرستی حدس بزند .

تله پاتی هیوبرت پیرس

پروفسور « راین » آزمایش کارت زیر خود را روی یکی دیگر از دانشجویان « دانشگاه دوک » انجام داد، با چند بار آزمایش تکرار « هیوبرت » توانست تمام ۲۵ کارت های دسته کارت را بدرستی حدس بزند .

تحقیقات « پروفسور راین » که مدت حدود چهل سال است ادامه دارد فراهم کردن مدارك و شواهدی آماری برای تله پاتی است. هر چند در دهها میلیون آزمونی که انجام شده میزان موفقیت اندك بوده است ، اما همین میزان در طول آزمون ها آنقدر تداوم دارد و پابرجا است که نشان میدهد « پدیدۀ ناشناخته‌ای دست اندر کار است . »

روشهای آماری مورد استفاده « دانشگاه دوک » مورد انتقاد قرار گرفته اند اما رئیس « مؤسسه آمریکائی آمار ریاضی » می گوید : « اگر قرار باشد بررسی های راین مورد اعتراض قرار گیرد ، این اعتراض باید بر زمینه هایی غیر از ریاضی باشد چون از نظر محاسبات کارش بدون اشکال است . »

هامل ناشناخته

« اسپنسر براون^۱ » از دانشگاه کمبریج درباره آزمایشات « راین » اظهار میدارد که این انحراف از شانس و احتمال ممکن است حقیقی باشد ، مانند اینکه توسط تله پاتی بوجود آمده باشد ، بلکه بیشتر احتمال دارد ناشی از « عاقل ناشناخته ای باشد » .

مشکل ترین طریق

لوشیا پاولوا^۲ آزمایشگر روس آزمونهای « پروفور راین » را که حاوی انتقال تعداد زیادی قطعات اطلاعات در یک زمان کوتاه است مشکل ترین طریقی میداند که برای تله پاتی می توان تصور کرد .

او می گوید : « ما دریافتیم که بهترین راه آنست که علائم را خیلی سریع فرستیم ، اگر قطعات مختلف اطلاعات خیلی به تندی برسند ، تغییرات مربوط به تله پاتی در مغز کم کم تیره و ناپدید میشوند . »

انتقاد نگارنده از آزمایشات « پروفور راین »

به عقیده نگارنده (کابوک) سه ایراد و انتقاد به آزمایشات « پروفور راین » وارد است .

اول - اینکه آزمایشات خود را در حال هیپنوتیزم ، بخصوص هیپنوتیزم هردو طرف انجام نداده ، بلکه همه آزمایشات خود را در حال هشیاری ، بیداری و خود آگاهی آزمایش شوندگان انجام داده است .

دوم - حالات روحی ، فکری ، احساسی و عصبی آزمایش شوندگان فوق العاده مورد توجه است ، که به یک مورد در آزمایش بالا اشاره شده و آن موقعی

بوده که وقتی دختر ۹ ساله حالت عاطفی با همان عشقی نسبت بطرف مقابل داشته همه ۲۵ کارت را صحیح جواب داده است ، بنابراین نفرت یا عشق و سایر حالات روحی فوق العاده در صحت و سقم تله پاتی مؤثر است تا اینکه آزمایش شونده در يك حالت روحی خونسرد و بی تفاوت باشد .

سوم - بطوریکه تاریخ تله پاتی بخصوص در کتابهای ارتباط با ارواح دیده میشود ، تله پاتی ها فیما بین اقوام و خویشاوندان نسبی و خانوادگی نزدیک به نسبت بسیار زیادتری صحیح است تا اشخاص و افرادی که هیچ قرابت نسبی یا سببی ندارند ، امواج تله پاتی فرزند مریض در بیمارستان فوق العاده سریع ، عالی و صحیح بمادر میرسد تا آزمایش تله پاتی بین دو نفر دانشجوی بیگانه در دانشگاه همینطور خواهران ، برادران ، نامزدها ، عاشق و معشوقها ، زن و شوهرها که رابطه عاطفی دارند به نسبت بسیار زیادتری بین آنها تله پاتی برقرار میشود .

تا بین دو شخص یا دو دانشجویی که در محل آزمایش با کمال خونسردی و بیگانگی بین آنها آزمایش میشود .

کما اینکه رئیس « مؤسسه آمریکائی آمار ریاضی » هم که در بالا بآن اشاره شد همین عقیده را دارد ، میکربه ، تله پاتی يك عمل فیزیکی و ریاضی نیست ، بلکه بیشتر و صد در صد جنبه احساسی و عاطفی دارد .

چهارم - معلوم نیست « پروفیسور رابن » در چه محل هائی ، در چگونه اطاقها یا کلاسهای و در چه هوائی ، سرد ، گرم و در چه ساعاتی این آزمایشات را انجام داده است ، زیرا ممکن است در ساعاتی از روز که امواج کیهانی سیارات مناسب است ، آزمایشات همه درست باشد ولی در ساعات نایش نامساعد امواج کیهانی آزمایشات صحیح در نیاید .

آزمایشات ساموئل سول درباره تله پاتی

✽ آزمایش تله پاتی از فاصله سه هزار کیلو متری

✽ نظرات بوسیله هیئت های علمی

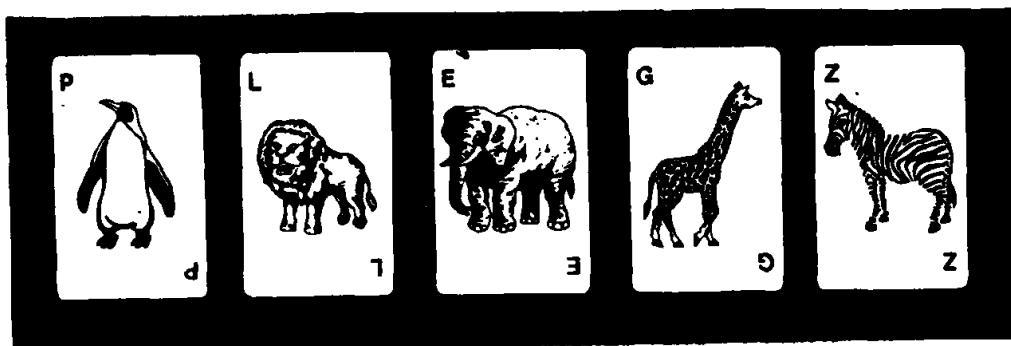
✿ پیدایش گروه پوپرت

✿ شروع شناخت امواج آلفا

✿ هنگام هیپنوتیزم امواج «آلفا» در مغز جریان مییابد

آزمایشات ساموئل سول با تصویر حیوانات

« ساموئل سول »^۱ که مثل سایر دانشمندان در این کتاب معرفی شده ، معلوم نیست متولد چه سالی می باشد ، در کدام دانشگاه درس خوانده ، میزان تحصیلات و مدارج دانشگاهی اش چگونه بوده و در چه رشته هائی تخصص داشته ، آزمایشاتی درباره « تله پاتی » انجام داده است که این آزمایشات بین سالهای ۱۹۳۶ و ۱۹۴۳ بوده ، وسیله آزمایش کارت های جدیدی بوده که ابهام کمتری داشته است ، محل آزمایش در لندن بوده ، فرد مورد آزمایش شخصی بنام « یاسیل شکلتن »^۲ بوده است . این کارت های جدید شکل هندسی نبودند ، بلکه بطوریکه در این تصویر می بینید تصویر پنج حیوان با رنگ روشن رسم شده بود .



۱۱۰۱ بار موفقیت در مقابل ۳۷۸۹ بار آزمایش

شکلتون در یک رشته آزمایش که مدتی بطول انجامید ، از ۳۷۸۹ بار آزمایش ۱۱۰۱ دفعه درست حدس زد . که احتمال تصادفی آن از نقطه نظر علمی

1 - Samuel soal

2 - Basil Shakletorn

که باید $\frac{1}{5}$ باشد آنقدر کم است که تقریباً بی معنی است. کسی نمی تواند چنین نتیجه ای را بطور اتفاقی و شانسی بدست آورد، حتی اگر در تمام جمعیت دنیا از آغاز دوران سوم زمین شناسی، یعنی شصت میلیون سال قبل تا کنون، هر روز چنین آزمایشی را انجام داده باشند.

سول معتقد است که: یکی از جالب ترین نکات درباره این آزمایش ها میل و انگیزه فرد مورد آزمایش میباشد.

سول: توضیح میدهد، که چطور یکروز درب دفتر کارش ناگهان باز شد مرد بلندقد و قوی هیکلی وارد شد، که بین سی تا چهل سال از عمرش می گذشت او اعلام میدارد که: «من آمده ام نه برای اینکه آزمایش شوم، بلکه برای آنکه «تله پاتی» را به نمایش بگذارم».

این شخص همان «شکلتون» بود که بدون شك اعتقاد محکمش به توانایی خود نقش عمده ای در ایجاد نتایج آزمایشات بازی میکرد.

انتقاد به نظریه شکلتون

مناسفانه در اینجا هم نگارنده (کابوک) انتقاد شدیدی به نظر «شکلتون» دارم که چندمورد است.

مورد اول - درباره اینکه «میل و انگیزه و اعتقاد» آزمایش شوند یکی از عوامل لازم است شکی نیست، ولی اظهار عقیده شکلتون نشان میدهد که یا اطلاعی از هیپنوتیزم نداشته و یا از هیپنوتیزم به علت عدم مهارت نمی توانسته استفاده کند.

زیرا در هیپنوتیزم «میل و انگیزه و اعتقاد» شاید يك بخش کوچکی باشد، ولی استعداد خاص هیپنوتیزم شونده برای هیپنوتیزم شدن که بستگی به ساختمان عصبی، مغزی و روانی و روحی شخص دارد بخش بسیار مهمی است.

زیرا هر چه شخص برای هیپنوتیزم شدن یا تله پاتی شدن «میل و انگیزه و اعتقاد»

داشته باشد ، ولی استعداد این کار را نداشته باشد بیفایده است ، نه هیپنوتیزم خواهد شد ، و اگر استعداد « تله پاتی » هم نداشته باشد ، به هیچوجه قادر نخواهد بود که رابطه مغزی باشخص برقرار کند .

هم اکنون در بین همسایگان ، دوستان ، اطرافیان و اقوام شما بسیار هستند کسانی که ، استعداد تله پاتی ندارند و صریحاً اظهار میدارند که چنین استعدادی نداریم ، اگر شما ایشان را آزمایش هم بکنید با داشتن « میل و انگیزه و اعتقاد » ملاحظه خواهید کرد راست میگویند چنین استعدادی را ندارد ، در نتیجه استعداد هیپنوتیزم شدن هم ندارد ، زیرا بین استعداد تله پاتی و هیپنوتیزم شدن رابطه بسیار نزدیک وجود دارد .

ولی برخی دیگر به عکس اظهار میدارند که استعداد تله پاتی آنها بسیار زیاد است ، شاید هر روز و هر هفته برای آنها چنین اتفاقی می افتد ، این دسته استعداد بسیار خوبی هم برای هیپنوتیزم شدن دارند فوراً و بزودی و براحتی هیپنوتیزم می شوند و به مرحله عمیق هیپنوتیزم شدن فرو میروند و رابطه تله پاتی هم با هر کس خواسته شود فوراً برقرار میگردد .

پس آقای «شکلتون»

اولاً - استعداد خیلی خوبی برای هیپنوتیزم شدن داشته است زیرا دو صفحات بعد «سول» میگوید که هنگام عمل فکر خود را بخوبی متمرکز می نموده است و تمرکز فکر همان هیپنوتیزم است .

ثانیاً - استعداد و ساختمان عصبی اش نیز چنین استعداد هیپنوتیزم شدن و همچنین استعداد « تله پاتی » را نیز داشته است .

ثالثاً - «میل و انگیزه و اعتقاد» هم همراه و استعداد بالا بوده است .

این سه عامل ، علت اصلی موفقیت «شکلتون» بوده که « پروفیسور سول » توجهی به دو استعداد دیگر نداشته است .

حمایت رئیس جمهوری سوسیالیستی شوروی

« پروفیسور سول » میگوید: « در انقبیل موارد حمایت‌های رسمی دولت هم ممکن است بسیار مؤثر باشد ، چون در روسیه گام‌های بلندی در تحقیق تاه پانی از طریق پروژه‌های حمایت شده ایالتی طی پنجسال اخیر برداشته شده است در نتیجه مرحله جدیدی در ۱۹ آوریل ۱۹۶۶ آغاز شد .

در حالیکه درست برعکس حمایت و یاری جمهوری سوسیالیستی شوروی در فرانسه ، مسمر مورد حمایت لوئی ۱۶ و مقامات رسمی دولتی آنروز فرانسه قرار نگرفت ، مسمر از فرانسه در بدر شد ، باطریش رفت و پایان عمر خود را با تنهایی و افسردگی جان سپرد .

ایجاد مرحله‌ای در روسیه

حمایت جمهوری سوسیالیستی روسیه شوروی از آزمایشات ESP که از زمان استالین شروع شده بود ، با شاهکارهای عجیب و غریب « ولف میسینگ » در این رابطه ، مرحله جدیدی شروع شد .

آزمایشات « کارل نیکلایف »

در آوریل سال ۱۹۶۶ آزمایشاتی درباره تله پاتی توسط « کارل نیکلایف »^۱ در ناحیه « نووسیبیرسک »^۲ ترتیب داده شد .

شخص مورد آزمایش هنرپیشه‌ای بود بنام « یوری کامنسکی »^۳ بقرار اطلاع « کارل نیکلایف » زیست شناس ، فیزیکدان معرفی شده است که در مسکو مشغول آزمایش بوده و دوست هنرپیشه‌اش کامنسکی در ناحیه « سیبیرسک » که ۳۰۰۰ کیلومتر معادل ۳۰۰/۰۰۰ متر فاصله داشته است .

وسیله آزمایش : این بار وسائل آزمایش اشکال هندسی با اشکال حیوانات

نبود ، بلکه يك بسته مهر وموم شده‌ای بود که از میان تعدادی جعبه‌های مشابه بطور تصادفی اختیار شده بود . پس از باز کردن جعبه مربوطه شروع به لمس کردن شیئی درون آن ، می‌نماید و آنرا به دقت امتحان می‌نماید . کامنسکی در سپیريك بسیار می‌کوشد تا چشمان دوستش هم از آن فاصله بعید آن را تشخیص دهد . این شیئی يك فنر فلزی بود ، شامل هفت حلقه ، نیکلایف تأثرات خود را چنین بسادداشت می‌کند : « گرد ، فلزی ، براق ، دنداندار ، مانند سیم پیچ » ده دقیقه بعد ، که « کامنسکی » فکرش را روی آچاری بسادسته پلاستیک سیاه متمرکز کرده بود ، فیکلایف نوشت : « دراز و باریك ، فلز ، پلاستیک ، پلاستیک سیاه » احتمال ریاضی اینکه بتوان هدف منفردی را در میان تمام اشیاء ممکن در عالم حدس زد بسیار کمتر از آنست که حتی بتوان صحبتش را کرد ، لذا اولیای امور خیلی تحت تأثیر قرار گرفتند و بغوریت کمک هزینه‌هایی برای تحقیقات بیشتر آماده شدند .



در حالیکه یکی از
دستیاران گروه تحقیقات
نظارت می‌کند ، کارل
فیکلایف سعی می‌کند
علائم تله پاتی را از
یوری کامنسکی بفاصله
۳۰۰۰ کیلومتر دریافت
کرده با اشیاء مقابلش
تطبیق دهد

آزمایشات «گروه پوپوف»

بطوریکه تاریخ «روانشناسی تله پاتی» در روسیه نشان میدهد، پله، پله، به اهمیت آن افزوده میشود، و نظر مقامات رسمی دولت جمهوری اسلامی را بیشتر جلب می کند.

ابتداء «پروفسور راین» شروع می کند.

بعد «ساموئل سول» شروع می کند، ولی این بار مورد حمایت مقامات رسمی دولت روسیه قرار می گیرد.

سپس «گروه پوپوف» ظاهر میشود به اضافه اینکه بشکل «بخش اطلاعات زیستی انجمن اتحادیه های علمی و فنی تکنولوژی رادیویی و ارتباطات الکتریکی ا.س. پوپوف وارد صحنه علمی این پدیده ارزنده شروع به بررسی و تحقیقات می کند.

چرا؟ - چرا موضوع «تله پاتی» تا این اندازه مورد توجه قرار می گیرد، زیرا در امور اجتماعی که شامل، امور اقتصادی، سیاسی، و کلیه روابط داخلی و بین المللی میشود، بطور اعجاز انگیز تحت سیطره و تسلط مغزهای حاکم بر مردم و جهان درخواهد آمد، که آزمایشات اولیه تله پاتی گامهای بسیار اولیه و ابتدائی آن است، که در مبحث «ارتباطات الکترونیکی مغز در فصل قبل نظریات مهندس اربابی بیان شد. کما اینکه در حال حاضر در اروپا و آمریکا هر روز و هر هفته دهها و صدها سمینار و آزمایش در اینخصوص انجام میشود و صدها مجله منتشر میشود و صدها کتاب نوشته میشود که کشورهای شرقی یا بکلی بی اطلاع هستند، و یا برخی ها فقط اطلاعات تفنی و تفریحی نسبت به این، کشف هزاران برابر بالاتر از آنهم دارند زیرا کشف اتم و هزاران کشفیات دیگر همه تابع و تحت تسلط فرمان مغزها هستند، و دولت های شرقی کوچکترین توجهی بآن ندارند.

« اهداف اصلی گروه پوپوف »

اولین هدف « گروه پوپوف » این بود که بکوشند عمل تله پاتی را در مغز تشخیص دهند بهمین جهت در مارس ۱۹۶۷ این هیئت دوباره « کامنسکی » را به « مسکو » برد و « نیکلایف » را در آزمایشگاهی در لنیننگراد درون اتاق عایق و ضد صدایی نشانید ، و يك رشته مونیترهای فیزیولوژیک را به او متصل کرد ، مدتی طول کشید تا وی « نیکلایف » حالت پذیره بخود گرفت ، حالتی که او باین شرح آنرا توضیح میدهد :

« کاملاً آرام ورها ، اما متوجه و هشیار » و وقتی که علامت داد که آماده است ، مغزش ریتم « آلفای » یکنواختی تولید می کرد .
نکته مورد توجه : تا آنجا که تخصص و تجربه سالیان دراز نگارنده است ، تمرکز فکر یا هیپنوتیزم اساس و پایه بسیار مهم و اصلی است ، ولی معلوم نیست چرا در این خصوص ، کلمات « کاملاً آرام ورها ، و اما متوجه و هشیار » بکاربرده شده است ؟

آیا « نیکلایف » از سلف هیپنوتیزم اطلاعی نداشته ؟ من تصور نمی کنم .
بهر حال فخرآسته به مردلیلی از کلمه سلف هیپنوتیزم در اینجا استفاده کند ، در تمام یا سایر صفحات کتاب هم از عبارت سلف هیپنوتیزم استفاده نشده ، فکر می کنم هات اصلی آن باید این باشد ، که نیکلایف و سایر دانشمندان در این مورد خواسته اند بفهمانند که بدون هیپنوتیزم هم ، اشخاص در حال بیداری و هشیاری و خود آگاهی دارای چنین استعدادی هستند ، و نتیجه آن روی آوردن اکثر بلکه تمام مردم بسوی علم تله پاتی خواهد شد .

نیکلایف نمی دانست که پیام تله پاتیک کامنسکی چه موقع ارسال خواهد شد ، اما درست سه ماه و نیم پس از آنکه آزمایشگران در مسکو علامت را آغاز کردند امواج مغزی نیکلایف ، بشدت تغییر کرد و ناگهان « امواج آلفا » قطع شد .

برای اولین بار در تاریخ: دلیل قابل مشاهده انتقال يك ضربان فکری از ذهن یکنفر به ذهن یکنفر، به ذهن دیگری، با فاصله ششصد و چهل کیلومتر بدست آمده بود.

کشف آلفا و تغییرات نواحی مختلف مغزی

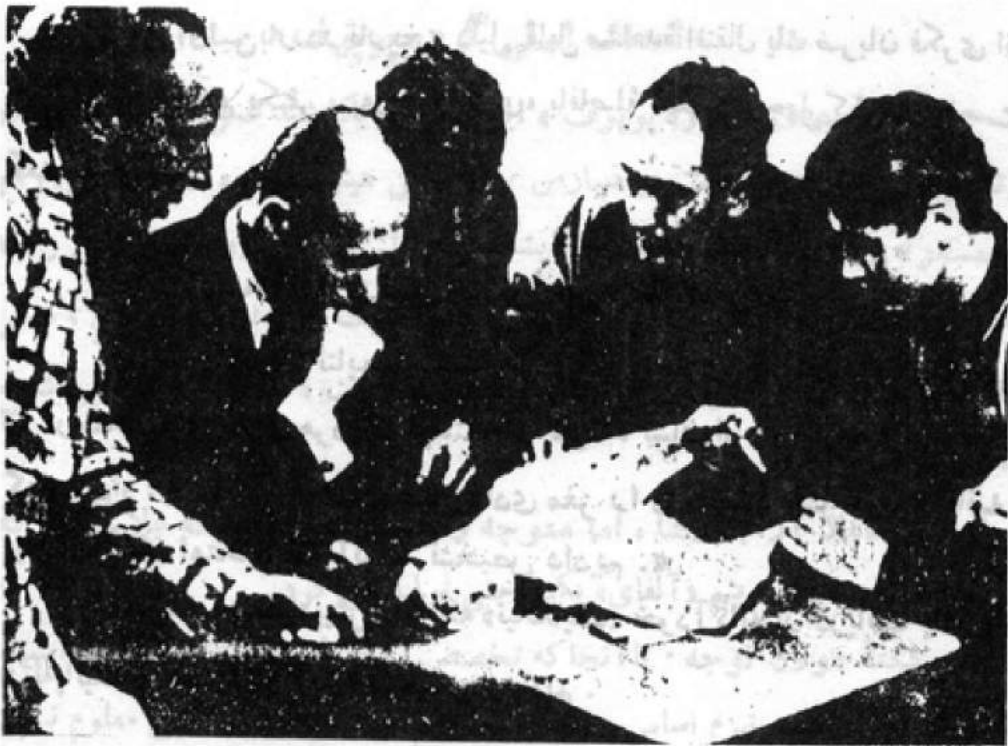
آزمایشات بعدی، نتایج ثبت شده موج نگاری مغزی تغییرات بزرگ مشابهی را در منحنی های مغزی هردو نفر فرستنده و گیرنده نشان داد، و گروه «پوپوف» گزارش داد: «ما این فعالیت غیر عادی مغز را در فاصله يك تا پنج ثانیه بعد از آغاز امتحان تله پاتیک تشخیص دادیم.»
ما همیشه چندثانیه پیش از آنکه «نیکلایف» خود آگاهانه از دریافت يك پیام «تله پاتیک» مطلع شود آنرا تشخیص میدادیم.

تغییرات در قسمت های مختلف مغز

ابتداء فعالیت عمومی و نامعین در قسمت های جلو و میانی مغز وجود دارد. اگر «نیکلایف» خود آگاهانه بخواهد این پیام تله پاتیک را بگیرد، فعالیت مغزی سرعت مشخص شده و به نواحی پشتی و داخلی مغز منتقل میشود.
وقتی تصویر هر چیزی مانند يك جعبه سیگار دریافت می شود، ناحیه مربوط به بینائی در مغز نیکلایف، ناحیه پس سری شروع به فعالیت می کرد، و وقتی پیام شامل يك رشته سر و صداهایی بود، که شخص فرستنده می شنید، فعالیت در ناحیه گیجگاه، مغز دریافت کننده، که معمولاً مرتبط با صدا است، رخ میداد.

ارتباط میان تله پاتی و ریتم آلفا قطعی است. امواج تتا

هم تله پاتی و هم پسپکو کینه سیس هردو قطعاً فقط تحت شرایط روانشناختی معینی روی میدهند، و بوسیله امواج مغزی که بسا فرکانس خاصی تولید می کنند



نیکلایف (اولین نفر در سمت چپ) و کامنسکی (دومین نفر
از راست) به همراه دیگر محققین در باره نتایج آزمایشات
تله پاتی بحث می کنند

مشخص می گردند . در پسیکو کینه سیس این امواج مغزی گویا از نوع « تتا »
هستند ، اما در تله پاتی امواج « آلفا » بافرکانس بین هشت و دوازده سیکل بر ثانیه
میباشند .

اثبات صد در صد علمی

وقتی دستگاههای الکترونیکی مانند مونیتور که به جمجمه وصل است ، دو
نوع امواج را نشان میدهد ، دلیل صد در صد علمی اینست که مغز دارای امواج است
و این امواج ممکن است ، دارای فرکانسها و انواع مختلفی و از درجات
متفاوتی باشند .

اشخاصی که در آزمونهای آزمایشگاهی نمره خوب می آورند ، همگی

اظهار میدارند که حالت ذهنی خاصی پیدا می کنند ، که یکی از آنها با این عبارت آنرا توضیح میدهد : « متمرکز کردن توجه (سلف هیپنوتیزم) روی يك نقطه از نیستی . من اصلا درباره چیزی فکر نمی کنم ، فقط به يك نقطه ثابت نگاه می کنم ، و تا آنجائیکه بتوانم ذهنم را خالی می نمایم . »

دستگاه خودکار گروه پوپوف

گروه پوپوف يك دستگاه هماهنگ کننده خودکار ساخته است ، که درواقع « آلفافون » ایست که به کارل نیکلابف اطلاع میدهد که چه وقت برای دریافت پیامهای تله پاتیک در وضع صحیح قرار دارد . هر وقت فرکانس چراغ چشمک زن کنار « کامنسکی » تغییر می کرد ، امواج مغزی نیکلابف بلافاصله برای تطبیق با آن تغییر می یافت .

نتایج مشابهی در دانشکده پزشکی جفرسن ، در فیلادلفیا بدست آمده است.

امواج مغزی مشابه دوقلوها

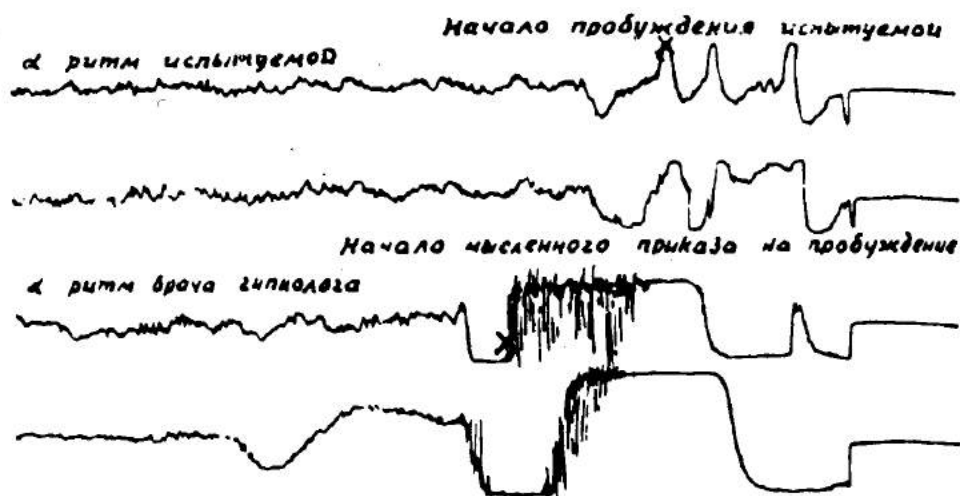
در فیلادلفیا دو چشم پزشک نشان دادند که هر تغییری در امواج مغزی یکی از « دوقلوهای مشابه » ، مثل تواید امواج « آلفا » ، می تواند از فاصله دور در مغز دیگری دگرگونی مشابهی ایجاد کند . اگر در همین موقع يك حالت فیزیکی یا عاطفی قوی پیش آید ، این نوع تماس مغزی از اینهم مؤثرتر میشد .

مقاصد کننده ترین نمایش تله پاتیک

استفاده از دوربین دوچشمی

گروه پوپوف روی چشم « کامنسکی » دوربین دوچشمی قرار داد که برای هر چشم فرکانس چشمک زن متفاوتی فراهم می کرد . این تحریک دوگانه طرح های متعارضی در دو طرف مغز او بوجود آورد و نتیجه تهوع نوری بود ، همان طرح ها همزمان در مغز نیکلابف ظاهر شد .

هر کدام از طرح ها درست خاص خودش آنچنان اورا دچار « دریازدگی » کرد که جلسه آزمایش بهم خورد . تا این تاریخ این مقاصد کننده ترین نمایش



امواج آلفای مشابه که در طی یک تماس تله پاتیک بوجود می آیند



دوربین چشمی هاله روحانی

تله پاتیک بوده است ، که شامل طرح هایی در مغز میشده که به هیچ طریق طبیعی ، قابل تولید نبوده اند .

✽ خبری از مجله فرانسوی
✽ تله پاتی از طریق زیردریائی ناویلوس

سلاح سری نازدهای بنام ادراك فوق حسی با تله پاتی

در سال ۱۹۶۰ يك « مجله فرانسوی » این خبر را منتشر کرد : « که نیروی دریائی ایالات متحده آمریکا در صدد است برای حل مشکل قدیمی ارتباط میان زیردریائی از زیر آب با پایگاهش در بندر ، از تله پاتی استفاده کند .
گزارش حاکی از این بود که زیردریائی انمی ناویلوس^۱ با دریافت کننده هایی در ساحل که برای این منظور تربیت شده اند تماس تله پاتیک برقرار میکند و ادراك فوق حسی (تله پاتی) سلاح سری نازدهای شده است ، سولان آمریکائی بلافاصله این خبر را تکذیب کردند ، ولی از آن طرف روسها نیز فوراً اعلام کردند که آنها سالها است با این سیستم کار می کنند .

در روش روسی بجای رادیو از خرگوش استفاده میشد

روسها بچه خرگوش های نوزاد را در زیردریائی قرار میدادند و مادرشان را در آزمایشگاهی در ساحل درحالی که الکترودها را عمیقاً درمنز او کار گذاشته بودند نگره میداشتند . در فواصلی خرگوش های زیر آب را يك به يك می کشتند و درست در همان لحظات که هر کدام از فرزندان کشته میشد ، در امواج مغزی مادر واکنش الکتریکی حادی نمودار میگردد .

هیچ راه فیزیکی شناخته شده ای وجود ندارد که از طریق آن يك زیردریائی بتواند از زیر آب با ساحل تماس بگیرد ؛ و اکنون بنظر میرسد که حتی خرگوش ها قادرند در يك لحظه بحرانی نوعی تماس برقرار کنند .

سفینه‌های فضائی و تله‌پاتی

امکان استفاده‌ی عملی از تله‌پاتی بعنوان وسیله‌ای ارتباطی برای زیردریائی‌ها و سفینه‌های فضائی هم از طرف ایالات متحده و هم روسیه شوروی پذیرفته شده است ، و در هر دو کشور دانشمندان استفاده از این جنبه امکانات تله‌پاتی را وسیله‌ای برای اخذ بودجه بیشتر از حکومت قرار داده‌اند .

✿ بهترین وسیله برای برقراری تله‌پاتی .

✿ نظریه استغان بلیک .

✿ نظریه سرویلیام بارت .

✿ نظریه فروید .

✿ نظریه یونگ .

هیپنوتیزم ۲ بهترین وسیله

بسیاری از کسانی که در این زمینه کار می کنند اظهار میدارند که «خود آگاهی» جلوی تله‌پاتی را می گیرد و تله‌پاتی فقط هنگامی برقرار میشود که حفاظ در سر راه نیست و می‌تواند از کنار سانسور فعال ذهنی مسان عبور کند . بنابراین بهترین وسیله‌ای که ما برای کاوش ضمیر ناخود آگاه داریم هیپنوتیزم است .

نظریه استغان بلیک: استغان بلیک روانپزشک گفته است : « هیپنوتیزم نه تنها ساده‌ترین و عملی‌ترین راه اثبات وجود نا ضمیر ناخود آگاه می‌باشد ، بلکه در واقع تنها طریقی است که در آن می‌توان بمنظور تحقیق مکانیزم‌های ناخود آگاه را تحت شرایط آزمایشی تکرار پذیر دست کاری کرد . »

اقاء هیپنوتیزم بستگی به برقرار شدن رابطه بین هیپنوتیزم کننده و شخص دارد که در نگاه اول بسیار شبیه شرایط اولیه «تله‌پاتی» است و گزارشهایی حاکی از تجربه مشترک بین هیپنوتیزم کننده و هیپنوتیزم شونده در دست داریم و آن نظریه « سرویلیام بارت : »

نظریه سرویلیام بارت : رشته آزمون‌هایی بایک دختر جوان انجام داده است که اینطور شرح داده است . « در حالیکه چشمهای او را محکم بسته بودم و پشت سر او ایستاده بودم ، مقداری نمک برداشتم و در دهان خود گذاشتم او غوراً نف کرد و فریاد زد : « برای چه نمک در دهانم می‌گذاری ؟ » سپس شکر را امتحان کردم .

گفت : « حالا بهتر شد »

پرسیدم : « چه مزه‌ای دارد ؟ »

جواب داد : « شیرین است »

سپس خردل ، فلفل ، زنجبیل و غیره را امتحان کردم ؛ هر کدام را وقتی در دهانم می‌گذاشتم او نام می‌برد و بوضوح می‌چشید ، اما وقتی در دهان خودش می‌گذاشتم بنظر میرسید نسبت به آن بی‌اعتنا است .

نظریه فروید و یونگ : فروید گرچه خود را در آلفا هیپنوتیزم دچار مشکل بود ، ولی عقیده داشت که تله‌پاتی در موقعیت‌های روانکاوانه‌ای که در آن ضمیر ناخودآگاه مورد کاوش دقیقاً قرار می‌گیرد ، آسان‌تر اتفاق می‌افتد . مقاله فروید درباره « روانکاوی و تله‌پاتی » تا بعد از مرگ او انتشار نیافت اما در پایان عمر نوشت :

« اگر عمر دیگری داشتم ، آن را بجای روانکاوی به تحقیقات روانی ،

ادراکات فوق حسی اختصاص می‌دادم . »

چنان است که گویی « تله‌پاتی » مرتباً از طریق « ضمیر ناخودآگاه » دریافت میشود ، فقط گاهگاهی به سطوح خودآگاه راه پیدا می‌کند . بنظر می‌رسد که سدی مانع از بر ملا شدن آن در ذهن خودآگاه است . و ما برای غلبه بر این مانع باید بکمک کسانی مثل روانکاوان یا « هیپنوتیزم کننده‌ها » راهی بیابیم که آن را دور بزنند یا با حیل‌های بر آن پیشدستی کنیم .



آزمایشات ارزنده و مهم دکتر اثونید واسیلیف



اولین آزمایشات با
هیپنوتیزم ارتباط
تله پاتیک به فاصله
بستگی دارد امواج
تله پاتیک امواج الکترو
مغناطیس نیستند

تله پاتی با هیپنوتیزم شروع شد
واسیلیف: این دو نفر را در يك قفس « فارادی » قرارداد. تا اگر احتمالاً
امواج الکترو مغناطیسی در کار است مشخص شود. ولی باز با رسیدن علامت
تله پاتی هر دو بخواب رفتند.

در محفظه ای سربی

واسیلیف: محفظه ای سربی درست کرد با سرپوشی که شیار آن را با جبهه پر
کرده بود، اما باز پیام عبور می کرد. هاقبت واسیلیف وقتی دریافت که فواصل نیز
قائیری ندارند شکست را پذیرفت.

به تکاپو افتادن کاوشگران

این اکتشاف که امواج تله پاتی مستقل از فاصله است ، کاوشگران را به تکاپو انداخت ، چون نیروها فیزیکی شناخته شده بر اساس قانون کاملاً تعریف شده ای به نسبت فاصله ای که دارند تضعیف می شوند . بهر حال در سالهای اخیر این قانون شکسته شده است .

امواج تله پاتی موجی موهوم

آنچه که تا اینجا خیلی عجیب ، خارق العاده و مهم و مورد بحث میباشد اینست که امواج تله پاتی برخلاف همه انواع امواج فیزیکی ناشناخته و موهوم است عجیب بودن آن نداشتن فاصله است . آیا این همان سرعت امواج مغزی با سرعت فکر نیست .

یعنی بمحض اینکه شما هم اکنون بیاد چهره دوستان در آمریکا بیفتید بلافاصله در نظرشان مجسم میشود ، احتیاج به زمان ندارد ، طول موجش مشخص نیست « لیال واتسن » در فوق طبیعت میگوید : در این باره می توان گفت « از نظر ریاضی ذرات تله پاتی موهوم میباشد . » فیزیک جدید برای بیان رویدادهای جهان فیزیکی اغلب از ذرات واقعی با انرژی و « جرم موهوم » استفاده می کند « موهوم » به چه معنی است ؟ چه معنی میدهد ؟ یعنی نمیدانم که چیست ؟ ولی هیچ دلیلی ندارد که تنها باین خاطر که ما نمی توانیم چیزی به بینیم ، فرض کنیم عاملی فیزیکی در این میان وجود نداشته باشد .

اگر فرض کنیم تله پاتی وجود دارد ، و اعتراف کنیم از طرز عمل آن چیزی نمیدانیم هنوز این مسأله برای ما باقی می ماند که تله پاتی به چه معنی می تواند باشد ؟ در حله اول چرا اصلاً تله پاتی تکامل یافته است ؟ و اگر منحصر به انسان نیست ، و کارکرد زیست شناختی آن چیست ؟

نتیجه :

- ۱- امواج نله پانی وجود دارد .
- ۲- امواج آن موهوم است .
- ۳- در جهان امواج گوناگون ، متنوع و فاشناخته ای وجود دارند که حتی دنیای وسیع علم فیزیک نسبت به آنها اطلاعات دقیقی و کاملی ندارد .

ادراك رویدادهای آینده از طریق تله پاتی

در همه اعصار ، پیشگوبانی در میان اقوام و ملل مختلف وجود داشته اند این افراد ظاهراً می توانند از آینده خبر بدهند . گاه خبر آنها درباره وقایعی است که در مدت کوتاهی روی خواهد داد و گاه درباره تغییرات بزرگ جهانی است که سالها یا قرنها بعد روی می دهد اگرچه تعداد کسانی که ظاهراً دارای این قدرت عجیب هستند اندك است ، اما شمار آنان بیشتر از آن است که در ابتدا به نظر می رسد .

تقریباً همه ما می توانیم خوابها یا احساسهایی را که بعداً به حقیقت پیوسته اند به یاد آوریم . البته در بسیاری از موارد رویدادهای کنونی نشانگر وقایعی است که در آینده نزدیک روی دهد ، اما در بعضی از موارد تحولات غیر عادی بطور دقیق پیشگویی می شود . این نوع ادراك فراحسی را « پیشگویی »^۱ نامیده اند که به معنای آگاهی قبلی است بارزترین موارد آن مربوط به امور روزمره ای است که شخصاً تجربه کرده ایم .

خود من چند سال پیش خواب دیدم که در کلاسی معلم هستم و پشت میز نشسته ام ، در يك گوشه میز کتاب نسبتاً بزرگی قرار داشت که [عنوان آن] به نحوی ارتباط با هواپیمایی داشت . کتاب به نظر شاگردان مهم بود ، اما من نمی دانستم چرا برای آنها مهم است . روی این خواب خیلی فکر کردم ، زیرا من در آن زمان معلم نبودم و احتمال هم نمی دادم که روزی معلم شوم . گذشته از آن تصور نمی کردم که درس من در کلاس به هواپیما مربوط باشد .

قریب یکسال بعد از آن خواب ، برای هفته ای چند ساعت تعلیم نقاشی ، در

يك دبستان استخدام شدم . برای اینکه خودم را آماده کنم ، کتابهایی خریدم تا از آنها برای طرحهای نقاشی استفاده کنم . روزهای اول برخی از آن کتابها را مرور کردم تا موضوعها را تقسیم بندی کنم . ناگهان کتابی که در گوشه میز جای داشت نظرم را جاب کرد . این کتاب درباره ساقته بین المالیه هواپیماهای کاغذی بود که از طرف مجله « ساینٹیفیک آمریکن »^۱ برگزار شده بود و همان کتابی که سال قبل در خواب دیده بودم . در طول سال تحصیلی آن کتاب غالباً در همان گوشه میز جای داشت . شاگردان که به طرح هواپیماهای کاغذی علاقه داشتند از آن استفاده می کردند . خواب من پیشگویی درستی بود که برای من نیز اهمیت داشتند .

❖ آگاهی قبل از حوادث ناگوار :

در سال ۱۹۱۲ یکی از عجیب ترین و مشهورترین حوادث قرن روی داد . کشتی اقیانوس پیمای تازه ساخته شده ای به نام « تایتانیک » که تصور می شد مطمئن ترین کشتی ای باشد که تا آن زمان ساخته شده بود در اقیانوس اطلس به يك کوه یخ برخورد کرد و بیش از هزار و پانصد نفر غرق شدند . دکتر « بان استیونسون »^۲ استاد روان پزشکی دانشکده پزشکی دانشگاه ویرجینیا آگاه شد که افراد بسیاری قبل از آنکه این حادثه اتفاق بیفتد بایک « احساس ناشناخته قبلی » از آن آگاه شده بودند . او این اطلاعات را جمع آوری کرد . برخی از آنها بصورت نامه هایی بود که قبل از سفر کشتی نوشته شده بود . تعدادی از این آگهیهای قبلی عبارت بودند از :

چند روز قبل از حادثه ، خانم جک مارشال^۳ و بچه هایش در ساحل ایستاده و شاهد حرکت تایتانیک به سوی دریا بودند . خانم مارشال با صدای بلند گفت : این کشتی پیش از رسیدن به آمریکا غرق می شود . صدها نفر را می بینم که در آبهای یخ دست و پا می زنند .

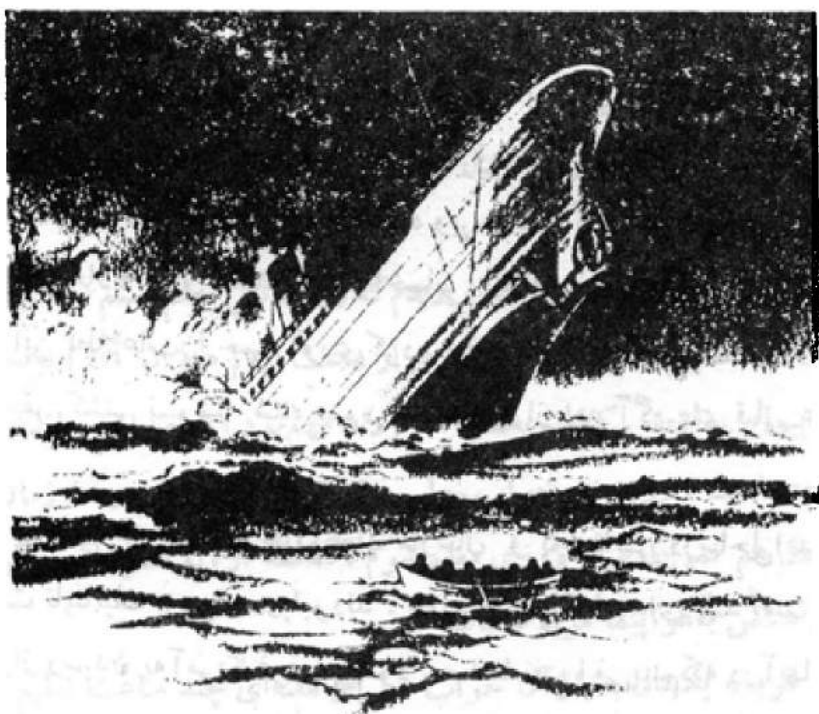
1 - Sintific American

2 - Dr . Ian Stelenson

3- Mrs . dack marshan

يك بازرگان انگلیسی ده روز پیش از آنكه با تایتانیک به آمریکا سفر کند در خواب دید كه كشتی در حالیکه واژگون شده در آب غوطه‌ور است و مسافری و خدمه ، در دریا شنا می‌کنند . شب بعد باز همین خواب را دید . وی سرانجام از این سفر منصرف شد و خوابهای خود را برای خانواده‌اش تعریف کرد .

نشانه قبلی دیگر این حادثه بصورت داستانی كه در سال ۱۸۹۸ ، یعنی ۱۴ سال قبل از غرق كشتی ، به چاپ رسید ، ظاهر شد عنوان داستان « متلاشی شدن تایتان » بود . كشتی این داستان نیز مانند كشتی حادثه واقعی تصور می‌شد آسیب ناپذیر باشد ، ولی به كوه یخ برخورد کرده و غرق شده بود ، بسیاری از جزئیات داستان از قبیل ماهی كه حادثه در آن روی داد ، تعداد قایقهای نجات ، ابعاد كشتی و تعداد تلفات شباهت زیادی به ماجرای واقعی دارد . حتی نام دو كشتی تقریباً یکی است .



كشتی تایتانیک در اولین مسافرتش از انگلستان به آمریکا با يك یخ شناور بزرگ برخورد کرد و در آوریل ۱۹۱۲ غرق شد

به همین طریق بسیاری از افراد ظاهراً از سقوط بهمنی که دهکده «آبرفان» واقع در ایالت ویلز انگلستان را در خود فرو برد آگاهی قبلی داشتند. در «آبرفان» ذغال سنگ استخراج می شد. این حادثه در ۱ اکتبر ۱۹۶۶ روی داد و ۱۳۸ نفر تلفات داشت. مردی هنگام احساس کردن کلمه «آبرفان» ویرانی و آوارخانه های خالی را در ذهن خود مجسم کرد. کارگردان یک نمایش کمدی از قبل تعیین شده تلویزیونی درباره استخراج ذغال سنگ در ویلز نمایش را به بعد مسوکول کرد زیرا دچار احساسات ناراحت کننده ای شده بود که قادر به بیان آن نبود یکی از دانش آموزان دهکده حتی روز قبل از حادثه تصویر بهمن را کشیده بود. ظاهراً اثرات ادراک فواحسی از طریق عواطف احساس می شود.

شاید شوک عاطفی^۲ یک حادثه ناگوار، احساسات قبلی غیر منتظره ای ایجاد می کند که باعث اینگونه پیشگویی ها می شود.

پیشگویان عصر حاضر

ادگار کیس: در قرن حاضر چند نفر پیشگوییهای مهمی کردند که برخی از آنها درست درآمده است. ادگار کیس^۲، در سال ۱۹۴۵ درگذشت، ولی هنوز به خاطر تواناییهای ذهنی اش مورد مطالعه است. کیس یک عکاس آمریکایی بود و از اوایل عمر، متوجه شد که وقتی در خواب هیپنوتیزم است، می تواند بیماری کسانی را که حضور ندارند و برخی از آنان را حتی نمی شناسد تشخیص بدهد. فقط کافی بود نام و مکان بیمار را بداند. کیس ضمناً می توانست در هنگام خواب هیپنوتیزمی خود دقیقاً شرح بدهد که هر کدام از اشخاص غایب، مشغول چه کاری هستند. چون تشخیصهای او بطور عجیبی درست بود، بسیاری از پژوهشگران، پیشگوییهای او را از نزدیک مورد مطالعه قرار داده اند^۳ حرفهای او هنگام خوابهای هیپنوتیزمی اش

1 - Aberfan

2 - emotional Schock

3 - Edqarcarce

یادداشت و تاریخ آنها ثبت می‌شد .

بسیاری از پیشگوییهای « کیس » در مقیاس بزرگ و مربوط به جنگها ، تغییر نحوه رفتار ملتها و تغییراتی در خود زمین است . وی می‌گفت قسمتهایی از ساحل شرقی و غربی ایالات متحده زیر آب خواهد رفت . خیلی از شهرهای بزرگ دنیا ویران می‌شود . اکثر نواحی ژاپن در آب فرومی‌رود و خشکی جدیدی در اقیانوس اطلس پدید خواهد آمد . (کیس) همچنین ادعای کرد که این خشکی جدید قسمتی از سرزمینی است که حدود ۱۲۵۰۰ سال قبل بالای آب بوده و تمدن پیشرفته‌ای داشته است . وی می‌گفت باستان‌شناسان آینده ، معابد و آثار فرهنگی کشف خواهند کرد و نظیر این آثار زیاد در مصر نیز کشف خواهد شد .



ادگار کیس ، عکاس آمریکائی که در حالت خلسه اثرات ادراکات فراحسی را دریافت می‌کرد و علل بیماریها را تشخیص میداد

«کیس» این سخنان را قبل از سال ۱۹۲۵ بیان کرده بود. در آن زمان اکثر حرفهایش خیالبافی به نظر می‌رسید. اما با گذشت زمان، اکتشافات جدید، گفته‌های او را بیشتر تأیید کرده است تا تکذیب. برخی از آثار تاریخی از قبیل نقشه‌ها، لوحه‌ها، معماریها و عتیقه‌ها حکایت از وجود تمدنی پیشرفته در اقیانوس اطلس می‌کنند که نواده‌های آن، فرهنگهای بزرگی در مصر، آمریکای مرکزی و جاهای دیگر بنیاد نهادند. در قعر این اقیانوس مواد گداخته‌ای که بیش از ۱۵۰۰ سال قدمت دارد و ظاهراً در بالای آب سرد شده، کشف گردیده است. علاوه بر این در فسیل‌های ته‌دریا، دیانومهای آب‌شیرین که فقط در دریاچه‌های سطح زمین می‌توانسته‌اند زندگی کنند دیده شده‌اند. اگر پیشگوئیهای کیس درست باشد، بیشتر آنها باید قبل از پایان قرن به وقوع بپیوندند.

جین دیکسون: در سالهای اخیر پیشگوئیهای «جین دیکسون»^۱ توجه بسیاری از مردم را جلب کرده است. این زن آمریکائی سالها است که در واشنگتن بسر می‌برد. زمانی که هنوز دختر کوچکی بود یکی از کولی‌های فالگیر به او گوی بلورینی داد. خانم جین با آن وسیله همچون اسباب بازی، بازی می‌کرد و گاهی اوقات می‌توانست رویدادهایی را در آن ببیند. این رویدادها بعدها برای خانواده دوسانش اتفاق افتاد.

از سال ۱۹۵۲ خانم روزنامه‌نگاری به نام «روث مونتمری»^۲ سالی یکبار پیشگوئیهای او را منتشر کرده است. برخی از آنها که مربوط به شخصتهای سیاسی است عملاً اتفاق افتاده است و در نتیجه مطالب راجع به پیشگوئیهای او عملاً خوانندگان زیادی پیدا کرده است. تکان دهنده‌تر از همه آنها پیشگوئیهایش درباره قتل کندی رئیس جمهوری آمریکا بود. جین دیکسون حتی بعضی از حروف نام خانوادگی متهم به قتل را پیشگوئی کرده بود. گفته بود: نام خانوادگی متهم دوبخش

دارد و پنج یا شش حرفی است . حرف اول آن ظاهراً O یا Q است . حرف دوم به طور قطع S است و حرف آخر آن يك خمیدگی کوچک و يك خط راست دارد . این نشانه‌ها حاکی از کلمهٔ oswald بود که نام خانوادگی متهم به قتل بود .

اندیشه‌های جین گاه به صورت رؤیا ، گاهی به شکل تصویری آشکار در گوی بلورین وزمانی مانند نوعی احساس و حدس جلوه می کند . در اکثر موارد نشانه‌هایی می بیند که معنای دیگری دارد و بسايد تفسیر شود . بنابراین صحت پیشگوییهایش بستگی به آن دارد که چگونه اندیشه‌های خردش را درك کند .

دانیل لوگمان : شخص دیگری که پیشگوییهایش غالباً درست در آمده و دانیل لوگان^۱ است . این مرد آمریکایی ابتدا به تئاتر علاقه داشت ، ولی استعداد عجیبش او را به سوی پدیده‌های خسار قاعده سوق داد . پیشگوییهای لوگان ، هم راجع به مسائل شخصی است و هم دربارهٔ مسائل جهانی . روزی با اتومبیل و تریلر سفر می کرد ، ناگهان صدای کسی را شنید که چند بار می گوید :

« بهتر است کمر بندهای ایمنی تان را محکم ببندید » لوگان و دو نفری که همراه او بودند کمر بندها را بستند . اندکی بعد اتومبیل از جاده منحرف و واژگون شد . بستن این کمر بندها جانشان را نجات داد .

زمانی از لوگان درخواست شد در يك برنامهٔ تلویزیونی که از ساعت یازده شب تا يك بعد از نصف شب ادامه داشت شرکت کند . حدود يك هفته قبل احساس بارزی به او دست داده بود که در آخرین دقائق به او تلفن می کنند و از وی درخواست می کنند که جای مهمانی را که نمی تواند در برنامه شرکت کند بگوید . لوگان يك آگهی به روزنامه فرستاد تا در شمارهٔ روز برگزاری برنامه چاپ شود و این آگهی مبنی بر آن بود که وی در ساعت یازده در تلویزیون ظاهر خواهد شد . آنروز عصر ، تهیه کنندهٔ برنامه به لوگان تلفن کرد ، هنوز وی فرصت بیان علت تلفن کردن را نبافته بود که لوگان با سخنان خود او را حیرت زده ساخت . لوگان قبل از او گفت : حتماً

می خواهید به جای یکی از میهمانها که نتوانسته در برنامه حاضر شود شرکت کنم .
خانم تهیه کننده که خود به لوگان تلفن کرده بود با تعجب گفت: بای همینطور است .
لوگان در برنامه شرکت کرد، در حالی که آگهی روزنامه صحت پیشگویی
را ثابت نموده بود .

حتی کسانی که ظاهراً قریحه و استعداد پیشگویی دارند کراراً اشتباه می کنند .
بیشتر اوقات قبل از وقوع رویدادها نمی دانند کدام يك از گفته هایشان درست
درمی آید . ولی استعداد جدا کردن اندیشه های درست از حدسیات خاطرا می توان
با تمرینهای منظم تقویت کرد .

یکی از نکات جالب در این زمینه آن است که گاهی افراد پیش بین در پیشگویی
رویدادهای جهان بایکدیگر اتفاق نظر دارند . یکی از پزشکان کالیفرنیا که به وسیله
ادراك فراحسی ، بیمارها را غالباً درست تشخیص داده است با دانیل لوگان و
ادگار کیس هم عقیده است که در آینده ای نه چندان دور تغییرات ساحلی شدید در
کالیفرنیا و اطراف شهر نیویورک روی خواهد داد . جین دیکسون و دانیل لوگان در دو
می گویند شخصی متولد سال ۱۹۶۲ میلادی در منطقه مدیترانه ، در پایان قرن ، رهبر
مذهبی فوق العاده متنفذی خواهد شد . لوگان و کیس می گویند سرزمینی که
روزگاری جزء قاره آتلانتیس (اطلس) بود در اقیانوس اطلس از آب بیرون خواهد
آمد . خود من (لاری کنل کامپ) خواب دیدم که محل قطبین زمین تغییر کرده است .
مسافت تغییر از روی کره جغرافیایی بین ۵۰۰ تا ۸۰۰ کیلومتر بود . کیس هم
پیش بینی کرده است که جابجایی قطبی ، تغییراتی در زمین پدید خواهد آورد .
اگر گفته های این اشخاص درست باشد ، جنگها و نیز تغییرات زمین شناسی
مشکلات بزرگی در دهه های آینده ایجاد می کنند .

در سال ۱۹۶۷ دکتر جی.سی. بارکر^۱ روانشناس انگلیسی سازمان ویژه‌ای لندن برای مطالعه پیشگوییها تشکیل داد و آنرا « دفتر مرکزی پیش احساسها »^۲ امید. هر کس پیش احساسی دارد می‌تواند نامه‌ای به سازمان مزبور بنویسد و احساس خود را شرح دهد نامه‌های رسیده در پرونده‌های ویژه ضبط می‌شود. از ۴۶۹ پیش احساسی که در سال ۱۹۶۷ به دفتر سازمان ارسال شد، ۱۸ تای آنها پیش‌گویی رویدادهای واقعی بوده است چند پیشگویی درست از جانب یکی از کارگران تلفن به نام آلان هنچر^۳ رسیده بود در یکی از آنها هنچر سقوط هواپیمایی را در یک جزیره یونانی پیش‌بینی کرده بود که ضمن آن ۱۲۴ نفر کشته می‌شوند. چند هفته بعد هواپیمایی در نیکوزیای قبرس سقوط کرد و ۱۲۴ نفر در آن حادثه کشته شدند.

در سال ۱۹۶۸، آر.دی. ناسون^۴ محقق پدیده‌های خارق‌العاده، گروه‌مسابهی موسوم به « دفتر مرکزی پیش احساسها » در شهر نیویورک دایر کرد :
هر کسی می‌تواند نامه‌ای به این دفتر بنویسد و پیش احساس روی داد آینده را در آنجا وارد کند.

سوالی که غالباً مطرح می‌شود این است که اگر الگوهای آینده قابل پیش‌بینی باشند آیا رویدادها را می‌توان تغییر داد؟ جواب ظاهراً بستگی به اهمیت رویداد دارد مسافرانی که قصد سفر با هواپیما یا کشتی داشته باشند، بر اثر پیروزی از رؤیا یا حدسیات خود از مرگ دوری جستند اما هواپیما یا کشتی مورد نظر ممکن است باز هم دچار حادثه شده باشد. جین دیکسون سعی کرد به پرزیدنت کندی درباره قتل آینده‌اش هشدار بدهد ولی در هر حال قتل اتفاق افتاد. ظاهراً امکان تغییر وجود دارد، به طوری که آینده دائماً در حال دگرگونی است. اما در مقیاس وسیع رویدادها اجتناب ناپذیر به نظر می‌رسند.

1 - Dr. J. C. Barker 2 - Central Premonition Bureau

3 - Alan Hencher 4 - R. D. Nelson

بی شک مناسب است که در اینجا چند کلمه‌ای راجع به این انجمن انگلیسی بگوئیم. فقط می‌شود شخصیت و حیثیت آکادمیک صورت رؤسای آنرا که همگی سهمی فعالانه در تحقیقات « ادراک ماورای حواس داشته‌اند ذکر کرد ». مابین آنان سه نفر برنده‌ی جایزه‌ی نوبل، ده عضو انجمن سلطنتی، یک نخست‌وزیر و هده‌ی زیادی از بزرگان دانشگاهی، فلاسفه و فیزیک‌دانان به چشم می‌خورد.

۱۸۸۲ - ۱۸۸۴ هنری سیگویک استاد فلاسفه‌ی اخلاقی در کمبریج.

۱۸۸۵ - ۱۸۸۷ بالفورستوارت استاد فیزیک دانشگاه منچستر.

۱۸۸۸ - ۱۸۹۲ هنری سیگویک.

۱۸۹۳ - آرتور بالفور فیلسوف، نخست‌وزیر، رئیس اتحادیه‌ی انگلیس.

۱۸۹۴ - ۱۸۹۵ ویلیام جیمز روانشناس و فیلسوف دانشگاه هاروارد.

۱۸۹۶ - ۱۸۹۷ ویلیام کروکس کاشف تالیوم، مخترع رابومتر و غیره.

۱۹۰۰ فردریک مایرز فیلسوف که اصطلاحات تله‌پاتی و فوق‌عادی و غیره

مدیون اوست.

۱۹۰۱ - ۱۹۰۳ آلبورلاچ.

۱۰۹۲ ویلیام بارت استاد فیزیک دانشگاه دوبلین.

۱۰۹۵ شارل‌ریشه برنده‌ی جایزه‌ی نوبل پزشکی (۱۹۱۳).

۱۰۹۶ - ۱۰۹۷ جرالد بالفور مرد سیاسی رئیس شورای بازرگانی ۱۹۰۰ -

۱۹۰۵.

۱۰۹۸ - ۱۹۰۹ بانو هنری سیدویگک مدیردی نیونهام کالج کمبریج.

۱۹۱۰ آتور اسمیت حقوقدان.

۱۹۱۱ آندرو لانگ متخصص اساطیر و فولکلور.

۱۹۱۲ بوید کارپنتر اسقف‌رین.

۱۹۱۳ هنری برگس.

۱۹۱۴ شیلر فیلسوف پراگماتیست انگلیسی از آکسفورد ، استاد دانشگاه
لوس آنجلس .

۱۹۱۵ - ۱۹۱۶ گیلبرت موری استاد زبان یونانی در آکسفورد .

۱۹۱۷ - ۱۹۱۸ جاکز استاد فلاسفه‌ی منچستر کالج آکسفورد .

۱۹۱۹ لردرالی برنده‌ی جایزه‌ی فیزیک ۱۹۱۴ کشف آرگن-ون با ویلیام

رازمزی .

۱۹۲۰ - ۱۹۲۱ ویلیام مک دوگال استاد پسیکولوژی در هاروارد و بعد

دانشگاه دیوک .

۱۹۲۲ میچل مدیر مجله‌ی روانشناسی پزشکی انگلیس .

۱۹۲۳ کایل فلاماریون .

۱۹۲۴ - ۱۹۲۵ پیدنیگتون خزانه‌دار انجمن .

۱۹۲۶ - ۱۹۲۷ هانس دیترایش پیشقدم زیست‌شناسی تجربی ، استاد دانشگاه

هیدلبرگ .

۱۹۲۸ - ۱۹۲۹ لارنس جونز (عضو انجمن سلطنتی) .

۱۹۳۰ - ۱۹۳۱ والتر فرانکلین پرایس وکیل حقوقی آمریکائی ،

۱۹۳۲ بانو هنری سیدویگ (رئیس افتخاری) و آلبورلا ج .

۱۹۳۳ - ۱۹۳۴ بانو آلفرد لیتلتون نماینده در مجمع عمومی جامعه‌ی ملل .

۱۹۳۵ - ۱۹۳۶ برود استاد فلسفه‌ی دانشگاه کمبریج ، رئیس انجمن

اوسطاطالیون (۱۹۲۷ - ۱۹۲۸) .

۱۹۳۷ - ۱۹۳۸ لردرالی پسر رئیس سال ۱۹۱۹ فیزیکدان ، رئیس اتحادیه‌ی

انگلیس .

۱۹۳۹ - ۱۹۴۱ پریرس استاد منطق در آکسفورد .

۱۹۴۲ - ۱۹۴۴ تاولس روانشناس دانشگاه کمبریج .

۱۹۴۵ - ۱۹۴۶ تیرل فیزیکدان همکار مار کتی .

۱۹۴۷ - ۱۹۴۸ سالتر فیلولوگ.

۱۹۴۹ - گاردنر مورفی استاد روانشناسی هاروارد .

۱۹۵۰ - ۱۹۵۱ سول ریاضی دان .

۱۹۵۲ گیلبرت موری قبلا ذکر شد .

۱۹۵۳ - ۱۹۵۵ استراتون پروفیسور آسترو فیزیک در دانشگاه کمبریج

وئیس رصدخانهی فیزیک خورشیدی .

۱۹۵۶ - ۱۹۵۸ ژنرال لامبر مؤلف تئوری ژئوفیزیک پولر گالسیتها .

۱۹۵۸ - ۱۹۶۰ برود قبلا ذکر شد .

۱۹۶۰ - ۱۹۶۱ پریس قبلا ذکر شد .

۱۹۶۱ - ۱۹۶۳ دادز استاد زبان یونانی در دانشگاه آکسفورد .

۱۹۶۳ - ۱۹۶۵ وست روانکاو و جنایت شناس .

۱۹۶۵ - ۱۹۶۹ آلیستر هاردی استاد جانورشناسی دانشگاه آکسفورد .

۱۹۷۰ راشتن رئیس مدرسهی پزشکی تربیتی کالج ، استاد فیزیولوژی چشم

دانشگاه کمبریج .

۱۹۷۱ ماندل رئیس قسمت فلسفهی کالج دانشگاهی باگور (ویلز) .

اگر نام نواب رئیس واعضاء دفتر انجمن را به آن اضافه کنیم طومار باز هم

شکوه مندتر می شود . (مثلا اسم ج.ج. تامسن کاشف الکترون جزو آنهاست) .

ولی این صورت خلاصه کافی نشان می دهد که تحقیقات راجع به ادراک ماورای حواس

وسيلهی سرگرمی اشخاص خل و خرافاتی نیست و فکر توطئه از طرف حقه بازان

غیرپوچ است .

یکی از برجسته ترین تجربه کنندگان ماقبل دوردی آماری راین ، پروفیسور

گیلبرت مری بوده است . وی سالها در حوزهی دوستان برجستهی خود «انتقال فکر»

را به عنوان يك سرگرمی سالم انجام می داد . راجع به این تجربیات یکبار در نطق ریاست خود (در انجمن تحقیقات روانی) در ۱۹۱۵ و بار دیگر در تجدید انتخابش در ۱۹۵۲ به آن اشاره کرده است . این بازی اقلاً در حدود بیست سال ادامه داشته است . تجزیه های مفصل تری از آن از طرف بنو و رال سخنان کالج نبوهام در کمبریج و بانو هنری سیدویگ در ۱۹۲۴ داده شده است . در تمام آزمایشها مری نقش سرورهای دریافت کننده را بجا می آورده و اعضاء مختلف جمعیت از عمال بوده اند صورت جلسه ی خانم هنری سیجویک به این عبارت شروع می شود :

آزمایشهای انتقال فکر پروفیسور گیلبرت مری شاید از مهمترین آن باشد که به انجمن ارائه شده است ... جای تعجب است که بیش از این جلب توجه عموم را نکرده است .

در حقیقت گیلبرت مری نه تنها يك قبلو لوگ بزرگ بود بلکه یکی از رجال بود که از حیث شأن هم طراز برتر اندر اسل و از نویسندگان منشور جامعه ی مال بود و انجمن های علمی دنیا او را از افتخارات بسیار بهره مند ساختند . ولسی تجربیات قله پاتی او عمل ناشناخته مانده است . پس جای آن دارد که یکی دو صفحه راجع به او تذکر داده شود و مخصوصاً که بیان آن نشان خواهد داد که محیط آن دوره بامقایسه ی کارخانه ی ورق کشی خیلی تفاوت داشته است . اینك بعضی مستخرجات از نطق ۱۹۵۲ .

از اول بگوئیم که آزمایشهای من متعلق به دوره ماقبل آماری تحقیقات روانی است . ولی نمی توانم به بینم چگونه ممکن است يك بی دقتی مهمی در کار وجود داشته است ... گمان می کنم هر نوع نقلی خارج از موضوع است . هر قدر هم که رفتار ضمیر نا آگاه من مشکوک باشد لازم است که بسیاری از اشخاص قابل احترام هم دست من بوده باشند .

... روش همیشه یکی بود . مرا همیشه از سالن خارج می کردند و باید به راهرو

یا سفره‌خانه بروم . مابقی در سالن می‌ماندند . یکی از آنها موضوعی را انتخاب می‌کرد که با سرعت کلمه به کلمه می‌نوشتند مرا صدا می‌زدند و آنچه من می‌گفتم ثبت می‌شد ...

از ۵۰۵ صورت مجلس اولیه آزمایشها به‌داوری حضار ۰/۶۰ نتیجه قانع کننده بود و ۰/۴۰ منفی . چند مثال از موارد « قانع کننده » را می‌آوریم . (صورت مجلس ابتدا اسم عامل را ذکر می‌کند . بعد فکری را که باید حدس زد بطوری که ثبت شده بود و بالاخره بیانات موری را که در ورود به سالن ادا کرده است) .

کنتس دو کارلیل - سربازان جنگ کریمه مدالهای خود را از ملکه‌ی ویکتوریا در پرس‌گارد اخذ می‌نمایند .

موری - آیا این شاه است که در حال توزیع نشان است ؟ آری به‌نظم این یکنوع نشان دادن است .

کنتس دو کارلیل - لوزیتانیا .

موری - این خبر به‌صورت ضربه به‌من وارد شد . يك احساس موحش غرق است . به‌نظم اژدر خوردن لوزیتانیاست .

روزالیند (دختر موری) - خیال می‌کنم که با وزیر خارجه‌ی هلند در يك قهوه‌خانه‌ی موسیقی لاهه می‌رقصم - موری - تأثیر مبهمی از مسافرت تو - يك چیز رسمی است . به‌نظم يك سواره‌ی رقص رسمی است مثل اینکه در هلند است . مارگارت دیویس - مقبره و مزار مدیسی‌ها یکمرتبه سرد ، بی‌حرکتی مطلق ، تندیس‌های مرمری که گویا تمام شب آنجا بوده‌اند .

موری - نمی‌دانم این است :: مثل اینکه صحنه‌ای از شعر من نفر کپتا Nefprk epta است که انسان از راهرو به راهرو می‌رود تا يك تالار عمیقی که در آنجا نفر کپتا با سایه‌ی زنش و اولادش که پهلوی او نشسته‌اند ... قرار دارند ولی خیال

میکنم که هلندی است .

(موری توضیح میدهد « شعر من از يك حکایت مصری ترجمه شده بود ولی من حس میکردم که سوژه مصری نیست » وی در نطق خود چنین می گوید) :
واضح است که تأثیر شخصی سوژه هیچ چیز را بیان نمیکند ولی من واقعاً گمان میکنم که در غیبت گوئیهای من يك خاصیت تقریباً جهانگیر وجود دارد که آنرا جز بوسیله تله پاتی نمیشود تغییر داد .

این پیش گوئیها همیشه با يك کیفیت مبهم و يك محیط احساسی شروع می شود حتی وقتی به نتیجه نرسیم احساس محیط برجاست .

به عبارت دیگر يك ایده و یا يك تست اطلاع نیست که به من فرستاده میشود بلکه بیشتر يك احساس یا يك هیجان است و قابل توجه است که من هیچوقت توفیق قیافه ام که به طور ساده ورقها یا ارقام با صحنه های بی تفاوتی را حدس بزنم .

حالا ببینیم که از تله پاتی چه می فهمیم . گمان میکنم بیشتر اشخاص میان ما در این انجمن میخواهند مثل برگسن فکر کنند که شاید این يك پدیده ایست غیر مشهود ولی جاری در زندگانی عادی مخصوصاً میان اشخاص نزدیک بهم . میدانیم اغلب اتفاق می افتد که دو نفر در يك آن به يك چیز فکر میکنند .

گفتار ششم

آزمایشاتی که شما می‌توانید دربارهٔ تله‌پاتی خودتان انجام دهید

محل آموزش اینکه شما بتوانید آزمایشات تله‌پاتی را انجام دهید ، در همین قسمت گفتار ششم است ، بابت دلیل که :

در گفتار اول داستانهای دربارهٔ تله‌پاتی خواندید ، که از شرح و تعریف داستان و نتایج آنها شمارا تا حدودی با چگونگی اتفاق و در نتیجه آموزش و یادگیری تله‌پاتی آشنا کرد .

در گفتار دوم کتابهایی معرفی شد اعم از انگلیسی و فارسی که در آنها وقایع و داستانهای دیگری وجود داشت ، که بشکل دیگر و بنحوی دیگر شمارا با تله‌پاتی و آموزش‌های آن آشنا کرده است .

گفتار سوم شامل آزمایشهای علمی نگارنده بوده که بسیار دقیق تشریح شده است ، که شما می‌توانید همین گفتار سوم را چندبار مطالعه و دقیقاً همان آزمایشها را تکرار کنید . که کلمه به کلمه و موبه موبه شما آموزش داده است که چگونه آزمایشهای مربوط به تله‌پاتی را انجام دهید .

ولی گفتار پنجم که شرح حال آزمایشهای سایر دانشمندان جهان است ، جزئیات عملی آزمایشها بیان نشده است ، که بنابراین شما نمی‌توانید از گفتار پنجم در خصوص آزمایشهای عملی تله‌پاتی استفاده کنید .

به گفتار چهارم برمی‌گردیم ، که گفتار چهارم مبحث و درس عملی است که شما بخوبی قادر خواهید بود با چندبار مطالعه عیناً همان آزمایشها را تکرار کنید و به نتیجهٔ مطلوب برسید و نتایج آزمایشهای خود را هم برای نگارنده فرستید که در کتابهای بعدی چاپ شود .

شما تله پات نخواهید شد

تصور نکنید که اگر شما آزمایشهارا خودتان با موفقیت روی دیگران آزمایش کردید خودتان هم قادر خواهید بود که دارای استعداد تله پاتی بشوید ، امکان دارد برخی اشخاص بسیار معدود و کم تا حدودی بطور تصادفی دارای این استعداد بشوند ، ولی بیاد داشته باشید آزمایش تله پاتی روی دیگران باعث نخواهد شد که شما خودتان هم دارای قدرت تله پاتی بشوید . کما اینکه در حال حاضر در سراسر ایران خیلی ها هستند که دیگران را هیپنوتیزم می کنند ، ولی قادر به هیپنوتیزم کردن خودشان نیستند . گفتار و مبحثی که شما بتوانید شخصاً قدرت تله پاتی داشته باشید ، درس و مطالب و فرمول ها و قوانین دیگری است که در این قسمت یاد می گیرید ، که تحت عنوان قادر بودن استعداد تله پاتی در اجتماع روزانه زندگی ایران شروع میشود .

قادر بودن استعداد تله پاتی در اجتماع زندگی روزانه

چرا؟

روزانه ، امواج تله پاتیک فکری ما را اقوام ، دوستان ، اطرافیان

چرا؟

در زندگی روزانه ، امواج تله پاتیک فکری اقوام ، دوستان و اطرافیان
چرا به مغز ما منتقل نمی شود؟

چه کسانی؟

چند درصد؟

در چه مواقعی؟

در کجا؟ و در چه حالی، امکان دارد، موضوع انتقال فکر یا تله پاتی انجام شود؟

اگر بخواهیم در انتقال فکر و تله پاتی به حداکثر درجه رضایتبخشی برسیم چه باید بکنیم؟

چه باید بکنیم تا در تله پاتی به حداکثر موفقیت برسیم؟

نتیجه پابانی این قسمت، یعنی تله پاتی برای شما اعجاز انگیز است، زیرا روشی به شما آموزش داده خواهد شد، که شما بمحض اینکه، به چهره و چشمان هر کس نگاه کردید بتوانید، افکار او را بخوانید، بدون اینکه طرف مقابل حرفی بزند و صحبتی بکند، افکار او را بخوانید، بدون اینکه شخص روبروی شما حرف بزند صدای او را، صحبت های او را، نقشه و برنامه او را در مغزش، در درونش، در باطنش بخوانید، و به او خواهید گفت: « شما هم اکنون دارید به چه چیزی فکر می کنید! هر چه روی کاغذ مخفیانه بنویسد، خواهید فهمید، هر چه توی کیف و جیب هایش داشته باشد، می بینید، هر کس در نوع سوء نیت، یا حسن نیت و هر برنامه ای نسبت به شما داشته باشد متوجه خواهید شد.

اسرار مهم و اصلی رسیدن به تله پاتی کامل

پیش سالیان دراز: سالها است که بسیاری از مراجعین این سؤال را از من می کنند، سؤال اینست برای رسیدن به تله پاتی کامل، فهمیدن و خواندن افکار دیگران چه راهی است؟ چه باید کرد؟

حالا در این قسمت، در این بخش تله پاتی من اسرار آنرا برای شما فاش می کنم. ولی تصور نمی کنم، غیر از نگارنده (کابوک) شخص دومی وجود داشته باشد که از اسرار اصلی آن مطلع باشد.

برای رسیدن به قدرت تله‌پاتی مطلق لازم است دو راه طی شود ، دو کار انجام شود .

اول - دانستن سرا کبر .

دوم - ذکرى از اذکار علوم غریبه .

من شما را تا رسیدن به سرحد و رمز راهنمایی و هدایت خواهم کرد ، وای احتمالاً ، لب‌مرز متوقف خواهید شد ، زیرا نمیدانم که آیا شما صلاحیت اخلاق قرائت افکار دیگران را دارید یا خیر ؟

شما انصاف میدهید که فاش کردن همه اسرار ، گفتن همه حقایق ، برای همه کس صحیح نیست .

شخص فاقد صلاحیت که میخواهد از دانستن راز و فن کامل تله‌پاتی ، مرتکب خلاف و جرائم مختلف شود ، سرقت کند ، سوء استفاده‌های جنسی ، اجتماعی ، خانوادگی نماید و بطور کلی از دانستن اسرار تله‌پاتی در راه شیطانی استفاده نماید صحیح نیست .

حالا شما ، تا سرحد مرز این اسرار بزرگ همراه من بیایید ، در نقطه پایانی ملاقاتی بامن داشته باشید ، چنانچه تشخیص دادم که جنابعالی دارای صلاحیت اخلاقی ، اسلامی ، انسانی و شایستگی کامل هستید ، آخرین « فن » را هم بشما آموزش خواهم داد .

آزمایشاتی که شما انجام میدهید: آزمایشاتی که شما انجام داده یا میدهید، تله‌پاتی و اسرار آنرا بشما آموزش نخواهد داد ، بلکه فقط برای شما ثابت میشود که تله‌پاتی وجود دارد .

وقتی شما آزمایشانی انجام دادید و برای شما ثابت شد که تله‌پاتی وجود دارد ، شما قادر نیستید بلافاصله هر وقت با هر کسی ملاقات می‌کنید ، از افکار او مطلع شوید .

کما اینکه همه آزمایش کنندگان روسی و آمریکائی و اروپائی نیز ، هنگام آزمایش امواج تله پاتی بامغزی آزمایش شونده را می گرفتند ، ولی هیچگاه قادر نبودند ، در هر لحظه و در هر وقت ، در هر ثانیه ، هر کس را که می دیدند ، فوراً و دقیقاً بگویند به چه چیز فکر می کند .

در حال حاضر نگارنده این سطور نیز چنین وضعی را دارم ، خود را در يك یا در چند جلسه آخر شبها هیپنوتیزم می کنم ، که فلان شخص در هر کجا و در هر نقطه ای هست در يك یا چند روز دیگر نزد من بیاید ، و یا از افکار من مطلع شود ، یا مطابق میل من رفتار نماید ، صد درصد اینطور هم خواهد شد ، ولی این دلیل نمی شود که در هر ثانیه و در هر لحظه هر کس را که می بینم فوراً به او بگویم :

شما هم اکنون به چه چیز فکر می کنید ؟

چه نقشه ای برای خود و آینده در مغز می پرورانید ؟

در جیب های خود چه دارید ؟

در داخل دفتر چه یادداشت خود چه نوشته اید ؟

چرا اینجا آمده اید ؟

چقدر در جیب ها و یا کیف خود پول یا اشیاء دیگر دارید ؟

چرا نمیتوانم بگویم ؟

علت و سبب و دلیل دیگری دارد ، علم دیگری است ، اسرار دیگری دارد ، که باید جداگانه فرا گرفته شود ، و ما در زیر این درس جدید ، این اسرار بزرگ ، این فن جهانی ارزنده و بزرگ را بشما آموزش خواهیم داد ، ولی نه تا سر حد تمام و کمال ، بلکه فقط با اصطلاح عامیانه « از چهل راز و فوت ، فن کوزه گری فقط ۳۹ فن آن را بشما آموزش خواهیم داد » و فن آخر پس از ملاقات بیان خواهد شد .

درس را شروع کنیم : قبل از اشاره کردیم که برای قرائت یا خواندن انکار

دیگران لازم است دوره طی شود.

اول - دانستن سر کبر.

دوم - ذکر از اذکار علوم غریبه.

اول

دانستن سر اکبر

سر اکبر : رازی است که دانستن آن میلیون‌ها دلار ارزش دارد.

«سر اکبر» را با دلار و طلا و گنج نمی‌توان قیمت گذاری کرد.

برخی معنویات و عرفانیات و الهیات هستند که با پول قابل مقایسه نیستند و

یکی از آنها «سر اکبر» است.

«سر اکبر» همان راز و اسراری است که شما سالها است بدنبال دانستن

آن هستید.

شما تا بحال به دنبال شبی یا چیزی بودید که خود نمیدانستید چیست ؟ وای

مایل بودید ، آن ابهام نامعلوم ، هویدا شود و شما را به همه آرزوهایتان برساند ،

آن ابهام نامعلوم ، همین «سر اکبر» است.

تصور نمی‌رود در حال حاضر در دنیا بالاتر از «سر اکبر» دامل معنوی، روحانی

و عرفانی قانع کننده تر و راضی کننده تر دیگری باشد.

چند سطر مطالب فوق بنام مقدمه و پیشگفتار، حالا شما را تحریک و تهییج کرده که

با دقت خارق العاده و بیشتری ، بقیه مطالب زیر را مطالعه کنید ، تا ببینید این رازی

که بدنبال آن بودید چیست ؟

آیا صحت دارد ؟ چگونه و چه شکل فلسفه ، علم یا عرفانی است ؟ و چه

فایده‌ای برای شما می‌تواند داشته باشد ؟

آیا می‌تواند حلال مشکلات شما باشد؟ آیا می‌تواند باری از دوش شما بردارد؟ آیا می‌تواند شمارا به اهداف دورترتان برساند؟

حالا باهم ، قدم و گام در این اقیانوس بیکران میگذاریم ، اقیانوسی بنام «سراکبر» که به عظمت همه آسمانها است . باتوجه به مقدمه بالا ، حالا شما آنچنان مشتاق ، تحریک و تهییج شده‌اید که هم اکنون آماده‌اید ، که مطالبی را که درباره «سراکبر» در زیر نوشته میشود ، نقطه به نقطه و کلمه به کلمه آنرا به بلعید ، لمس کنید ، حس کنید .

سراکبر چیست ؟

اول همه مذاهب جهان «سراکبر» فلسفه ، علم ، عرفان ، یا عاملی روحی ، روانی ، عصبی و مغزی است که همه مذاهب جهان یا از آن استفاده کرده‌اند ، و یا درذرات ، نهان ، ضمیر و ماهیتشان بوده است .

همه مذاهب جهان باین معنی است ، که مثلا درچین از بدو پیدایش تاریخ چین تا کنون که دهها مذاهب مختلف بوجود آمده‌اند ، همه آنها ازاین راز بزرگ استفاده کرده‌اند .

همچنین در سراسر قاره آسیا که شامل هندوستان ، هندوچین ، پاکستان ، افغانستان ، ایران و عراق و دهها کشور دیگر میباشد همه آنها از بدو پیدایش تاریخشان ازاین راز بزرگ استفاده کرده‌اند .

عبارت « همه مذاهب جهان » شامل مذاهب قاره‌های آسیا ، استرالیا ، آمریکا ، آفریقا با همه کشورهایشان نیز میباشد ، مسیحیت با همه شعبات و انشعابات مختلف آن کلیسی ، یهود ، پروتستان ، همه و همه آنها از بدو پیدایش تاریخشان از «سراکبر» استفاده کرده‌اند .

از گفتار و مقدمه بالا شما این نتیجه را می‌گیرید که باید «سراکبر» عالمی ،

رازی عجیب ، بسیار خارق‌العاده ، بسیار ارزنده با عظمت ، کیهانی و جهانی باید باشد همین‌طور هم هست ، حالا به‌بقیه ماجرا گوش کنید :

دوم - همهٔ پیامبران جهان : «سراکبر» فلسفه ، علم ، عرفان ، باعملی روحی ، روانی ، عصبی و مغزی است که همهٔ پیامبران جهان یا از آن استفاده کرده‌اند، و یا این راز بزرگ در نهاد ، ضمیر ، درون ، باطن و ماهیتشان بوده‌است. همهٔ پیامبران باین معنی است که به‌عقیدهٔ ما مسلمانان یکصد و بیست و چهار هزار پیغمبری که تا بحال به پیغمبری رسیده‌اند ، از این راز بزرگ استفاده کرده‌اند و یا این راز بزرگ در نهاد ، ضمیر و باطنشان بوده است .

همهٔ پیامبرانی که از هندوستان ، چین ، ژاپن ، اروپا ، امریکا و سایر قاره‌ها و کشورهای جهان به پیغمبری مبعوث شده‌اند .

از این گفتار باز هم نتیجه میگیریم که :

این «سراکبر» باید عظمتی ، عرفانی ، کیهانی باشد

سوم - همهٔ عرفا ، معجزه‌کنندگان و کرامت‌کنندگان : در سراسر جهان تمام کسانی که به کمالات عالی عرفانی و روحی رسیده‌اند که توانسته‌اند شفا بخشی کنند ، معجزه کنند ، کرامت کنند ، همه و همه از این راز بزرگ بنام «سراکبر» استفاده کرده‌اند .

باز هم به این نتیجه میرسید که :

این «سراکبر» باید عظمتی ، عرفانی ، کیهانی باشد

چهارم - همهٔ استادان علوم غریبه : همهٔ استادان واقعی علوم غریبه که ادعای طی‌الارض تله‌پاتی ، روشن‌بینی ، آینده‌نگری ، شفا بخشی ، غیبه و غیره دارند همه بدون استثناء از این راز بزرگ بنام «سراکبر» استفاده کرده‌اند .

بازهم به این نتیجه می‌رسید که :

این «سراکبر» باید عظمتی، عرفانی، کیهانی باشد

پنجم نوابغ و مخترعین: همه نوابغ و مخترعین بزرگ و مشهور جهان ، نوابغ ریاضی ، فیزیک ، شیمی ، الکترونیک ، فضائی ، زمینی ، دریائی همه و همه در کشفیاتشان از این راز بزرگ بنام «سراکبر» استفاده کرده‌اند ، البته این استعداد را هم داشته‌اند که بتوانند از این راز کیهانی والهی استفاده کنند.

بازهم به این نتیجه می‌رسید که :

این «سراکبر» باید عظمتی ، عرفانی و کیهانی باشد

ششم - همه شعرا و نویسندگان : در جهان شعرا و نویسندگان استثنائی پیدا شده‌اند که شهرت آنها و نتایج کارشان ابدی و ازای بوده‌است ، سعدی ، حافظ ، فردوسی ، شهریار ، ملک الشعراء بهار ، اناتول فرانس پادشاه نقر فرانسه ، شکسپیر شاعر جهانی و ابدی انگلستان و ده‌ها و صدها شاعر و نویسنده دیگر در امریکا ، اروپا و سایر کشورها و قاره‌های جهان ، که با سایر شعرا و نویسندگان فاضل که نبوغ و استعداد آنها بی‌نهایت زیاد بوده است ، این گروه از شعرا و نویسندگان این شباهتگی را پیدا کرده‌اند که بتوانند از «سراکبر» استفاده کنند .

بازهم نتیجه می‌گیرید که :

این «سراکبر» باید عظمتی ، عرفانی و کیهانی باشد

هفتم - فیلمسازان ، هنرمندان ، هنرپیشگان ، پیس نویسان : هنرپیشگی و هنرمندی گرچه ریشه تاریخی و قدیمی دارد و داشته است ، ولی در قرن بیستم ، به فیلمسازانی برخورد می‌کنیم که توانسته‌اند. نبوغ این قبیل هنرپیشگان و

هنرمندان را چون خورشیدی درخشان در جهان جلوه گر سازند ، کمتر کسی است که نام « چارلی چاپلین » را نشنیده باشد .
اینها و این دو گروه نیز نبوغ استثنائی و آسمانی خود را مدیون « سراکبر » باید بدانند .
نتیجه آنکه :

«سراکبر» باید عظمتی ، عرفانی ، الهی و کیهانی باشد

هشتم - نقاشان و مجسمه سازان : کمتر کسی است در دنیا که نام « میکل آنژ » ، کمال الملک و نظایر آن را در تاریخ جهان نشنیده باشد ، صفحات تاریخ مزین است با نام نوابغ ، نوابغ از ابنقیل نقاشان و مجسمه سازان که باعث افتخار ابدی و ازلی بشریت در جهان بوده اند ، وشکی نیست که این گروه و دسته هم از این راز بزرگ بنام «سراکبر» استفاده کرده اند .
باز هم به این نتیجه میرسید که :

«سراکبر» عظمتی است الهی ، عرفانی و کیهانی

نهم - پایه گزاران تاریخ پزشکی : دردنیای پزشکی نیز بشرپشرفتهای پزشکی خود را مدیون کشف پزشکان ، جراحان ، میدانند که آنان را از مرگ گروهی ، جهانی و بلای همگانی نجات داده اند ، کمتر کسی است که نداند وبا ، سل ، طاعون ، حصبه وقتی در کشوری پیدا میشد چه بیداد و کشتاری در جهان میکرد ، کمتر کسی است که ارزش انسانی خدمات پاستور و کخ و کشفین پنی سیلین ودها کشف دیگر را در زمینه پزشکی نداند .

این انسان پرستان نیز زحمات و کشف خود را مدیون این راز بزرگ یعنی «سراکبر» میدانند .

نتیجه :

«سراکبر» عظمتی است ، عرفانی ، گیهانی و الهی

دهم - امپراطوران و فرماندهان بزرگ نظامی جهان : در تماریخ نظامی به مردان استثنائی برمیخوریم که واقعاً عجیب و خارق العاده بوده اند ، «نادرشاه» ناپلئون ، چنگیز ، تیمور ، از این قبیل بوده اند که نبوغ نظامی آنها مدیون «سراکبر» بوده است .

تعریف «سراکبر»

حالا جنون وار اشتیاق دارید که بدانید تعریف «سراکبر» چیست ؟ برخلاف عظمتی عجیب و خارق العاده ای که «سراکبر» دارد ، تعریف آن بهمان نسبت بسیار ، بسیار ساده و در چند کلمه خلاصه میشود ، ولی لازم است بعداً باین چند کلمه ، چند کلمه دیگر افزوده شود ، که عمیق تر و صحیح تر مفهوم شود .

«سراکبر» عبارتست از متوقف کردن فکر

به چه دلیل کلمه مذاهب پیامبران و سایر نوابغ مشهور جهان خواسته اند از توقف فکر استفاده کنند و یا ، در اثر تمرین و ممارست و نبوغ داخلی توقف مطابق فکر بسراغ آنها آمده است .

اولین و مفیدترین و مؤثرترین دستور هر مذهبی این بوده که هنگام انجام مراسم مذهبی ، باید «حضور قلب» داشت ، مغز از هر نوع اشغال فکری مادی و اجتماعی خالی باشد ، مفهوم توقف فکر جز این نبوده است .

دستور همه پیامبران نیز همین بوده است ، اگر در مراسم مذهبی حضور قلب و حضور ذهن و فکر از افکار مادی و اجتماعی تخلیه نباشد ، آن مراسم مذهبی خم

و راست شدنی بیش نیست .

هنگام خواندن گنیت مذهبی و انجام مراسم دعا اگر حضور ذهن و حضور قلب نباشد ، هیچ اثری ندارند .

اگر هر کاشف و مخترعی هنگام انجام کار ، این تمرکز و توجه و تخلیه مغزی را نداشته باشد ، نتیجه کارش صفر است .

معنی اصلی و واقعی توقف فکر : معنی اصلی و واقعی « سراکبر » فقط به کلمه « توقف » فکر خاتمه نمی پذیرد ، معنی آن هزاران هزار جلد کتاب ، بحث ، فلسفه ، گفتار و بیان است که بشر از روزیکه خود را شناخته درباره آن صحبت و بحث کرده است .

جهان پراز میلیون راز و رمز که همه در قلب بزرگ کیهان نهفته است در نتیجه هنگامیکه مغز از افکار ساده ، پوچ و بی ارزش اجتماعی و مادی پر است این راز و رمزهای کیهانی نمیتوانند وارد مغز شوند ، و یا مغز قادر است آنتن های خود را متوجه ، میلیون ها قانون ، فرمول موجود در قلب جهان بزرگ کند . این اشاره کوچک باید شمارا باخود وارد اقیانوس بیکران حقایق علمی بزرگی کند که همه از وراء و پشت سر این عبارت « توقف » فکر خوابیده است .

آنتن های مغزی می توانند از تك تك سیارات جهان الهامی خاص بگیرند آنتن های مغز می تواند ، ازدنیای دوم کیهان و جهان و از تك تك آنها و مولکولهای همه دنیای بزرگ و میلیون ها نوع الهام ، بخصوص الهام در رشته و تخصص خاص خود بگیرد و این عمل میسر نیست مگر هنگامی که آن نابغه بزرگ سالها در زمینه توقف و جذب اسرار از آسمانها تمرین و ممارست کرده باشد .

حالا لازم می آید ، عبارت تعریف « سراکبر » را بیشتر تعمیم و توسعه دهیم :

«سراکبر» عبارت است از متوقف کردن فکر در «خود آگاهی» و «ناخود آگاهی» در خود آگاهی : چنانچه افکار در «خود آگاهی» متوقف شود شخص به موفقیت‌های مادی ، اقتصادی ، اجتماعی و سیاسی زندگی روزانه خود میرسد ، در واقع به «خلق ، جلق ، دلق» زندگی اجتماعی که در آن غرق است . در کسب و تجارت موفق میشود :

در همه اینها اکثر هر نوع معامله ، نقشه و طرح و برنامه زندگی خود موفق میشود ، در واقع همان مسائل ، مطالب و موضوعاتی که در مقدمه و اوائل این کتاب بیان شده است .

در ناخود آگاهی : چنانچه افکار «ناخود آگاهی» متوقف شود ، شخص به کرامات ، معجزات ، عرفان ، کمالات عالی و روحی و در کایه امور دنیای دوم موفق خواهد شد ، یعنی قادر خواهد شد ، دارای قدرت تله پاتی باشد ، روشن بین باشد ، آینده نگر باشد ، شفا بخش باشد ، اشیاء و اجسام را در هر جا و هر شکل حرکت دهد ، بهر نوع آرزو و خواسته که بخواهد سهولت برسد ، از کلیه سرنوشت و اخبار جهان مطلع باشد .

در واقع بحالات کمالات عالی روحی نزدیک خواهد شد که پیامبران بآن رسیده بودند .

بعبارت معروف :

از عبادت نمی توان الله شد

می توان موسی کلیم الله شد

حالاً لازم است بطور خیلی مختصر درباره «خود آگاهی» و «ناخود آگاهی»

توضیحی داده شود .

کشف بزرگ فروید : در قرن بیستم ، کشف بزرگ فروید که آنرا معادل اتم میدانستند ، کشف دنیای «خود آگاهی» و «ناخود آگاهی» بود که تاکنون هم مورد قبول و تأیید همه روانشناسان و دانشمندان جهان میباشد . فراموش نکنید

که فروید دربارهٔ سه مسئله ، سه قضیه اظهار نظر کرد .

اول دربارهٔ خدا : که مورد قبول جهانیان قرار نگرفت .

دوم - امور جنسی و سکسی : که آنهم باز مورد تأیید واقع نشد .

سوم - دنیای «خود آگاهی» و «ناخود آگاهی» که صد درصد علمی بوده و مورد قبول قرار گرفته است .

بنابراین از زمان فروید تا بحال نه تنها هزاران بلکه میابونها جلد کتاب دربارهٔ «خود آگاهی» و «ناخود آگاهی» در جهان به همهٔ زبانهای مختلف نوشته شده است ، و در ایران که از نظر تألیف و چاپ و ترجمه ضعیف ترین کشوردای جهان است ، شاید لااقل ۲۰۰ تا ۳۰۰ صفحه کتاب در بساره فروید و عقاید او دربارهٔ «خود آگاهی» و «ناخود آگاهی» نوشته و ترجمه شده است .

اگر بخواهید این دو مبحث و مسئله یاد شده را بطور مختصر ، ولی بسیار کامل و خوب بفهمید ، کافی است به کتاب « روانشناسی هیپنوتیزم » تألیف نگارنده قسمت «ماهیت هیپنوتیزم» بخش چهارم تحت عنوان سیر قهرائی هیپنوتیزم مراجعه کنید ، که در حدود ۸۰ صفحه دربارهٔ «خود آگاهی» و «ناخود آگاهی» توضیح داده شده است ، که در اینصورت ، نقش «خود آگاهها» و «ناخود آگاهها» را در توقف فکر بخوبی خواهید فهمید .

نود درصد احتمالات عصبی و روانی فعلی زائیدهٔ : عدم توقف فکر یا عبارت عکس معلول نشئت و پراکندگی فکر است .

دربارهٔ بیماریهای جسمی و روانی تقسیم بندی های زیادی در کتابهای روانپزشکی شده است ، ولی بطور ساده و مختصر در اینجا به دو گروه مهم تقسیم می کنیم :

گروه اول - بیماریهای جسمی و ارگانیک که ریشه و علت آنها جسم است ، مانند ، درد گوش ، درد چشم ، درد سایر اعضا بدن ، بیماریهای میکروبی ، دردهای

سایر اعضاء بدن که در اثر تصادفات و غیره بوجود آمده‌اند و بیماریهای میکروبی نظیر حصیه ، وبا ، طاعون ، و بسیاری بیماریهای دیگر که بهر حال ریشه و علت آنها با میکروب‌ها هستند ، و یا جسمی و عضوی وارگانیک میباشند .

گروه دوم - بیماریهای با اصطلاح روانی : که در اینجا ما آنها را فکری ، عصبی ، روانی و روحی می‌نامیم . که علت و ریشه اصلی آنها همان فکر و روان هستند که فقط و فقط در اثر ناتوانی در «عدم توقف» فکر بوجود می‌آیند .

چگونه و چگونه ؟

اول - زندگی اجتماعی دارای یک سری جنگ و مبارزات روانی است که فاشی از اختلافات خانوادگی ، اختلافات اجتماعی ، محیط کار ، اقتصادی ، سیاسی ، فاشی از برخوردهای نامناسب در معاملات و هر گونه اصطکاک می‌باشد .

دوم - این قبیل اختلافات اجتماعی و خانوادگی تولید فکر و خیال در مغز می‌کند . شبانه روز شخص بآنها فکر می‌کند ، نقشه می‌کشد ، معذب و ناراحت است .

سوم - این قبیل افکار دائمی و شبانه روزی ، فقط اثر فکر کردن و اندیشیدن ندارند ، بلکه بطوریکه ، بطور مفصل در کتاب روانشناسی هیپنوتیزم مطالعه کرده‌اید این افکار به نسبت شدت و ضعف خود ، در کلیه اعضاء بدن تنش و اسپاسم تولید مینماید که اصطلاح عادت‌ی آنها فشار عضوی و عضلانی است که ایجاد ، درد و مریضی مینماید ، مانند ، میگرن ، وسواس ، اختلافات گوارشی ، تنگ نفس . که ما در اینجا تعداد پنجاه مورد آنرا نام می‌بریم ، باین دلیل که شما بدانید که این پنجاه مورد ، باتوقف فکر و تمرکز فکر معالجه میشوند ، و این اولین و مهمترین فواید توقف فکر است .

زیرا وقتی راز بزرگ توقف فکر را یاد گرفتیم ، کلیه این بیماریها در زمانی دیر یا زود بطور کلی معالجه شده و از بین می‌روند .

علت و ریشه اصلی بیشتر ناراحتی‌ها تشنت و پراکندگی فکر است، خود هیپنوتیزم بطور اعجازانگیز ایجاد تمرکز فکر و نموده، حافظه را قوی و کلیه استعدادهای باطنی را پرورش میدهد. اختلالاتی که در اثر تشنت فکر بوجود می‌آیند بقرار زیر هستند، لطفاً سمت راست هریک از اختلالاتی که در شما وجود دارد يك ضربدر (X) بگذارید. اگر شدید است سه ضربدر (X X X) و اگر خفیف است يك ضربدر (X) و اگر متوسط است دو ضربدر (X X) بگذارید.

- ۱- تشنت و پراکندگی فکر
- ۲- ضعف حافظه
- ۳- بی میلی به درس و تحصیل
- ۴- بی میلی به کار و فعالیت کردن
- ۵- میل به بطلالت و وقت گذرانی
- ۶- تنبلی و بی میلی به ورزش
- ۷- پر خوری
- ۸- کم خوراکي و بی اشتهايي
- ۹- عصبانیت و عدم توانائی کنترل خود
- ۱۰- خستگی و کسالت دائمی و همیشگی
- ۱۱- ناراحتی‌های بی دلیل
- ۱۲- پریشانی و افسردگی
- ۱۳- اضطراب و دلهره
- ۱۴- زودرنجی
- ۱۵- احساس حقارت
- ۱۶- ترس‌های مختلف و مبهم
- ۱۷- ترس از آینده
- ۱۸- بدبینی و سوءنات
- ۱۹- احساساتی و حساس بودن
- ۲۰- بی رحم و بی عاطفه بودن
- ۲۱- بیش از حد دلسوز و عاطفی بودن
- ۲۲- غمگینی و افسردگی
- ۲۳- اعتیادات
- ۲۴- کمروئی و خجالتی
- ۲۵- بی ارادگی یا ضعف اراده
- ۲۶- خستگی فکری و جسمی
- ۲۷- سهل انگاری و به تأخیر انداختن کارها
- ۲۸- دردهای عصبی برخی از اعضا بدن
- ۲۹- سردمزاجی عاطفی
- ۳۰- افراط در خود ارضائی
- ۳۱- انحرافات گوناگون تمایلات
- ۳۲- ضعف اعصاب یا خستگی
- ۳۳- هیجان و التهاب
- ۳۴- بی تصمیمی و عدم توانائی در اتخاذ

- | | |
|--|--|
| ۳۵ - وسواس های عملی و کاری | ۳۶ - وسواس های فکری و شک و تردید |
| ۳۷ - لاغر شدن | ۳۸ - چاق شدن |
| ۳۹ - سردردهای عصبی | ۴۰ - بیخوابی شبها |
| ۴۱ - یأس و ناامیدی نسبت به زندگی و آینده | ۴۲ - حسادت نسبت به افراد و اطرافیان |
| ۴۲ - سکوت و کم حرفی | ۴۳ - خودخوری و در خود فرو رفتن |
| ۴۶ - پر حرفی | ۴۵ - میل به تنهایی و گوشه گیری |
| ۴۸ - تیک ها یا لرزش برخی از اعضاء بدن و صورت | ۴۷ - لکنت زبان |
| ۵۰ - احساس بره ای نامتناسب در بدن | ۴۹ - عدم توانائی نگاه کردن به صورت و چشمهای دیگران |

حالا این بحث اجباراً پیش می‌آید که بدانیم فرق بین توقف فکر و تمرکز
فکر چیست ؟

اختلاف بزرگ جهانی

مخالفت همه دانشمندان جهان درباره توقف فکر
استادان بزرگ یوگای هندی کلید و راز توقف فکر را کشف کردند



وقتی سالها پیش استادان بزرگ یوگای هندی راز توقف فکر در «سراکبر»
را کشف کردند، همه دانشمندان جهان بمخالفت برخواستند ، زیرا استدلال می -
کردند ، که ما هرعضوی ازاعضاء بدن خود را می‌توانیم متوقف کنیم ، نگاد داریم ،
از حرکت باز داریم ، ولی قادر نیستیم ، افکار خود را متوقف کنیم ، نگاه داریم .
مثلا ، می‌توانیم چشمهای خود را به بندیم که نبیند ، گوشهای خود را مسدود
کنیم که نشنود ، دستها و پاهاى خود را نگاه داریم که حرکت نکنند ، ولی قادر نیستیم
« افکار خود را متوقف » کنیم ، که مشکلات و گرفتاریهای زندگی چه خوب ، چه
بد وارد آن نشود .

ولی استادان بزرگ یوگای هندی اظهار کردند که ما هم « قانون توقف فکر »
را در « سراکبر » کشف کرده ایم .

حالا این فکر بمنز شما خطور می‌کند ، که فرق بین « توقف فکر » و « تمرکز
فکر » چیست ؟

فرق بین توقف فکر و تمرکز فکر

این بحث نیز ، جالب ، شیرین و شنیدنی است ، که خواندن کلمه به کلمه آن برای شما شنیدنی بوده و تازگی دارد . ولی چه خوب بود که قبل از مطالعه این چند سطر کتاب خودهیپنوتیزم را که در باره تمرکز فکر است مطالعه کرده بودید .

۱ - احساس محیط : پرتوجو هنگام تمرین تمرکز فکر محیط را احساس می کند ، ولی هنگام « توقف فکر » محیط را احساس نمی کند . مثلاً پرتوجو متوجه است که در فلان اطاق ، فلان محل و فلان خانه نشسته ، که این اطاق مبله و دیوار - های آن چهرنگ است و متعلق به چه کسی میباشد . ولی هنگام توقف فکر ، متوجه نیست که در کجا است ، کدام منزل ، کدام محله است .

۲ - احساس زمان : پرتوجو هنگام تمرین تمرکز فکر زمان را احساس می کند ، ولی در توقف فکر زمان را احساس نمی کند . مثلاً میدانند هم اکنون ساعت ۹ شب روز پنجشنبه است که مشغول تمرین تمرکز فکر میباشد ، و دارد به شمع نگاه می کند ، یا حرکات یوگا را انجام می دهد ، یا به نقطه سیاه نگاه می کند ولی در « توقف فکر » پرتوجو زمان را حس نمی کند ، نمی داند چه ساعتی است ، در کجا است ، وجه روزی است .

۳ - احساس وجود خویش : پرتوجو هنگام تمرینات تمرکز فکر که در کتاب « خود هیپنوتیزم » نوشته شده ، وجود خویش را احساس می کند ، یعنی اگر سوزنی بپزد او فرو کنند می فهمد ، صداها را می شنود ، اگر کسی از کنار او عبور کند و دستش به او می خورد می فهمد ولی در « توقف فکر » متوجه وجود خویش نیست ، اگر او را آتش هم بزنند متوجه نخواهد شد ، سرما و گرما را احساس نمی کند .

ولی در عین حال در خواب طبیعی نیست ، بیهوش نیست ، در حالتی خاص

است، که شاید میتوان تعریف کرد که چگونه حالتی است .

۴ - سیر قهقرائی : پرتوجو در حال توقف فکر ممکن است احساس کند که در هزاران سال پیش است، ممکن است خود را عقاب ، درخت ، گربه ، گراز ، سنگ و نظایر آن به بیند ، در حالیکه در تمرکز فکر، لائیل در مراحل ابتدائی چنین حالتی وجود ندارد .

بهترین نمونه این داستان در کتاب « سیاره گرد » نوشته شده ، که در آن شخصی زندانی در آمریکا که تمام بدن او را با چرم می بستند با چنین حالتی درآمده بود این کتاب بشکل جیبی و در حدود ۱۵۰ صفحه است .

۵ - سیر به آینده : « در توقف فکر » پرتوجو امکان دارد خود را در صدها و هزاران سال آینده احساس کند، ولی در تمرکز فکر چنین احساسی بوجود نمی آید. نمونه آن پیشگویی بزرگ جهانی « نوسترادموس » بود که در قرن پانزدهم میزیست و تا قرن بیستم را پیش بینی کرده است ، زیرا هر وقت در حال توقف فکر قرار می گرفت، به آینده سیر میکرد و آینده را شبیه رؤیا در خواب میدید .

بین عرفای ایران نیز چنین روشن ضمیرانی داشته ایم ، شاد نعمت الله ولی و صدها عارف ایرانی دیگر که اکثر آنها از آینده خبر داده اند .

۶ - احساس در مکانهای مختلف جهان : در حال توقف فکر پرتوجو ممکن است خود را در مکانهای مختلفی از جهان حس کند ، مثلاً گاهی در اعماق اقیانوسها گاهی در روی کرات و سیارات دیگر و گاهی ملاق در نضای بیکران ، در حالیکه در تمرکز فکر چنین حالاتی بوجود نمی آید .

۷ - احساس هر نوع قدرت و توانائی : در توقف فکر پرتوجو احساس میکند، دارای هر نوع قدرت و توانائی است ، احساس اعتماد بیش از حد، احساس انجام هر کاری و احساس موفقیت در آنها ، در حالت مقدماتی و احساس کرامات، معجزات و شفا بخشی در حالات بالاتر و عمیق تر .

در حالیکه در تمرکز فکر چنین احساسی وجود ندارد .

تمرکز فکر پلی به سوی توقف فکر

اگر بخواهیم به توقف فکر برسیم باید از راهی ، از پلی عبور کنیم که آن را تمرکز میگوئیم ، بدون تمرینات مقدماتی تمرکز فکر نمی توان به توقف فکر رسید، این راهی بوده که هزاران سال عرفا و جویندگان راه عالی کمالات روحی آنرا طی کرده اند، « ولی عیب بزرگ آن » همین بوده که میبایستی ماهها و سالها ریاضت بکشند .

مثلاً شما باید ماهها و سالها حرکات یوگارا انجام دهید و به شمع نگاه کنید. ولی کلید یا قانونی را که هندیها کشف کردند و هم اکنون، نگارنده از آن برای شفا بخشی و نتیجه گیری فوری استفاده می کند ، کلید و قانون و روش خاصی است که بلافاصله و در يك لحظه اثر خود را می بخشد ، یعنی بمحض انجام دادن قانون توقف فکر، که ممکن است نیم ساعت تا یک ساعت طول بکشد، فکر پرتوجو فوراً و بلافاصله متوقف می شود ولی بلافاصله شمارا بکرامات و معجزات نمیرساند، قادر نیست به هیچ چیز دیگری فکر کند ، در حالیکه در نگاه کردن شمع و انجام سایر حرکات یوگا اثر فوری و آنی است . بلکه پس از روزها و هفته ها و ماهها تمرین پرتوجو تا حدودی فکرش متمرکز میشود .

مرحله ششم تمرکز فکر را می توان همان توقف فکر نامید

شاید بتوان مرحله ششم تمرکز فکر که همان مرحله ششم ساف هیپنوتیزم باشد توقف فکر نامید ، ولی رسیدن به آن حالت هم احتیاج بزمان طولانی دارد . حالا به بینیم آن روش چیست و کدام است ؟

روش آنی و فوری توقف فکر

گفتیم تمرکز فکر راه و پلی است که پرتوجو را بمرور ایام به توقف فکر میرساند یا شاید بتوان گفت همان مرحله ششم هیپنوتیزم ، ولی احتیاج به زمان و

تمرین دارد ، در قدیم برای رسیدن به این قبیل حالات ، جلسه ، جذبه ، اشراق که همان حالات مختلف خود هیپنوتیزم بودند و یا رسیدن به توقف فکر کامل ، سالها ریاضت میکشیدند ، ولی بسا کشف قوانین و روش های خاص و کوتاه هیپنوتیزم ، راه بسیار کوتاه شد ، مثلاً اگر قبلاً سالک یا پرتوجو احتیاج به سه سال و ۷ سال ریاضت داشت تا به مرحله خود هیپنوتیزم برسد ، حالا در عرض ۱۰ جلسه و بازاء هر جلسه یک ساعت در هفته تا حدودی موفق میشود و در عرض ۳ تا ۴ یا ۶ ماه تا حدود زیادی راضی میشود ، و در عرض ۶ ماه و یکسال به نسبت زیادی پیشرفت میکند .

❦ ده راه و روش در کتاب خود هیپنوتیزم : در کتاب «خود هیپنوتیزم» ده راه و روش برای رسیدن به مراحل کامل خود هیپنوتیزم بیان شده است ، که انشاء الله آن کتاب را خوانده اید و یا اگر مطالعه نکرده اید حتماً تهیه و مطالعه کنید . ولی همه آن ده روش احتیاج به زمان دارد ، مثلاً باید هفته ها و ماهها برای تمرین و روش تمرکز فکر به شمع ، نقطه سیاه ، لامپ خواب نگاه کنید و برخی حرکات یوگا را انجام دهید .

ولی در روش توقف فکر از راه و روشی استفاده میشود ، که به محض شروع فکر متوقف و متمرکز میشود ، و بسا بد چند جلسه تمرین ، رضایت خاطر کاملی حاصل میشود و این همان آخرین فن نهائی استاد کشتی است .

❦ آخرین فن استاد کشتی : این مثال معروف را همه میدانند که وقتی استاد و مربی کشتی ۳۹ فن را به شاگرد خود یاد داد ، يك فن آن را که آخرین فن بود برای خود ، برای روز مبادای خود نگاه داشت در اینجا هم ، در روش فن توقف فکر تا بحال مطالب جالب و اسرار زیادی را فاش کردیم ، ولی در اینجا اجازه بدهید ، که این آخرین فن را در قلب خود نگاه داریم ، زیرا شما هم قبول دارید که همه کس صلاحیت یادگیری آنرا ندارند ، و احتمالاً در راههای غیر صحیح ، و خلاف استفاده خواهند کرد .

آموزش و یاد دادن آخرین فن نهائی را موصول به ملاقات حضوری خواهیم کرد.

نتیجه :

در توقف فکر روش قطعی و فوری وجود دارد ، که آموزش آن احتیاج به ملاقات حضوری دارد

و اما راه علوم غریبه :

بعد از مدتی تمرین و ورزش توقف و تمرکز فکر، برای نتیجه گیری حتمی و قطعی ، آموزش و آگاهی از یکی از راههای علوم غریبه حتماً لازم است که به ترتیب زیر انجام خواهد شد .

- ۱- روزه و تنهائی يك هفته تا سه هفته .
- ۲- خامگیاهخواری ، یا گیاهخواری يك هفته تا سه هفته .
- ۳- ذکر هشت اسم اعظم هر روز هزار بار .
- ۴- تکرار عزیمه ۳ مرتبه بعد از پایان ذکر هزار بار اسم اعظم .
- ۵- صلوة یازده بار قبل از تکرار عزیمه و یازده بار بعد از تکرار عزیمه .

حالا درباره ۵ مورد بالا بطور مفصل تر توضیح میدهیم :

- ۱- روزه و تنهائی يك هفته تا سه هفته .
- ۲- خامگیاهخواری .

بعضی ها به علت استعداد خاص مغزی و عصبی در همان هفته اول روزه گرفتن نتیجه می گیرند ، ولی در بعضی ها احتمالاً از هفته دوم و سوم به نتیجه میرسند و بعضی ها ممکن است تا ۴۰ روز احتیاج به روزه های تکراری يك هفته ای داشته باشند .

بهر حال پرتوجو که با روزه اسلامی آشنا است ، سحر بر می بخزد و سحری می خورد و نیت میکند ، که من هفت روز ، روزه میگیریم که در روز دهم ، به بعض ملاقات اشخاص بتوانم فکر آنها را بخوانم و بقدرت کامل قلله پاتی برسم .»

لازم است این نیت را هفت بار تکرار کند .

غذائی که در سحر و افطار میخورد باید که حیوانی نباشد مانند : گوشت ، تخم مرغ ، شیر ، ماست ، بلکه لازم است از غذاهای گیاهی چه خام و چه پخته استفاده کند ، البته اگر غذای گیاهی آتش ندیده اسفاده کند ، اثر بیشتر و بهتری دارد ، در بین غذاهای گیاهی خود ، اگر وجود داشته باشد يك عدد انار بخورد ، زیرا عقیده عموم بر اینست که انار میوه بهشتی است و در داخل آن يك دانه یا يك حبه انار وجود دارد که خاص و مخصوص است ، بنابراین حتی يك دانه یا يك حبه انار نباید گم شود یا خوره نشده باقی بماند ، خرما ، انجیر نیز لازم است .

۳- ذکر هفت اسم اعظم :

در کتب علوم غریبه می نویسد که : این هفت اسم به غایت عظیم است ، فامهائی بزرگ و مفاتیح العلم هستند ، ولی در اینجا هم فقط از این هفت اسم شش عزیمه آن ، گفته میشود :

آخرین اسم را موکول به ملاقات حضوری می نمائیم و آن شش اعظم بقرار

زیر هستند :

- | |
|------------------|
| ۱- سمیع . |
| ۲- بدیع . |
| ۳- حلیرت . |
| ۴- لاهوت . |
| ۵- وید هوت . |
| ۶- حاجتی قبلتا . |

۴- صلوٰة ۱۱ بار :

بعد از اینکه هفت اسمی بالا هزار بار تکرار شد ، لازم است یازده بار صلوٰة

فرستاده شود .

۵- تکرار سه بار عزیمه زیر :

بعد از یازده بار صلوة لازم است عزیمه زیر ، عبارت عربی زیر سه بار

تکرار شود :

اللهم اكشف عن قلبي حجاب الغفلة و علمني مسالم اكني اعلم و بين لي من كل ما اسئل عنه يا من لا اله الا هو ولا معبود سواة .

۶- یازده بار صلوة دیگر :

بعد از خاتمه سه بار عزیمه بالا لازم است یازده بار دیگر صلوة فرستاده شود .

۷- تلقین بخود :

در پایان روزه و افطاری لازم است که پس از ۱۰ تا ۲۰ بار تلقین زیر را

تکرار کند :

۸- وقت و هنگام اجرای مراسم :

بهترین وقت و هنگام اجرای مراسم یکی دو ساعت قبل از افطار است ، بنحوی

که پس از خاتمه تکرار هزار بار اسامی مقدس و صلوة و عزیمه بتواند شروع به افطار

کنده وقتی پر توجو گرسنه باشد ، هر دعا و خواسته و هر آرزویی زودتر بر آورده میشود .

کسانیکه دارای هیچ مذهبی نیستند یا اعتقاد و ایمان مذهبی عمیق و صحیحی

ندارند یا از مراسم نماز و روزه چیز درستی نمیدانند کافی است فقط از همان روش

خود هیپنوتیزم استفاده کنند ، گرچه سخت تر بوده و بیشتر طول خواهد کشید .

عجایب و معجزات بزرگ

کانت فیلسوف مشهور آلمانی، مدعی بود که در دنیای حیرت‌انگیز خداوند، دو خلقت از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و بزرگ شمرده می‌شود که اولین آنها آسمان مستقر بر بالای زمین است. این آسمان با ستاردهای درخشان و اسرارآمیز زینت شده است. دومین خلقت، فکر انسان است و آنچه در مغز او می‌گنجد. دانش انسان از جهان مادی اطرافش در طی قرن‌ها با شتاب نفس‌گیری در حال افزایش بوده است.

انسان یسار گرفته است برای عبور از پهن‌ترین رودخانه‌ها پل‌های بزرگ و چشمگیری بسازد ولی او در پرکردن شکاف بسیار تنگ و کوچکی که می‌نواند او را به یافتن پاسخهایی به این سئوالات که کیست، چرا به دنیا آمده، چرا باید تحمل کند، و چرا می‌میرد هدایت کند عاجز است.

با کیلومترهای بیشمار خطوط راه آهن قاره‌ها را بهم مربوط کرده ولی هنوز نتوانسته از قاره‌ای که در پهنه بی‌انتهای مغزش قرار دارد و کشف نشده باقی مانده است عبور کند.

منجم و ستاره‌شناس می‌تواند دورترین ستاره در دورترین کهکشانها را در معرض دید تلسکوپ خود قرار دهد ولی قادر نیست تلسکوپش را در جهت و به سمت زندگی خویش بگرداند و به نتیجه‌ای عملی دست یابد.

زمین‌شناس به اراده خود تمام تلاشش را صرف شناختن عناصر و عوامل سازنده زمین می‌نماید و در این راستا به پاسخهایی که می‌خواهد دست می‌یابد. ولی آیا اندکی در کارش متوقف می‌شود و از خودش می‌پرسد که عوامل و عناصر سازنده زمین شناس چیست؟

شما به طرز کار ماشین و اتومبیل خود واقفید. بارها با موتور اتومبیلتان ورزیده‌اید و گاه‌گداری به تعمیر آنها هم موفق شده‌اید.

* درون خودتان چطور ؟

* آیا می‌دانید خود درونی شما چگونه کار میکند ؟

* آیا می‌توانید آنرا نیز تعمیر کنید ؟

آیا واقفید که مغز شما موتوری است با قدرتی ناگفتنی و حیرت‌انگیز و فکر شما حاکم و خالق تمام شکهای زندگی و حوادث مربوط به شما است ؟ انرژی مادی نمیتواند با نیروی شگرف فکری برابری کند زیرا فکر است که انسان را قادر می‌سازد به کنترل و استفاده از هرچیز دیگر و آنها را در اختیار خود می‌گیرد و برای رسیدن به نتایج مطلوب بکار و میدارد .

اینطور گفته شده است که انسان يك دينام است . ولی حتی دينام هم پتانسی و به خودی خود نمیتواند کاری از پیش ببرد . مغز است که این دينام میتواند مقید واقع شود و انرژی آن کانال خود را پیدا کند . ولی این مسائل چه ارتباطی با تله پاتی ذهنی دارد ؟

اغلب مردم مانند يك ذره کاه بر روی رودخانه زندگی شناسور و در واقع سرگردانند و با هر باد و یا موجی که میگذرد تغییر مسیر میدهند و از سوئی به سوی دیگر کشانده میشوند به همین دلیل لازم است يك نقطه عطف و اتکا ایجاد شود تا انسان بدون هدف و سرگردان نباشد .

اختراع تسبیح

رؤیابافی و خیال‌بافی انرژی شما را از بین میبرد . رؤیاها و خیال‌بافی‌های هرز ، نیروهای روانی و روحی شما را نابود میکند .

به همین دلیل بود که « سنت دومینیک » راهب و مرشد کاستیلی در قرن دوازدهم

میلادی تسبیح را اختراع کرد^۱.

از تسبیح گرداندن بطور قطع هدف معینی مورد نظر بوده است. حتی اگر ذهن انسان در هنگام خواندن يك ورد معین از مفهوم اصلی ورد دور شود، باز هم چهوفنی بهدانه دوازدهم که اندکی بزرگتر و بلندتر از بقیه دانهها است میرسیم به - نقطه اصلی و مفهوم وردی که میخواندیم برمیگردد.

حرکت درون عبارت است از نیرویی که توسط آن حوادث بیرون جریان می یابند.

اثر حاصل و نتیجه علت است - برای ایجاد هر علتی نباید فکر خود را به - دنیای علل هدایت کنید. دنیای عال، در رویه و سطح فکر وجود نمی یابد بلکه در منبع قدرت عظیمی که درون مغز شما نهفته است بوجود می آید. فکر شما باید زیر، رو و ورای بیرون عمل کند تا علتی که می خواهید به منصفه ظهور برسد بوجود آید.

روشی که میتوانید برای خود به کار گیرید این است که يك نقطه تمرکز انتخاب کنید. این نقطه تمرکز میتواند عکسی بر روی دیوار، خاطره شیرینی از يك مکان جالب، یا چیزی عجیب و غیر معمول مثل خاکستر درون اجاق باشد.

لشونارد داوینچی خاکستر درون اجاق را بعنوان نقطه تمرکز انتخاب کرده بود و حتی وقتی که شعله های اجاق فرو می نشست و اجاق سرد می شد باز به آن خبره می ماند. او ساعتها می نشست و به توده سرد خاکستر درون اجاق دیواری زل میزد. این عمل جرقه ای در ذهن او بوجود می آورد و از همین جرقه خلاقیتی که برای ادامه کارش به آن نیاز داشت در او خلق می شد.

۱ - اختراع تسبیح مخصوص کشیش ها و صومعه نشینان مسیحی به قرن دوازدهم منتسب است درحالی که مسلمانان از ابتداء (قرن دهم میلادی) با آن آشنا بوده اند. البته در تعداد دانه های تسبیح های راهبان مسیحی و مسلمان وجود دارد (۲) پ

البته ، اعتماد و اطمینان و ایمان به خود از شرایط اولیه این کار است . ایمان به خود می تواند استعداد تولید چیزها توسط افکار را قوی تر و انرژی دارتر کند . علاوه بر این ، برای مؤثر واقع شدن تلقین باید آن را با تجسم ذهنی شبیهی که می خواهیم بدست آوریم همراه کنیم . باید از یک خواست و تمایل قوی جهت بگردد . خواست و اراده شما باید وارد عمل شود . و وقتی کلمه لازم بر زبان جاری شد فعل به دنبال آن خواهد آمد . چرا تلقین اینقدر نیرومند است ؟ پتانسیل و کارایی آن به این دلیل است که تلقین الگو و طرحی در اختیار ضمیر آگاه انسان می گذارد که این طرح به ضمیر ناخود آگاه انسان منتقل می شود و نهایتاً به ضمیر و فکر جهانی انتقال می یابد .

اثر تلقین : در اینجا است که خلاقیت به وقوع می پیوندد . باید این واقعیت را قبول کنید که در اینجا - در اینجا جای نامرئی - است که مرئی ها به دنیا می آیند . روش های متعددی برای استفاده از قدرتهای ذاتی و بکار انداختن آنها وجود دارد .

برنارد با روش توانسته بود ضمیر آگاه خود را به ضمیر ناخود آگاهش پیوند دهد .

او هر گاه مسئله ظاهراً لاینحلی، پیش روی ملت قرار می گرفت از این شکل کار گروهی (گروه مشکل از دو ضمیر) بهره می گرفت و با ارسال پیام از طریق تله پاتی ذهنی افراد مناسب برای حل آن مشکل را به دفتر خود جذب می کرد . او هر زمان که اراده می کرد آنها را دسته دسته به دفتر خود می کشاند و هیچگاه پیشنهاد و یا نصیحت پاره حلی را که ارائه می دادند و خلاصه هر راهنمایی که از دنیای بیرون ، اهم از اعضای دفتر و کارمندان اداره اش یا گروه های متفرقه ای که سیل وار به دیدن او می آمدند ، به او داده می شد رد نمی کرد .

با صداقت و صراحت تمام منحل و مشکل پیش آمده را مطرح می کرد و از

آنها می خواست راه حل ارائه دهند . سپس به راه حلها و پیشنهادات گوش می داد و کلمه به کلمه حرفهایی را که در اطرافش در هوا جاری می شد جذب می کرد و تمام پیشنهادات را به قفسه محفوظ ضمیر ناخود آگاهش می سپرد و در آنجا ذخیره می کرد . او بطور مدام به ضمیر ناخود آگاه خود اطمینان می داد که بطور درست و کامل به آن اعتماد دارد .

بالاخره راه حل نهایی بصورت يك جرقه در فکر او ظاهر می شد .

اما گاهی بادقت و ظرافت تمام حقایق و اطلاعات را کنار هم می چید . سپس ناگهان ماشین آلات درون مغز او شتاب می گرفتند و سرعت حرکت آنها را محظه بیشتر می شد تا اینکه به سرعت نهایی و مورد نظر می رسید . سپس ، در يك لحظه ، جواب کامل ، بدون نقص و نهایی خود را ظاهر می ساخت .

این پروسه ذهنی توسط روان شناسان که «باروش» به تعداد فراوان در میان دوستان خود داشت چیزی کمتر از يك معجزه تلقی نمی شد . آنها اهمیت و اعتبار بالایی برای ضمیر ناخود آگاه باروش قائل بودند و پست مشاورت بزرگترین مرکز مالی کشور را حق مسلم او می دانستند .

هر گاه نیز با استفاده از این روش جواب را بصورت يك رؤیا دریافت می کرد . مثل مسئله پایاب های موصل یا مسئله نیرات های شبلی که معضل های بزرگی برای مملکت شده بود .

طبق نظر با روش تمرکز فقط فکر کردن نیست بلکه تبدیل و استحاله آن فکر به يك شکل و قالب عملی است . او در این نظریه اش کاملاً محق بود .

وقتی يك نظریه در ضمیر آگاه شکل می گیرد به ذهن می رود ، تلاش می کند که خود را از قیدها رها کند و به مرحله تظاهر برسد . به این ترتیب رؤیاهای امروز شما به واقعیت ملموس فردا تبدیل می شوند .

اما آنچه در ذهن مجسم می شود باید حیات و زندگی پیدا کند . قدرت خلاقه

شما باید فعال شود تا جائیکه به شرایط دورو بر شما قدرت جذب بدهد و بتواند منابع و شرایط لازم برای تحقق خواسته‌ها را جذب کند .

با این شرایط نیز باید به آنچه برای خودتان تصور می‌کنید . بساو داشته باشید . اگر امید دریافت جوابی برای خواسته‌تان دارید باید تلاش بی‌وقفه و صادقانه‌ای در راستای رسیدن به آن مبذول کنید .

ایمان و باور کار ساز است . بدون آن هیچ دستاوردی ممکن نیست . قوی‌ترین نیروهای موجود در جهان نامرئی هستند . و رای دیدن ، لمس کردن و یا شنیدن با حواس جسمانی می‌باشند .

« اشیاء انعکاسی آزموده هستند که بصورت جرمی از اتمهای مرتعش و پیوند خورده به یکدیگر در اثر تلقی می‌شود . »
 يك شب مار کونی ، در آزمایشگاهش از دوستی پذیرایی می‌کرد . آن‌دو مشغول بحث دربارهٔ مراحل عملی ارتباط بی‌سیم بودند . نزدیکهای صبح ، وقتی داشتند آزمایشگاه را به قصد خانه ترك می‌کردند . بزرگترین مخترع دوران خود رو به مهمانش کرد و گفت :

— تمام عمرم را به مطالعهٔ این پدیده صرف کرده‌ام . ولی يك چیز هست که اصلاً نمی‌توانم در مورد رادیو درك کنم !
 دوستش ناباورانه پرسید :

— آیا در مورد رادیو چیزی وجود دارد که تو نمی‌توانی آنرا درك کنی ؟
 مار کونی جواب داد :

— بله . آن چیز خود رادیو است . نمی‌دانم چیست !

مخاطره به‌ضمیر ناخودآگاه

دکتر المر کینس^۱ ، یکی از بزرگترین نامهای علمی در روانشناسی است ، نسبت ضمیر خودآگاه و ناخودآگاه را در ذهن محاسبه کرد . « او به این فرضیه

رسید که بنا بر نسبت ذهن ۹۸ درصد ناخودآگاه و فقط دودرصد آن ضمیر آگاه می باشد . « این ارقام بشریت را به حیرت انداخته است .

فروید ، پزشک اتریشی و بنیانگذار روانکاوی لیبدو^۱ را به عنوان نشانه‌ای از نیاز جنسی به‌دیده نهاد در بشر معرفی کرد .

بانگ ، که با فروید همکاری می کرد ، معتقد بود که ذهن بشر فراتر از نیاز جنسی صرف حرکت می کند و برای رسیدن به شکلی از بیان به دنبال رسیدن به ضمیر و نفس خود می باشد .

آدلر ، آخرین نام مشهور در مکتب تحلیلیگران بزرگ روح و روان انسان ، حتی از اینهم فراتر می رود و فرضیه‌ای ارائه می دهد که در آن لیبدو نشان دهنده حقیقت حقایق در انسان است ، که این نیرو در درون انسان نهفته است و همواره از او می پرسد که آیا قادر به کسب و بیان خواسته‌هایش هست یا خیر ؟

آیا مهم است که کدام یک از این نظریات را برای خودتان انتخاب کنید ؟ مهمترین چیزی که شما باید در نظر داشته باشید این است که لیبدوی شما چیزی جز خواسته‌ای از اعماق درون شما نیست که همواره می خواهد خود را بیرون بریزد و هدیدا^۲ حلقه‌بند است که نتیجه‌ای برای شما به دست بیاورد .

اما باید با این حقیقت که شما همان چیزی هستید که وجدان و ضمیرتان هست . شخصیت و موجودیت افکارتان از شما یک فرد موفق یا ناموفق ساخته است .

اگر دودلی و تردید را به فکرتان راد دهید ، الگو و طرحی منفی خلق کرده‌اید . موفقیت حاصل اعتماد است . چاره‌ای نیست جز آنکه هر چه را در درون خود ساخته‌اید در دنیای بیرون به واقعیت پیوند دهید . افکار شما محصولی است که از مزرعه ضمیر خود آگاه و ناخودآگاهتان درو می کنید - البته نه افکار گاه و بیگاه بلکه افکاری که بر زندگی روزمره شما حاکم باشند و خودشان را مثل خزدهایی که به دور قایق می پیچند و حرکت آنرا کند می کنند پیوستگی و اتصال داشته باشند .

۱- Libido به معنی هوس ، خصوصاً هوس جنسی است . (م)

استخوانی را در بدن او می شکست . غالباً هنگامیکه سعی میکردند او را بلند کنند و از بستر بیرون آورند یکی از دنده‌هایش می شکست .

یکبار با خودش اندیشید که بزودی کریسمس فرا خواهد رسید - روزهای شادی ، دیدارها ، هدیه برای هر کس ، حتی برای سگ خانه .

در آن روز شوهرش به دیدن او آمده بود . شوهر زن درحالیکه با پهربانی روی بستر همسرش خم شده بود از او پرسید برای کریسمس چه هدیه‌ای می‌خواهد که برایش بخرد . او نمی‌توانست پالتوی پوست بپوشد یا شیرینی بخورد ، هیچ بیماری در شرایط او قادر نبود از جواهرات استفاده کند ! چشمان زن بیمار نیز چنین پاسخی را مطرح کرد .

این زن چه می‌توانست به مناسبت کریسمس برای شوهرش بخرد؟ او چه چیزی را بیشتر از همه چیز به مناسبت هدیه کریسمس می‌خواست ؟

اندی ، شوهرش ، در جواب اندکی مکث کرد :

ناگهان فکری به خاطرش رسید . در کنار پنجره ، نگاهی به دستشویی سفید رنگ اتاق بیمارستان افتاد . درجا صابونی روی دستشویی يك قالب صابون قرار داشت و آینه‌ای در بالای آن آویزان بود . عرض اتاق را پیمود . قادر نبود با استفاده از کلمات با همسرش گفتگو کند . باید راه دیگری وجود داشته باشد که او بتواند توسط آن به زنش بفهماند هدیه مورد علاقه‌اش برای کریسمس چه می‌تواند باشد ! قالب صابون را برداشت و با حروف خیلی بزرگ روی آینه نوشت :

برای کریسمس به‌خانه بیا !

پرستار وارد اتاق شد . وقتی چشمش به آنچه روی آینه نوشته شده بود افتاد انجم کرد . با عجله از در بیرون رفت تا دکتر را صدا بزند .

دکتر با مشاهده کلمات روی آینه با بی‌حالی لبخندی زد و از اتاق بیرون رفت . کلمات به همان صورتی که اندی آنها را نوشته بود روی آینه باقی ماند :

برای کریسمس به خانه بیا !

آن شب و شبهای زیاد دیگری که در پی آن آمدند، وقتی ماری نمی توانست هیچ چیز دیگری را ببیند ، وقتی زندگی او به يك تار مو بند بود ، آن چند کلمه با شدت در حال عمل بودند - ملتسم ، دستگیر ، فرمان دهنده ، وادار کننده ، مستدعی ، سخنگو ، با انرژی و هیپنوتیزم کننده - و نسامه عاشقانه تنها مرد زندگی او را در نظرش مجسم می کردند .

سپس واقعه اتفاق افتاد . ضمیر ناخود آگاه او تحت تأثیر قرار گرفت و به فعالیت افتاد .

شب قبل از کریسمس ، تلفن خانه آنها زنگ زد و اندی به بیمارستان فراخوانده شد . يك عده کریسمس منتظر او بود . باید هر چه زودتر می آمد و آن را تحویل می گرفت .

البته بهبودی ماری بعنوان يك معجزه تلقی شد . هیچکس دقیقاً نمی دانست چه اتفاقی افتاده است ولی او قادر بود برای کریسمس به خانه برود !

چرخهای بیمارستان به حرکت ادامه دادند . آنها به تخت خواب بیمارستان برای بیمارانی که در حال ورود بودند نیاز داشتند .

پایان این ماجرا خیالی دلگرم کننده تر است . اندی سعی کرد آن دستشویی را از بیمارستان بخرد . ولی به دلایل واضح ، بیمارستان از فروش آن امتناع کرد . سپس حقیقت افشا شد .

یکی دیگر آنها خریده بود - شخصی بنام آقای اسلوکام برای همسرش خانم اسلوکام . او کلمات آنها به این صورت تغییر داده بود .

برای هیدپاک به خانه بیا

دستشویی به اتاق دیگر آنطرف راهروی بیمارستان مستقل شده بود . داروی سحر آمیز همیشه در ضمیر ناخود آگاه آماده است مشروط بر اینکه شما هم مثل ماری

اندرسون در طلب آن برآید . هر شبی که می گذشت ، در پایان چاره ای نبود جز اینکه طبق قوانین روحی و روانی پاسخ لازم به تلاش های او داده شود .

بهبودی چگونه بدست آمد ؟

شك نیست که ضمیر ناخود آگاه ، آماده برای پاسخ گویی به ندای کمک خواهی ، کنترل را بدست گرفت . مگر نه این است که ضمیر ناخود آگاه شما مسئول تمام برنامه های حساس و حیاتی بدن شما ، از قبیل برنامه هضم ، جذب ، دفع و جریان مواد غذایی خون می باشد . شناخت و اطلاع ضمیر ناخود آگاه شما از عملیات محرمانه بدن تا فراتر از دانش مجموعه دانشمندترین و داناترین پزشکان و اطبا است .

ضمیر ناخود آگاه شما بدن تنان را از زمانیکه نطفه ای در رحم بودید ساخته است . وظایف حساس عملیات و تعمیرات بدن شما را برعهده داشته است . شما اصلی ترین هدف و انگیزه برای آن بوده اید . وظایف متعدّدش از همان ابتدا مقرر و معلوم بوده است . فقط يك هدف داشته است .

شماره در سلامت کامل نگهدارد.

از همان شروع کار که شما در حال رشد بودید ، - سرگرم آموختن خواندن ، نوشتن ، و ریاضیات ، ضمیر ناخود آگاه شما با قفل مشکلاتی که در مقابل بدن تنان قرار می گرفت و آنقدر بزرگ و عظیم بود که هیچ دانشمندی نمی توانست آنها را باز کند در حال دست و پنجه نرم کردن بوده و کلید آنها را یافته است . این مشکلات همراه با رشد شما رشد کردند و بزرگتر شدند .

بیماری ، ناراحتی ، تصادف ، دست و پای شکسته و اندامهای آسیب دیده همه و همه به درمانگاه آن ضمیر ناخود آگاه صبور ، دانا ، عاقل و سخت کوش شما می آمدند و ایمان داشتند به اینکه مشکلاتشان حل خواهد شد .

چگونه ؟

داستانی از يك دختر تعریف می کنند که وقتی شش ساله بود موقع تاب بازی از تاب پرت شد. پای راستش چنان آسیب دید که چند اینچ کوتاهتر از پای چپش شد. اما ، او مصمم به اصلاح وضعیت خودش بود . او قوه تخیاش را به کمک خواست . بامدد قوه تخیل خود را به صورت کامل وسالم می دید .

این الگویی بود که او بر ضمیر ناخود آگاهش تحمیل می کرد و باتشویق و ترغیب به تغذیه مدام آن می پرداخت .

همانطور که انتظار داشت پای راست دختر شروع به رشد کرد . اوایل ، رشد آن تدریجی و ناچیز بود ولی رفتی به سن هجده سالگی رسید توانست کفش مخصوص را که در تمام طول دوره کودکی مجبور به پوشیدن آن بود دور بیاندازد .
واقعه جالب و حیرت انگیز دیگر ، مربوط به گوز پشتی است که ستون فقراتش در بدو تولد آسیب دیده بود :

او نیز حاضر نشد عیب خود را بپذیرد . او تصمیم گرفت از احاط اسکات ، مثل بقیه هم شاگرد بهایش ، سالم باشد . در تصور و تخیل خود را بصورت يك مرد سالم ، بلند بالا ورشید مجسم می کرد و به ضمیر ناخود آگاه خود فشار وارد می آورد تا راه و روش رسیدن به این هدف را پیدا کند .

بالاخره او به این موضوع هدایت شد که از ادراک خود ، که به او می گفت « باید به يك معلم پرورش جسمی و متخصص ارتوپدی ترمیمی مراجعه کنی » اطاعت کند و از این معلم بخواهد با مجموعه تمرینات خود او را یاری دهد .

معلم او علاوه بر دید و بینش وسیع ، صبر و حوصله زیادی نیز داشت . او نیز همچون شاگردش او را با قاطعی صاف ورشید دید. او به جوان کمک کرد تا با آویزان شدن از میله بارفیکس به صاف شدن پششش کمک کند . پسرنیز با تمرینات مدام عضلات پششش را تقویت می کرد .

رفته رفته ، تصویر جدیدی را در آینه می دید : وقتی بزرگ شد و به سن بلوغ رسید قوز پشتش نیز بر طرف شده بود . در نهایت مردی شد بایکصد و هشتاد سانتیمتر قد . کوچکترین نشانه از عیب دوران کودکی اش در او دیده نمی شد .

در اینجا ، تله پاتی ذهنی در بهترین وضعیت توسط قدرت ضمیر ناخود آگاه که همواره يك شريك مستعد بـ رای هـر بهبود وضع جسمی می باشد بکار گرفته شده است .

ضمیر ناخود آگاه ظرفیت و پتانسیل ذاتی و نهفته خود را می شناسد . می داند که از او انتظار می رود که وظیفه خودش را خوب انجام دهد و به نفع صاحبش بکار کند .

او خدمتگذاری فرمانبردار است و به همین ترتیب ، هر مشکلی را که برایش مجسم کنید بوجود خواهد آورد .

* آیا شما سخت معتقد به رژیم غذایی هستید ؟

* آیا می توانید بگویید که مثلاً مصرف پروتئین و هیدروکربن بدن شما در هر وعده غذا چقدر باید باشد ؟

* آیا می توانید تعداد کالری و ویتامینها را بشمارید ؟

* آیا از طرفداران پروپاقرص ترکیبات علمی هستید ؟

رفتار غذایی شما نیز ، مثل هر چیز دیگری ، يك برنامه ذهنی است . علاوه بر بدن ، مغز و ذهن نیز خواهان غذای مناسب خود هستند .

شاید شما هم یکی از آن کمال گرایان هستید که همچون گربه ای که مراقب موش است مراقب رژیم غذایی خود هستید ولی وقتی سر میز غذا می نشینید ، ذهن شما نیز در کنار شما سر سفره می نشیند - همان ناخواسته ای که حالت شمارا با افکاری همچون نگرانی ، دلهره ، شك و ترس پریشان می کند : شاید دارید چیزی

می‌خورید که برایتان مضر است و نمی‌بایست آنرا بخورید ؟ شاید آن چیز موجب ترش کردن معده شما شود و با دستگاه هاضمه شما سازگار نباشد . شاید دارید در خوردن هیدروکربن زیاده‌روی می‌کنید ، یا پروتئینی که به بدن‌تان می‌رسانید از حد لازم کمتر است ، یا اینکه کالری کافی مصرف نمی‌کنید و یا ویتامین‌هایی که کسب می‌کنید از نوع صحیح و مقدار مناسب نیست .

اگر قدرت تخیل و تصوراتان را به سمت منفی رانده باشید ، تمام ویتامین‌های دنیا نیز نمی‌توانند برای بدن شما مفید باشند . ضمیر ناخودآگاه شما دستوری را که صادر کرده‌اید دقیقاً به همان ترتیب که شما به او دیکته کرده‌اید به مرحله عمل درمی‌آورد البته . غذای متعادل ، غذایی که از تمام مواد لازم برای بدن به اندازه کافی داشته باشد ، برای بدن مفید است . اما ادراك علمی و يك ذهن عالم گرا خیلی مهم‌تر از رژیم غذایی مورد نظر شما است .

قدرت ذهن در استفاده از تله‌پاتی ذهنی نه فقط سلامتی به جای بیماری بوجود می‌آورد بلکه ثروت را هم جایگزین فقر می‌کند .

درباره يك تاجر داستانی تعریف می‌کنند که خالی از لطف نیست . این تاجر در آغاز کار مغازه بسیار كوچك و محقری تدارك دید که از فرط كوچکی آنرا سوراخی در دل دیوار خیابان لقب داده بودند ، او می‌خواست در آن به فروش ماشین تحریر مشغول شود .

به آگهی تبلیقاتی متوسل نشد .

بروشورهای پر زرق و برق برای فروش آن چاپ نکرد .

ولی در همین حال ، تجارت او گل کرد و مشتری مثل سبل بطرف دکه محقر او جاری شد . آگهی و بروشور نبود که مشتریان را بطرف مغازه او می‌کشید بلکه آمدن مشتریان نتیجه تله‌پاتی ذهنی بود که او هر روز صبح هنگامیکه کلید را در قفل مغازه كوچكش می‌چرخاند بکار می‌برد . هر روز صبح بعد از باز کردن در مغازه چند

لحظه‌ای به حالت دعا و نیایش ساکت جلوی در مغازه می‌ایستاد و آنجا را پر از مشتریانی که برای خرید ماشین تحریر آمده‌اند مجسم می‌کرد. در ذهن خود صدای زنگ تلفن را می‌شنید و بعد از آن تصور می‌کرد که مشتریان مشغول چانه‌زدن دربارهٔ ماشین حساب هستند. او روزی به خودش گفت که بالاخره ماشین حساب را نیز به کالای خود اضافه خواهد کرد.

آن روز فرارسید.

در اثر تمرینات و اعمال مداوم و منظم تجسم خود بعنوان يك تاجر پر کار و آبرومند، تجارت او توسعه یافت تا جائیکه آن «سوراخ توی دیوار خیابان» به يك آسمان‌خراش در خیابان پارك تبدیل شد.

بطور معمول انسان با مشکلات متعددی روبرو است. این مشکلات ممکن است در رابطه با سلامتی، کمبود امکانات، فقدان دوستی، نداشتن همنشین و یار مناسب، مسئله عشقی، و یا شغل و کار مناسب باشد.

شاید مشکل شما این است که هدف معین و مشخصی در زندگی ندارید و یا هدفی که دارید هدف صحیح و مناسبی برای شما نیست. هدفی ندارید جز اینکه پولتان را خرج کنید، با همسایهٔ خود درگیر چشم و هم‌چشمی شوید، به يك باشگاه و یا کلوپ اجتماعی بپیوندید، تمام تلاش خود را بکار ببندید که بصورت يك واماندو شکست خورده اجتماعی ظاهر نشوید، و یا فقط می‌خواهید همراه با جریان حوادث جلو بروید. در این مقوله‌هایی که گفتیم هدفی دیده نمی‌شود.

چه می‌شود اگر ناخدايي بایك کشتی بی‌سکان که نه می‌توان آنرا هدایت کرد به دریا برود؟ چه می‌گفتید اگر این کاپیتان نه مقصدی داشت و نه دلیلی برای رفتن به دریا و سپس سینهٔ کشتی خود را به سمت لنگرگاه و بندر برمی‌گرداند؟ کشتی باید راه خود را بداند تا بتواند به بندر مقصود وارد شود. باید بندر مقصد خود را خیلی قبل از اینکه بندر مبدأ را ترك کند بخوبی بشناسد.

دختر معلول وقتی خود را درمان شده و سالم مجسم کرد دقیقاً مقصد خود را می‌دانست . جوان گوزپشت وقتی از میله بسار فیکس آویزان می‌شد می‌دانست چه هدفی دارد . آن تاجر وقتی مغازه کوچک خود را پراز مشتریان جو و رواجور می‌کرد هدفش را خوب می‌شناخت :

- * هدفی برای خود معین کنید .
- * در ذهن خود به آن نشانه بروید .
- * در همان جهت منتظر بمانید .
- * سپس وقوع معجزه را تماشا کنید .
- * نیروهای شما در کسب آن به شما کمک خواهند کرد .

❖ اثرات ادراک فراحسی

ما با حواس بینائی ، شنوائی ، بویائی ، چشائی و بساوایی که مارا از جهان اطراف ، آگاه می‌سازند آشنا هستیم ، هم‌چنین احساسهای بدنی ، سرما ، گرما ، درد ، حرکت و تعادل را می‌شناسیم . این ادراکات مارا از تغییراتی که دائماً در جهان فیزیکی رخ می‌دهد آگاه می‌سازند و مسلماً اگر این آگاهی نبود ما عاجز و درمانده می‌شدیم . با وجود این چه بسا انسان تنها از طریق ذهن چیزی را ببیند ، بشنود یا حس کند و متوجه شود که آنچه را احساس کرده درست است و می‌تواند از آگاهی که بدست آورده استفاده کند .

❖ دور آگاهی

متداولترین این ادراکات فراحسی احتمالاً تله‌پاتی « دور آگاهی » است . این اصطلاح از دو کلمه یونانی تله (به معنای دور) و پاتی (به معنای احساس) گرفته شده است . واژه تله‌پاتی در مورد پدیده‌ای بکار می‌رود که شخصی از افکار شخص دیگری که در مکان دیگری است اطلاع پیدامی‌کند . به نظر می‌رسد که تله‌پاتی هنگامی که احساس عاطفی شدید در میان باشد از مواقع دیگر بارزتر است .

اول - یکی از مشهورترین آزمایشهای تله پاتی را دو نفر به نامهای هارولد شرمین و سرهیوبرت ویکلینز انجام دادند. اولی نویسنده ای آمریکائی پژوهنده مسائل مربوط به روح - و دومی سیاحی انگلیسی بود. این هر دو به بررسی ادراک فراحسی هلاقمند بودند.

سرهیوبرت در پائیز سال ۱۹۲۷ م عازم سفر اکتشافی. قطب شمال بود و میخواست فعالیتهای روزانه اش در این سفر را در دفتر خاطراتش یادداشت کند. او و شرمین توافق کردند که هفته ای سه شب، موقعی که سرهیوبرت برای نوشتن خاطرات خود پشت میز می نشیند شرمین نیز صدها فرسنگ دور از او، اما همزمان با او بنشیند و به حال تأمل فرو رود. قرار شد شرمین هرچه را که به ذهنش می آید یادداشت کند. سرهیوبرت یادداشتهای خود را طبق قرائقابی برای شرمین بفرستد و شرمین یادداشتهای خودش را برای دکتر کاردنر مورفی پست کند. دکتر مورفی روانشناس آمریکائی در بررسی پدیده های فراحسی پیشگام بود. این مجموعه یادداشتهای برای مقایسه کنار گذاشته شد. پس از سفر اکتشافی، متوجه شدند که بسیاری از نوشته های شرمین کاملاً یادداشتهای سرهیوبرت منطبق بوده است.

شرمین تعدادی از این اندیشه های هماهنگ را در کتابش با عنوان « چگونه ادراک فراحسی را برای خود بکار گیرید » نقل می کند. يك شب که در ساعت موعود فاشته است به نظرش میرسد که ناگهان دچار دندان درد شده است. احساس میکند که آن دندانی که واقعاً درد میکند متعلق به سرهیوبرت است که سه هزار مسایل دورتر. از شرمین بسر می برد. شرمین نوشت: « احساس میکنم که امروز دندان درد سختی داشتید ... » چند هفته بعد یادداشتهای آنروز سرهیوبرت به دستش رسید که شامل این جمله بود: « امروز دندان درد شدیدی داشتم و برای پر کردن دندان باهواپیما به شهر ادمونتون رفتم. »

يك شب دیگر شرمین نوشت که هواپیمای سرهیوبرت فزديك شهر وچینا

مجبور به فرود آمدن شده است.

شرمن او را دید که بالباس رسمی شام در يك مهمانی آن شهر حاضر شده است. با اینکه مطمئن بود سرهیوبرت چنین لباسی ندارد، معذالك این خاطره هجیب را یادداشت کرد. بعداً گزارش ارسالی سرهیوبرت با این یادداشت كاملاً منطبق بود.

گزارش حاکی از آن بود که هواپیمایش در آن شهر فرود اجباری داشته و هنگام توقف، شخصی به او لباس شام قرض داده است تا بتواند در آن مهمانی حاضر شود.

شرمن و سرهیوبرت متوجه شدند که صحت دریافت های دور آگانه ارتباط چندانی بادوری مسافت مابین آنها ندارد. اما هنگامی که عاطفه شدید در میان باشد، این دریافتها دقیق تر است. دندان دردی که سرهیوبرت در طول مسافرت فقط یکبار دچار آن شده بود و فرود اجباری هواپیما هردو تجاربی بسیار عاطفی بود. لذا شرمن در این مواقع احساس میکرد که برای هیوبرت چه پیش آمده است.

همانگونه که سرهیوبرت و یکلینز و هارولد شرمن توانستند از طریق دور آگاهی خاطر ایشان را به یکدیگر انتقال دهند، گروههای دیگر نیز در ارسال و دریافت طرحهای ساده تاحدودی موفق بوده اند. یکی از این گروهها شامل نویسنده مشهور آپتون سینکلر و * همسرش بود. سینکلر متوجه شد که همسرش میتواند افکار او را بطرز عجیبی درك کند. این زوج يك سلسله آزمایشها انجام دادند که ضمن آنها سینکلر يك نقاشی ساده میکشید و همسرش سعی میکرد بدون دیدن نقاشی، همین آن را رسم کند.

دربریخی از این آزمایشها خانم سینکلر دراطاق مجاور قرار داشت که درش بسته بود و نمیتوانست نقاشی شوهرش را ببیند. در آزمایشهای دیگر تا ۴۰ مایل از

۱- آپتون سینکلر (متولد ۱۸۷۸) نویسنده آمریکایی که به خاطر زمان (جنگل)

شهرت بسیار کسب کرد.

شوهرش دور بود. دوری راه در نتیجه کار تأثیر خاصی نداشت. سینکلر پس از انجام تقریباً سیصد آزمایش، کتابی درباره آنها تحت عنوان «رادیو ذهنی» تألیف کرد.

ماچهار زوج از نقاشیهای آن کتاب را در صفحه ۳۳ آورده ایم. در هر زوج، تصویر سمت چپ را آقای سینکلر کشیده و تصویر سمت راست را همسرش از خاطره ذهنی خودش، بدون دیدن کار او روی کاغذ آورده است. این چهار زوج تصویر نمایانگر نتایجی است که ممکن است آنها را منطبق و یا تقریباً شبیه محسوب کنیم. تصویر اول کلاه خود یک نفر شوالیه است و خاطره خانم سینکلر تقریباً المثنای آن است. تصویر دوم نقاشی آقای سینکلر از یک کوه آتشفشان است.

خانم سینکلر بیک سوسک با شاخکهای فکر کرده بود، ولی آتورا به شکل آتشفشان کشیده بود. در زوج سوم سینکلر قلاب ماهیگیری کشیده و همسرش دو شاخه گل به شکل قلاب ماهیگیری رسم کرده است. در زوج آخر، نقاشی سینکلر از چتر و نقاشی همسرش که شباهت به آن دارد دیده می شود. خانم سینکلر درباره این تصویر گفته بود: بنظر من ماری است که سر از چیزی بیرون آورده است، ولی شباهت به دم گربه دارد.

اینکه بسیاری از تأثرات ذهنی خانم سینکلر به نقاشیهای شوهرش شباهت دارد و در عین حال تفاوتهایی با آنها نشان میدهد - خیالی چیزها را درباره ماهیت ادراک فراحسی برای ما روشن میکند.

در اینجا نیز مانند آزمایشهای شرم - ویکلینز عاطفه ظاهراً نقش مهمی داشته است. خانم سینکلر دسته چتر را مار تعبیر میکرد، زیرا همیشه از مار میترسید و این شکل او را به یاد ترسش می انداخت. سوسک و گلها نیز نمایانگر احساس خانم سینکلر درباره موجودات زنده است.

❀ غیب گوئی :

غیب‌گوئی را گاهی « بینائی سوم » نامیده‌اند. این بینائی را بیشتر روح انجام می‌دهد تا چشم و مربوط به رویدادهایی است که شخص از آنها بی‌خبر بوده است. خانم دکتر « لوئیز ارابین » در کتاب خود تحت عنوان « کانالهای پنهانی ذهن » موارد ثبت شده‌ای را ذکر میکند که افرادی به وسیله غیب‌گویی توانسته‌اند اشیاء گمشده را پیدا کنند.

برخی از این موارد در نسامه‌هایی شرح داده شده که به « آزمایشگاه فرا روانشناختی » دانشگاه دیوک ارسال میشده است.

خانم رابین و همسرش دکتر ج. ب. رابین در این آزمایشگاه روی ادراک قراحسی مطالعاتی انجام می‌دادند.

در یکی از این موارد زن و شوهری به‌تثاتر رفته بودند. در این تثاتر زیر صندلیها، جای مخصوصی برای گذاشتن کلاه درست شده بود. بعد از نمایش، زوج مزبور در کافه‌ای نوشیدنی خوردند. ناگهان خانم متوجه شد که نگین آبی رنگ انگشترش گم شده است. بسا حالت افسرده‌ای به‌خانه رفتند. صبح زود بعد شوهرش زود از منزل خارج شد و گفت کاری به‌من واگذار کرده‌اند که باید انجام دهم و بی‌آنکه به‌زنش اطلاع دهد یکر است به‌آن تثاتر رفت.

در آن شب خواب واضحی دیده بود که بعداً آنرا بدین گونه تعریف میکرد: « يك شيشی بزرگ و گرد و سیاه دیدم که در کنار شیشی کوچک و گرد و سیاه دیگری قرار داشت به‌یاد آن جا کلامی‌های تثاتر افتادم. »

وقتی صندلیهایی را که شب پیش خودش و همسرش روی آنها نشسته بودند پیدا کرد و زیر آنها را نگاه کرد درست همانطور که خواب دیده بود دوشیشی سیاه در کنار هم بودند. شیشی بزرگ جا کلامی بود و در کنار آن شیشی کوچک، گرد و سیاه قرار داشت. وقتی آنرا برگرداند دید همان نگین آبی رنگ انگشتر همسرش است. او قبلاً نمی‌دانست که پشت نگین سیاه است، زیرا همسرش درباره این

مطلب هیچگاه صحبتی نکرده و خودش نیز هیچ وقت آن را بیرون از انگشتش ندیده بود .

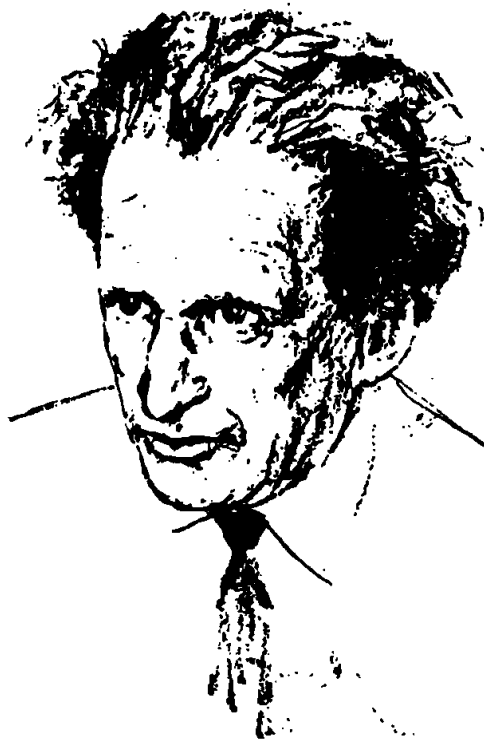
حسب اینکه او در خواب نگین را درست در همان محلی که در تئاتر قرار داشت دیده بود .

مردی هلندی به نام جوارد کرونیست که سابقاً خواربار فروش بوده می تواند بطور منظم از «غیگویی» استفاده کند .

از سال ۱۹۶۲ پروفیسور ه. سی. هائف ، رئیس مؤسسه «فرا روانشناختی» دانشگاه او ترنت وی را مورد مطالعه قرار داد .

کرونیست مهارت خاصی در پیدا کردن اشخاص گمشده دارد . یکبار مردی ناپدید شده بود .

مأمورین پلیس از او کمک خواستند . کرونیست کار خود را شروع کرد . او بیان کرد که مردی را با مشخصات گفته شده در کنار یک جنگل می بیند که دراز کشیده است . چکمه های مرد را که از زیر درختچه ها بیرون آمده بود می دید . به نظرش می رسید که آن مرد خود را حلق آویز کرده است . مأمورین پلیس آن مرد را در محلی که کرونیست شرح داده بود پیدا کردند . مرد زنده ولی در خواب بود . با وجود این ، چند روز بعد همانطور که به نظر کرونیست رسیده بود ، مرد خود را حلق آویز کرد . گاهی اوقات کرونیست به جای دیدن یک رویداد واقعی ، ظاهراً اطلاعات خود را به وسیله علائم کسب میکرد . یکبار حرف ل را دید که دنبال آن یک عدد ۶ و یک عدد ۳۵ بود . معلوم شد این رؤیا مربوط به آیه ای از کتاب مقدس است که در انجیل لوقا ، باب ششم ، آیه سی و پنجم آمده است . این آیه به او کمک کرد تا مسئله را در ذهن خود حل کند .



جرارد کروئیست که با استفاده از بینائی دومش توانست دریافتن حل بسیاری از مسائل جنائی به پلیس کمک کند .

او باردیگر هربالین مردی که سخت بیمار بود حاضر شد . کروئیست به نظارش رسید که چهره دختری بالای تخت خواب است . سرانجام به خاطر آورد که آن دختر از آشنایان دوران کودکی اش بوده است . روزی پول دختر به زمین افتاده بود . کروئیست در جمع کردن پول به او کمک کرده بود ، اما يك سکه به ارزش يك چهارم دلار را نگه داشته بود و با آن می خواست قیامی را ببیند که هنرپیشه ای به نام پولانگری در آن بازی میکرد . اما قبل از دیدن فیلم سکه را پس داد .

کروئیست متوجه شد که خاطره نشانه ای است از حال آن مرد بیمار برای آزمایش از آن مرد پرسید : آیا تا کنون پول از زنی گرفته اید که به زنی دیگر بدهید ؟ مرد به تصور اینکه کروئیست مأمور پلیس است اعتراف کرد که پول را از همسر خودش دزدیده و به زنی که او را تهدید به افشای اسرار می کرده داده است .

وقتی مرد اعتراف کرد ، گره کار گشوده شد و سلامت خود را باز یافت .

دریافت اطلاعات از اشیاء :

کلمه سایکومتري در روانشناسی به معنای روان سنجی است اما در هنگام بحث درباره ادراکات فراحسی به معنای دریافت آگاهی ها و اطلاعات از اشیاء بکار می رود^۱. شخص شیتی را که متعلق به فرد ناشناسی است در دست نگه می دارد و با لمس کردن آن می تواند صاحب آن و اطلاعاتی درباره فعالیت او را احسناس کند. شیتی مزبور ظاهراً خاطره ای از حوادثی را که نزدیک آن اتفاق افتاده ، نگه داشته است . روح پژوهانی که اثرات دیگر ادراك فراحسی را دریافت میکنند غالباً در دوران سنجی مهارت دارند^۲ .

هارولد شرمین از پژوهشگری تعریف می کند که آزمایش جالبی دوران سنجی انجام داد . وی شرمین را به مهمانی دعوت کرد و از او خواست يك ساعت زودتر بیاید وقتی شرمین وارد شد میزبان گفت :

۱- درباره سایکومتري تاکنون کتابهای بسیار و مقالات فراوان نوشته شده است و از مردان و زنانی سخن گفته شده که گاه قطعه سنگی را در دست گرفته و بخشی از تاریخ سرزمینی را که سنگ را از آنجا برداشته اند شرح داده اند .

۲- روح پژوه در ترجمه Psych بکار رفته است که به معنای کسی است که ادراك فراحسی را دریافت می کند . (مترجمان کتاب زمینه روانشناسی از انتشارات رشد ، تهران ۱۳۶۷ یا ویرایش استاد نقی براهنی) واژه خارق را بکار برده اند که من گرچه آن را نپسندیدم اما در مواردی آن را بکار بردم .

پروفسور سول گوردون Solgodon استاد مطالعات روانشناسی دانشگاه سیراکوز نیویورک کتاب مشهوری دارد به نام « روانشناسی برای شما » که در بسیاری از مدارس آمریکا از آن به عنوان کتاب درسی استفاده میشود . وی فصلی از کتاب خود را به همه پدیده های فرا روانشناسی اختصاص داده است . گوردون برخی از این پدیده ها را مطلقاً قبول ندارد و در مورد برخی از آنها عقیده دارد که تا اثبات آنها به وسیله آزمونهای صددرد علمی باید از قضاوت نهائی خودداری کرد

— من می‌خواهم آزمایش غیرمنتظره‌ای از ادراک فراحسی انجام دهم و در من حاضر شد در آن شرکت کند. صاحبخانه نامه‌اشده‌ای به او داد. شرم آنرا آرام بین دستهای خود قرارداد و سعی کرد خونسرد باشد.

با اینکه شرم از راههای معمولی اطلاعی از محتوای نامه نداشت، اما گفت که احساس میکند این نامه از پیرمردی است که علاقه زیادی به روح دارد. بهزاران مورد روانی و عاطفی سروکار داشته و افراد بسیاری او را می‌شناسند و با کفری آشنا هستند. صاحبخانه از شرم پرسید:

— آیا احساسی از نام آن‌مرد دارید. شرم نامی را که به ذهنش رسید، بر زبان آورد. آیا او کارل یونگ است؟^۱

آنگاه میزبان از او خواست تا نام‌ها را بخند و شرم دید که نامه ولقا از کارل یونگ — همان پیشگام مشهور در مطالعه شخصیت انسان است. در آن زمان یونگ، همانگونه که شرم احساس کرده بود، پیر شده بود.

گاهی اوقات از روان‌سنجی به عنوان بازی مجلسی استفاده می‌شود. با این روش دسته‌ای از افراد می‌توانند معلوم کنند که آیا کسی از حاضران قدرت ادراک فراحسی دارد یا خیر. بهترین راه انجام این آزمایش مجلس مهمانی است که در آن بسیاری از اشخاص برای اولین بار با هم آشنا می‌شوند. صاحبخانه از هر کدام یکی از لوازم شخصی مانند کلید خانه، دستبند، قلم یا هر چیز دیگری که شخص مدتی آنرا با خود داشته است می‌گیرد. سپس همه آنها را در کیسه‌ای می‌ریزد. آنگاه

۱- کارل گوستاو یونگ روان‌کاو و روان‌شناس سوئیسی (۱۸۷۵ - ۱۹۶۱) مؤسس مکتب روان‌شناسی تحلیلی ابتدا در دانشگاه بال به تحصیل پزشکی پرداخت اما بعداً به روان‌پزشکی روی آورده. او در سال ۱۹۰۷ فروید را ملاقات کرد و یکی از پیروان او گردید. یونگ بعدها به نقد اندیشه‌های فروید پرداخت و برخی از آنها را کاملاً مردود دانست. یونگ از راه مشاهده بیمارانش به مطالعه وسیع در اساطیر و کاهن در موضوعهای گوناگون چون اختراگویی و غیب‌بینی نیز پرداخت.

صاحبخانه کیسه را به نوبت هر کدام از مهمانها می گیرد ، بطوری که هر کس به دلخواه ، شیشی را برمی دارد . البته باید شیشی باشد که خودش نمی شناسد .

آنگاه زمان آن می رسد که مهمانان درحالی که شیشی ناشناخته را در دست نگه داشته اند ، به نوبت احساس خود را بیان کنند . آنها باید هرچه را که به ذهنشان می رسد بگویند . اگر تعداد افراد زیاد باشد ممکن است چند نفری بین آنها باشند که وقتی صاحب شیشی حقایق مربوط را آشکار سازد احساسشان که لا درست در آید . کسانی که تصور نمی کردند که اصلا قدرت ادراک فراحسی داشته باشند ، با کمال تعجب دیده اند که از روان سنجی بی بهره نیستند . تشخیص اینکه برخی از این تأثرات و ادراکات را باید جزء دور آگاهی ، روشن بینی ، باروان سنجی بشمار آورد دشوار است . اشیاء و افراد باهم اند و جدا کردن آنها شاید برای پژوهشگران مقدور نباشد . بعضی از این دریافتها ممکن است از منابع مختلف باشند ، گویانکه حواس فیزیکی قادر به درک آنها نیستند .

جادوگری

«میلانریزل»، پزشك اهل چكسلواکی كه اکنون در آمریکا كار ميكند ، يك رشته آزمایشهای تله پاتيك را ذكر ميكند كه در آنها فرستنده كوشی داشته زبانها های انگیزش را انتقال دهد .

وقتی فرستنده حواس خود را روی حالت اضطراب ، خفگی متمرکز میکرد و حملات آزار دهنده نفس تنگی در او نمودار میشد چندین کیلومتر دورتر گیرنده به نفس، خفگی شدیدی دچار می گردید .

وقتی فرستنده حواسش را روی انگیزشهای دلننگ کننده متمرکز میکرد و به او داروهای افسرده کننده داده میشد ، گیرنده پاسخ موج نگاری مغزی متناسبی ظاهر میشاخت و گرفتار سردردهای شدید و حالت تهوعی میشد كه ساعتها باقی میماند . این موضوع تصور قدیمی جادوی سیاه را بصورت جدیدی پیش میکشید . شکی نیست كه اگر کسی باور كند جادو شده است می تواند خود را به بیماری و حتی مرگ بیندازد ، اما این كار جدید مسأله را به این نحو مطرح ميكند كه شخص الزاماً مجبور نیست افكار نابود كننده در مورد خود پیدا كند . كس دیگری میتواند این افكار را بوجود آورد و آنرا بطرف شما نشانه بگیرد .

« ویلیام سیبروك » كه سالها در میان مردم « مالینگك » در افریقای غربی سابق، فرانسه زندگی كرده از يك شكارچی بلژیکی تعریف ميكند كه با باربران محلی خود بد رفتاری میکرد و آنها را ميكشت تا اینکه روزی باربران از جادوگری خواستند توطئه مرگش را بچینند، تا بعنوان مجازات محرمانه، برای او فرستند . جادو پزشكان در محوطه بازی میان جنگل جسد مردی را كه ازده كده، جاور

مصادره کرده بودند برپا داشتند ، يك پیراهن بلژیکی به تنش کردند ، چند تار از موهای مرد شکارچی را در میان موهای او قرار دادند ، چندتا از خورده ناخن‌های شکارچی را به انگشتان او چسبانده ، و جسد را با نام شکارچی تعمید دوباره دادند . و درحالیکه نفرتهای کینه‌جویانه خود را از کیلومترها دورتر روی مرد سفید متمرکز کرده بودند ، همدردانه و دلسوزانه حول این شیئی جادو ، سرود می‌خواندند و طبل میزدند . تعدادی از مستخدمین اونیز ، درحالیکه تظاهر به همدردی با او داشتند ، این باور را به بلژیکی تلقین میکردند که تمام این جریانها تا مردن او ادامه خواهد داشت .

او بزودی بیمار شد و درگذشت ، در حالیکه واضح بود بیماریش از تلقین بخود بوده است .

توضیح پذیرفته شده برای رویدادهائی از این نوع آن است که اعتقاد نا - هشیار به قدرت طلسم ، حتی اگر اندام شخص را واقعاً نمونه‌سازی هم نکرده باشند ، میتواند کشنده باشد . اما کشف این نکته که امکان دارد بیماری بوسیله تله پاتی منتقل شود اهمیت خود مراسم را نیز خاطر نشان میکند ، هیاهوی نفرتی که حول جسد و جنگل بر میخیزد مطمئناً اثری مانند هیپنوتیزم روی شرکت کنندگان میگذارد و دقیقاً شرایطی را ایجاد میکند که اکنون آنرا برای خلق حالت تله پاتیک لازم می‌شمریم ، و آدمک در این حال شاید فقط کانونی بوده است برای تمرکز هیجانانی که دسته اندر کتر آسیب رساندن از فاصله دور بوده است .

از جهتی میتوان تمام آرایه‌های جادویی را بصورت اشیائی مورد ملاحظه قرار داد که مانند محراب کلیسا توجه به روی آن متمرکز شده و هیجان حول آن برانگیخته میگردد .

طلسمهائی که محرومیت جنسی ، تصرف ، فلج و انواع ناخوشیهای تحلیل برنده را ایجاد میکند ، بدون شك تا حد زیادی مبتنی بر تلقین است .

بسیاری از این طلسمها به این خاطر درست عمل میکنند که ساحران خود معتقدند که این نیرو را دارند و افراد مورد عمل آنها هم معتقدند که آنها میتوانند آن قدرتها را بکار بگیرند ، اما امکان کنش مستقیم روی يك شخص بی خبر رانمی- توان انکار کرد .

تردید چندانی نیست که جادوی پرستشی از هر نوع آن که باشد میتواند فرم ایجاد کند .

« ریچارد کاندویش » مینویسد که يك جادوگر چگونه قبل از شروع به کار با « امساک از غذا ، پرهیز از خواب ، یا بوسیله نوشیدن الكل ، مصرف دارو و عمل جنسی » خود را آماده میکند .

او در میان دود و بخارهایی که تنفس می کند ممکن است روی حواسش اثر بگذارد .

« او آداب مرموزی را انجام میدهد که او را به زرفترین ، هیجانی ترین و غیر عقلانی ترین سطوح ذهن می کشاند ، و با کشتن يك حیوان ، زخمی کردن يك انسان و در بعضی احوال رسیدن به يك اوج جنسی از خود بی خبرتر هم میشود . » او هر هیجانی را که برای انسان شناخته شده است بکار می گیرد . و چندان شگفت آور نیست که بعد از همه اینها او ، و کسانی که با او همراهند ، دیدنیهایی به بینند و شباطین ترسناکی را احضار کنند .

کار دیگری که همواره بسا عمل افسونگری همراه است ، تهیه پر زحمته زهرابه ای است که اثر خاصی دارد .

جادوگران در گذشته نیز مشهور به زهرسازی بوده اند چه نامهایی که در کتاب مقدس است و چه اسامی ایتالیائی آنان ، مشخصاً به این استعداد آنها اشاره دارد و زهرهایی که تهیه میشود بدون شك مؤثر بوده اند ، اما عموماً تصور میشود که آداب پر زحمتی که در جمع آوری و استخراج اجزاء آن انجام میشود ، غیر لازم و

موهوم و خرافی است .

این ممکن نیست درست باشد .

عقیده‌ای قدیمی وجود دارد که از گیاه کَشَه‌شَک می‌توان داروی سرطان‌ناهنیه کرد ، اما تأثیر آن کاملاً بستگی به زمانی دارد که گیاه چیده میشود .

يك مؤسسه تحقیقات سرطان در سویس اخیراً این موضوع را با انجام هفتاد هزار آزمایش روی قسمتهای مختلف این گیاه که در ساعات مختلف روز و شب چیده بودند آزموده است .

درجهٔ اسیدی آن اندازه‌گیری شده ، اجزاء تشکیل دهنده‌اش مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته ، و تأثیر تمام آنچه که فراهم شده روی موش سفید آزموده شده است .

آنها هنوز درمانی برای سرطان پیدا نکرده‌اند ، اما این را کشف کرده‌اند که خواص این گیاه شدیداً تحت تأثیر نه تنها زمان محلی و شرایط هوا میباشد بلکه عوامل فوق زمینی همچون اشکال ماه ، و پدید آمدن کسوف و خسوف در آن مؤثرند .

از يك لحظه تا لحظه دیگر هیچ چیز یکسان نمی‌ماند .

« دولویش » خاورشناس از دارویی سخن گفته است که اگر مطابق سنن مصریها تهیه میشد بنحو معجز آسایی مؤثر بود ، اما اگر بهر نحو دیگری تهیه میشد سمی واقعی میگردد .

زمان و مکان و نحوهٔ انجام يك عمل بسیار حائز اهمیت است .

از آن موقع که طب رسمی ناخوشیهای روان‌تنی را کاملاً از خود تفکیک می‌کرد زمان چندانی نگذشته است . اکنون وضع تغییر کرده ، اما من این احساس را دارم که در توجهٔ مجددی که نسبت به مسائل روان‌تنی پیدا کرده‌ایم ، میتوانیم بسیار پیش برویم و هر چیزی را که توضیح منطقی دیگری نمیتوانیم برایش پیدا

کنیم در این حیطه جای دهیم .

راه آینده ما در ذهن و شناختمان از آن میباشد، اما ممکن است روی آداب و مراسم بفرنجی که اعمال مرموز همراه با نیروی ذهن را در برمیگیرد مارا اشگفت زده کند و معلوم شود که آنها خود آثار مستقیم دارند .

نتیجه :

طبق تحقیقات دانشمندان سوئی در باره یکنوع گیاه داروئی برای درمان سرطان ساعت چیده شدن آن مؤثر است که بازهم به نیروی ایمان بستگی دارد

آیا «جن زدگی و همزاد» ریشه علمی دارد؟



از دیرباز بیماران روحی و روانی خاصی را به جن ارتباط میدادند. و اعتقاد بر آن بود که بیمار جن زده شده، اکثر این بیماران حرکات غیر ارادی بسیار لرزش و تشنج های شدید و با کف کردن دهان مشخص میشدند. و مالمجه کنند دمای آنها معمولاً مردان روحانی بودند که با روشهایی از جمله تماس فلزات با بدن بیمار و خواندن آیاتی و انجام حرکات خاصی جن را از بیمار دور کنند.

جالب اینکه اکثر بیماران با انجام همین اعمال بهبودی بدست میآوردند. حال با پیشرفت علم، و مشخص شدن جایگاه منطق، علم چه توضیحی برای درمان این بیماران دارد.

نفوذ جن و یا موجودات ناشناخته دیگر چگونه میباشد. و چگونه این موجودات میتوانند بیماری را ایجاد کنند. و چرا تماس فلزات با بدن بیمار نقش اساسی و مهمی را دارد.

و خواندن آیات چه نقشی دارد. و سرانجام اسرار درمان بیماران جن زده چیست؟

چرا میگویند اگر بسم الله بگوئی جن فرار میکند! چرا سنجاق به سینه کودکان را برای فرار جن می زنند؟ چرا میگویند کسی که با آهن تماس داشته باشد جن به او صدمه نمی زند! و همین دلیل می گویند جن ها در روستاهایی که آهن نمی باشد زندگی می کنند! . . . !

علم مغناطیك پوده که سرور و میسر و انتقال انرژی از در انسان به انسان دیگر و با از حیرانیت و گنگی و حتی از مبلزلت و سنازگان و موجودات ناشناخته دیگر از جمله جن را در وضعیت روحی بیماران مؤثر می‌داند .

همچنانکه انرژی منفی از جن به انسان ماطح هود و نغشی در تشنج و ایجلا لرز نماید .

از نظر بعنوان يك های میتوان استفاده کرد و انرژی متمرکز شده در بیمار را به زمین تخلیه کرد و بیمار را از این انرژی مزاحم راحت کرد .

تصاماً بر اساس انتقال انرژیهای مزاحم از موجودات شناخته و ناشناخته و درمان آنها متمرکز بر تخلیه این انرژی مزاحم می‌باشد .
به‌دلائل علمی دیگر در درمان بیماران توجه کنید .

۱ - انسانی که غش می‌کند و او را جن‌زده می‌نامند . اطرائش را بایک میله فلزی که همولا چاقو است ، خط می‌کشند . و معتقدند که این عمل جن را فرار می‌دهد . این عمل از نظر علمی کاملاً صحیح و خنثی کننده امواج الکترومبیتیک وارود شده در مغز است .

حال در عصر جدید همان اعمال روحانیون را در درمان بیمار می‌توان انجام داد با دلائل منطقی و علمی تر و با اثبات این انرژی و نقش آن در حالات روحی و روانی میتوان به جرأت بیان کرد که :

تمام بیماران فقط با اعمال جراحی و دارودرمانی خوب نمی‌شوند و نقش آیات و دعاهای تواند در خنثی کردن امواج انرژی مزاحم بی‌نهایت مؤثر واقع شود :

همزاد ۱۱

کسی که پشت دستگاه فرستنده و گیرنده الکترونی ، مدام با يك منزى سر و کار دارد بحق همزاد انسان محسوب می شود ، کنترلچی دستگاه بطابع به انسان تحت نظر خود علاقمند می شود ، و انسان کنترل شده هم اگر اطلاع از کنترل شدن خود داشته باشد و تا حد حرف زدن با آن پیش رفته باشد ، و به وجود آن واقف گردد . متقابلا به آنها علاقمند می گردد . و درست همزادهای صدیقی را که در افسانهها می یابیم با مسایل علمی عصر حاضر وجودش به اثبات می رسد .

ذکری از افسانه حسن کچل که در زبان فارسی متداول، و در زبانهای دیگر به اشکال دیگر وجود دارد بیفایده نیست .

ما افتخار داریم که با نظرات و پیشنهادات شما عزیزان در جهت اعتلای این علم قلم‌هایی مثبت و ارزشمند برداریم . و افتخار داریم بر تمامی عاشقان راه طریقت، فنون انتقال انرژی را طی جلساتی به دوستان و بیماران بپیماییم .

منتظر نظرات و پیشنهادات شما : تلفن : ۹۵۰۳۰۲

افسانه حسن کچل

حسن کچل کودک خجولی است که سرش یکدانه مو ندارد ملاحظه می شود افسانه روی « سر » قهرمان داستان تکیه می کند ، و چند بار این مسئله را تکرار می کند . پدر خانواده ، پسری کاکل زری خواسته ولی کودک « کله اش » یک مو هم نداشته ، باز هم تکرار میکنند که تمام شالیزارها و گندمزارها و چمن ها سبز شد ، ولی « کله » حسن کچل یک مو در نیاورد ملاحظه می کنید داستان روی سر حسن تکیه می کند . « و درست است دستگاه فرستنده و گیرنده در مغز انسان است » .

سپس یک شب که حسن کچل به خواب میرود ، مادرش بالای سر او سیب می چیند و میرود تا توی کوچه . (حسن کچل از سیب درختی خوشش می آید) حسن کچل از خواب می پرد ، و به جمع کردن سیبها می پردازد . و چون از خانه خارج می شود . در را روی او می بندند ، او مجبور می شود بحمامی که در آن محله است برود . در آنجا بخواب می رود .

در خواب ملاحظه می کند ، که کسی پای او را می خاراند (دستگاههای فرستنده الکترونی می تواند در هر ناحیه بدن خارش ایجاد کند ، که در بخشهای قبلی به آن اشاره شد) .

از خواب برمی خیزد ، ملاحظه می کند که کسی شبیه خودش (بنام همزاد یا او گفتگو می کند) باید توجه داشت . که داستان بشکل دیگری نمی تواند کنترل - چی های الکترونی را بازگو کند و بشناساند . فقط در حین داستان نشان می دهد که همزاد مدام غیث می زند و در مواقع خاصی پیدایش می شود . و خلاصه داستان نشان میدهد که در حین محسوس بودن اکثر آنامرئی است . و بخوبی همزاد داستان ، قابل انطباق با کنترل کنندگان ، دستگاههای فرستنده و گیرنده های الکترونی ، تمامی گیرنده با مغزشان هستند .

امکانات و حدود اعمال همزاد (دستگاههای الکترونی) .

در داستان ملاحظه می کنیم که بوسیله همزاد ، حسن کچل عاشق بی قرار می شود . و این کاری است که از دستگاه های الکترونی بسادگی ساخته است ، که انسانی را عاشق و بی قرار انسان دیگری کنند (حسن کچل آرزو می کند که باصواد شده و شاعر گردد) این کار اواز همزاد ساخته نیست « دستگاه های الکترونی نیز چنین کاری از دستشان ساخته نیست » .

می خواهد که سرش مو در آورد . و از دست همزاد ساخته نیست (این کار از دستگاه های الکترونی نیز ساخته نیست » خلاصه داستان حسن کچل و داستان های مشابه در بین ملل تماماً منشأ و اساس علمی داشته ولی متأسفانه باید قبول کرد همه مردم از نظر فهم و درك یکسان نیستند . و بهمین دلیل بعضی از مسائل علمی برای بیشتر مردم قابل فهم و درك نیست . و اینست که این مسائل نیز به زبانی گفته میشود که آنها یعنی توده های چند صد میلیون درك کنند .

هم اکنون که سطور این کتاب به رشته تحریر درمی آید و هبکه های وسیع الکترونی تمام جهان را در بر گرفته ، و با مغزها يك يك و دسته جمعی سر و کار دارد و انسانها را بصورت ماشین های بلااراده ای در آورده . زیادند کسانی که نمی توانند این مسئله را هضم کنند . و حرف های مرا حمل بر تئوری می کنند . درحالی که قرن ما قرن شکوفاشدن دانش و معلومات و بارور شدن درخت علم است . بنا بر این باید قبول کرد که اگر در تاریخ روزی هم همین دستگاه های الکترونی کشف شده ، در اختیار هدهای محدود قرار گرفته ، و درجوف این اختراع شگرف بمب های چند هزار مگاتنی اتمی اختراع شده ، و بعلم دیوانگی های تنی چند رهبر نمای حاکم بر سرنوشت بشر آن روزی ، موشکها آتش گشته ، و شهرها و مراکز دانشمند نشین و تمام آثار علمی ، نتیجه قرنهای مطالعه آنها را بنا بودی کشانده . فقط نواحی دوردست و هامه نشین جاهل ، از خرابی های حاصل آن مهیون مسانده . ولی داستان های افسانه ای ترقیات شگرف زمان سینه بسینه نقل شده ، تا داستان های

افسانه‌ای ، دوباره به واقعیات علمی خودش نزدیک می‌گردد .
من امیدوارم که این بار این اختراع عجیب و قریب و شگرف مواجه با آن
سرنوشت شوم تاریخی خود نگردد .

و بنظر میرسد ، بهتر است که گردانندگان دستگاه‌های الکترونی به‌خاطر
بشریت ، به‌خاطر انسانیت و به‌خاطر حفظ و حراست اینهمه اختراعات و اکتشافات ،
که می‌توان جهان را در اندک مدت بهشت ساخت خود را رو کنند ، وجود خود را
از طریق سازمان ملل و تحت لوای موافقت‌نامه‌ی علنی بین دول ، اعلام نمایند ، و با
تدوین اساسنامه‌ی معینی برای دولتی بزرگ و بین‌المللی اقدام نمایند .

من شخصاً و کسانی که این کتاب و کتابهای مشابه را مطالعه ، کنند و خود
امواج شمارا بخوبی تشخیص می‌دهیم بهتر است زودتر از آن که دیوانه‌بادیوانگی
فرمان نابودی بشریت را صادر کند و جنگهای منطقه‌ای را به مصیبت‌های عمومی
بدل کنند ، آنها را سر جای خود بنشانید و اعلام بدارید که حاکم جهان از این پس
سیاست‌مداران پر حرف بی‌دانش نیستند . بلکه گردانندگان جهسان از این پس
دانشمندان کم‌حرف و پردانشند .

اعلام بدارید که این اختراع شگرف در اختیار بشریت است ، نه تنی چند
سودجوی زراندوز .

بحق هم خلاق دستگاه‌های الکترونی ، و مخترع و مکتشف فرستنده‌ها و
گیرنده‌های تماس گیرنده با مغز انسان بدون شکست دستها و مغزهای وابسته به
طبقات متوسط‌الحال دانش‌اندوز بوده نه تن‌پروران حیوان صفت « ددمنش » .

برگردیم به بحث اولیه‌ی خود ، گفتیم که افسانه‌های جام جهان نمایی جمشید ،
داستانهای متعدد و متشابه ملل ، راجع به همزاد و جن و پری ، حتی در کتابهای
مذهبی ، دال بر این واقعیات‌های عینی و علمی بوده ، که برای همه فهم بودن آن
به اشکال متعدد و مختلف بیان شده و عرضه گردیده است که از طریق امواج مغزی
دیگران و خودش در فضا و امواج آگاه فضائی مثبت و منفی میباشد .

مدار کی چند



اکنون که صفحات کتب چهارم رسیده ، شما را با يك هو دلی مجیب سر درگیران می‌بایم . آیا مطالب کتب صحیح است ؟ آیا این همه استدلال و منطقی می‌شود و حاصل خیالپردازی است ؟ اگر مطالب کتاب صحیح باشد چه می‌شود ؟ تکلیف محفوظات ما که می‌خوانیم کسی از آن مطلع نگردد چیست ؟ و مؤالائی از این قبیل .

مطالک برای اطمینان بیشتر شما ، مدارکی را که بسته و گریخته از محافل علمی جهان در صفحات مطبوعات ما منعکس شده ، با ذکر تاریخ و اصل آن به اطلاع میرسانیم توجه داشته باشید که مترجمین ما بعلمت عدم آشنائی و عدم اطلاع از اصل قضیه در مواردی نتوانسته‌اند حق مطلب را ادا کنند . با این همه شما که این قضیه را مطالعه کرده‌اید . همه چیز دستگیرتان خواهد شد . و قضاوت را بر مبنی يك پیش‌بینی نخواهد گذاشت .

❖ اطلاعات بانوان شماره ۶۳۳

دانشمندان پاراپسیکولوژی ثابت کرده‌اند که مغز انسان چون فرستنده و گیرنده رادیوئی است ،

❖ اطلاعات بانوان شماره ۶۳۵

پروفسور واسیلیف روسی سالهاست که در زمینه پاراپسیکولوژی مطالعه میکند و بهمین مناسبت موارد بیشماری از وقایع حیرت‌انگیز را که خود شاهد آن بوده گردآوری و ضبط کرده است .

این دانشمندان موفق به کشف و ضبط آثار « پیام‌های اسرار آمیز » از مغز انسان گشته است . و در کنگره « مریپورک » آنرا مطرح نموده است .

✽ اطلاعات بانوان شماره ۶۲۵

پروفسور تابلور آمریکائی اعتقاد خود را از اینکه مغز انسان دارای دستگاه فرستنده و گیرنده است اعلام میدارد .

✽ اطلاعات بانوان شماره ۶۱۹

ماشین عشق، حیرت‌انگیز الکترونیکی از این پس می‌تواند با آسانی باز خواهد کرد .

این ماشین الکترونیکی با ثبت آثاری از مغز عاشق و معشوقه . به آنها خواهد گفت که آنها در ادعای خویش صادقند، یا نه .

✽ روزنامه کیهان تاریخ ۲۶/۱/۳۹

امید به مغزهای الکترونیک - حیات « جیمز لاول و فرد هنر و جان سویگرت » در دست دو ماشین حساب الکترونیکی و مردانی است که آنها را کنترل میکنند . اگر بخاطر آنان باشد در مورد آپولو ۱۳ - شبکه‌های مخابراتی عادی صافیه از کار افتاد و شبکه‌های الکترونیکی مجبور شدند از سیستم مخابراتی منز فضا - نوردان استفاده کنند . ولی مترجم روزنامه کیهان بعلمت عدم توجه به چنین مسئله‌ای و حتی خوانندگان روزنامه نیز به همین علت این مطلب تکلیف‌دهنده را خواندند و از آن گذشتند .

✽ روزنامه کیهان تاریخ ۲۸/۱/۳۹

باز هم در مورد ماشین‌های الکترونیکی و مسئله آپولو .
بوسیله پایگاه کنترل زمینی (بوسیله يك شبکه مخابراتی مسدود که مردم عادی از آن بی‌خبر مانده‌اند) وضع سر نشینان آپولو به اطلاع همه رسید و اطمینان حاصل

شد که آنان سلامت هستند .

❖ روزنامه کیهان ۲۰ اردیبهشت ماه ۳۹

« بسیاری از مردم آمریکا و نیز دیگر کشورهای دنیا نمی دانند که يك ماشين محاسبه الكترونيكي «عظيم و سري» در آمريكا وجود دارد . »

در تمام مطالبی که در روزنامه های ما راجع به ماشینها و مغزهای الكترونيكي درج می گردد - مترجمين سعی دارند يك كلمه محاسبه به آن اضافه کنند . علت این امر آنست که مترجم یا خبرنگار روزنامه های ما، از مغزهای الكترونيكي جز ماشین های حسابش بجز دیگری را نمی شناسند . و گرنه در تمام موارد باید این كلمه را حذف نمود و بجای آن شبکه مخابراتی الكترونيكي را بکار برد .

در خبر فوق وجود سیستم های مخابراتی الكترونيكي نامی گیرنده با مغز انسانها با صراحت اعلام می گردد که ماوراء حکومت ، کسب کننده خبرهاست . و این سیستم همان چیزی است که ما در کتاب از آن یاد نموده ایم .

❖ اطلاعات شماره ۱۳۱۸۱

در صفحه ۹ - در مورد بزرگترین ساختمان جهان در آمریکا می نویسد :

چون امور اطلاعاتی این ساختمان که مربوط به بازرگانی آمریکا و نیمی از جهان است ، با وسایل ساده مخابراتی امکان پذیر نیست این ساختمان به سیستم مخابراتی الكترونيكي مجهز خواهد بود .

❖ روزنامه کیهان شماره ۸۰۸۷ تاریخ ۲۹/۴/۳۹

در مورد اشعه لازر و اختراع آن در شوروی چنین می نویسد :

متخصصین شوروی معتقدند که از این روش می توان در موارد گوناگون مثلا در تنظیم مغزهای الكترونيكي استفاده کرد .

اگر کمی دقت کنید، در خلال این جملات واقعیت سیستم های مخابراتی الكترونيكي ذکر شده ، در کتاب را ملاحظه خواهید نمود .

✽ روزنامه کیهان شماره ۸۰۹۳ تاریخ ۳۹/۲/۲۲

در خبری زیر عنوان آمریکا حاضر شده فانتوم و وسایل الکترونیکی در اختیار اسرائیل بگذارد . چنین عنوان می شود :

کار دستگاههای الکترونی فرستادن امواج الکترومغناطیسی است که سیستمهای رادار را از کار می اندازد .

« روزنامه کیهان شماره ۸۱۱۲ تاریخ ۳۹/۵/۱۲ تحت عنوان دستگاههای الکترونیکی چنین می نویسد : »

در سایگون گفته شد که نیروی هوایی آمریکا در حملات به کامبوج از دستگاههای الکترونیکی مخصوصی استفاده می کند .

این دستگاهها ظاهراً به وسیله نیروهای آمریکایی ، دستگاه عصب نشینی از کامبوج در نقاط استراتژیکی کار گذاشته شده است . و بطور خودکار می تواند اطلاعاتی از وضع کمونیستها مخابره کند .

✽ روزنامه کیهان سه شنبه ۲۰ مردادماه شماره ۸۱۱۹ چنین می نویسد :

(مغز الکترونیکی می تواند جای پزشک را بگیرد ؟)

و می نویسد : این سیستم برای بیمارستانهای ۲۵۰ تختخوابی گران است و در حدود چهل میلیون ریال تمام می شود .

ملاحظه می فرمائید . مهمترین کار سیستمهای الکترونیکی کار مخابرات است ، نه محاسبه .

فهرست مطالب

۸ الی ۹	معرفی نویسنده کتاب	
۱۲ - ۱	بخش اول	وئبای دوم

قسمت اول

۱۳	اطلاع و آگاهی از انواع آرزوها و خواسته‌ها
۱۴	جوانی که با هینوتیزم با دختر دلخواه خود ازدواج کرد
۱۵	دختری که بکمک هینوتیزم با پسر دلخواه خود ازدواج کرد
۱۷	جوانی که با هینوتیزم شغل دلخواه خود را پیدا کرد
۱۸	مردی که بکمک هینوتیزم به ثروت دلخواهش رسید
۲۲	معنی علمی ایمان
۲۴	سی عاملی که باعث عدم موفقیت و شکست است
۲۶	زنی که بکمک هینوتیزم با شوهرش آشنی کرد
۲۸	پرسش از شوهران
۲۹	پرسش از بانوان

بخش دوم

۳۰	اثبات قدرت امواج مغزی
۳۱	تحقیقی در صحت و سقم امواج آگاه مغزی
۳۲	کار بادبزن برقی با امواج مغزی پاولینا

امواج مغزی آگاهی کامل دارد

مبحث دوم

امواج فکری عاشق و چنگال را خنم می کند

بکار انداختن ساعت

آزمایشات در خانه ها

ناریخچه زندگی جلر

خنم کردن کلیدها - گزارش يك خانم خانه دار

نامه و گزارش دیگران

بکار افتادن ساعتها - ساعتی که ۱۴ سال بود کار نمی کرد

حرکت اشیاء از فواصل دور - گزارش افراد دیگر

امواج الکتریکی مغز

سایر مدعیان ، خنم کنندگان فلز

خنم کردن توسط کودکان - اثر امواج مغزی بر گوشت و خون

و استخوان

گزارش روزنامه ها

این امواج مغزی ! چه نوع امواجی است ؟

مبحث سوم

تمرینات یوگا و هیپنوتیزم - امواج آگاه مغزی را زیاد می کند

ازدیاد امواج مغزی و بدنی بعد از هیپنوتیزم

نخوردن غذا و جذب انرژی از کیهان

جسم اثیری و « اُرد » - عکسبرداری از امواج

معالجه با لمس دست

صفحه	عنوان
۷۰	مغناطیس انسانی یا امواج انرژی آگاه
۷۱	قدرت امواج آگاه مغزی
۷۲	برق و الکتریسیته بودن
۷۳	شور چشمان یا بدنظران
۷۴	قالب عقلی - نیروی عظیم کائیات

مبحث چهارم

۷۷	دلیل چهارم
۷۸	فایده دیوانه
۷۹	تاریخ کشف برق بدن انسان
۸۲	برق بیشتر در مغز
۸۳	شباهت کامپیوتر و مغز
۸۴	کامپیوترها مانند یک مغز متفکر ، مدیر کارخانه ها را اداره می کنند
۸۵	اثبات دقیق تر و علمی تر برق مغز
۸۷	چگونگی ارتباط نورونها
۸۸	طرز کار و وظایف نورونها
۸۹	بدن جولانگاه تبدیل انرژی ها
۹۱	نورونها تمام امور بدن را می توانند انجام دهند
۹۲	انسان هایی که بدنشان برق ولتاژ قوی دارد
	دستگاه های الکترونیکی چگونه می توانند ، گیرنده یا فرستنده
۹۶	امواج آگاه مغزی باشند ؟
۹۸	فرکانس چیست ؟ - تعریف فرکانس :
۹۹	سرعت طول امواج

- ۱۰۰ علت تشریح دقیق ریاضی
- ۱۰۱ نتایج فیزیکی و علمی که تابحال گرفته ایم
- ۱۱۳ تلاش پنهانی ابرقدرتها
- ۱۱۴ سلاح مغزی چیست
- ۱۱۵ وضعیت آمریکا
- ۱۱۶ ادراك از راه دور
- ۱۲۰ دو قهرمان شطرنج باز جهانی فیشر واسپاسکی
- ۱۲۲ خبری ماهواره ای از کورت والدمايم

مبحث پنجم

- ۱۲۲ انحراف مسیر الکترونها توسط « امواج انرژی آگاه مغزی »
- ۱۲۵ انحراف مسیر الکترونها از راه دور
- ۱۲۶ بارور کردن آب لیوان

مبحث ششم

- ۱۲۷ آزمایشاتی که در باره تلپاتی خودتان باید انجام بدهید
- ۱۲۸ آزمایشات متفرقه
- ۱۳۱ نکته مهم و قابل توجه
- ۱۳۲ پرسش های دیگری هم می توانید بکنید
- ۱۳۳ روش پرسش از آینده
- ۱۳۴ در باره دوستی یا دشمنی دیگران
- ۱۳۵ در باره ازدواج با شخص معین
- ۱۳۸ مشاهده امواج مغناطیسی بدن بكمك وسائل فیزیکی

صفحه	عنوان
۱۳۹	چگونه می توان هاله را مشاهده کرد
۱۴۰	عینک مخصوص
۱۴۱	روش بکار بردن عینک مخصوص
۱۴۳	مشاهده امواج مغناطیسی بدون کمک وسایل فیزیکی با چشم غیر مسلح
۱۴۷	بدن یکی از اهالی قفقاز شوروی دارای خاصیت مغناطیسی است
۱۴۸	تله پاتی
۱۴۹	داستانهایی در باره تله پاتی
۱۵۰	استعداد تله پاتی « مارک تواین »
۱۵۱	تله پاتی مارک تواین
۱۵۳	داستان حیرت انگیز دانیسگر
۱۵۴	نجات دادن از مرگ به قدرت تله پاتی
۱۵۵	تصمیم به قتل با استخاره خود کسی که باید به قتل برسد

داستان دوم

۱۵۶	پیش بینی حمله سارقین به قدرت تله پاتی
۱۵۷	مادری که به قدرت تله پاتی متوجه خطر مرگ فرزندش میشود
۱۵۸	اطلاع از جای چکش به قدرت تله پاتی
۱۵۹	خرید نان از طریق تله پاتی
۱۶۰	قدرت تله پاتی ارگه نواز کلبسا
۱۶۱	مادری که سوختن طفلش به او تله پاتی می شود
۱۶۲	نوعی از تله پاتی که اکثر برای خیالی ها اتفاق می افتد
۱۶۳	شرح واقعه اول - شرح واقعه دوم
۱۶۴	شرح واقعه سوم

صفحه	عنوان
۱۶۵	اطلاع از مرگ مادر با تله پاتی
۱۶۶	اطلاع مرگ پدر نگارنده در اثر تله پاتی
۱۶۹	طفلی که افکار مادرش را قرائت میکرد
۱۷۲	هوس ازدواج با يك ميليونر
۱۷۸	نقش هیپنوتیزم

گفتار دوم

۱۷۹	تعریف « تله پاتی »
	روسها در هر سال میلیونها روبل صرف تحقیقات ادراکات
۱۸۰	ماوراء حسن می کنند
۱۸۱	ولی کو گوش شنوا

گفتار سوم

	اسامی کتابهای فارسی و انگلیسی که از برخی مطالب آنها
۱۸۲	در این گفتار استفاده شده و دلیل این عمل
	هر کس در معاشرت ها و معاملات روزانه و مصاحبه های روزانه
۱۸۶	خود را جای دیگران قرار دهد
۱۸۷	چگونه و چرا در قسمت اول تله پاتی
۱۸۸	ذکر نام نویسندگان ایرانی در این کتاب و در این مقاله
۱۹۱	مرگ هیپنوتیزم
۱۹۲	چاکراها در یوگا

گفتار چهارم

۱۹۵	آزمایشات « كابوك » دد باره تله پاتی
-----	-------------------------------------

- ۲۹۶ آزمایش پنج شکل هندسی
- ۲۹۸ آزمایش پنج نوع میوه
- ۲۹۹ هیپنوتیزم بوسیله تله پاتی از دور با اطلاع قبلی
- ۳۰۱ وضعیت اسناد هیپنوتیزم
- ۳۰۲ نتیجه هیپنوتیزم از طریق تله پاتی
- ۳۰۳ شرط اصلی نتیجه گیری
- ۳۰۴ هیپنوتیزم از طریق تله پاتی از راه دور بدون اطلاع قبلی
- ۳۰۵ بقیه عملیات
- ۳۰۶ آشنائی با کتابهای دیگر

گفتار پنجم

- ۳۰۷ آزمایش دانشمندان جهانی در باره تله پاتی
- ۳۰۸ آزمایشات راین
- ۳۰۹ آزمایش روی دختر ۹ ساله - تله پاتی هیوبرت پیرس
- ۳۱۰ انتقاد نگارنده از آزمایشات « پروفیسور راین »
- ۳۱۱ آزمایشات ساموئل سول در باره تله پاتی
- ۳۱۲ آزمایشات ساموئل سول با تصویر حیوانات
- ۳۱۳ انتقاد به نظریه شکلتون
- ۳۱۴ پس آقای شکلتون
- ۳۱۵ حمایت ریاست جمهوری سوسیالیستی شوروی
- ۳۱۷ آزمایشات گروه پوپوف
- ۳۱۸ اهداف اصلی گروه « پوپوف »
- ۳۱۹ کشف « آلفا » و تغییرات نواحی مختلف

صفحه	عنوان
۲۲۰	اثبات صد در صد علمی
۲۲۱	دستگاه خودکار گروه پوپوف
۲۲۳	سلاح سری تازه‌ای بنام ادراك فوق حسی یا تله پاتی
۲۲۴	سفینه‌های فضائی و تله پاتی
۲۲۶	نکته جالب و مهم
۲۲۷	آزمایشات ارزنده و مهم دکتر لئونید واسیلیف
۲۲۸	به تکاپو افتادن کاوشگران
۲۳۰	ادراك رویدادهای آینده از طریق تله پاتی
۲۳۱	آگاهی قبل از حوادث ناگوار
۲۳۳	پیشگویان عصر حاضر

گفتار ششم

۲۴۵	آزمایشاتی که شما می‌توانید در باره تله پاتی خودتان انجام دهید
۲۴۶	شما تله پات نخواهید شد
۲۴۷	اسرار مهم و اصلی رسیدن به تله پاتی کامل
۲۵۰	دانستن سر اکبر
۲۵۱	سر اکبر چیست؟
۲۵۵	تعریف سر اکبر
۲۵۹	چگونه و چگونه؟
۲۶۲	اختلاف بزرگ جهانی
۲۶۳	فرق بین توقف فکر و تمرکز فکر
۲۶۵	تمرکز فکر پلی بسوی توقف فکر

صفحه	عنوان
۲۶۷	و اما راه علوم غریبه
۲۶۸	ذکر هفت اسم اعظم

بخش دوم

۲۷۱	هجایب و معجزات بزرگ
۲۷۲	اختراع تسبیح
۲۷۶	مخابره به ضمیر ناخود آگاه
۲۷۹	برای کو بسمس به خانه بیا
	برای هید پاک به خانه بیا
۲۸۶	اثرات ادراک فراحسی
۲۸۹	هیب گوئی
۲۹۶	جادوگری
۳۰۱	آبا اعتقاد به وجود جن و همزاد در بین غوام علل علمی ندارد
۳۰۷	مدار کی چند